

۴۴۹

کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده
جمعه ۲۰ تا ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهارم - شماره ۱۹۱۵



با میراث شوم خمینی چه باید کرد؟

تغییر یا ادامه استراتژی در غرب و جمهوری اسلامی؟! 

خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۱۵ (۴۴۹)

جمعه ۲۰ تا ۲۶ بهمن ماه ۱۴۰۲
۹ تا ۱۵ فوریه ۲۰۲۳



کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت»
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com
www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green,
NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30
Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris,
FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24,
50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیمهان

* فهرست مطالب *

۴ سرمقاله- ائتلاف بر اساس اشتراک نظر و منافع برای «نه جنگ نه جمهوری اسلامی» / الاهه بقراط

۴-۵ تیر هفته - با میراث شوم خمینی چه باید کرد؟ ... / حامد محمدی

۶ درخواست پیش از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا برای ترور یستی اعلام شدن سپاه ... /

۷ دولت بایدن به «رهبران ایران» و فرماندهان سپاه پاسداران راه فرار نشان داد ... /

۸-۹ تأیید بیماری سرطان چارلز سوم از سوی پزشکان متخصص و واکنش‌های جهانی ... /

۱۰-۱۱ جایزه اینگمار برگمن جشنواره گوتنبرگ، موفقیت دیگری برای ... / احمدرافت

۱۱ عذر تأخیر! ... / خیراندیش (احمد/حرار)

۱۲-۱۳ سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۲) ... /

۱۴-۱۵ وال استریت ژورنال: اسماعیل قآنی «دلالت در سایه» از اتاق پشتی ... /

۱۵ ترور ناجی الکعبی از فرماندهان ارشد «عصاب اهل الحق» در عراق ... /

۱۶-۱۷ نیویورک تایمز: «دکترین بایدن» برای خاورمیانه: تشکیل دولت مستقل فلسطین ... /

۱۷ آمریکاشبکه ای از تأمین کنندگان واحد سایبری و برنام‌های موشکی سپاه ... /

۱۸-۱۹ تنور سر در انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی ... /

۱۹ مصادره ۵۲۰ هزار بشکه نفت ایران توسط آمریکا ... /

۲۰-۲۱ گزارش تصویری از کنفرانس «همبستگی ملی برای آینده ایران» ... /

۲۲ فابنشال تایمز: جمهوری اسلامی از دو بانک بریتانیایی «لویدز» و ... /

۲۳ عملیات مشترک نیروهای ائتلاف علیه حوثی‌ها در خاک یمن ... /

۲۴-۲۵ انتقاد رئیس کمیته روابط خارجه مجلس آمریکا از عدم رسیدگی به اتهامات یک «مدیر» ... /

۲۵ دیدار آنتونی بلینکن با مقامات قطر ... /

۲۶-۲۷ مجازات سبک «قتل‌های ناموسی» نسخه شفا بخش قاتل ... / فیروزه نوردستروم

۲۷ بازگشایی سفارت سودان در تهران یک سال پس از توافق عادی سازی روابط ... /

۲۸-۲۹ نمایشگاه «هنر ایران: دلداده به زبان» در لس آنجلس ... / فیروزه خطیبی

۲۹ دولت کانادا دستور اخراج مجید ایرانمنش را به اتهام «عضویت در رژیم سرکوبگر» ... /

۳۰ حمله هوایی آمریکا به موانع گروه‌های نیابتی در سوریه و عراق ... /

۳۰-۳۱ افزایش فشارهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی؛ ۱۵۲ شهر و ندر در ماه ژانویه ... /

۳۱ حمله موشکی حوثی‌ها به دو کشتی انگلیسی و آمریکا یکی در دریای سرخ ... /

۳۲-۳۳ هشدار یک کارشناس مدیریت آب: بهره‌برداری از سد «وینار» ... / فیروزه نوردستروم

۳۳-۳۴ موج شتابان خودکشی اترن‌ها و روزیدنت‌ها ... / فیروزه نوردستروم

۳۵ جمهوری اسلامی یک جنایت دیگر را هم لاپوشانی می‌کند ... /

۳۶-۳۷ تداوم روند اخراج استادان دانشگاه: رد صلاحیت هزاران پذیرفته شده آزمون ... /

۳۷ آزادی زنان ایران فراتر از حجاب ... /

۳۷ آشنایی با هنرمندان؛ پیمان ماندگار فیلمساز ... /

۳۸-۳۹ مجوز فعالیت «بانک ملی» در عراق باطل شد: افزایش فشارها به جو بایدن برای ... /

۳۹ نیویورک تایمز: جمهوری اسلامی تکران است بر نامه غنی سازی اش به هدف ... /

۴۰-۴۱ متن کامل گزارش «مجله شبکاگو»: چگونه ۲۵۰۰ سال پیش کاتبان لوحه ... (بخش ۱) ... /

۴۲ گروه‌های نیابتی در عراق ... /

۴۳ سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل ارسال تسلیحات برای گروه‌های فلسطینی ... /

۴۴-۴۵ ایران سومین کشور متضرر از قطع و محدودیت اینترنت ... /

۴۵ استفاده از جمهوری اسلامی از سفر معاون کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ... /

۴۶ سرهنگ کوروش باز یار فرمانده یگان امداد شیراز کشته شد ... /

۴۶-۴۷ دو کشته در تیراندازی مرگبار یک سرباز و وظیفه‌در «کلانتری ۱۴» با کدش و رامین ... /

۴۷ یک عضو دیگر «سپاه قدس» در حمله هوایی اسرائیل به دمشق کشته شد ... /

۴۸-۴۹ وکیل خانواده دار بوش مهر جویی: نمی‌توان به حکم صادره دادگاه خوشبین بود ... /

۴۹ شهرام خلدی: جنگ زرگری دولت جو بایدن با جمهوری اسلامی ... /

۵۰-۵۱ ادامه تلاش جمهوری اسلامی برای نابودی کانون و کلا ... /

۵۱-۵۲ دکتر حسن منصور: «عمله‌های شیطان» آتش بیار جنگ می‌شوند ... /

۵۲-۵۳ وجود ۱۸ هزار ساختمان پرخطر، زنگ خطر جدی برای پایتخت ... /

۵۴ مهدی طائب: وضع دشمن در باره «گرانی» بدتر از ایران است! ... /

۵۵ بیشتر راهنمایان گردشگری با تغییر شغل داده‌اند با مهاجرت کرده‌اند ... /

۵۶ گرانی در ایران بیداد می‌کند؛ از پشم گوسفند تا پیاز ... /

۵۷ فرآگیر شدن پدیده «بیکاری ارادی» به دلیل دستمزدهای ناچیز ... /

۵۸ هزینه نجومی سیسمونی؛ پستانک‌های پنج میلیون تومانی و شامپو ۵ میلیون تومانی! ... /

۵۹ با وجود بحران عمیق اقتصادی، ابراهیم رئیسی می‌گوید «تخریم‌ها را» ... /

۶۰-۶۱ خبرهای کوتاه ... /

۶۲ پشت جلد - عکس هفته / به یاد مهران سماک به مناسبت باخت «تیم ملاها»

بازنشر
بازنشر



تیر هفته
با میراث شوم خمینی چه باید کرد؟

تغییر یا ادامه استراتژی در غرب و جمهوری اسلامی؟!



● **میراثی که از روح‌الله خمینی برای ایران برجای مانده، جز زندگی سخت و مشکلات گسترده اقتصادی میلیون‌ها شهروند همراه با تحریم و تهدید و جنگ و نزاع همیشگی در منطقه نیست که غرب نیز نمی‌تواند از آن برکنار بماند. یک پرسش برای غرب نیز مدام برجسته‌تر از قبل مطرح می‌شود: با میراث شوم خمینی چه باید کرد و به چه قیمتی و تا کی می‌شود با آن مباحثات نمود؟**

داخل ایران امکان شکل گرفتن یک آلترناتیو فراگیر وجود ندارد، نگاه‌شان به اپوزیسیون خارج کشور است. این گروه امیدوارند تا با فشار ایرانی‌ها در اروپا و آمریکا بتوانند دولت‌های غربی را راضی کنند تا دست از مباحثات با رژیم بردارند و از مردم حمایت کنند. شماری دیگر اما ناامید از اختلافات سیاسی در میان جریان‌های مختلف، چشم‌انتظار مرگ علی خامنه‌ای نشسته‌اند به این امید که ستون نظام فرو بپاشد.

اما فصل مشترک تمام اینها با وجود فاصله‌ای که بین باورها و برآوردهای آنها وجود دارد، واقعیتی تجربه‌شده است: جمهوری اسلامی یک نظام فاسد است که دلش به حال مردم نمی‌سوزد.

در تهران اما رهبران و کارگزاران حکومت همچنان می‌گویند «انقلاب اسلامی هدیه الهی» است. در یک سخنرانی به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی حسین طائب رئیس پیشین اطلاعات سپاه پاسداران می‌گوید «مردم آمریکا، مشکل غذا، بهداشت، گرانی و آب و هوا دارند.»

در بالاترین رده‌های نظام براین باورند که جمهوری اسلامی در مسیر تعالی قرار دارد و به یکی از محورهای اصلی تغییر در معادلات و نظم جهانی بدل شده است. اما واقعیت این است که تمام آنچه حکومت به عنوان «ابزار قدرت» بر آن تکیه کرده سرکوب در داخل و جنگ‌افروزی در منطقه است.

چهارماه پس از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل، امیرسعید ابروانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد در مصاحبه با شبکه «ان‌بی‌سی» که ششم فوریه (۱۷ بهمن‌ماه) پخش شد با صراحت اعلام کرد که «ایران به حماس و سایر گروه‌های فلسطینی اسلحه می‌فرستد، آنها را آموزش می‌دهد و تقویت‌شان می‌کند.»

چهل و پنج سال بعد از انقلاب ۵۷ رژیم‌هایی که با وعده آب و برق مجانی و تأمین مسکن به قدرت رسید، در داخل با سطح گسترده‌ی نارضایتی مردم و عدم مشروعیت مواجه است و در منطقه با تمام ظرفیت به بحران‌آفرینی مشغول است.

هفته‌هاست سایه‌ی جنگ دوباره بر سر ایران سنگین شده و زندگی مردم را با افزایش قیمت دلار و گران‌تر شدن نیازهای ضروری و روزانه تحت تأثیر قرار داده است. گروهی اقلیت که حوصله بیشتری دارند و چرخ زندگی‌شان می‌چرخد پیگیر خیرها، گزارش‌ها و تحلیل کارشناسان می‌شوند تا به ظن خود برآورد کنند مظنه بازار چیست، سود و ضرر کجاست و آینده چه می‌شود؟ اما گروهی که به نظر می‌رسد اکثریت را تشکیل می‌دهند آنقدر با مشکلات روزمره دست به گریبان‌اند که خودشان را هم فراموش کرده‌اند. آنها برای تأمین حداقل هزینه‌های زندگی از صبح تا شام می‌دوند.

بن بست بی‌پایان

فشارهای اقتصادی بی‌پایان کارد به استخوان مردم رسانده است. چنانکه کم نیستند آنهایی که در بن‌بستی که به نظر می‌رسد هیچ خلاصی از آن نیست، درست یا غلط، به این باور رسیده‌اند که تنها راه برای سرنگون کردن ملامها و آزاد شدن از دست جمهوری اسلامی گزینه نظامی است. آنها بی‌تعارف می‌گویند: «گور پدر نظام، فقط اینا برند! بعدش هرچی شد مهم نیست.»

در کنار آنان گروهی دیگر هستند که صبر و امیدشان بیشتر است. آنها دل به یک «اتحاد» بسته‌اند که با یک کارزار فراگیر از اعتراضات و اعتصابات حکومت را از اریکه‌ی قدرت پایین بکشند. برخی از آنها که معتقدند در

ائتلاف بر اساس اشتراک نظر و منافع
برای «نه جنگ نه جمهوری اسلامی»

نیروهای یک ائتلاف معمولاً در یک فرآیند آگاهانه، و نه تصادفی و یا دلخواهی، مشخص می‌شوند و برای آن علاوه بر اشتراک نظر، اشتراک منافع نیز لازم است.

فرض کنیم که نیروهای اپوزیسیون:

در برانداختن جمهوری اسلامی اشتراک نظر دارند؛ آیا در این موضوع اشتراک منافع هم دارند؟ در حفاظت از تمامیت ارضی ایران اشتراک نظر دارند. آیا در این موضوع اشتراک منافع هم دارند؟ در جدایی دین از حکومت و سکولاریسم و تدوین قانون اساسی مبتنی بر اصول دموکراسی و حقوق بشر اشتراک نظر دارند. آیا در این موضوع اشتراک منافع هم دارند؟ در تعیین نظام آینده‌ی ایران با رأی ملت اشتراک نظر دارند. آیا در این موضوع اشتراک منافع هم دارند؟

کافیست پاسخ گروه‌های سیاسی را در برابر این پرسش‌ها گذاشت تا دید کدامیک تا آخرین پرسش باقی می‌مانند! این یک روش علمی است تا بر زمینه‌ی اشتراکات اساسی بازیگران مختلف، به نتیجه‌ی همگون رسید. اگرچه اشتراک نظر و منافع در پرسش اول طیف وسیعی از جریان‌ها را در بر می‌گیرد اما تا رسیدن به پرسش آخر شماری از آنها ناگزیر راه خود را جدا می‌کنند.

ائتلاف هیچگاه و هیچ جا در بر گرفتن کمی بیشترین جریان‌ها نیست، بلکه همکاری کیفی جریان‌هایی است که بیشترین اشتراک نظر و منافع را به سود طرفداران خود دارند. به این ترتیب، نیروهایی که تا پرسش آخر می‌مانند، از هر نحله‌ی سیاسی، می‌بایست بتوانند این ائتلاف را شکل دهند و بگذارند تا جریان‌ها دیگر با پاسخ به پرسش‌های بالا، به ائتلاف «نه» بگویند!

ایجاد چنین ائتلافی نه تنها دیر شده بلکه ضرورت‌اش اکنون بیش از هر زمان دیگرست زیرا جریان بانفوذی که تا چندی پیش آزادیخواهان میهن‌دوست و ملی‌گرا را به «جنگ‌طلبی» متهم کرده و روبروی کاخ سفید «قر برای صلح» می‌داد، حالا «غُر برای جنگ» می‌زند و این را در داخل و خارج و فضای مجازی پنهان نیز نمی‌کند.

البته به نظر می‌رسد این «راهکار» از زمانی مورد توجه آنان قرار گرفته که مشخص شد جنبش اجتماعی در پی براندازی دولت «با تفنگ» و «بی تفنگ» و «هسته سخت قدرت» و «هسته نرم قدرت»، هر دو، است.

این دیگر با گروه‌های میهن‌دوست و آزادیخواه است که برای تحقق «نه جنگ، نه جمهوری اسلامی» و جلوگیری از استمرار سایه‌ی «هم جنگ، هم جمهوری اسلامی» (منتها اینبار جمهوری اسلامی با «هسته نرم قدرت» که «غرب‌گرا»ست!)، ائتلاف خود را پشتوانه‌ی مبارزات مردمی سازند که جمهوری اسلامی را به خاطر ۴۵ سال شرایط تحمیلی جنگ و تحریم و سرکوب و کشتار نمی‌خواهند. به ویژه آنکه این راه سوم، که بارها از سوی شاهزاده رضا پهلوی در برابر دوگانه‌ی یا «مباحثات» یا «جنگ» تکرار شده، با سیاست کنونی غرب که ظاهراً تمایلی به گسترش جنگ ندارد بیشتر منطبق است تا جنگ‌خواهی کسانی که بیش از سه دهه مشوق مباحثات با رژیم و «تغییر رفتار» آن برای جلوگیری از «تغییر رژیم» بودند ولی حالا خواهان «اقدام قاطع» هستند! آنها اکنون نیز تغییر رژیم را نمی‌خواهند بلکه به دنبال «اعطای» همین رژیم به خودشان هستند تا «رفتار»ش را از «نگاه به شرق» به «نگاه به غرب» تغییر دهند تا شاید هرگز زمان آن صندوق رأی در پرسش آخر ائتلاف نرسد!

که علی خامنه‌ای دستور داده از جنگ مستقیم با آمریکا اجتناب و ایران از اقدامات نظامی گروه‌های نیابتی دور نگه داشته شود. اگرچه چنین ادعایی برخلاف عملکرد عینی رژیم است.

برخی نیز براین باورند جنگی که آمریکا را در منطقه درگیر کند خواست روس‌هاست تا جبهه دوم علیه غرب موازی با جنگ اوکراین ایجاد شود. این نیزالبته چندان منطبق بر سیاست «نگاه به شرق» و فرمانبرداری جمهوری اسلامی از روسیه نیست.

«هیچ راهبردی وجود ندارد»

در مقابل اما گروهی دیگر معتقدند که آمریکا هیچ راهبردی در مقابل وضعیت فعلی خاورمیانه بطور مشخص در نوع مواجهه با رژیم ایران ندارد. آنها حملات مرگبار به اسرائیل و افزایش تلفات نیروهای آمریکایی در منطقه و حمله به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ را نتیجه فقدان استراتژی مؤثر از سوی کاخ سفید و شرکای بین‌المللی و «بزدلی بایدن» می‌دانند. این وضعیت است که مقامات تهران را گستاخ‌تر کرده و به توهم اقتدار آنها دامن زده است.

به عنوان مثال حسن کاظمی قمی سفیر جمهوری اسلامی در کابل گفته که اگرچه افغانستان دورتر از غزه قرار دارد، اما اگر ضرورتی باشد و زمینه‌اش مساعد شود «بیش از یک لشکر استشهادی» از این کشور به حمایت از مردم غزه خواهند رفت. خطرناک اما اینست که برخی از همین تهدیدات لفظی در طول زمان جنبه عملی نیز یافته است.

از سوی دیگر، عموم مخالفان جمهوری اسلامی که خواستار «تغییر رژیم» و جایگزینی یک نظام سکولار دموکرات در ایران هستند معتقدند تا تکلیف ملاها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روشن نشود، محال است منطقه رنگ آرامش به خود ببیند. آنها خواهان پشتیبانی از مردم ایران به عنوان اصلی‌ترین نیروی برحق برای مقابله با حکومت هستند.

بعضی ناظران می‌گویند یکی از عوامل اصلی عدم حمایت کافی غرب از صدای مردم ایران، فقدان یک آلت‌ناتیو مشخص و منسجم است. شماری اما این دیدگاه را به پرسش می‌کشند و بر این باورند که با وجود ضرباتی که جمهوری اسلامی یا عوامل آن به منافع غرب در منطقه وارد می‌کنند، همچنان نفع بقای رژیم برای قدرت‌های بزرگ از سرنوشت آن بیشتر است وگرنه آلت‌ناتیو وجود دارد.

چهل و پنج سال بعد از انقلاب ۵۷ میراثی که از روح‌الله خمینی برای ایران برجای مانده، جز زندگی سخت و مشکلات گسترده اقتصادی میلیون‌ها شهروند همراه با تحریم و تهدید و جنگ و نزاع همیشگی در منطقه نیست که غرب نیز نمی‌تواند از آن برکنار بماند. اگر تا یک دهه پیش فقط مردم ایران از دست جمهوری اسلامی عاجز بودند، اکنون دود سلطه‌جویی و جنگ‌افروزی بی‌پایان رژیم به چشم مردم و دولت‌های منطقه و فراتر از آن هم می‌رود.

تجربه نشان داده که اگر دستگاه سرکوب وحشیانه رژیم نمی‌بود، جمهوری اسلامی بیشتر از چند روز دوام نمی‌آورد و مردم که هم همبستگی ملی خود و هم تمایلات و هدف خود را در سال‌های اخیر به نمایش گذاشته‌اند، با حمایت یا بدون حمایت غرب می‌توانستند آن را از میان بردارند. اما رهبران دنیا فعلاً این وضعیت را تحمل کرده‌اند. با اینهمه یک پرسش برای آنها نیز مدام برجسته‌تر از قبل مطرح می‌شود: با میراث شوم خمینی چه باید کرد و به چه قیمتی و تا کی می‌شود با آن مفاشات نمود؟

حامد محمدی

منطقه و ایران وجود دارد. برخی که خوشبین‌تر هستند اعتقاد دارند بعد از عملیات تروریستی «هفت اکتبر» صدای شکسته شدن استراتژی دولت بایدن در مفاشات با رژیم ایران به گوش مقامات کاخ سفید رسیده و آنها قصد بازنگری در سیاست خود در قبال جمهوری اسلامی دارند، هرچند که



فرصت زیادی تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۴ باقی نمانده است.

استدلال این گروه اینست که دولت‌مردان آمریکا به ویژه دموکرات‌ها متوجه اضطراری بودن شرایط شده‌اند. در این میان، در حالی که موضوع «دکترین جدید بایدن» در خاورمیانه مطرح شده است، آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده هفته گذشته برای پنجمین بار از زمان حملات «هفت اکتبر» به منطقه سفر کرد.

در همین ارتباط روزنامه «نیویورک تایمز» در مقاله‌ای به قلم توماس فریدمن تحلیلگر مسائل سیاسی نوشت «دکترین بایدن» برای خاورمیانه شامل تشکیل دولت مستقل فلسطین، اقدام قاطع مقابل رژیم ایران و تلاش جهت همکاری امنیتی گسترده با اسرائیل و عربستان است.

اینها درست همان اولویت‌هایی است که بلینکن در دیدار با رهبران دولت‌های عربی و همچنین مقامات اسرائیل درباره آنها گفتگو کرده است. موازی با آن مقامات آمریکایی مدام مستقیم یا از طریق جمهوری خلق چین و دولت‌های عربی منطقه به تهران این پیام تکراری را می‌فرستند که گروه‌های نیابتی را مهار و پشتیبانی از آنها را متوقف کند. مقامات آمریکایی به عنوان یک اصل مدام تکرار می‌کنند که خواهان درگیری و گسترش جنگ در منطقه نیستند. آنها همچنین توصیه می‌کنند که اگر تحریم‌ها در قبال جمهوری اسلامی جدی گرفته شود زمینه‌ساز مهار رژیم خواهد بود و با «اقدام جدی» علیه عوامل «سپاه قدس» در منطقه می‌توان آن را تکمیل کرد.

برخی منابع آمریکایی نیز ادعا می‌کنند که تغییر رویکرد دولت بایدن نسبت به رژیم ایران پیامی داشته که به تهران رسیده است. در همین ارتباط «نیویورک تایمز» گزارش داد بعد از کشته شدن سه سرباز آمریکایی در اردن و آسیب دیدن ۴۰ نفر از نیروها در حمله پهبادی گروه‌های نیابتی، «شورای عالی امنیت ملی» جمهوری اسلامی ایران یک جلسه اضطراری برگزار کرد زیرا «عمیقاً» نگران بود که ایالات متحده دست به اقدام تلافی‌جویانه بزند. حتا ادعا شد

با وجود هشدارهای مداوم مقامات غربی که مستقیم و یا از طریق دولت‌های واسطه به تهران فرستاده می‌شود رهبران حکومت اصرار دارند چنین تظاهر کنند که عین خیال‌شان نیست. بر کسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی میلیاردها دلار

از درآمدهای ایران را بجای آنکه برای رفاه و آسایش نسبی مردم ایران هزینه کند، صرف تقویت ماشین سرکوب، توسعه فعالیت‌های اتمی و غنی‌سازی، افزایش بُرد موشک‌های بالستیک و ساخت پهپادهای انتحاری و گسترش تروریسم و حمایت از گروه‌های شبه نظامی منطقه کرده و می‌کند. با وجود تحریم‌های گسترده نفتی و بانکی، حکومت از طریق عوامل مرتبط با سپاه پاسداران و دلال‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شریان‌های حیاتی اقتصادی را به هر قیمتی برای خود باز نگه داشته است. جمهوری اسلامی با ایجاد شبکه‌های مخفی در پوشش شرکت‌های صوری منطقه‌ای و فرمانتخته‌ای و با همکاری دلال‌های پول‌دوست و تبهکاران حرفه‌ای هم نفت و مبعانات پتروشیمی می‌فروشد و هم پول آن را به صورت نقدی یا رمز ارز می‌گیرد و از همین طریق اقدام به پولشویی، تأمین مالی تروریسم و خرید تجهیزات و فناوری‌های ضروری برای توسعه موشک‌ها و پهپادها و تأمین تسلیحات شبه نظامیان منطقه می‌کند.

اگر در گذشته مقامات جمهوری اسلامی در مورد دور زدن تحریم‌ها عمدتاً سکوت می‌کردند، اما در سال‌های اخیر آنقدر گستاخ شده‌اند که آن را به عنوان مدال افتخار بر گردن دولت و نهادهای مربوطه می‌آویزند و بر آن نام «عبور از سد تحریم‌ها» گذاشته‌اند.

بسیاری معتقدند یکی از عوامل مؤثر در تشدید بحران کنونی خاورمیانه ناشی از نادیده گرفتن تحریم‌های جمهوری اسلامی از سوی دولت جو بایدن است که قصد داشت با دادن امتیازات قابل توجه به رژیم ایران زمینه‌ساز یک معامله هسته‌ای باشد اما شکست خورد.

مقامات بریتانیایی به عنوان نزدیک‌ترین دوستان واشنگتن پا به پای مقام‌های آمریکایی مدام به تهران در مورد ادامه اقدامات مخرب هشدار می‌دهند اما حکومت به قول معروف «یک گوش در و یک گوش دروازه» است.

«دکترین جدید بایدن» در مقابل جمهوری اسلامی؟!

با توجه به شرایط موجود چند دیدگاه در مورد آینده

درخواست بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا برای تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



بازدید ابراهیم رئیسی از فایشگاه توانمندی‌های نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / بهمن ۱۴۰۲

در ادامه این بیانیه آمده است: «از آنجا که رژیم ایران همه راه‌های سیاسی را برای تغییر مسدود کرده است، جهان آزاد باید حق اعتراض مردم ایران و حق واحدهای مقاومت مجاهدین خلق برای مقابله با سپاه را در چارچوب قوانین بین‌المللی به رسمیت بشناسد.»

سخنگوی دولت انگلیس گفت: «دولت بریتانیا، مجری قانون و شرکای بین‌المللی ما به همکاری با یکدیگر برای شناسایی، بازدارندگی و پاسخ به تهدیدات ایران ادامه می‌دهند... ما به اقدام قوی علیه [رژیم] ایران ادامه خواهیم داد، در حالی که ایران مردم بریتانیا و سراسر جهان را تهدید می‌کند. بریتانیا بیش از ۳۵۰ فرد و نهاد ایرانی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بطور کامل تحریم کرده است.»

دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در توجیه اینکه دولت بریتانیا سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نداده می‌گوید: «پلیس و سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا خواستار تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران نیستند بنابراین فکر می‌کنم موضع ما درست است.»

درخواست برای قرارگرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی بریتانیا و اتحادیه اروپا از درخواست‌های اصلی مردم ایران و مخالفان جمهوری اسلامی است اما باید افزود حمایت از سازمان مجاهدین خلق به عنوان سازمانی که خودش سابقه قرار گرفتن در فهرست سازمان‌های تروریستی دارد و از حامیان انقلاب اسلامی و رژیم کنونی بوده است، نمی‌تواند خواست عمومی مردم ایران باشد که اساساً با این رژیم و تروریسم آن مخالف هستند و سال‌هاست علیه آن مبارزه می‌کنند.

فاکس، رابرت جنریک و سر این دانکن اسمیت از نمایندگان عضو حزب محافظه‌کار بریتانیا هستند که با صراحت خواستار تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران هستند.

شماری از وزرای سابق بریتانیا نیز بیانیه نمایندگان پارلمان این کشور را در مورد تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امضا کرده‌اند.

باب بلکمن که از حامیان «سازمان مجاهدین خلق» است تأکید کرده «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی جهان است و باید فوراً به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شود... ما به یک استراتژی جدید در مورد ایران نیاز داریم. ما باید پیام روشنی به آیت‌الله‌ها بفرستیم: تجاوز مداوم [رژیم] ایران را تحمل نخواهیم کرد. ما از دولت خود می‌خواهیم که هم‌اکنون اقدام کند.»

بلکمن همچنین گفت: «هسته اصلی این استراتژی باید شناخت خواست مردم ایران، سرنگونی حکومت دینی حاکم و ایجاد یک جمهوری سکولار» باشد. یکی از خواسته‌های این نماینده حمایت از سازمان مجاهدین در برابر سپاه بوده است.

«سر مار» در ایران است

در بیانیه نمایندگان پارلمان بریتانیا آمده است: «رژیم ایران نیروی محرکه جنگ در خاورمیانه و حمله علیه کشتی‌های تجاری در دریای سرخ است. سر مار در ایران است. سپاه از طریق گروه‌های نیابتی، تروریسم را گسترش می‌دهد و مانع صلح و امنیت منطقه و جهان می‌شود. ما به شدت نقش مخرب رژیم ایران در خاورمیانه و سیاست‌های جنگ‌طلبانه آن را محکوم می‌کنیم. ما خواستار اعلام تروریستی بودن سپاه و اعمال تحریم‌های نفتی علیه رژیم هستیم.»

● در بریتانیا فشار به دولت برای قرارداد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی رو به افزایش است. بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا از ریشی سوناک نخست وزیر این کشور خواسته‌اند تا در مقابل «جنگ‌طلبی» رژیم ایران با تروریستی اعلام کردن سپاه اقدام متناسب در مقابل تهدیدات آن انجام دهند.

● این نمایندگان به نخست وزیر محافظه‌کار بریتانیا هشدار دادند: «ما در قبال رژیم ایران به یک استراتژی جدید نیاز داریم.»

● باب بلکمن از نماینده‌های مجلس بریتانیا تأکید کرده «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از خطرناک‌ترین گروه‌های تروریستی جهان است و باید فوراً به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شود... ما به یک استراتژی جدید در مورد ایران نیاز داریم. ما باید پیام روشنی به آیت‌الله‌ها بفرستیم: تجاوز مداوم [رژیم] ایران را تحمل نخواهیم کرد.»

● در بیانیه این نماینده‌ها آمده است: «از آنجا که رژیم ایران همه راه‌های سیاسی را برای تغییر مسدود کرده است، جهان آزاد باید حق اعتراض مردم ایران را به رسمیت بشناسد.»

بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس بریتانیا از ریشی سوناک نخست وزیر این کشور خواسته‌اند تا در مقابل «جنگ طلبی» رژیم ایران با قرارداد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اقدام متناسب انجام دهند. این نمایندگان به نخست وزیر محافظه‌کار بریتانیا هشدار دادند: «ما در قبال رژیم ایران به یک استراتژی جدید نیاز داریم.»

روزنامه «تلگراف» شنبه سوم فوریه (۱۴ بهمن) گزارش داد در بیانیه‌ای که به امضای تعداد زیادی از نمایندگان مجلس رسیده هشدار داده شده است که در میان درگیری‌های رو به افزایش در خاورمیانه، رژیم تهران «سر مار» است و از سپاه پاسداران برای گسترش «تروریسم» و جلوگیری از صلح استفاده می‌کند.

امضائندگان که حدود ۴۰ نماینده محافظه‌کار نیز در بین آنها دیده می‌شود، گفتند که «خواهان تروریستی اعلام کردن سپاه هستند.»

باب بلکمن از نمایندگان مجلس بریتانیا تأکید کرده «امتناع از اقدام علیه تهدیدات سپاه پاسداران اشتباه بزرگی خواهد بود.»

این درخواست نمایندگان بار دیگر، پس از حملات آمریکا به گروه‌های نیابتی وابسته به سپاه پاسداران در عراق و سوریه مطرح شده است.

در ماه اکتبر سال ۲۰۲۳ دولت جو بایدن با صراحت از متحدان خود خواست تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک سازمان تروریستی به دلیل ارتباط با تروریسم در سراسر جهان معرفی کنند.

برخی منابع گزارش داده بودند که مقامات ارشد آمریکایی بطور خصوصی نیز همتایان بریتانیایی خود را تشویق می‌کردند که سپاه را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد.

سر دیوید دیویس از وزرای سابق کابینه، سر لیام

دولت بایدن به «رهبران ایران» و فرماندهان سپاه پاسداران راه فرار نشان داد «افشای عمدی» عملیات آمریکا در عراق و سوریه!



کرد و این سیاست را فاجعه‌بار خواند. وی گفت: «کشته شدن سربازان آمریکایی در خاک اردن نیازمند پاسخی قاطع و واضح بود.»

این نماینده در «ایکس» نوشت «زمان آن است که پرزیدنت بایدن با این واقعیت از خواب بیدار شود که سیاست او در مداخلات با ایران شکست خورده است.» همچنین روزنامه اصلاح‌طلب «اعتقاد» نیز در گزارشی که شنبه ۱۴ بهمن‌ماه منتشر شده اشاره کرد «جهان منتظر واکنش‌های شدید و کوبنده‌ای بوده، اما برخلاف انتظارات، اقدامات آمریکا محدود به چند حمله پراکنده و تشرامیز بوده که با توجه به سوابق نظامیگری آمریکایی‌ها تا حدی می‌توان مداخلات قلمداد کرد.»

افشای عملیات آمریکا علیه مواضع سپاه و نیابتی‌ها پیش از انجام آن آنقدر روشن و علنی بود که بی‌بی‌سی فارسی هم به آن پرداخت. نفیسه کوهنورد خبرنگار این رسانه در همین ارتباط گفت: «با توجه به هشدارهایی که قبلاً آمریکا از طریق درز دادن احتمال این حملات در رسانه‌های آمریکایی داده بود، می‌شد انتظار داشت که بخش بزرگی از پایگاه‌ها و نقاطی که هدف قرار گرفتند خالی بودند. از چند روز پیش گروه‌های مسلح شیعه نزدیک به ایران دستور گرفته بودند پایگاه‌های خود را در عراق و سوریه تخلیه کنند.»

بسیاری از تحلیلگران سیاسی و نظامی معتقدند که پاسخ آمریکا قاطعیت لازم را برای مهار یا حتا عقب‌زدن «سپاه قدس» ندارد. راهبرد دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی کاملاً محتاطانه است با این توضیح که اقدامات آمریکا علیه تهدیدات منطقه‌ای در خاورمیانه می‌بایست کنترل شده باشد تا تنش‌های پراکنده منطقه را به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل نکند. اما منتقدان می‌گویند همین احتیاط سبب شده که جمهوری اسلامی در ضربه زدن به منافع آمریکا گستاخ‌تر شود.

گروه‌های نیابتی در سوریه به آنها هشدار داده بود. همزمان با حملات به سوریه و عراق بایدن به همراه همسرش در مراسم خاکسپاری سه نظامی آمریکایی که در اردن کشته شدند حضور یافتند سطح عملیات و همچنین «افشای عمدی» آن موج تازه‌ای از انتقادات علیه بایدن و دستیارانش را به همراه داشته است.

برخی منابع منطقه‌ای گزارش دادند در حملات آمریکا به عراق و سوریه که سوم فوریه (۱۴ بهمن‌ماه) صورت گرفت ۱۶ تا ۱۸ نفر کشته شدند اما شبکه الجزیره به نقل از منابع خود اعلام کرد «هیچکدام از کشته‌شدگان ایرانی‌های عضو سپاه پاسداران نیستند.»

فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در بیانیه‌ای ادعا کرد حملات هوایی به عراق و سوریه «علیه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به آن» انجام شده اما شبکه الجزیره به نقل از منابع آگاه اعلام کرد: «سپاه یا نیروی قدس در مناطقی که آمریکا بمباران کرده هیچ پایگاهی نداشته است.»

در همین ارتباط یک مقام ارشد دولت آمریکا به سی‌ان‌ان گفت «ایالات متحده به داخل ایران حمله نخواهد کرد و تنها بر اهدافی در خارج از این کشور تمرکز خواهد کرد.» سناتور تام کاتن در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «افشای عمدی عملیات توسط دولت به رهبران رژیم ایران اجازه فرار داد.» وی تأکید کرده ما باید «رهبران جمهوری اسلامی را هدف قرار دهیم که این حملات را هدایت می‌کنند. با این کار است که نشان می‌دهیم کشتن آمریکایی‌ها را تحمل نخواهیم کرد. هر چیز دیگری تأیید استراتژی نیابتی [رژیم] ایران است.»

مایک جانسون سخنگوی جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا نیز بایدن را متهم به «مداخلات با حکومت ایران»

● برخی منابع منطقه‌ای گزارش دادند در حملات آمریکا به عراق و سوریه که سوم فوریه (۱۴ بهمن‌ماه) صورت گرفته ۱۶ تا ۱۸ نفر کشته شدند اما شبکه الجزیره به نقل از منابع خود اعلام کرد «هیچکدام از کشته‌شدگان ایرانی‌های عضو سپاه پاسداران نیستند.»

● فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در بیانیه‌ای ادعا کرد حملات هوایی به عراق و سوریه «علیه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به آن» انجام شده است اما شبکه الجزیره به نقل از منابع آگاه اعلام کرد: «سپاه یا نیروی قدس در مناطقی که آمریکا بمباران کرده هیچ پایگاهی نداشته است.»

● سناتور تام کاتن در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «افشای عمدی عملیات توسط دولت به رهبران رژیم ایران اجازه فرار داد.» وی تأکید کرده ما باید «رهبران جمهوری اسلامی را هدف قرار دهیم که این حملات را هدایت می‌کنند؛ با این کار است که نشان می‌دهیم کشتن آمریکایی‌ها را تحمل نخواهیم کرد.»

● افشای عملیات آمریکا علیه مواضع سپاه و نیابتی‌ها پیش از انجام آن آنقدر روشن و علنی بود که بی‌بی‌سی فارسی هم به آن پرداخت. نفیسه کوهنورد خبرنگار این رسانه در همین ارتباط گفت: «با توجه به هشدارهایی که قبلاً آمریکا از طریق درز دادن احتمال این حملات در رسانه‌های آمریکایی داده بود، می‌شد انتظار داشت که بخش بزرگی از پایگاه‌ها و نقاطی که هدف قرار گرفتند خالی بودند. از چند روز پیش گروه‌های مسلح شیعه نزدیک به ایران دستور گرفته بودند پایگاه‌های خود را در عراق و سوریه تخلیه کنند.»

منابع خبری بین‌المللی و همچنین شماری از مقامات ارشد آمریکایی می‌گویند دولت جو بایدن پیش از حمله هوایی نیروهای سنتکام به پایگاه‌های وابسته به «سپاه قدس» و

تأیید بیماری سرطان چارلز سوم از سوی پزشکان متخصص و واکنش‌های جهانی



خانواده سلطنتی بریتانیا / سپتامبر ۲۰۲۳ (AP)



خانواده سلطنتی بریتانیا / دسامبر ۲۰۲۲ / رویترز

به او توصیه کرده‌اند وظایف عمومی را به تعویق بیندازد. در طول این دوره، وی طبق معمول به انجام امور اداری خود ادامه خواهد داد.

پادشاه از تیم پزشکی خود برای اقدامات فوری آنها در بیمارستان سپاسگزاری نموده است. او در مورد درمان خود کاملاً مثبت فکر می‌کند و مشتاقانه منتظر است تا هرچه زودتر به وظایف عمومی‌اش بازگردد.

همچنین خود پادشاه چارلز تصمیم گرفت که خبر این بیماری را برای جلوگیری از حدس و گمان و شایعات با مردم به اشتراک بگذارد به این امید که بتواند به درک عمومی برای همه کسانی که در سراسر جهان مبتلا به سرطان هستند کمک کند. او همچنین از اینکه مجبور شده برنامه‌های خود را به تعویق بیندازد پوزش خواسته است.

یک سخنگو افزوده: متأسفانه تعدادی از برنامه‌های عمومی آینده پادشاه باید دوباره ترتیب داده شود یا به تعویق بیفتد. پادشاه از تمامی کسانی که از تغییر برنامه‌های ایشان ممکن است ناخوشنود یا ناراحت شوند، عذرخواهی می‌کند. دستیاران سلطنتی گفته‌اند که پادشاه شخصاً همه خواهران و برادران خود، شاهزاده خانم رویال، دوک یورک و دوک ادینبورگ را در جریان بیماری‌اش قرار داده است.

بعید است پادشاه با توجه به بیماری‌اش در مراسم «روز کشورهای مشترک‌المنافع» در کلیسای وست مینستر در ۱۱ مارس، که معمولاً با حضور اعضای ارشد خانواده سلطنتی برگزار می‌شود، حضور داشته باشد.

بدیهی است که او در طول درمان به دریافت خبرهای مهم و مسائل مربوط به مسئولیت‌های ادامه خواهد داد و هیچ برنامه‌ای برای تغییر در انتصابات وجود ندارد اگرچه هنوز روشن نیست چه زمانی حضور کامل پادشاه در برنامه‌های عمومی آغاز خواهد شد.

کاخ باکینگهام اطلاع داده که ملکه به اجرای وظایف عمومی و معمول خود ادامه خواهد داد.

سایر اعضای شاغل خانواده سلطنتی می‌توانند وظایف بیشتری را از طرف پادشاه بر عهده بگیرند. در هر حال برنامه‌ریزی برای دیدارهای دولتی آینده در صورت

جیل و من در دعا برای بهبودی سریع و کامل اعلیحضرت، به مردم بریتانیا می‌پیوندیم.»

دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین آمریکا و نامزد احتمالی جمهورخواهان در انتخابات نوامبر آینده نیز در شبکه اجتماعی «ترو» (حقیقت) نوشت: «پادشاه مرد فوق‌العاده‌ای است و همه ما دعا می‌کنیم که او به زودی بهبودی کامل پیدا کند.»

کاردینال نیکولز اسقف اعظم کلیسای وست مینستر گفته است: «از اینکه فهمیدم اکنون پادشاه چارلز در دوران درمان سرطان بسر می‌برد، متأسف و غمگین شدم. از سوی کل جامعه کاتولیک در انگلستان و ولز، برای اعلیحضرت صمیمانه‌ترین آرزوها را داشته و به بهبودی کامل و سریع ایشان اطمینان دارم. خداوند پادشاه را حفظ کند.»

خاخام اعظم بریتانیا، سر افرایم میرویس، نیز گفته: «از شنیدن خبر بیماری اعلیحضرت پادشاه متأثر شدم. من می‌دانم که جامعه یهودی بریتانیای کبیر و کشورهای مشترک‌المنافع با من به این دعا خواهند پیوست و برای وی بهبودی کامل و سریع آرزو خواهند کرد.»

گفته می‌شود که پادشاه شخصاً پسرانش شاهزاده ویلیام ولیعهد انگلستان و شاهزاده هری را در مورد وضعیت خود مطلع کرده است. شاهزاده هری، دوک ساسکس دوشنبه این هفته به انگلستان آمده و با پدرش دیدار کرده است. هنوز مشخص نیست که آیا همسر او میگان و فرزندانش آرچی و لیلیت نیز به بریتانیا خواهند آمد یا نه. اما در ایالات متحده شنیده می‌شود که آنها در مونتسیتو خواهند ماند.

ملکه کامیلاً پس از این خبر ناگهانی به انجام کامل وظایف عمومی خود ادامه خواهد داد.

کاخ باکینگهام عصر دوشنبه ۵ فوریه ۲۰۲۴ در بیانیه‌ای اعلام کرد که پادشاه چارلز به بیماری سرطان مبتلا شده است. در این بیانیه آمده است: «در طول مراحل تحقیقات پزشکی اخیر پادشاه در بیمارستان برای بزرگ شدن پروستات خوش‌خیم، نگرانی دیگر و متفاوتی مورد توجه قرار گرفت. آزمایش‌های تشخیصی بعدی، نوعی سرطان را شناسایی کرده است.» پزشکان معالج از روز دوشنبه درمان پادشاه را آغاز نموده و

● شاهزاده ویلیام عصر چهارشنبه ۷ فوریه ۲۰۲۴ وظایف عمومی خود را به عنوان ولیعهد و وارث تاج و تخت بریتانیا با حضور در رویدادی که در قصر ویندزور برگزار می‌شود، آغاز خواهد نمود.

● در حالی شاهزاده هری در سفری اضطراری برای دیدن پدرش به لندن آمده، همزمان نخست‌وزیر بریتانیا همراه با رهبران دنیا و مردم به چارلز دوم پادشاه انگلستان ادای احترام می‌کنند.

پس از اینکه پادشاه چارلز اعلام کرد که در حال مبارزه با بیماری سرطان است و به همین دلیل مجبور است از انجام وظایف عمومی در دوران مداوا کناره بگیرد، بسیاری از مردم از شنیدن این خبر متعجب شدند. پادشاه ۷۵ ساله بریتانیا گفته که امیدوار است تشخیص بیماری او به درک عمومی برای همه کسانی که در سراسر جهان مبتلا به سرطان هستند کمک کند.

در حالی که شاهزاده هری دوشنبه ۵ فوریه ۲۰۲۴ به کشور بازگشته تا در کنار پدرش باشد و شاهزاده ویلیام انجام پاره‌ای از وظایف رسمی پدر را آنهم در دوران بهبودی همسرش پرنسس کیت از عمل جراحی اخیر بر عهده گرفته است، دولت‌مردان جهان و رهبران مذهبی، در پیام‌هایی محبت‌آمیز حمایت خود را از پادشاه و خانواده سلطنتی بریتانیا در این لحظات دشوار، ابراز نموده‌اند.

همزمان با حضور گروهی از مردم در برابر کاخ باکینگهام که برای ابراز همدلی و آرزوی سلامتی پادشاه گرد آمده بودند، ریچی سوناک نخست‌وزیر بریتانیا اظهار داشت: «با آرزوی بهبودی کامل و سریع برای اعلیحضرت، من شک ندارم که او در مدت کوتاهی از توانایی کامل جسمی برخوردار خواهد شد و می‌دانم که تمامی کشور برای ایشان آرزوی تندرستی خواهند نمود.»

جو بایدن رئیس جمهور ایالات متحده نیز به خبرنگاران گفته است: «من تازه در مورد تشخیص بیماری پادشاه چارلز شنیده‌ام و نگران او هستم.»

او سپس در توییتی نوشته: «تشخیص سرطان، درمان و زنده ماندن نیاز به امید، شجاعت مطلق و روحیه بالا دارد.

→ امکان ادامه خواهد یافت.

همچنین به نظر می رسد که پادشاه چارلز همچنان برای شرکت در جلسات مشورتی خصوصی در دسترس خواهد بود، اما جزئیات نحوه برگزاری آنها هنوز در دست بررسی است. انتظار می رود در صورت توصیه پزشکان، او هرگونه تماس حضوری را به حداقل رسانده و ترتیبات تازه‌ای برای ملاقات‌های هفتگی وی با نخست وزیر داده شود.

جاستین ترودو نخست وزیر کانادا نیز بهترین آرزوهای خود را برای سلامت پادشاه چارلز ابراز کرده و در توییتی نوشته: «من نیز مانند دیگر مردم کانادا و سایر جهانیان به اعلیحضرت پادشاه چارلز سوم که تحت درمان سرطان قرار می‌گیرد، فکر می‌کنم. ما بهترین آرزوهای خود را برای او ارسال کرده و امیدواریم که هرچه زودتر بهبودی کامل پیدا کند.» کانادا یکی از ۱۴ کشور مشترک‌المنافع بریتانیاست که پادشاه در آن رئیس حکومت است.

رهبر حزب کارگر بریتانیا سر استامر نیز در توییتی نوشته: «من از طرف حزب برای پادشاه آرزوی بهبودی می‌کنم. ما مشتاقانه منتظریم که او را در تندرستی کامل ببینیم.»

رئیس مجلس عوام بریتانیا سر هویل نیز به نمایندگان پارلمان گفت: «می‌دانم که کل مجلس مایل است به من در ابراز همدردی با اعلیحضرت پادشاه پس از اعلام خبر بیماری ایشان بیبوند. البته فکر ما با ایشان و خانواده‌اش است و همه، بهترین آرزوها را برای درمان موفق و بهبودی سریع او در پی این اخبار داریم.»

پادشاه ۷۵ ساله انگلستان از هفته گذشته به دلیل بزرگ شدن پروستات تحت درمان قرار گرفت و سه شب را در بیمارستان خصوصی کلینیک لندن گذراند.

تشخیص بیماری سرطان به احتمال زیاد برای چارلز سوم که طولانی‌ترین دوران ولیعهدی را در تاریخ بریتانیا داشته و بعد از درگذشت مادرش ملکه الیزابت در ۸ سپتامبر ۲۰۲۲ وارث تاج و تخت بریتانیا شد، می‌تواند از نظر کاری بسیار نگران کننده باشد.

از آن زمان، او با سه سفر رسمی به خارج کشور، میزبان دو مهمان رسمی در بریتانیا بوده و به انجام صدها فعالیت عمومی در مقام رسمی پادشاه در سنین هفتاد سالگی مشغول بوده است. همکارانش گفته‌اند که او این چالش‌ها را دوست دارد و از نقش سلطنتی خود بسیار لذت می‌برد. تشخیص بیماری پادشاه و کم بودن اعضای شاغل خانواده سلطنتی و غیبت شاهزاده خانم ولز به دلیل یک جراحی در ناحیه شکم تا بعد از عید پاک، سوالات جدی برای عملکرد سلطنت مطرح می‌کند.

ویلیام، شاهزاده ولز که وارث تاج و تخت است، برنامه‌های خود را لغو کرده بود تا در کنار همسرش باشد و زندگی را تا حد امکان برای سه فرزندشان عادی نگه دارد.

این در حالیست که کاخ کنزینگتون اوایل روز دوشنبه اعلام کرد که شاهزاده ویلیام عصر چهارشنبه ۷ فوریه وظایف عمومی خود را با حضور در مراسم جمع‌آوری کمک‌های مالی برای آمبولانس هوایی لندن که در قصر ویندزور برگزار می‌شود، آغاز خواهد نمود.

این می‌تواند تأثیر جدی بر زندگی خانوادگی شاهزاده و کیت پرنسس ولز داشته باشد. آنها ۱۸ ماه پیش به ویندزور نقل مکان کردند تا به فرزندانشان اجازه دهند خارج از تشریفات سلطنتی، تا زمانی که ممکن است، از دوران کودکی بی‌دغدغه‌تری لذت ببرند.

شاهزاده جرج ده ساله که ولیعهد بعدی در نوبت تاج و تخت است، پرنسس شارلوت هشت ساله و شاهزاده لوئیس پنج ساله همگی در مدرسه محلی Lambrook به تحصیل مشغول هستند و به خوبی در خانه جدیدشان، کلبه آدلاید،

ساکن شده‌اند.

همکاران ویلیام و کیت هنوز در کاخ کنزینگتون لندن، اقامتگاه رسمی آنها مستقرند و برای جلسات در کاخ ویندزور ملاقات می‌کنند. اکنون این پرسش مطرح است که با شرایط کنونی این کار برای آنها تا چه اندازه عملی است. ملکه الیزابت در طول زندگی دوره‌هایی از بیماری را گذراند و در موارد متعددی از جمله عمل زانو و آب مروارید تحت جراحی قرار گرفت اما تا آخرین ماه‌های سلطنت تاریخی ۷۰ ساله‌اش، به هیچ بیماری جدی مبتلا نشد.

پادشاه چارلز سوم نیز بجز کمر درد شدید که او را رنج می‌داده، با برخورداری از سلامتی بسیار خوب از زندگی خود لذت برده است.

نخستین نشان از مشکل سلامتی او، در ۱۷ ژانویه دیده شد که کاخ باکینگهام اعلام کرد که وی به علت بزرگ شدن پروستات تحت درمان قرار گرفته است.

بیانیه کاخ اضافه کرده بود که بیماری اعلیحضرت «خوش‌خیم» است و او هفته بعد برای یک عمل اصلاحی در بیمارستان حاضر خواهد شد.

آنها گفتند که او شخصاً مشتاق است جزئیات تشخیص بیماری خود را به اشتراک بگذارد تا مشوق سایر مردانی باشد که ممکن است علائمی از این بیماری داشته باشند و برای درمان خود اقدام کنند.

خدمات بهداشت ملی بریتانیا (National Health Service) NHS)، متعاقباً گزارش‌های دلگرم‌کننده‌ای برای افرادی که به دنبال اطلاعات بیشتر هستند در وبسایت خود منتشر نمود. پادشاه که در آن زمان در اسکاتلند بود، به سندرینگهام بازگشت و شب قبل از عمل جراحی به لندن رفت.

او در ۲۶ ژانویه ۲۰۲۴ با همسرش ملکه کامیلا در کلینیک لندن در Marylebone بستری شد.

کاخ باکینگهام اعلام کرد که پادشاه می‌خواهد از همه برای همدلی و آرزوهای خوب‌شان سپاسگزاری کند و از اینکه فهمیده تشخیص بیماری‌اش تأثیر مثبتی بر آگاهی بهداشت عمومی دارد، بسیار خوشحال است.

پادشاه سرانجام روز دوشنبه هفته گذشته پس از سه شب بستری شدن در بیمارستان مرخص شد و گفت که «حالش خوب است». وی ابتدا در کلارنس‌هاوس، اقامتگاهش در لندن، بسر برد تا نزدیک پزشکان معالج خود باشد و سپس با همسرش به سندرینگهام بازگشت.

ملکه کامیلا که به انجام مسئولیت‌های عمومی خود ادامه داده به مردم گفته که همسرش «حالش خوب است» و «مشتاقانه منتظر بازگشت به کار است.»

سه‌شنبه گذشته، وی به مردمی که آرزوی سلامتی پادشاه را داشتند گفته بود که او تمام کوشش خود را برای بهبودی انجام می‌دهد و در پایان افزود: «خدا را شکر».

گفتنی است که از هر سه مرد بالای ۵۰ سال، یک نفر دارای علائم بزرگی پروستات است که یکی از عوارض آن مراجعه مکرر به توالی و مشکل در تخلیه مثانه است.

بزرگ شدن پروستات که به پروستات خوش‌خیم شناخته می‌شود، معمولاً سلامتی را تهدید نمی‌کند و سرطان نیست. اما بیماران ممکن است نیاز به انجام چندین آزمایش برای این بیماری داشته باشند تا احتمال ابتلا به بیماری دیگری با علائم مشابه مانند سرطان پروستات را کاهش دهند. عمل جراحی معمولاً فقط برای علائم متوسط تا شدید که به دارو پاسخ ندهاند، توصیه می‌شود.

پس از اخبار اخیر، بوریس جانسون نخست‌وزیر پیشین و ستون‌نویس نشریه Mail در شبکه ایکس نوشت: «تمام کشور امروز با پادشاه خواهد بود. بهترین آرزوها را برای بهبودی کامل و سریع چارلز سوم داریم.»

لیز تراس که مدت کوتاهی پیش از ریشی سوناک در مقام نخست وزیر بود، گفت: «بهترین دروها را برای اعلیحضرت پادشاه و خانواده سلطنتی در حالی که او تحت معالجه سرطان قرار می‌گیرد، می‌فرستم. او در افکار و دعاها ما خواهد بود. خدا پادشاه را حفظ کند.»

ودانت پاتل سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده نیز این خبر را «خیلی غم‌انگیز» خواند و افزود: «برای پادشاه و خانواده‌اش بسیار متأسفم.» او در یک نشست خبری با خبرنگاران گفت که دولت بایدن با پادشاه و خانواده سلطنتی همدلی می‌کند.

مارک دریکفورد وزیر اول ولز، پس از تشخیص سرطان پادشاه، برای وی «شفای کامل و سریع» آرزو کرد.

دریکفورد در شبکه ایکس نوشت: «از شنیدن این خبر متأسفم که پادشاه چارلز سوم با مشکلات سلامتی بیشتری روبروست. من و مردم سراسر ولز با او و خانواده‌اش همدل هستیم. با شروع درمان ایشان برای بهبودی کامل و سریع، بهترین آرزوهایم را دارم.»

میشل اونیل وزیر اول جمهوریخواه جدید ایرلند شمالی نیز برای پادشاه آرزوی بهبودی کامل و سریع کرد. او در ایکس نوشت: «از شنیدن بیماری پادشاه چارلز بسیار متأسف شدم و درمان و بهبودی کامل و سریع وی را آرزو دارم.»

اما لیتل پنگلی معاون وزیر اول نیز که برای پادشاه دعا می‌کند، گفت: «من هم مانند بسیاری از مردم در سراسر ایرلند شمالی، برای درمان اعلیحضرت، پادشاه چارلز بهترین‌ها را آرزو کرده و ایشان و خانواده‌اش را در دعاها خود از یاد نخواهم برد.»

أسقف اعظم سابق کانتربری، روآن ویلیامز، گفته است: «این یک خبر عمیقاً ناراحت‌کننده در زمانی است که نمادهای ثبات و استقلال برای ما بسیار حیاتی هستند.»

او افزوده: «علاوه بر نگرانی عمیق مشترک برای شخص پادشاه چارلز، ما به درک اهمیت چنین نمادهایی در تمرکز بر زندگی مشترک‌مان به عنوان یک خانواده از جوامع ملی در بریتانیا، فراتر از لفاظی‌های حزبی و سوء ظن‌های متقابل، نیاز داریم.»

ویکتوریا مری اتکینز وزیر بهداشت و مراقبت‌های اجتماعی بریتانیا در ایکس نوشت: «فکر من با پادشاه چارلز و کل خانواده سلطنتی است. تصمیم او برای به اشتراک گذاشتن خبر بیماری‌اش برای کمک به درک عمومی برای همه کسانی که مبتلا به سرطان هستند قابل ستایش است. با آرزوی بهترین‌ها برای اعلیحضرت و مشتاقانه منتظر حضور مجدد ایشان در انجام وظایف عمومی‌شان هستیم.»

وزیر سایه بهداشت، وسلی پُل استریتینگ از حزب کارگر بریتانیا که در سال ۲۰۲۱ برای سرطان کلبه تحت درمان قرار گرفته، گفته: «از هر دو تن، یک نفر در طول زندگی خود به سرطان مبتلا می‌شود، اما وقتی شخصی که برای دیگران عزیز است گرفتار این بیماری می‌شود، میلیون‌ها انسان دیگر، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. من بهترین آرزوها را برای تندرستی پادشاه و خانواده ایشان که در تمام مدت از وی حمایت می‌کنند، خواهانم.»

انجمن حمایت از بیماران سرطانی، «مک میلان»، نیز بیانیه‌ای در ایکس منتشر کرده و نوشته: «همه افراد این سازمان خیریه بهترین آرزوها را برای بهبودی پادشاه دارند. فکر ما در حالی که می‌دانیم این می‌تواند یک زمان حساس و فوق‌العاده چالش‌برانگیز باشد، با اعلیحضرت پادشاه و خانواده‌اش است.»

*منبع: دیلی میل

*نویسنده: مارتین رابینسون گزارشگر ارشد دیلی میل

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

جایزه اینگمار برگمن جشنواره گوتنبرگ، موفقیت دیگری برای سینمای زیرزمینی ایران



من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر

سال و شش ماه حبس تعزیری محکوم شد. حکمی که یک ماه بعد از آن در شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران نیز عیناً تأیید شد. نوید میهن‌دوست فیلم «کافه» را بدون دریافت مجوز از وزارت ارشاد اسلامی قبل از رفتن به زندان ساخته است.

«کافه» درباره فیلمسازی به نام سهراب سپهری است که از سوی مقامات حکومت از کار محروم شده و حالا یک کافه‌شاپ را در تهران اداره می‌کند. همسرش خواستار مهاجرت از ایران است اما او نمی‌خواهد کشور را ترک کند. ورود دختر دانشجویی به کافه با درخواست اجرای یک پرفورمنس باعث اتفاقاتی می‌شود که زندگی فیلمساز را بیش از پیش متحول می‌کند. کارگردان «کافه» در روایت داستانش به فشارهای حکومت در قالب نمایش صحنه‌های گفتگوی فیلمساز با بازجویی در وزارت اطلاعات اشاره می‌کند. در این صحنه‌ها که چهره بازجو دیده نمی‌شود، به صراحت از لزوم همکاری فیلمساز با نهادهای امنیتی در قالب ارائه گزارش‌هایی از اطرافیان اشاره می‌شود.

ندا میهن‌دوست خواهر این کارگردان در جشنواره تسالونیک پیامی از او را قرائت کرد. در بخش‌هایی از این پیام آمده است: «این صدای من، نوید میهن‌دوست، نویسنده و کارگردان فیلم کافه است که از زندان اوین در تهران، پایتخت ایران، می‌شنوید. حکومتی که هم‌اکنون بر کشور من حکمرانی می‌کند، مرا به خاطر برخی فیلم‌هایی که ساختم، به زندان افکند. البته من کمی خوش‌شانس بوده‌ام که تا کنون زنده هستم، زیرا حدود دو سال پیش یک شاعر و فیلمساز دیگر در همین زندان و به علت عدم رسیدگی به‌موقع پزشکی بر اثر کرونا درگذشت. نام او بکتاش آبتین بود. هرچند این شبه‌قتل ناگوار برای رژیم‌می که ۲۵ سال قبل به وسیله اعضای بلندمرتبه وزارت اطلاعاتش عده‌ای از اعضای کانون نویسندگان ایران را سلاخی کرده و تلاشش برای کشتن دست‌جمعی عده‌ای دیگر از آنان با شانس و اقبال بلندشان ناکام ماند، چندان مایه شرمساری به شمار نمی‌رود.»

سینمای ایران در رویدادهای معتبر سینمایی شده است. «آشیل» درباره جوان فیلمسازی است که سرخورده و دلزده از شرایط در بیمارستانی به عنوان مسئول وسایل بخش ارتوپدی مشغول کار است. او شبی با یک زن زندانی سیاسی در بخش ویژه این بیمارستان روبرو می‌شود که از او درخواست کمک دارد. فیلم روایت همراهی این دو با یکدیگر در فرار از ایران است. در «آشیل» شخصیت‌های کمتر دیده‌شده‌ای از جامعه ایران را می‌توان دید، مانند زن زندانی سیاسی که به‌دلایل نامشخصی در بخش روانی بیمارستان بستری شده و نیز مادر داغداری که فرزندش به خاطر مسائل سیاسی کشته شده تا فیلمسازی که سرخورده از شرایط موجود، خلق اثر جدیدی را ممکن نمی‌داند.

«آشیل» نخستین فیلم بلند فرهاد دل‌آرام است که پیشتر با فیلم کوتاه «تتو» برنده خرس طلایی بخش «نسل» جشنواره برلین در سال ۲۰۱۹ شده بود. فیلمی درباره شرایط خاص زنان ایرانی و دختر جوانی که به‌دلیل داشتن تتو با مشکلاتی در تمديد گواهینامه رانندگی‌اش مواجه شده است؛ مشکلاتی که به تدریج شکلی از چند اتهام به خود می‌گیرد. فرهاد دلارام در پیامد نیافتن مجوز ساخت و اکران فیلم، بالاخره ایران را ترک کرد و هم‌اکنون ساکن برلین در آلمان است.

شصت و چهارمین دوره جشنواره فیلم تسالونیک که معتبرترین جشنواره سینمایی کشور یونان است نیز در بخش «افق‌های باز» میزبان یک نماینده دیگر سینمای زیرزمینی ایران با عنوان «کافه» به کارگردانی نوید میهن‌دوست بود. این کارگردان از مرداد سال جاری در زندان سرگرم گذراندن محکومیت سه ساله‌اش است. «کافه» دومین فیلم بلند نوید میهن‌دوست پس از فیلم «هرچی خدا بخواد» است. این کارگردان در سال ۱۳۹۸ به خاطر مستندی درباره مسیح‌علینژاد روزنامه‌نگار مخالف حکومت جمهوری اسلامی بازداشت شد و چند ماه را در زندان گذراند. نوید میهن‌دوست دی‌ماه ۱۳۹۹ به اتهام‌های «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» و «اقدام علیه امنیت ملی» به ترتیب به سه

● «من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر» ساخته فرهاد هاشمی برنده جایزه «اینگمار برگمان» در جشنواره سینمایی گوتنبرگ سوئد شد.

● «آشیل» ساخته فرهاد دل‌آرام و «کافه» به کارگردانی نوید میهن‌دوست، دو فیلم زیرزمینی موفق دیگر هستند که در جشنواره‌های بین‌المللی اکران شدند.

● «منطقه بحرانی» علی احمدزاده با دریافت یوزپلنگ طلایی جشنواره لوکارنو زاه را برای سینمای زیرزمینی و سانسورگریز ایران هموار کرد.

● موج عظیمی از تولیدات سینمایی زیرزمینی در ایران به راه افتاده که حکومت قادر به کنترل آن نیست و روز به روز گسترش پیدا می‌کند.

● رشد «سینمای زیرزمینی» که هرگونه سانسور و اجبار را زیر پا می‌گذارد، تسریع مرگ سینمای کنترل‌شده و حکومتی است.

احمد رأفت - یک فیلم زیرزمینی ایرانی دیگر «من، مریم، بچه‌ها و ۲۶ نفر دیگر»، ساخته فرهاد هاشمی برنده جایزه «اینگمار برگمان» در جشنواره سینمایی گوتنبرگ سوئد شد. این فیلم درباره دختر جوانی است که خانه‌اش را در اختیار یک گروه فیلمسازی قرار می‌دهد تا در آن فیلم کوتاهی درباره رابطه به پایان رسیده یک زن و مرد بسازند. جشنواره سینمایی گوتنبرگ روز شنبه، ۱۴ بهمن‌ماه، در صفحه رسمی خود از قول هیئت داوران نوشت: «این فیلم به شیوه‌های سینمایی غیرمنتظره و خلاقانه به مضامینی چون تنهایی و قدرت رها کردن می‌پردازد.»

سینمای زیرزمینی ایران سینمایی است که به محدودیت‌ها و فشارهای سانسور حکومتی در ایران نه می‌گوید و آزادانه و بی‌پروا داستانش را روایت می‌کند تا فضای عادی و معمولی زندگی پشت دیوارها در ایران امروز را به تصویر بکشد. فیلم فرهاد هاشمی روایت یک زن جوان تنهاست که بازیگرش بدون حجاب در جلوی دوربین حاضر می‌شود، و نمایش بازیگران زن و مرد در پشت صحنه فیلمبرداری که به شکل عادی زندگی می‌کنند و دیالوگ‌های گاه رکیک روزمره سانسور شده در زندگی معمولی برخی خانواده‌ها در ایران امروز را نیز روی پرده می‌آورد.

تنها جذابیت این فیلم عبور از سانسور نیست بلکه داستان پیچیده‌ای را درباره تنهایی انسان در لایه‌های مختلف روایت می‌کند. فیلم به یک زن جوان در تهران امروز می‌پردازد که به دلیل مشکلات مالی خانه کهنه‌اش را به یک گروه فیلمبرداری کرایه می‌دهد تا فیلم کوتاهی در آن ساخته شود. فیلمی در فیلم است که در آن فیلمساز نیازی به روایت همه جزئیات نمی‌بیند و تنها با اشاره‌هایی تماشاکرش را دعوت می‌کند تا درباره رازهای ناگفته شخصیت اصلی‌اش بیاندیشد.

یک فیلم موفق زیرزمینی این روزها، «آشیل» ساخته فرهاد دل‌آرام است که میهمان چندین جشنواره جهانی در ماه‌های اخیر بوده و سینمایی است که بدون اعتنا به مقررات سانسور حکومتی، تصویری دیگر از سینمای ایران ارائه می‌دهد. سینمایی که پس از آغاز خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» و محدود شدن حضورهای بین‌المللی فیلم‌های مجوزدار حکومتی، تبدیل به نماینده واقعی

عذر تأخیر!

(کیهان لندن شماره ۱۰۵۶) اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ خیراندیشی (احمد احرار)

بازشم



بده و متک پیرانی را بگذار برای وقتی که رفتی در کلاه یونسکو مستقر شدی و چشمش توی چشم خدمتگزاران واقعی اسلام و انقلاب نبود.

کنایه را ابتدا شهردار حزب اللهی تهران - دکتر محمود احمدی نژاد - کاندیدای جانشینی آقای «دکتر» خاچی در انتخابات ریاست جمهوری، با کلماتی آب نکشیده به درشتی قلمه سنگ پاسخ داد به طوری که درش را روز بعد در سخنان سخنگوی دولت منعکس یافتیم: «آقای خاچی در این هشت سال عادت کرده که مورد انتقاد و هجمه قرار گیرد... البته لحن انتقادها هم بسته به گرایشات و نوع ادب سیاسی افراد، تفاوت دارد. این سخنان شهردار تهران روند هشت سال گذشته بود!»، پشت سرش، روزنامه‌های «رسالت» و «کیهان» عصر تهران که حالا زمان انتشارش را تغییر داده و به روزنامه صبح تبدیل شده است، یکی به زبان تلخ و دیگری به زبان طنز خدمت آقای رئیس جمهور رسیدند و از حیثیت شهردار محترم تهران دفاع کردند. نمک و لفل فل دیگری که پرزیدنت خاچی چاشنی سخنان غیر رسمی خود برای نشان دادن تبسم بر چهره عبوس حاضران در مراسم اعطای درجه دکترا کرد این بود که گفت «مسئولان محترم دانشگاه لطف کردند و کلاه دیگری بر سر من گذاشتند». این نیز ظاهراً اعتذاری و توجیهی برای حفظ عمامه بود چون در مراسم اعطای دکترای باید کلاه مخصوص دانشگاهیان را بر سر داشت و آقای خاچی در حالی که ردای دانشگاهی پوشیده بود با عمامه در جایگاه حضور یافت. منتهای مراتب توضیح اضافی او به کنایه اخیر هم رنگ سیاسی داد: «شاید آنان نیز دریافته‌اند که این گردن، این شانه و این سر تاب کلاه دیگری را ندارد (خنده حضار) البته تا چند ماه دیگر یکی از این کلاهها را برمی‌دارند... من در شگفتم که چطور صف طولی (از کاندیدها) تشکیل شده تا یک نفر این کلاه را بر سر خود بگذارد!»

رنود می‌گویند پرزیدنت خاچی گوئیا رفته رفته از خواب هشت ساله بیدار می‌شود و احساس می‌کند که کلاه سرش رفته است. حکایت آن حاجی آقا است که می‌گفت اگر پسرم به راه بد افتاد تقصیر او نیست. لوطی‌های محل قلچماق بودند و پررو، بنده زاده خجالتی و کم‌زور!

به‌رغم آن دسته از مردم حق‌ناشناس که خدمات و زحمات پرزیدنت خاچی را در دوران هشت‌ساله ریاست جمهوری وی نادیده می‌گیرند، دانشگاه تهران با اعطای دکترای افتخاری از جناب ایشان تجلیل کرد.

دکترای افتخاری می‌توانست در فلسفه یا الهیات باشد که تحصیلات و مطالعات و تبحر و تخصص آقای خاچی را در آن زمینه، حتی مخالفین و معاندین وی منکر نیستند. اما به ایشان دکترای روابط بین‌المللی داده شد که برای شغل آینده‌اش - دبیر کل مجمع بین‌المللی گفتگوی تمدنها - مناسبتر است. مراسم اعطای دکترای قرار بود ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه صبح چهارشنبه هشتم اردیبهشت در سالن علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شود ولی آقای خاچی با یک ساعت تأخیر به دانشگاه رسید زیرا آن روز در تهران باران می‌بارید و مثل اغلب روزهای بارانی، ترافیک سنگین نظم شهر را به هم ریخته بود و مآلاً نظم زندگی ساکنین شهر، حتی مقام معظم ریاست جمهوری را.

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای خاچی که به‌شيوه اهل منبر می‌داند فضای مجلس را چگونه باید تغییر داد و اخمهای درهم رفته را از هم گشود، خطابه رسمی را موقتاً در جیب قبای خود جای داد و زد به دنده شوخی باردی. ضمن عذرخواهی از سفیران ۱۶ کشور و دهها استاد دانشگاه و مابقی حاضران که لاید از شنبه قبل راه افتاده بودند تا سر وقت در جلسه حاضر باشند، به‌طنز و کنایه گفت «متأسفانه به‌محض بارش اندکی برف و باران، در وضع رفت و آمد شهری اختلال به‌وجود می‌آید» و اضافه کرد: «با این که دولت مستقیماً مسؤول ساماندهی شهر نیست اما باز هم به‌خاطر گناههای نکرده و قصورهای نداشته، از طرف کسانی که با چنین مدیریت و چنین وضعی شهر را اداره می‌کنند از شما عذر می‌خواهم».

آقای خاچی حساب آن را نکرده بود که این تلمیح، مکی خواهد شد بر زخمهای او. از آن روز تا کنون، «محافظة کاران» همین دو کلمه را پیراهن عثمان کرده‌اند و از هر طرف بر «سید نجیب محترم» می‌تازند که آقا قباحث دارد، حرف دهانت را بفهم، تو که به‌مدت هشت سال نقش سنگ صبور را بازی می‌کردی این چند هفته آخر را هم نجابت به‌خرج

این کارگردان در همین پیام با دل‌سردی از حمایت بین‌المللی می‌افزاد: «با اینهمه من از جامعه هنری جهان انتظار دارم واکنشی درخور نسبت به فشاری که توسط جمهوری اسلامی به هنرمندان وارد می‌شود، نشان دهند؛ انتظاری که دیگر مدت‌هاست از مقامات سیاسی جهان ندارم زیرا می‌دانم برای آنان قضیه حقوق بشر در کشورهای دیگر فقط بهانه‌ای است برای به دست آوردن امتیازات اقتصادی برای کشورهای متبوع‌شان و نه یک واکنش خیرخواهانه و انسان‌دوستانه».

اگر خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» تولید فرهنگی-هنری حکومتی را به کما برد، اما جریانی قوی و غافلگیرکننده به راه افتاد که پیش از این به شکل پراکنده در حاشیه فعالیت‌های رسمی و حرفه‌ای هنری وجود داشت و با احتیاط از آن با عنوان «سینمای زیرزمینی» نام برده می‌شد که مهم‌ترین نام‌هایش کارگردانانی چون جعفر پناهی و یا محمد رسول‌اف بودند. امروز این «سینمای زیرزمینی» واقعیتی گسترده و غیرقابل انکار است، اگرچه رسانه‌های دولتی در ایران از این حرکت پویا با برچسب‌هایی چون «غیرقانونی» یا «هنجارشکن» نام می‌برند.

این حرکت جدید با یوزپلنگ طلایی جشنواره لوکارنو برای «منطقه بحرانی» علی‌احمدزاده گام به مرحله جدیدی گذاشت و امروز در تمام جشنواره‌های مهم دنیا صحبت از سینمای زیرزمینی ایران است که درها را به روی تولیدات سینمایی مجوزدار و حکومتی بسته‌اند. آنچه جمهوری اسلامی را غافلگیر کرده، شهادت نسل جدید فیلمسازان ایرانی است. کسانی که می‌دانند با فاش شدن ساخت فیلم‌های زیرزمینی در ایران و نمایش آنها در جشنواره‌های خارجی با انواع برخوردهای امنیتی و قضایی مواجه می‌شوند و باید قید کار کردن در ایران را بزنند. با این حال، موج عظیمی از تولیدات زیرزمینی در ایران به راه افتاده که حکومت قادر به کنترل آن نیست. نه تنها کارگردانان و بازیگران سرشناس، بلکه عوامل فنی و بازیگران گمنام هم دیگر حاضر به رعایت «ضوابط» مورد تأکید وزارت ارشاد و سایر نهادها نیستند و به همین دلیل در ابتدای شهریور امسال، یک مقام سازمان سینمایی حتی تهدید کرد که استودیوها و مراکز پشتیبانی «غیرمجاز» که در تدوین، صداگذاری و سایر مراحل فنی فیلم‌های زیرزمینی مشارکت کنند، تعطیل خواهند شد.

آنچه بیش از ساخت فیلم‌های بدون مجوز مقامات جمهوری اسلامی را خشمگین کرده است، رعایت نشدن حجاب اجباری در این فیلم‌هاست. حجاب اجباری اصلی‌ترین نقطه تقابل حکومت ایران و معترضان بعد از فروکش کردن تجمعات خیابانی بوده است. جمهوری اسلامی برای مقابله با زنان مخالف حجاب اجباری که صحنه عمومی شهرهای ایران را تسخیر کرده‌اند، مشغول نهایت کردن لایحه‌ای در مجلس شورای اسلامی است و حتی استانداردهای صوری خود را درباره تصویب آن رعایت نکرده و رسانه‌های داخلی تحت سانسور شدید هم به صراحت از آن انتقاد می‌کنند. در چنین شرایطی، هریک از فیلم‌های زیرزمینی که در آن تصویر بدون حجاب اجباری زنان را به تماشاگران غیرایرانی نشان دهد، تیری به قلب «سلطه فرهنگی» جمهوری اسلامی و جریانی است که توانسته بود چهار دهه اجبار «حجاب» را با فیلم‌های سینمایی به عنوان یک «اصل پذیرفته شده» برای مردم ایران به جهان معرفی کند. رشد «سینمای زیرزمینی» که هرگونه سانسور و اجبار را زیر پا می‌گذارد، تسریع مرگ سینمای کنترل‌شده و حکومتی است.

شاه در جمع خصوصی رفتاری فوق‌العاده ساده داشت

آن روز، شاه را از خیلی نزدیک دیدم که با لباس اسکی در اتاقی محقر نشسته بود و صحبت می‌کردیم چه شد که شاه در نطق خود به آن نکته ظریف درباره اولویت دادن به لیاقت اشخاص در گزینش آنها برای مقامات مهم اشاره کرد

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد. ازین مجموعه، قبلاً گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم‌گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند. غلامرضا افخمی که آرشو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

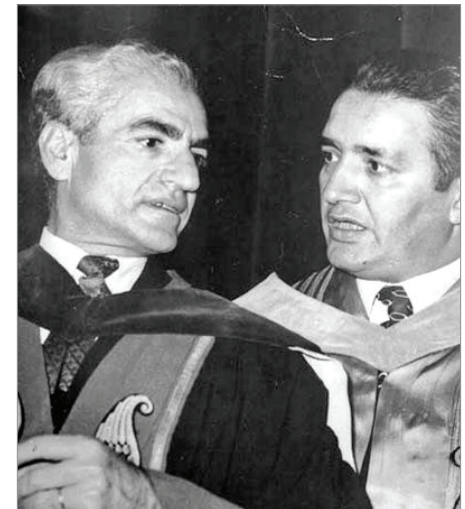
«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلاً در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هر دو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجاً رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفا عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهایی را برگزیده‌ایم که به تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلاً باشد.

● شما قبل از این، در مراحل مختلفی که گذرانیده بودید، با شخص شاه ارتباطی داشتید؟ یعنی هیچوقت دو بدو صحبت نکنید یا...

— من شاه را دو بار دیده بودم. در ۱۹۵۹ مرحوم منصور، که رئیس هیأت نمایندگی ایران برای شرکت در کنفرانس

می‌دیدم. یک بار هم وقتی که کنفرانس نفت و گاز اکافه در تهران برگزار شد، و من هم همانطور که عرض کردم مسئول برگزاری این کنفرانس بودم، تمام اعضای کنفرانس نفت و گاز اکافه و مدیران ایرانی شرکت و کارمندان شرکت، از جمله من، رفتیم حضور شاه و شاه هم با ما دست داد. بجز این دو



علینقی عالیخانی با محمد رضا شاه در دانشگاه تهران



اسدالله علم

مورد هیچ وقت شاه را ندیده بودم.

● در شرفیابی که هیأت وزیران تازه را آقای علم معرفی می‌کرد، اعلیحضرت حرف خاصی به شما زدند؟

— پس از اینکه همه را معرفی کردند، در کاخ اختصاصی، یعنی آن کاخی که در شمال غربی کاخ مرمر قرار گرفته بود، در آنجا جلسه داشتیم. من هم به‌عنوان تازه‌ترین عضو دولت ته میز نشستیم. شاه گفت وزیر اقتصاد می‌بایستی ببیند که

کنفرانس اقتصادی

● شما به کدام وزارتخانه رفتید؟

— من از روز بعد که شروع به کار کردم، اول رفتیم به وزارت بازرگانی پیشین که روبروی وزارت دادگستری بود. در آنجا گمرک و وزارت بازرگانی متمرکز بودند. وزارت صنایع یک کاخ جداگانه داشت در جنوب وزارت دادگستری، یعنی کم و بیش روبروی کاخ گلستان. ←



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران

(بخش ۲)

خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

چه کار بکند که این کارخانه‌ها را از حالت ورشکستگی و رکود بیرون بیاورد و به کار بیندازد و مقدار زیادی نگرانی خودش را در آن باره اظهار کرد، ولی جز این چیزی نگفت.

● شما خیلی جوان بودید آن وقت، چند سالتان بود؟

— درست ۳۴ سال و یک ماه

وزرای دیگری که در کابینه بودند سشنان از شما بالاتر بود. اینها چطور با شما برخورد کردند؟ در گذشته به یاد ندارم وزیری به جوانی شما وارد وزارت شده باشد.

— خود علم وقتی وزیر شد از من جوانتر بود. برخورد با دیگر وزرا فوق‌العاده خوب بود. برای اینکه تفضلی را خیلی خوب می‌شناختم و بقیه هم خیلی با مهربانی و خوبی با من روبرو شدند. یکی از آنها مرحوم بهنیا بود که مخالفت کرده بود با پرداخت حقوق من برای پیوستن به دفتر اقتصادی ایران در آمریکا. دیگری خانلری بود که وقتی من در دبیرستان البرز بودم او در رشته طبیعی استاد فارسی بود. ولی در دبیرستان البرز، به ما که در رشته ادبی بودیم، دکتر ذبیح الله صفا درس می‌داد. آنجا من خانلری را که یکی از دانشمندان ادب ایران آن روز بود دیده بودم. البته در آن زمان خیلی لاغر بود، بعد این بار دیدم که آب زیر پوستش رفته. ولی با بقیه آشنایی نداشتم. همه‌شان خیلی با محبت با من روبرو شدند.

ایالت‌های آلمان یا فرانسه، خواهید دید که هر ایالتی در آن دو کشور ده برابر کل تراکتورهای ما را دارد. حالا آنها کشاورزی دارند یا ما؟ بعد هم کشاورزی و صنعت دو چیز مختلف نیستند. روه‌ر آلمان مرکز کشاورزی هم هست. شاه خیلی علاقمند شد به این مسأله.

مسأله نفت به صورت دیگری پیش آمد، در یکی از نقطه‌هایی که بعداً شاه کرد، شاه (به این نکته کمتر توجه می‌شود) صحبت این را کرد که دیگر ما در ایران اهمیتی نمی‌دهیم که این اشخاص که به مقامات مهم می‌رسند از کجا آمده‌اند و حالا به اینجا رسیده‌اند. ما به لیاقت اشخاص نگاه می‌کنیم. داستان به این صورت بود که چند روز پیش از این نطق من اجازه خواستم و غلامرضا کیانپور و احمد ضیایی را به عنوان معاونان خودم حضور شاه بردم و دکتر احمد ضیائی در آن زمان رئیس اداره حسابداری سازمان برنامه بود. شاه از او پرسید شما چه تجربه‌ای در امور بازرگانی دارید؟ گفت این دو سال اخیر با علیخانی ما در اتاق بازرگانی کار می‌کردیم، اصولاً پیش از اینکه بروم به اروپا برای ادامه تحصیلاتم، در ضمن اینکه در دانشگاه درس می‌خواندم رئیس یک شرکت بازرگانی بودم و همانجا توانستم هزینه تحصیلات اروپایم را تأمین کنم. شاه خیلی دقیق بود و پرسید خوب آن شرکت چه شد، ورشکست شد؟ گفت خیر قربان، آن شرکت ورشکست نشد. من کارمند بودم. آنجا مال من نبود. من از موقعی که تصدیق ۶ ابتدایی خود را گرفتم پدر و مادرم نمی‌توانستند به من کمک بکنند برای تحصیل، و من از روزی که رفتم به دبیرستان، رفتم در حجره‌ای شاگرد حجره شدم و بتدریج درجه‌ام رفت بالا تا شدم مدیر شرکت. شاه تکان خورد و روزی که برای کنفرانس اقتصادی آمد، یکی از چیزهایی که به آن اشاره کرد این بود که ما در این کشور توجه به لیاقت افراد می‌کنیم. الان جمله‌اش دقیقاً یادم نیست، ولیکن فوق‌العاده معنی دار بود. البته داستان ضیائی همانندی داشت با سرگذشت پدرش. ولی او

یک مقداری زیادی اطلاعات از اشخاص بگیرم. در همان حال می‌بایستی همکاران خودم را به تدریج انتخاب کنم و برنامه خودم را، به یک صورتی، قسمت اولش را دست کم، در موقع صحبت با افراد بخش خصوصی به آنها نشان بدهم. بدون هیچ گرافه‌گویی کاری بی‌نهایت سنگین روی دوشم آمده بود.

● در این کنفرانس اعلیحضرت صحبت می‌کند درباره اقتصاد بدون نفت و ایجاد شرکتهای سهامی بزرگ و غیره. در مورد اقتصاد بدون نفت صحبت ایشان این است که ما بایستی صنایع و صادرات را بطوری افزایش بدهیم که در واقع جایگزین آن درآمدی که از نفت می‌گیریم، بشود. شما چطور با این مسئله روبرو شدید؟ یعنی قبلاً با شما صحبت شد؟ شما نطق شاه را نوشتید، یا خود شاه این کار را کرد؟ به خاطر دارید؟

– پس از اینکه من به وزارت اقتصاد منصوب شدم دو بار با شاه ملاقات داشتم. بار اول شاه به آبعلی به اسکی رفته بود. علم به من گفت که اعلیحضرت مایلند نطقی را که بهنیا می‌خواهد در کنفرانس اقتصادی بکند، ببینند و بخوانند. گفتند که تو در جلسه حاضر بشو و اگر نظری داری، بگو. آنجا شاه را خیلی از نزدیک دیدم. با لباس اسکی بود. در اتاق محقر و ساده‌ای نشسته بود و صحبت می‌کردیم. من فوق‌العاده تحت تأثیر رفتار شاه در جمع خصوصی قرار گرفتم. فوق‌العاده رفتار ساده‌ای داشت. درست ۱۸۰ درجه برعکس آن چیزی که وقتی در جمع با مردم روبرو می‌شد. در واقع با یک آدم دوست داشتنی شما روبرو می‌شدید، فوق‌العاده دوست داشتنی، خیلی با ادب، خیلی علاقمند به این که به حرفهای شما گوش بدهد، یک چنین مردی بود. آن روز بهنیا نطق خودش را خواند و من هم نظر خاصی نداشتم. واقعاً نمی‌خواستم برای کسی که به‌تازگی همکاری کرده‌ام و سنش هم از من خیلی بیشتر بود، آنجا شروع بکنم به بحث. در اتومبیل

بنابراین فاصله چندانی اینها با هم نداشتند، یک فاصله ۲۰۰، ۳۰۰ متری با هم داشتند. من اول رفتم به وزارت بازرگانی. دلیلش این بود که در همان زمان تصمیم گرفته شده بود کنفرانس اقتصادی تشکیل بشود که به مسائل اقتصادی کشور برسد و ترتیبی بدهد که اقتصاد از رکود بیرون بیاید. فکر می‌کردند با تشکیل کنفرانس اقتصادی مسائل را حل می‌کنند. بنابراین روبرو بودم با تنظیم این کنفرانس اقتصادی، که هیچ کار اساسی‌اش انجام نشده بود. ولی از آن مهمتر این بود که یک ماه بعد باید مقررات صادرات و واردات جدید کشور را اعلام می‌کردیم و این کار خیلی سنگینی بود. در نتیجه من آن یک ماه اول کارم به کلی بیش از میزانی بود که در صورت عادی می‌توانستم تحمل بکنم. یعنی دقیقاً من سر ساعت ۲ بعداز نصف شب یا به اصطلاح دیگر ۲ صبح دفترم را ترک می‌کردم و ۶ صبح دومرتبه پشت میزم بودم. برای یک ماه من فقط چیزی حدود ۳ ساعت در شب خوابیدم. البته بعد که تعطیلات نوروزی پیش آمد، برای جبران آن شاید روزی ۱۱ ساعت تا ۱۲ ساعت خوابم می‌برد. ولی در آن مدت، من، به تحقیق، بیشتر از روزی ۳ ساعت نمی‌خوابیدم که بتوانم به هر دو این کارها برسم، و همراه با اینها شروع بکنم به انتخاب همکاران، و مشخص کنم برنامه‌هایمان چه باید باشد. بویژه تنظیم مقررات صادرات و واردات همانطور که گفتم، کار بسیار سنگینی بود، زیرا می‌بایست آن سیاستی را که من به آن اعتقاد داشتم روشن و مطرح کند. بنابراین فوق‌العاده ماه سنگینی بود.

● ولی در این ماه اول، تا کنفرانس اقتصادی تشکیل بشود، عمده فعالیت شما متوجه برگزاری این کنفرانس بود!

– هر دو بود. شش روز پس از اینکه من سر کار آمدم کنفرانس شروع به کار می‌کرد. ۸ مارس هم روز جهانی زن بود و اعلیحضرت هنگام گشایش کنفرانس اقتصادی در ۸



هیأت وزیران علم از راست: نصرت‌الله معینیان، جهانگیر تفضلی، پرویز خانلری، عطالله خسروانی، اسدالله علم، غلامحسین خوشبین، عبدالحسین بهنیا، دکتر ابراهیم ریاحی، محمد باهری و علینقی عالیخانی

احساس غرور می‌کرد که حالا خودش این امکان را برای دیگران فراهم می‌کند. در هر دو ملاقاتی که با شاه داشتم، وقتی صحبت کشاورزی و صنعت شد، چون من خودم در شرکت نفت بودم و از آن طرف می‌آمدم به مسأله نفت البته اشاره کردیم، ولی اشاره گذرا. یعنی این که ما در هر حال نمی‌توانیم تنها به امید نفت زندگی کنیم. (ادامه دارد)

هم که با هم بر می‌گشتیم بهنیا خیلی از من تشکر کرد. در جلسه با شاه صحبت‌های دیگری هم پیش آمد. خاطریم هست که من به اعلیحضرت عرض کردم که اینهمه که ما می‌گوییم صنعت داریم، ما صنعت نداریم، و گرفتاریم این است که کشاورزی هم نداریم. اعلیحضرت گفتند که چه شکلی کشاورزی نداریم؟ گفتم، مثلاً شما اگر تعداد تراکتورهایی که در ایران هست مقایسه بکنید با یکی از

اسفند در این زمینه حرفهایی زدند، و اشاره کردند که با تجدید نظر در قانون انتخابات، که در فروردین ۶ بهمین به تأیید مردم رسیده بود، زنان هم حق رأی و حق انتخاب شدن به نمایندگی مجلس را خواهند داشت. مدت کنفرانس یک هفته بود. من باید هر روز در این کنفرانس شرکت می‌کردم و، همراه با این، تمام کسانی را که می‌خواستند با من ملاقات بکنند ببینم، چون من هم احتیاج داشتم

وال استریت ژورنال: اسماعیل قآنی «دلالت در سایه» از اتاق پشتی «محور مقاومت» را هدایت می‌کند



اسماعیل قآنی فرمانده «سپاه قدس»

با حمله به شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران در سراسر سوریه و عراق پاسخ داد، این پیام را مستقیم به قآنی ارسال کرد: «عقب‌نشینی کنید!»

راسموسن تأکید می‌کند «هنوز در منطقه نمی‌دانند تصمیم بعدی قآنی چیست و اقدام بعدی را چه زمانی انجام می‌دهد و آیا شبه‌نظامیانی که [رژیم] ایران ایجاد کرده و از آنها پشتیبانی می‌کند، از او پیروی خواهند کرد؟» وی در ادامه می‌نویسد «ترور سردار سلیمانی توسط ایالات متحده یک اقدام ویژه برای از بین بردن زنجیره فرماندهی از تهران به متحدان مسلح آن بود که از سوریه و عراق تا یمن، لبنان و سرزمین‌های فلسطینی فعالیت می‌کنند. اما این اقدام توانایی آنها را برای بهم ریختن منطقه کاهش نداد. این فقط آنها را گستاخ‌تر کرد، کشتیرانی در دریای سرخ را مختل کردند، به اسرائیل حمله کرده و تهدیدی فزاینده برای نیروهای آمریکایی به وجود آوردند.»

راسموسن می‌گوید اگر هدف از ترور سلیمانی کاهش کنترل حکومت ایران بر این گروه‌ها بود، ایالات متحده به آن دست یافت و مشکل رژیم ایران نیز همین است.

یک مقام ارشد لبنانی و مشاور سپاه پاسداران در لبنان ادعا کرده «فرمانده سپاه قدس از زمان حمله حماس به اسرائیل هفته‌ها بین شبه‌نظامیان منطقه رفت و آمد می‌کند تا به آنها بگوید که مطمئن باشند حملاتشان علیه اسرائیل و پایگاه‌های آمریکایی آنقدر شدید نباشد که منجر به یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر شود.»

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا، هفته گذشته با اشاره به سالگرد «یوم کیپور» هشدار داد که «ما حداقل از سال ۱۹۷۳ و احتمالاً حتی قبل از آن، وضعیتی به خطرناکی وضعیتی که اکنون در سراسر منطقه با آن روبرو هستیم ندیده‌ایم.» وال استریت ژورنال می‌نویسد، «سلیمانی نقش مهمی در تسلیح و آموزش ائتلاف بازیگران غیردولتی ایران

بهمین) منتشر شد، قآنی را «دلالت در سایه» خوانده که از اتاق پشتی «محور مقاومت» را هدایت می‌کند.

سانی انگل راسموسن روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی در این مقاله می‌نویسد، چهار سال پیش، ایالات متحده یک حمله پهبادی برای کشتن مردی که رهبری عملیات‌های شبه‌نظامی مخفی جمهوری اسلامی را بر عهده داشت، انجام داد. قاسم سلیمانی به عنوان شناخته‌شده‌ترین فرمانده نظامی خاورمیانه، یک شبکه‌ی فرقه‌ای ایجاد کرده و نیروی قدس سپاه را در رأس این شبکه قرار داد که بیش از دو دهه نفوذ نظامی جمهوری اسلامی در سراسر جهان عرب را گسترش داد.

وی می‌افزاید: «مردی که جانشین او شد بسیار متفاوت است، یک دلالت بی‌ادعا که اکنون با یک وظیفه دشوار جدید روبروست: استفاده از گروه‌های مسلح شبه‌نظامی برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی بدون برانگیختن انتقام ویرانگر از سوی ایالات متحده.»

اسماعیل قآنی از زمان تحویل گرفتن نیروی قدس بی‌سر و صدا برای تحکیم شبه‌نظامیان از گروه‌های مختلف که تحت هدایت جمهوری اسلامی از بغداد تا دریای سرخ فعالاند، فعالیت کرده است، آنها وضعیتی ایجاد کرده‌اند که دولت ایالات متحده آن را بی‌ثبات‌ترین شرایط در دهه‌های اخیر در خاورمیانه ارزیابی می‌کند.

نویسنده توضیح می‌دهد، از حوثی‌ها در یمن گرفته تا شبه‌نظامیان شیعه در سوریه و عراق، مشتریان شبه‌نظامی قآنی این پتانسیل را دارند که مجموعه‌ای از درگیری‌ها را که با حمله حماس در «هفت اکتبر» آغاز شد، شعله‌ور سازند و با هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکایی، ایالات متحده را بیشتر به درون باتلاق بکشانند. به عنوان نمونه، حمله پهبادی که بیش از یک هفته پیش منجر به کشته شدن سه سرباز آمریکایی در اردن شد. وقتی ایالات متحده آخر هفته

● حلیلگر سیاسی وال استریت ژورنال می‌نویسد «مردی که جانشین سلیمانی شد بسیار با او متفاوت است، یک دلالت بی‌ادعا که اکنون با یک وظیفه دشوار جدید روبروست: استفاده از گروه‌های مسلح شبه‌نظامی برای گسترش نفوذ جمهوری اسلامی بدون برانگیختن انتقام ویرانگر از سوی ایالات متحده.»

● «اسماعیل قآنی از زمان تحویل گرفتن نیروی قدس بی‌سر و صدا برای تحکیم شبه‌نظامیان از گروه‌های مختلف که تحت هدایت جمهوری اسلامی از بغداد تا دریای سرخ فعالاند، فعالیت کرده است، آنها وضعیتی ایجاد کرده‌اند که دولت ایالات متحده آن را بی‌ثبات‌ترین شرایط در دهه‌های اخیر در خاورمیانه ارزیابی می‌کند.»

● وال استریت ژورنال می‌نویسد «سلیمانی نقش مهمی در تسلیح و آموزش ائتلاف بازیگران غیردولتی ایران داشته است. او مسلماً شناخته‌شده‌ترین فرمانده منطقه بود، با هاله‌ای تقریباً افسانه‌ای در میان طرفدارانش و تصویری عمومی که توسط رهبری جمهوری اسلامی به عنوان شاهدهی بر نفوذ فزاینده سلیمانی در خاورمیانه پرورش داده شده بود.»

● ری تکبه کارشناس سپاه پاسداران در اندیشکده آمریکایی «شورای روابط خارجی» می‌گوید: «قآنی در حد و اندازه‌ی سلیمانی نیست.»

● «در عراق شبه‌نظامیان عمیق‌تر در سیستم سیاسی و امنیتی کشور ادغام شدند و در حالی که قدرت نفوذ بر سیاست کشور را به دست آورده‌اند، اما خارج از کنترل دولت باقی ماندند. این گروه‌ها با دریافت بودجه و تسلیحات از [رژیم] ایران، همگی در چارچوبی کلی که توسط تهران تعیین می‌شد، اما با خودمختاری برای پیگیری برنامه‌های داخلی خود عمل می‌کرده‌اند. خودکفایی روزافزون این گروه‌ها، تهران را از بار اقتصادی تأمین مالی آنها رها کرد، اما همزمان نفوذ و توانایی آن را برای مهار آنها نیز کاهش داد. این یک مشکل برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.»

کمی پس از کشته شدن سه‌نظامی آمریکایی در پایگاه «برج ۲۲» اردن، منابع غیررسمی گزارش دادند که اسماعیل قآنی فرمانده نیروهای «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سفر به بغداد با محمد السودانی نخست‌وزیر عراق و فرماندهان ارشد گروه‌های نیابتی دیدار کرده است. پس از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» حملات موشکی و پهبادی به پایگاه‌های آمریکا در منطقه افزایش پیدا کرد. هرچند که حکومت ایران ادعا می‌کند گروه‌های شبه‌نظامی از تهران دستور نمی‌گیرند و مستقل عمل می‌کنند اما تقریباً همه مطمئن هستند که آنها بازوی نیروهای «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند و توسط آنها هدایت می‌شوند.

اسماعیل قآنی مدت‌هاست در فهرست سپاه اسرائیل قرار دارد اما در هفته‌های اخیر که فشار بر دولت جو بایدن برای اقدام مستقیم علیه پایگاه‌ها و فرماندهان سپاه پاسداران به شدت افزایش یافته، نگاه‌ها بیشتر از گذشته متوجه وی شده است.

روزنامه «وال استریت ژورنال» در مقاله‌ای که ۵ ژانویه ۱۶)

ترور ناجی الکعبی از فرماندهان ارشد «عصائب اهل الحق» در عراق



ناجی الکعبی

و با شلیک تیرهوایی علیه عاملان این اقدام شعار دادند. برخی منابع گزارش می‌دهند که بین اعضای شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی و گروه‌های شبه‌نظامی دیگر درگیری شده است.

خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی می‌نویسد «برخی رسانه‌های عراقی ترور الکعبی را به گروه‌های بعثی و همچنین وابسته به آمریکا منتسب کرده‌اند.» شماری از منابع گزارش دادند که الکعبی رئیس دفتر شیخ قیس الخزعلی دبیرکل «عصائب اهل الحق» عراق بود. برخی طرفداران این گروه تروریستی ضمن تسلیت به الخزعلی اشاره کرده‌اند که وی توسط «باند‌های مواد مخدر» و «اوباش» کشته شده است.

الکعبی نقش مهمی در حملات راکتی و پهپادی علیه نیروهای آمریکایی مستقر در عراق و مرز سوریه داشت. هنوز هیچ گروهی مسئولیت ترور الکعبی را به عهده نگرفته اما عشیره وی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرده است که از آمریکا انتقام خواهد گرفت.

بعد از کشته شدن سه سرباز آمریکایی در اردن در حملات پهپادی که «مقاومت عراق» مسئولیت آن را به عهده گرفت، آمریکا تعدادی از پایگاه‌های وابسته به گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی را در عراق و سوریه بمباران کرد. برخی منابع گزارش دادند که در این حملات بیش از ۴۰ نفر کشته شدند. عصائب اهل الحق از گروه‌هایی است که مستقیم تحت کنترل قاسم سلیمانی قرار داشت.

بودجه و تسلیحات از [رژیم] ایران، همگی در چارچوبی کلی که توسط تهران تعیین می‌شد، اما با خودمختاری برای پیگیری برنامه‌های داخلی خود عمل می‌کرده‌اند. خودکفایی روزافزون این گروه‌ها، تهران را از بار اقتصادی تأمین مالی آنها رها کرد، اما همزمان نفوذ و توانایی آن را برای مهار آنها نیز کاهش داد. این یک مشکل برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود.»

● منابع عراقی گزارش دادند که ناجی الکعبی از فرماندهان امنیتی شبه‌نظامیان «عصائب اهل الحق» در استان میسان (عماره) در جنوب عراق توسط افراد ناشناس ترور شده است. وی شبانه در حالی که رانندگی می‌کرد هدف گلوله قرار گرفت.

● ساعاتی پس از اعلام خبر ترور الکعبی ده‌ها نفر از شبه‌نظامیان حشدالشعبی در عماره به خیابان‌ها ریخته و با شلیک تیرهوایی علیه عاملان این اقدام شعار دادند.

● خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی می‌نویسد «برخی رسانه‌های عراقی ترور الکعبی را به گروه‌های بعثی و همچنین وابسته به آمریکا منتسب کرده‌اند.»

● برخی منابع گزارش دادند که الکعبی رئیس دفتر شیخ قیس الخزعلی دبیرکل «عصائب اهل الحق» عراق بود. شماری از طرفداران این گروه تروریستی ضمن تسلیت به الخزعلی اشاره کرده‌اند که وی توسط «باند‌های مواد مخدر» و «اوباش» کشته شده است.

منابع عراقی روز دوشنبه ۵ فوریه (۱۶ بهمن‌ماه) گزارش دادند که ناجی الکعبی از فرماندهان امنیتی شبه‌نظامیان «عصائب اهل الحق» در استان میسان (عماره) در جنوب عراق توسط افراد ناشناس ترور شده است. وی شبانه در حالی که مشغول رانندگی بود هدف گلوله قرار گرفت.

ساعاتی پس از اعلام خبر ترور الکعبی ده‌ها نفر از شبه‌نظامیان حشدالشعبی در عماره به خیابان‌ها ریخته

گروه‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی یک پل زمینی در سراسر خاورمیانه تشکیل می‌دهند که در اتحادی که تهران آن را «محور مقاومت» نامیده بهم متصل می‌شوند. نویسنده در پایان عنوان می‌کند «در عراق، شبه‌نظامیان عمیق‌تر در سیستم سیاسی و امنیتی کشور ادغام شدند و در حالی که قدرت نفوذ بر سیاست کشور را به دست آورده‌اند، اما خارج از کنترل دولت باقی ماندند. این گروه‌ها با دریافت

داشته است. او مسلماً شناخته‌شده‌ترین فرمانده منطقه بود، با هاله‌ای تقریباً افسانه‌ای در میان طرفدارانش و تصویری عمومی که توسط رهبری جمهوری اسلامی به عنوان شهادی بر نفوذ فزاینده سلیمانی در خاورمیانه پرورش داده شده بود.»

اما ری تکیه کارشناس فعالیت‌های سپاه پاسداران در اندیشکده آمریکایی «شورای روابط خارجی» می‌گوید: «آنها خیلی وقت‌ها به نتایجی که می‌خواهند نمی‌رسند... قآنی در حد واندازه‌ی سلیمانی نیست.»

قآنی که در اواخر دهه ۱۹۵۰ به دنیا آمد، جزئیات کمی از زندگینامه‌اش را برای عموم فاش کرده است. او که یک بوروکرات بود، بیشتر عمر خود را صرف نظارت بر منافع ایران در افغانستان کرد و کم به زبان عربی صحبت می‌کرد. برخلاف دیگر مقامات ارشد تهران، به نظر نمی‌رسد که او نقش فعالی در انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ داشته باشد و یک سال بعد، در سال ۱۹۸۰، به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که برای دفاع از حاکمان جدید تشکیل شده بود، پیوست. او در اوایل دهه ۱۹۸۰ در جبهه جنوب در جریان جنگ ایران و عراق با سلیمانی دوست شد و بعداً گفت که این جنگ دوستی عمیقی بین آنها ایجاد کرد.

علی آلفونه کارشناس مسائل سپاه پاسداران می‌گوید: «قآنی در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۵ گفته بود ما همه بچه‌های جنگ هستیم. کسانی که در شرایط سخت با هم دوست می‌شوند، روابط عمیق‌تر و پایدارتری نسبت به کسانی دارند که فقط به خاطر همسایگی با هم دوست می‌شوند.»

در دهه ۱۹۹۰ پس از جنگ ایران و عراق، قآنی ترفیع گرفت و به عنوان معاون نیروی زمینی سپاه توجه خود را به افغانستان معطوف کرد، جایی که با قاچاقچیان مواد مخدر مبارزه کرده و بعداً از ائتلاف شمالی ضد طالبان حمایت می‌کرد که با ایالات متحده نیز برای سرنگونی همکاری نمود. طالبان در سال ۲۰۰۱ زمانی که سلیمانی ده‌ها هزار نفر را برای دفاع از دولت سوریه در برابر نیروهای داعش در طول جنگ داخلی در آنجا بسیج کرد، قآنی به استخدام شیعیان افغان کمک کرد تا به صفوف آنها بپیوندند.

تکیه می‌گوید: «در حالی که سلیمانی از نفوذ خود برای بسیج محور مقاومت استفاده می‌کرد، قآنی به دنبال نزدیک‌تر کردن متحدان ناهمگون رژیم ایران در سطح عملیاتی است که به یک گفتگوی دائمی نیاز دارد تا داشتن شخصیتی شبیه سلیمانی.»

با توجه به اینکه خاورمیانه در آستانه یک درگیری گسترده‌تر است، قآنی و سایر مقامات رژیم ایران در تلاش هستند تا اطمینان حاصل کنند که شبه‌نظامیان آنها حملات بیشتری را تحریک نمی‌کنند.

والاستریت ژورنال به نقل از یک «مشاور ارشد حکومت ایران» که در جلسات قآنی با شبه‌نظامیان شرکت کرده می‌نویسد «پس از حمله پهپادی در اردن، مقامات ایران به عراق سفر کردند تا به متحدان‌شان در آنجا بگویند که در این حمله با کشتن نیروهای آمریکایی خط قرمزها را رد کرده‌اند.»

راسموسن در بخش دیگری از این مقاله می‌نویسد «با کاهش جنگ در عراق و سوریه، نقش شبکه شبه‌نظامیان وابسته به ایران تغییر کرد. بسیاری از آنها در ساختار سیاسی ادغام شدند. در لبنان، جایی که حزب‌الله هم یک حزب سیاسی است و هم به عنوان یک عامل با‌زدارنده در برابر حملات اسرائیل تلقی می‌شود، و در یمن، جایی که حوثی‌ها پایتخت را به تصرف خود درآورده‌اند و به عنوان دولت موجود در نظر گرفته می‌شوند.»

نیویورک تایمز: «دکترین بایدن» برای خاورمیانه: تشکیل دولت مستقل فلسطین، اقدام قاطع مقابل رژیم ایران و تلاش جهت همکاری اسرائیل و عربستان



جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا

● توماس فریدمن تحلیلگر مسائل سیاسی در مقاله‌ای که در روزنامه «نیویورک تایمز» منتشر شد با هشدار نسبت به وضعیت «خطرناک و پیچیده» منطقه ادعا کرد، «در آستانه آشکار شدن استراتژی جدید دولت بایدن برای پرداختن به این جنگ چندجانبه‌ای هستیم که غزه، ایران، اسرائیل و منطقه را درگیر کرده است چیزی که امیدوارم «دکترین بایدن» برای کاهش این تنش‌ها باشد.

● فریدمن در این مقاله توضیح داده استراتژی بایدن می‌تواند سه مسیر داشته باشد: تشکیل دولت فلسطینی مستقل، اقدام قاطع مقابل رژیم ایران و تشیل ائتلاف امنیتی گسترده با عربستان و دولت‌های عربی منطقه.

● نادر موسوی‌زاده، مؤسس شرکت مشاوره ژئوپلیتیکی «Macro Advisory Partners» معتقد است تشکیل کشور مستقل فلسطینی «امنیت اسرائیل و امنیت متحدان عرب آمریکا را تقویت می‌کند و به آمریکا مشروعیت می‌دهد تا علیه [رژیم] ایران و متحدان آن اقدام مؤثر انجام دهد و جمهوری اسلامی را از نظر نظامی و سیاسی منزوی می‌کند».

● «اگر دکترین بایدن ظهور کند، ژئوپلیتیک خوب در خارج و سیاست خوب در داخل خواهد بود. با گرفتن کارت فلسطین از تهران این می‌تواند در مقابل رژیم ایران هم از نظر نظامی و هم از نظر سیاسی بازدارندگی ایجاد کند. این امر می‌تواند کشور فلسطین را بر اساس شرایطی که با امنیت اسرائیل سازگار است، ارتقاء دهد و به طور همزمان، شرایطی را برای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی با شرایطی که فلسطینیان می‌توانند بپذیرند، ایجاد کند و همین استراتژی است که می‌تواند براساس آن با متحدان عرب کار کرد».

دولت بنیامین نتانیاهو همزمان با ادامه جنگ علیه حماس در غزه از سوی رهبران و مقام‌های سیاسی غرب و همچنین رسانه‌های بین‌المللی برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی زیر فشار قرار گرفته است. شماری از تحلیلگران معتقدند استراتژی بایدن برای تشکیل کشور فلسطینی مستقل می‌تواند کارت فلسطین را از جمهوری اسلامی بگیرد و به انزوای رژیم ایران بیانجامد. این در شرایطی است که مقامات ارشد آمریکایی در حزب جمهوریخواه معتقدند «تا بایدن بُردل در قدرت است رژیم ایران به ما می‌خندد».

در همین ارتباط توماس فریدمن تحلیلگر مسائل سیاسی در مقاله‌ای که پنجشنبه اول فوریه (۱۲ بهمن‌ماه) در روزنامه «نیویورک تایمز» منتشر شد با هشدار نسبت به وضعیت «خطرناک و پیچیده» منطقه ادعا کرد، «در آستانه آشکار شدن استراتژی جدید دولت بایدن برای پرداختن به جنگ چندجانبه‌ای هستیم که غزه، ایران، اسرائیل و منطقه را درگیر کرده و امیدوارم «دکترین بایدن» برای کاهش این تنش‌ها باشد». نویسنده همزمان هشدار داده اگر دولت بایدن راهبرد جسورانه‌ی مناسبی برای خاورمیانه در پیش نگیرد، بحران تشدید خواهد شد و نه تنها موقعیت جمهوری اسلامی تقویت می‌شود بلکه اسرائیل منزوی‌تر شده و وضعیت را پیچیده‌تر و خطرناک‌تر می‌کند و اینهمه روی توانایی آمریکا برای تأثیرگذاری بر وقایع تأثیر خواهد گذاشت.

فریدمن در مقدمه توضیح داده استراتژی بایدن می‌تواند سه مسیر را همزمان طی کند:

حملات تروریستی هفت اکتبر حماس به اسرائیل، باعث تجدید نظر اساسی در سیاست‌های خاورمیانه‌ای دولت بایدن خواهد شد. «انتقامجویی گسترده اسرائیل علیه حماس هزاران غیرنظامی فلسطینی بی‌گناه در غزه را کشته است، حملات گسترده به کارکنان اسرائیل و آمریکا در منطقه و ناتوانی دولت راست‌گرای اسرائیل در ارائه هرگونه طرحی برای اداره غزه صبح پس از پایان جنگ با یک شریک فلسطینی غیرحماس» موضوعاتی است که نویسنده به آن اشاره کرده و می‌نویسد: «ما دیگر نمی‌توانیم اجازه دهیم [رژیم] ایران برای بیرون کردن ما از منطقه تلاش کند و اسرائیل را نیز به نابودی تهدید نماید و متحدان عرب ما را با اقدامات نیابتی حماس، حزب‌الله، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان شیعه در عراق بترساند [اما اکنون] تهران راحت نشسته و بهایی نمی‌پردازد.» در بخش دیگری از این مقاله با اشاره به مخالفت نتانیاهو با تشکیل یک دولت فلسطینی مستقل و موافقت دولت‌های عربی منطقه با این اقدام آمده «ایالات متحده آگاه است هرگز نسبت به متحدان عرب و مسلمان ناتو برای مقابله با تهدیدات [رژیم] ایران مشروعیت نخواهد داشت، مگر اینکه اجازه ندهیم بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل سیاست ما را به گروگان بگیرد... باید کار را شروع کنیم. آنها می‌بایست برای ایجاد یک تشکیلات خودگردان فلسطینی معتبر و قانونی که بتواند روزی غزه و کرانه باختری را بطور مؤثر اداره کند و به عنوان همسایه خوب اسرائیل در امتداد مرزهای نهای، با یکدیگر مذاکره کنند.»

بخش دوم این مقاله دیدگاه نادر موسوی‌زاده، مؤسس شرکت مشاوره ژئوپلیتیک «Macro Advisory Partners» و مشاور ارشد سازمان ملل متحد در دوره کوفی عنان را درباره دکترین ادعایی بایدن بازتاب داده است. وی این راهبرد را «استراتژی حسابرسی دوگانه» توصیف می‌کند. موسوی‌زاده می‌گوید: «شما از نظر استراتژیک می‌دانید جمهوری اسلامی بلوف می‌زند و در عین حال دست به ابتکار بی‌سابقه‌ای می‌زند تا زمینه‌ی تشکیل یک کشور

(۱) مسیر اول، موضع محکم و قاطعانه در قبال جمهوری اسلامی، از جمله انتقامجویی قوی علیه نیروهای نیابتی و عوامل رژیم ایران در منطقه در پاسخ به قتل سه سرباز آمریکایی در اردن که ظاهراً توسط گروه‌های نیابتی عراقی صورت گرفته است.

(۲) مسیر دوم، ابتکار دیپلماتیک بی‌سابقه از جانب آمریکا برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی که مستلزم نوعی به رسمیت شناختن یک کشور غیرنظامی فلسطینی در کرانه باختری و نوار غزه از سوی ایالات متحده است. این وضعیت تنها زمانی به وجود می‌آید که فلسطینی‌ها مجموعه‌ای از نهادها و قابلیت‌های امنیتی تعریف شده و معتبر را ایجاد کنند تا اطمینان حاصل شود که این کشور قابل دوام است و در عین حال باید مطمئن بود که هرگز نمی‌تواند اسرائیل را تهدید کند. فریدمن مدعی شده مقامات دولت بایدن با کارشناسان داخل و خارج از دولت ایالات متحده در مورد اشکال مختلفی که به رسمیت شناختن کشور فلسطین می‌تواند داشته باشد، مشورت کرده‌اند.

جو بایدن پیش از این در یک سخنرانی گفته بود مردم فلسطین سزاوار داشتن یک کشور مستقل هستند اما فعلاً دولت نتانیاهو با این قضیه مخالف است.

(۳) در مسیر سوم، ایالات متحده باید یک «ائتلاف امنیتی گسترده» با مشارکت عربستان سعودی ایجاد کند که مستلزم عادی شدن روابط تل‌آویو و ریاض است. اگر دولت اسرائیل آماده پذیرش یک روند دیپلماتیک منجر به غیرنظامی شدن کشور فلسطین به رهبری تشکیلات خودگردان فلسطینی باشد، وضعیت متحول می‌شود. در واقع «دکترین بایدن» می‌تواند به بزرگترین تغییر استراتژیک در منطقه از زمان «پیمان کمپ دیوید» در سال ۱۹۷۹ تبدیل شود.

فریدمن در ادامه می‌نویسد «با این حال، برای موفقیت دکترین بایدن، همزمان این سه مسیر باید کاملاً بهم گره بخورند. من معتقدم مقامات آمریکایی این را درک می‌کنند.» در ادامه این مقاله فریدمن تأکید می‌کند «یقین دارم»



آمریکا شبکه‌ای از تأمین‌کنندگان واحد سایبری و برنامه‌های موشکی سپاه پاسداران را تحریم کرد



نمایشگاه موشکی سپاه پاسداران

با استفاده از باج‌افزارهای مخرب اقدام به عملیات علیه بیمارستان کودکان بوستون در سال ۲۰۲۱ کردند.

یکی از افرادی که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته حمیدرضا لشگریان است که از وی به عنوان فرمانده سایبری و جنگ الکترونیک سپاه پاسداران و مسئول حملات سایبری سپاه، نام برده شده است. همچنین حمید همایون‌فال، میلاد منصوری، محمدباقر شیرین‌کار و رضا محمدامین صابریان از عوامل ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین در یک بیانیه دیگر اعلام کرد که چهار شرکت مستقر در ایران و هنگ‌کنگ که اقدام به فراهم ساختن مواد و فناوری کاربر و حساس برای برنامه‌های موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی کرده‌اند در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

این شرکت‌ها اقدام به تأمین قطعات و تجهیزات برای شرکت «پیش‌تازان کاوش گستر بشر» و شبکه مخفی حامد دهقان مرتبط با سپاه پاسداران می‌کردند.

عوامل سپاه پاسداران از طریق شرکت‌های مستقر در هنگ‌کنگ اقدام به خرید انواع سوئیچ‌های ماتریس، موتورهای توربین، قطعات میکروالکترونیک و سایر تجهیزات آمریکایی و غربی به ارزش چندصد میلیون دلار کردند که در ساخت پهپاد کاربرد دارند.

شرکت «نارین سپهر مبین ایساتیس» که با عنوان «شرکت با مسئولیت محدود پیش‌تازان صنعت پرواز صدا» نیز شناخته می‌شود، به فهرست تحریم‌ها اضافه شد.

برایان نلسون معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، درباره این تحریم‌ها نیز گفت: «تکثیر مستمر تسلیحات متعارف پیشرفته ایران، از جمله پهپادها و موشک‌هایی که سربازان آمریکایی را هدف قرار می‌دهند، همچنان تهدیدی حیاتی برای ثبات منطقه است... ما در استفاده از مجموعه کامل ابزارهای خود برای ایجاد اختلال در شبکه‌های خرید غیرقانونی که قطعات این سیستم‌های تسلیحاتی را تأمین می‌کنند مصمم هستیم و همچنین کسانی را که به دنبال صادرات این سلاح‌ها به گروه‌های نیابتی تروریست هستند، پاسخگو خواهیم کرد.»

● بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا عوامل سایبری سپاه پاسداران به مراکز از جمله زیرساخت‌های صنعتی و استراتژیک مانند سیستم آبرسانی اسرائیل که تأمین کننده آب آشامیدنی برای مردم است حمله سایبری کردند که می‌توانست پیامدهای انسانی ویرانگری داشته باشد.

● یکی از افرادی که در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفته حمیدرضا لشگریان است که از وی به عنوان فرمانده سایبری و الکترونیک سپاه پاسداران و مسئول حملات سایبری سپاه، نام برده شده است. همچنین حمید همایون‌فال، میلاد منصوری، محمدباقر شیرین‌کار و رضا محمدامین صابریان از عوامل ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند که در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند.

● عوامل سپاه پاسداران از طریق شرکت‌های مستقر در هنگ‌کنگ اقدام به خرید انواع سوئیچ‌های ماتریس، موتورهای توربین، قطعات میکروالکترونیک و سایر تجهیزات آمریکایی و غربی به ارزش چندصد میلیون دلار کردند که در ساخت پهپاد کاربرد دارند.

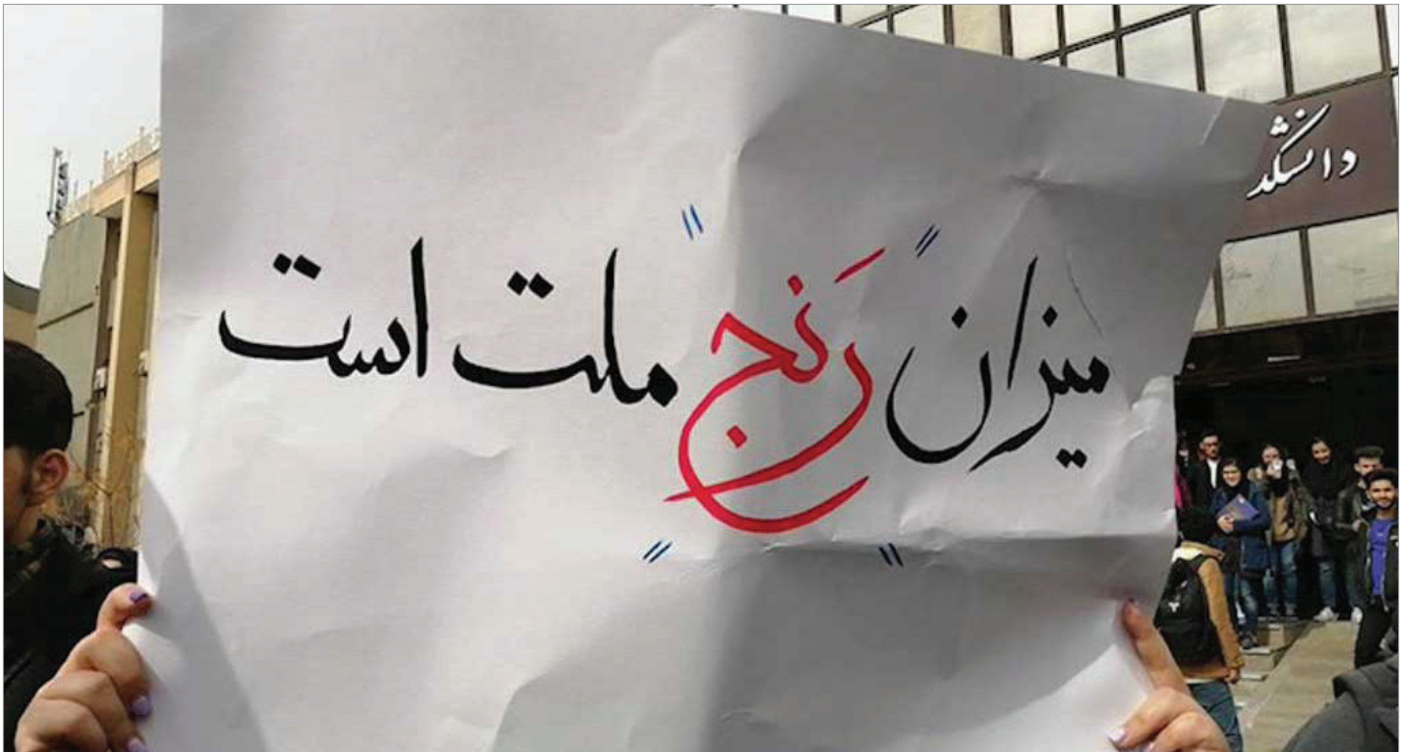
دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری (OFAC) روز جمعه دوم فوریه (۱۳ بهمن‌ماه) شش مقام فرماندهی سایبری الکترونیک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را که مسئول بخشی از اقدامات مخرب سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی آمریکا و سایر کشورهاست تحریم کرد. برایان نلسون، معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی، درباره این تحریم‌ها می‌گوید: «هدف قرار دادن عمده زیرساخت‌های حیاتی توسط عوامل سایبری [رژیم] ایران، اقدامی غیروجدانی و خطرناک است. ایالات متحده چنین اقداماتی را تحمل نخواهد کرد و از طیف وسیعی از ابزارها و مقامات خود برای پاسخگویی به عاملان استفاده خواهد کرد.»

بر اساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا عوامل سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مراکز از جمله زیرساخت‌های صنعتی و استراتژیک مانند سیستم آبرسانی اسرائیل که تأمین‌کننده آب آشامیدنی برای مردم است حمله سایبری کردند که می‌توانست پیامدهای انسانی ویرانگری داشته باشد. همچنین عوامل سایبری وابسته به رژیم ایران

غیرنظامی فلسطینی را فراهم کنید، به روشی که آمریکا تا کنون هرگز انجام نداده است.» او معتقد است تشکیل کشور مستقل فلسطینی «امنیت اسرائیل و امنیت متحدان عرب آمریکا را تقویت می‌کند و به آمریکا مشروعیت می‌دهد تا علیه [رژیم] ایران و متحدان آن اقدام مؤثر انجام دهد و جمهوری اسلامی را از نظر نظامی و سیاسی منزوی کند.» موسوی‌زاده می‌گوید «خوشبختانه بایدن به اندازه کافی در این مسیر بوده تا بداند نتانیاهو فقط در تلاش است تا او را به سمت خود بکشد. گاهی اوقات سن یک مزیت است. وقت آن است که بازی‌های نتانیاهو و آیت‌الله‌ها را بشناسیم... دکترین بایدن راه درستی برای انجام آن است. ما تحمل کرده‌ایم که [رژیم] ایران هر ابتکار سازنده‌ای را که می‌خواستیم در خاورمیانه تحقق ببخشیم نبود... در عین حال، دولت نتانیاهو را تحمل کرده‌ایم که می‌خواهد برای همیشه به هر شکلی از تشکیل دولت فلسطین جلوگیری کند حتی تا جایی که حماس را در برابر تشکیلات خودگردان فلسطین برای سال‌ها تقویت کند تا اطمینان حاصل نماید که هیچ شریک یکپارچه فلسطینی وجود نخواهد داشت.»

وی می‌افزاید: «هفت اکتبر نشان داد که سیاست ما در قبال جمهوری اسلامی و همچنین در قبال اسرائیل و فلسطین ناکام بوده. این سیاست‌ها حماس را توانمند ساخت و به آنها قدرت داد تا اسرائیل را وحشی کند. آنها حوثی‌ها را توانمند ساختند و به آنها قدرت دادند تا کشتیرانی جهانی را فلج کنند، و به شبه‌نظامیان شیعه طرفدار جمهوری اسلامی ایران اجازه دادند تا نیروهای آمریکایی را از منطقه بیرون کنند.» این تحلیلگر سیاسی اضافه کرده که «همه اینها بدون این صورت گرفت که کسی رژیم تهران را مسئول استقرار گروه‌های نیابتی خطرناک و خرابکار در سراسر منطقه علیه اهداف سازنده متحدان ما بداند. به همه این دلایل است که من معتقدم، امیدوارم و دعا می‌کنم که دکترین بایدن برای خاورمیانه در راه باشد و اسرائیلی‌ها نیز آن را بپذیرند.» در بخش دیگری از این مقاله آمده «اسرائیل اکنون در سه جبهه شکست می‌خورد. جنگ روایت‌ها بر سر غزه را باخته است: حتی اگر حماس اسرائیلی‌ها را به قتل رسانده و به آنها تجاوز کرده باشد، این اسرائیل است که به دلیل تلفات غیرنظامیان در غزه به دادگاه بین‌المللی دادگستری در لاهه کشیده شده است، در حالی که تلاش می‌کند حماس را ریشه‌کن کند. پایگاه‌های حماس در میان غیرنظامیان مستقر شده است که اسرائیل را شریک حماس در کشتار می‌کند... اسرائیل همچنین در جبهه ثبات منطقه در حال شکست است. اکنون هدف حمله چهار جبهه‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط حماس، حزب‌الله، حوثی‌ها و شبه‌نظامیان شیعه در عراق است اما نمی‌تواند متحدان عرب یا ناتو را همراه خود کند؛ همان چیزی که برای پیروزی در جنگ به آن نیاز دارد زیرا از اقدام برای ایجاد یک شریک معتبر و قانونی فلسطینی خودداری می‌کند.» موسوی‌زاده در پایان می‌گوید: «اگر دکترین بایدن ظهور کند، ژئوپلیتیک خوب در خارج و سیاست خوب در داخل خواهد بود. این با گرفتن کارت فلسطین از تهران می‌تواند در مقابل رژیم ایران هم از نظر نظامی و هم از نظر سیاسی بازدارندگی ایجاد کند. این امر می‌تواند کشور فلسطین را بر اساس شرایطی که با امنیت اسرائیل سازگار است، ارتقاء دهد و همزمان، شرایطی را برای عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و عربستان سعودی با شرایطی که فلسطینیان می‌توانند بپذیرند، ایجاد کند و همین استراتژی است که می‌تواند بر اساس آن با متحدان عرب کار کرد. این راه‌بردی است که می‌تواند در داخل سیاست ایران، در داخل سیاست فلسطین و در داخل سیاست اسرائیل حساب باز کند.»

تنور سرد انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی خامنه‌ای با نگرانی از «ریزش» دست به دامن «خواص» شد



پیش است. خواص بتوانند نقش ایفا کنند. مطمئناً انتخابات در داخل کشور هر چه پرشورتر صورت بگیرد، قدرت ملی را بیشتر نشان می‌دهد.»

او همچنین بار دیگر «دشمن» را در مقابل «مردم» قرار داد و گفت: «قدرت ملی امنیت ملی می‌آورد؛ یعنی وقتی دشمن نگاه می‌کند جبهه دشمن حضور مردم را می‌بیند قدرت نظام را مشاهده می‌کند، می‌بیند این کشور کشور قدرتمندی است مردم حاضر و آماده‌اند. تهدید دشمن خنثی می‌شود. یعنی اقتدار ملی امنیت ملی را به وجود می‌آورد این خیلی چیز باارزش و مهمی است. این را خواص می‌توانند نقش آفرینی کنند، انتخابات را پرشور کنند.»

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان با انتخابات مجلس خبرگان رهبری قرار است کمتر از یکماه دیگر در ۱۱ اسفند برگزار شود.

در هفته‌های گذشته دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرای حکومت همه توان خود را برای جلب توجه افکار عمومی به موضوع «انتخابات» به کار گرفتند اما با شکست روبرو شدند. همکاری و هماهنگی جناحین حکومت در جستجوی راهکاری برای گرم کردن تنور انتخابات امسال علنی‌تر از سال‌های گذشته ادامه داشته بطوری که ماه گذشته شماری از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در دیدار با ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» شرکت کردند تا بار دیگر بتوانند برای حفظ مشروعیت جمهوری اسلامی و ایفای نقش و کسب قدرت گامی موثر بردارند.

محمد قوچانی، علی ربیعی، مجید انصاری، محمدعلی ابطحی، مصطفی کواکبیان، حسین مرعشی، محمد هاشمی و جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات از جمله حاضران در این نشست بودند.

به وجود آوردند.» او در ادامه گفته «خواص عناصر شتاب‌دهنده جامعه هستند. خواص با فکر و شناخت و تشخیص عمل می‌کنند و تابع جو نیستند.»

علی خامنه‌ای در پایان سخنانش بار دیگر به «خواص» اشاره کرد و گفت: «خوشبختانه در کشور ما و در ملت ما خواص در اقلیت نیستند. کسانی که از روی نقشه، فکر، تشخیص اقدام می‌کنند، کار می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، در سطح کشور گسترده است. این از برکات انقلاب است.» رهبر جمهوری اسلامی تأکید کرد: «اینها می‌توانند نقش آفرینی کنند. اینها می‌توانند در موارد حساس برای کشور کار انجام بدهند. وظیفه اینها وظیفه سنگینی است. اینها باید جهت عمومی حرکت جامعه را حفظ کنند و نگذارند این حرکت دچار انحراف بشود. اگر خواص جامعه از این وظیفه غفلت بکنند، حوادثی که پیش خواهد آمد، ضربه‌های تاریخی به ملت‌ها می‌زند.»

رهبر جمهوری اسلامی گفته «امروز جبهه دشمن برای خواص برنامه خاص دارد، برای خواص در کشور خود ما و در خیلی از جاهای دیگر برنامه دارند، اینها را دچار تردید کنند، دچار تأمل کنند، دچار تعلل کنند، احیاناً چرب و شیرین دنیا را به اینها بچشانند، اینها را جذب کنند برای اینکه در بزنگاه، در نقاط حساس، در آن جایی که لازم است که یک اقدامی انجام بدهند، انجام ندهند و آن شتاب‌دهندگی‌ای که از خواص متوقع است، آن صورت نگیرد. برنامه دارند برای این کار. وظیفه خواص این است. باید تردیدافکنی و شک آفرینی دشمن را خنثی کنند.»

رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به موضوع انتخابات نمایشی گفته «داخل کشور خودمان هم مسئله انتخابات در

● علی خامنه‌ای حامیان و طرفداران نظام از همه جناحین را «خواص» خوانده و با ابراز نگرانی از اینکه آنها تحت تأثیر «دشمن» ریزش کنند، از آنان خواسته فعال شوند تا انتخابات «پرشور» برگزار شود.

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران در مطلبی انگشت در چشم مردم فرو برده و تحریم‌ها را نتیجه تحریم انتخابات از سوی آنها دانسته است.

● نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) نشان می‌دهد مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی تنها ۲۷ درصد خواهد بود.

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که قرار است در میانه اسفندماه امسال برگزار شود برای شهروندان در ایران اهمیتی ندارد بطوری که تنور سرد انتخابات سبب نگرانی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی شده و او دست به دامن «خواص» شده تا در برگزاری «انتخابات پر شور نقش ایفا کنند.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی امروز دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲ در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، درباره انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی که قرار است کمتر از یک ماه دیگر برگزار شود گفته «خواص برای انتخابات پرشور نقش ایفا کنند.»

رهبر جمهوری اسلامی که منظورش از «خواص» حامیان و طرفداران حکومت از همه جناحین آن هستند، گفته «وظیفه خواص سنگین است. نتیجه غفلت خواص از وظیفه خود ضربه‌های سنگین تاریخی به ملت خواهد بود.»

علی خامنه‌ای همچنین گفته «خواص در دنیای اسلام در قبال موضوع غزه وظیفه دارند. خواص دنیای اسلام باید درخواست عمومی برای قطع رابطه با رژیم صهیونیستی را

مصادره ۵۲۰ هزار بشکه نفت ایران توسط آمریکا؛ توقیف ۱۰۸ میلیون دلار پول از شبکه تأمین مالی سپاه پاسداران



جمهوری اسلامی با کشتی‌هایی موسوم به «ناوگان شبح» اقدام به دور زدن تحریم‌های آمریکا و انتقال نفت به چین و سوریه می‌کند

«فرار از تحریم و پولشویی» در ارتباط با قاچاق و فروش نفت ایران به پالایشگاه‌های دولتی چین محاکمه شدند. مریک گارلند، دادستان کل آمریکا، می‌گوید: «ایران از درآمدهای حاصل از فروش نفت در بازار سپاه برای تأمین مالی فعالیت‌های جنایتکارانه خود، از جمله حمایت از سپاه پاسداران، حماس، حزب‌الله و سایر گروه‌های تروریستی همسو استفاده می‌کند... وزارت دادگستری با توقیف بیش از ۱۰۸ میلیون دلار پول و ۵۰۰ هزار بشکه سوخت تأمین مالی برای تروریسم را هدف قرار داده است.»

لیزا موناکو، معاون دادستان کل آمریکا، درباره این پرونده‌ها می‌گوید: «در حالی که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی قدس آن، سلاح‌های قوی تروریست‌های رژیم هستند، نفت رگ حیاتی آنهاست... اقدامات اجرایی امروز نشان می‌دهد که وزارت دادگستری متعهد است از هر ابزاری - از تعقیب کیفری گرفته تا تصرفات قانونی نفت و سود نفت ایران - برای بستن خط لوله نفت و سود [رژیم] ایران استفاده کند. اتهامات و توقیف‌های اعلام شده به هسته اصلی شبکه جهانی قاچاق نفت که [رژیم] ایران برای تأمین مالی رژیم ترور و سرکوب خود ساخته ضربه می‌زند و میلیون‌ها دلار درآمد رژیم را برای پیشبرد برنامه پلید خود مسدود می‌کند.»

طبق اعلام وزارت دادگستری آمریکا «این ۱۰۸ میلیون دلار متعلق به شرکت سهامی خاص نفت چین (سی‌اوی‌سی) است». شرکتی که به عنوان شرکت صوری متعلق به سپاه پاسداران ایران فعالیت می‌کند.

بر اساس این اقدام، علیه هفت تن از جمله مرتضی قاسمی، فرزند رستم قاسمی از فرماندهان سابق سپاه و وزیر نفت پیشین جمهوری اسلامی و نیز بهنام شهریاری از فرماندهان نیروی قدس طرح اتهام شده است.

● در بیانیه وزارت دادگستری آمریکا آمده این پرونده‌ها هفت متهم شامل فرماندهانی از سپاه و پرسنل یک شرکت انرژی در ترکیه هستند که به جرائم تروریستی، فرار از تحریم، کلاهبرداری و پولشویی در ارتباط با قاچاق و فروش نفت ایران متهم شده‌اند.

● این شبکه فروش نفت را به خریداران وابسته به دولت‌های چین و روسیه و سوریه برای سپاه قدس تسهیل می‌کرده است.

● در اقدامی مرتبط، یک زن چینی و یک مرد عمانی به اتهام «فرار از تحریم و پولشویی» در ارتباط با قاچاق و فروش نفت ایران به پالایشگاه‌های دولتی چین محاکمه شدند.

وزارت دادگستری آمریکا در ارتباط با سه پرونده مربوط به شبکه بین‌المللی قاچاق نفت ایران که تأمین‌کننده مالی فعالیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «سپاه قدس» است با وارد آوردن اتهام «تأمین مالی تروریسم» و «دور زدن تحریم‌ها»، مبلغ ۱۰۸ میلیون دلار از دارایی‌های این شبکه و همچنین بیش از ۵۲۰ هزار بشکه نفت ایران را توقیف کرد.

در بیانیه وزارت دادگستری آمریکا که دوم فوریه (۱۳ بهمن‌ماه) منتشر شد آمده این پرونده‌ها هفت متهم شامل فرماندهانی از سپاه و پرسنل یک شرکت انرژی در ترکیه هستند، که به جرائم تروریستی، فرار از تحریم، کلاهبرداری و پولشویی در ارتباط با قاچاق و فروش نفت ایران متهم شده‌اند.

این شبکه فروش نفت را به خریداران وابسته به دولت‌های چین و روسیه و سوریه برای سپاه قدس تسهیل می‌کرده‌اند. در اقدامی مرتبط، یک زن چینی و یک مرد عمانی به اتهام

همچنین در هفته‌های گذشته خبر رد صلاحیت افراد شناخته شده حکومت، از جمله شماری از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی، برای شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، و همچنین رد صلاحیت شمار دیگری از چهره‌های حکومتی از جمله حسن روحانی برای شرکت در انتخابات خبرگان رهبری هم نتوانست نظر مردم را به نمایش انتخاباتی جلب کند.

نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد مردم قصد شرکت در انتخابات را ندارند. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، اوایل آبان‌ماه از پنج هزار فرد بالای ۱۸ سال ساکن در شهرها و روستاهای کشور در اینبار نظرسنجی کرد. ۲۷/۹ درصد مردم اعلام کردند که در انتخابات شرکت می‌کنند و در مقابل ۳۶ درصد از شرکت‌کنندگان بطور قطعی اعلام کرده بودند در انتخابات شرکت نمی‌کنند و حدود ۲۹ درصد نیز احتمالاً قصد شرکت در انتخابات را نخواهند داشت.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیمه دی‌ماه گذشته در سخنرانی در جمع مداحان درباره انتخابات گفته بود: «انتخابات یک وظیفه است و هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است.» رهبر جمهوری اسلامی مدعی شد که «برخی می‌خواهند انتخابات و حضور مردم که اثبات تحقق مردم‌سالاری دینی است ضعیف و نامناسب باشد تا حرف و ایده امام بزرگوار و وعده الهی دروغ درآید که در مقابل این حرکت خصمانه، مجاهدان تبیین باید با بیان حقایق بایستند و به وظیفه خود عمل کنند.»

علی خامنه‌ای پیش از آن در ششم دی‌ماه نیز در یک دیدار با «اقشار مختلف بانوان» از آنان خواست همسر و فرزندان‌شان را به مشارکت در انتخابات وادار کنند.

سخنان علی خامنه‌ای در هفته‌های گذشته کاملاً از موضع «ضعف» بوده و بیانگر نگرانی عمیق او درباره عدم مشارکت مردم در انتخابات و تحریم گسترده انتخابات مجلس شورای اسلامی است.

نگرانی از سرد بودن تنور انتخابات تا حدی جدی شده که روزنامه «کیهان» چاپ تهران در مطلبی انگشت در چشم مردم فرو برده و تحریم‌ها را نتیجه تحریم انتخابات از سوی آنها دانسته است: «افزایش تحریم‌ها تقصیر مردم هست چون در انتخابات شرکت نکردند، غرب فشار را زیاد کرد!» در مطلب روزنامه «کیهان» چاپ تهران آمده که «کاهش نسبی مشارکت مردم در انتخابات دور ششم ریاست جمهوری نسبت به دور پنجم سبب تشدید فشار غرب به ایران گردید و دودش به چشم مردم ایران رفت.»

این مطلب افزوده که «انتخابات پیش رو میزان‌الحراره‌ای است که اگر در تراز باشد، دشمن را از فشار بر مردم مأیوس می‌کند و اگر نباشد، دشمنی علیه ملت افزایش می‌دهد.» روزنامه «جام جم» هم مدعی شده است که «مشارکت ضعیف در انتخابات، فضا را برای ورود افرادی که از شایستگی لازم برخوردار نیستند، مهیا می‌کند، در نتیجه مجلسی به وجود می‌آید که توان صیانت از حقوق مردم و قانونگذاری صحیح را ندارد.»

روزنامه اصولگرایی « جوان » نیز هفته گذشته در مطلبی به انتخابات اسفندماه پرداخته و نوشته بود: «اولویت نظام اسلامی در انتخابات پیش رو از کیفیت و نتیجه صندوق‌های رأی به کمیت و میزان حضور مردم تغییر یافته است، چراکه اگر انتخابات سرد و ضعیف برگزار شود، قوی‌ترین مجالس هم امکان جبران خلأهای ناشی از آن را نخواهند داشت. در خصوص علل تغییر اولویت‌های نظام، کافی است به تغییر راهبردها و تاکتیک‌های دشمن در قبال انتخابات اشاره کرد.»

گزارش تصویری از کنفرانس «همبستگی ملی برای آینده ایران»



شمیلا نژادهاشمی از «شورای مدیریت گذار» و دکتر نادر زاهدی از شورای مرکزی حزب مشروطه ایران حضور داشتند که در ارتباط با چگونگی دستیابی به برابری جنسیتی پایدار از طریق مشارکت سیاسی فعال سخن گفتند. فروغ کنعانی گرچه عضو «جبهه ۷ آبان» است ولی به شکل فردی در این کنفرانس شرکت داشت. این پنل توسط فروغ حسین پور از حزب مشروطه ایران گردانده شد.

پنل دوم با موضوع خاورمیانه در چنگال تروریسم اسلامی و اینکه آیا خامنه‌ای ایران را به سوی جنگ می‌برد، با حضور نازنین انصاری روزنامه‌نگار بین‌المللی و مدیر مسئول کیهان لندن و کیهان لایف، فریبرز صارمی از «جنبش وحدت ملی ایرانیان» و مهران براتی از «شورای مدیریت گذار» برگزار شد. دامون گلریز فعال سیاسی ساکن هلند هم یکی از مهمانان این کنفرانس بود که سخنان خود را به صورت ویدئو به کنفرانس فرستاد که حزب مشروطه ایران آن را در وبسایت خود منتشر می‌کند. این پنل توسط اکبر کشوری از حزب مشروطه ایران

حزب مشروطه توانست در این کنفرانس جمعا پنج گروه و سازمان مختلف سیاسی ملی‌گرا در خارج کشر را گرد آورد: «شورای مدیریت گذار»، «شورای ملی تصمیم»، «جنبش وحدت ملی ایرانیان» و «جمعیت سوسیال دموکراسی برای ایران».

گرچه جای برخی گروه‌های ملی‌گرا مانند «جبهه ۷ آبان» و «حزب ایران نوین» در این کنفرانس خالی بود، اما آقای فوآد پاشایی دبیرکل حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) در پاسخ به پرسش من در همین ارتباط، نوید همکاری نه تنها با این گروه‌ها بلکه با همه گروه‌های ملی‌گرا از جمهوریخواه تا پادشاهی‌خواه و مشروطه‌خواه را در صورت تمایل آنها در آینده داد.

در روز نخست چهار پنل برگزار شد که در هر پنل چند سخنران از طیف‌ها و احزاب گوناگون شرکت داشتند. در پنل نخست، فروغ کنعانی از «جبهه ۷ آبان»، شهلا انصاری از «شورای ملی تصمیم»، فهیمه ایلغمی از مسئولین و فعالین زنان در حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات)،

حزب مشروطه توانست در این کنفرانس جمعا پنج گروه و سازمان مختلف سیاسی ملی‌گرا در خارج کشر را گرد آورد: «شورای مدیریت گذار»، «شورای ملی تصمیم»، «جنبش وحدت ملی ایرانیان» و «جمعیت سوسیال دموکراسی برای ایران».

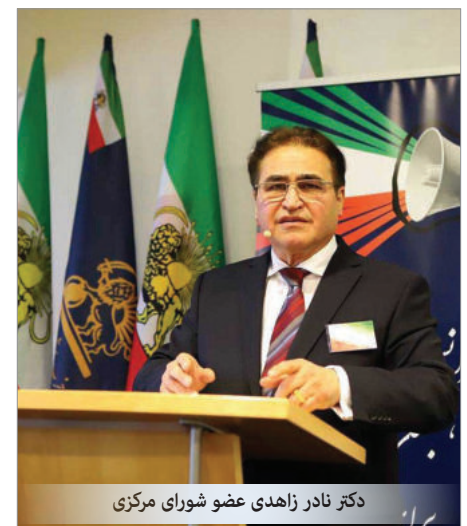
کنفرانس در روز دوم پس از نشست درون‌حزبی که از ساعت ۱۰ صبح آغاز شد، در ساعات نخستین بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۵ بهمن به امید تداوم اینگونه نشست‌ها و تقویت همبستگی بین مخالفان میهن‌دوست و دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی به کار خود پایان داد. اختر قاسمی - کنفرانس «همبستگی ملی برای آینده ایران» که به دعوت حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات) روز شنبه سوم فوریه ۲۰۲۴ (۱۴ بهمن ۱۴۰۲) با سرود «ای ایران» در هامبورگ شروع شد، یکشنبه ۱۵ بهمن پس از یک نشست درون‌حزبی به کار خود پایان داد. شرکت‌کنندگان هنگام پخش سرود به احترام همه آسیب‌دیدگان چشمی در خیزش ملی اخیر، چشم‌بندی بر یک چشم خود بسته بودند.



فروغ کنعانی از جبهه ۷ آبان



نازنین انصاری مدیرمسئول کیهان لندن و کیهان لایف



دکتر نادر زاهدی عضو شورای مرکزی



foto: akhtar ghasemi

نادر زاهدی از شورای مرکزی حزب مشروطه گردانده شد.
کنفرانس در روز دوم پس از نشست درون‌حزبی که

این پنل توسط عضو دیگری از حزب مشروطه، پروفسور حمید تفضلی، مدیریت شد.
آخرین پنل درباره‌ی پیمان همکاری و ضرورت



فواد پاشایی دبیرکل حزب مشروطه ایران

گردانده شد.

پنل سوم با حضور پرویز دستمالچی نویسنده و پژوهشگر علوم سیاسی، یزدان شهدایی از «شورای مدیریت گذار»،



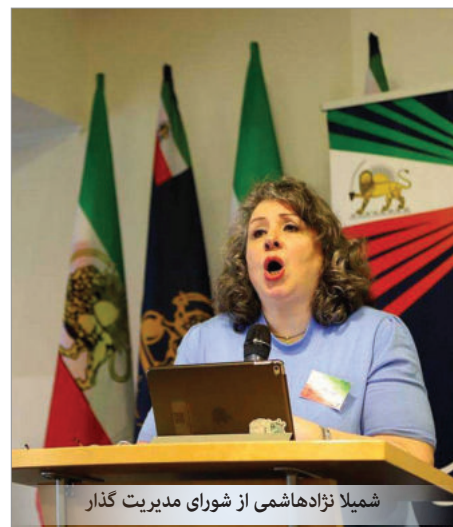
فریبرز صامی از جنبش وحدت ملی ایرانیان

از ساعت ۱۰ صبح آغاز شد، در ساعات نخستین بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۵ بهمن به امید تداوم اینگونه نشست‌ها و تقویت همبستگی بین مخالفان میهن‌دوست و دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی به کار خود پایان داد.



فریدون احمدی از شورای مدیریت گذار

همبستگی ملی برای گذار به دموکراسی در ایران بود که با حضور فریدون احمدی از «شورای مدیریت گذار»، حمید بی‌آزار از «شورای ملی تصمیم» و فواد پاشایی دبیرکل حزب مشروطه ایران برگزار شد و توسط دکتر



شمیلا نژادهاشمی از شورای مدیریت گذار

دکتر کاوه موسوی فعال سیاسی، رضا طالبی از «جمعیت سوسیال دموکراسی برای ایران»، دکتر بابک بهزادی عضو شورای مرکزی حزب مشروطه ایران (لیبرال دموکرات) درباره‌ی مبانی حکمرانی مدرن در ایران آینده سخن گفتند.



حمید بی‌آزار از شورای ملی تصمیم



فهیمة ایلمی فعال زنان حزب مشروطه ایران



فروغ حسین پور از حزب مشروطه ایران

فایننشال تایمز: جمهوری اسلامی از دو بانک بریتانیایی «لویدز» و «سانتندر» برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کرده است



بانک بریتانیایی «سانتندر»

ایران به پرداخت جرمه‌های سنگینی محکوم شده بودند. فشارها بر دولت بریتانیا برای قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی به شدت افزایش پیدا کرده اما ریشی سوناک نخست وزیر و دستیارانش معتقدند تحریم سپاه بهتر از تروریستی اعلام کردن آن است!

کمتر از یک ماه پیش از انتشار این گزارش، مجلس عوام بریتانیا دوشنبه ۱۵ ژانویه (۲۵ دی ماه) میزبان نخست‌وزیر این کشور ریشی سوناک بود. موضوع اصلی در این نشست این بود که چرا دولت بریتانیا همچنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نمی‌دهد؟ در همین جلسه بین دانکن اسمیت از سوناک پرسید: «چرا هنوز تمایلی به تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران که مسئول هماهنگی این کارهاست، نداریم؟ هنوز دو بانک ایرانی در شهر لندن هستند که به این سازمان‌های وحشتناک پول می‌دهند.»

همچنین هریت بالدوین به سوناک گفت که «گزارش می‌شود که پهیادهای مورد استفاده حوثی‌ها با کمک ایران ساخته شده. مؤسسه آمریکن اینترپرایز گزارش داده که روسیه ۹۰۰ میلیون دلار برای خرید پهپاد به ایران کمک کرده. آیا نخست وزیر به مجلس اطمینان خواهد داد که ما هر کاری که از دست‌مان بر می‌آید در این کشور انجام می‌دهیم تا مطمئن شویم این پول‌ها از طریق سیستم مالی بریتانیا نمی‌گذرد؟»

نخست وزیر بریتانیا در پاسخ گفته بود: «ما باید هر کاری که می‌توانیم برای جلوگیری از این موضوع انجام دهیم و من در این مورد اطمینان می‌دهم. مجلس از اقداماتی که ما در دو سال گذشته در زمینه شفافیت مالی و ثبت مالکیت ذینفع انجام داده‌ایم که به ما اجازه می‌دهد تا با جرائم اقتصادی و پولشویی مقابله کنیم، مطلع خواهد شد.»

پاسخ به فایننشال تایمز گفته است در مورد مشتریان اظهار نظر نمی‌کند اما «به شدت به تحریم‌ها پایبند است». این روزنامه به نقل از یک «منبع آگاه» گزارش داد که حساب شرکت «پیسکو» در بانک سانتاندر بسته شده است.

یکی دیگر از این شرکت‌ها با نام «آریا» که در لندن فعالیت می‌کند در بانک لویدز حساب دارد اما در واقع تحت کنترل شرکت بازگانی پتروشیمی ایران است. مالک این شرکت «محمدعلی رجال» نام دارد اما اسناد افشاشده نشان می‌دهد او بطور مرتب با شرکت بازگانی پتروشیمی در تهران مکاتبه داشته و مقامات تهران از او می‌خواستند که «هیچ نشانه‌ای» از بازگانی پتروشیمی در فعالیت‌های این شرکت وجود نداشته باشد.

گروه بانکی «لویدز» با بیان اینکه نمی‌تواند در مورد مشتریان حقیقی اظهار نظر کند، اما قوانین تحریمی را رعایت می‌کند، افزود: «به دلیل محدودیت‌های قانونی نمی‌توانیم در مورد ارائه گزارش فعالیت‌های مشکوک به مراجع ذیربط و به زمان آنها در صورت وقوع اظهار نظر کنیم.»

آلیسیا کرنز رئیس حزب محافظه‌کار کمیته روابط خارجی مجلس عوام بریتانیا در این رابطه گفت: «سال‌هاست که مرتب نگرانی‌های خود را در مورد نیاز ما به تعطیلی فعالیت‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بریتانیا مطرح کرده‌ام. این بررسی بار دیگر ثابت می‌کند که باید کارهای بیشتری انجام شود.»

لیام برن از نمایندگان مجلس عوام و عضو حزب کارگر نیز گفت: «به صراحت بگویم، این یک شکست تکان‌دهنده در اقدام برای همکاری با متحدان‌مان برای تعطیل کردن تأمین مالی یک رژیم متخاصم است.»

پیش از این چند بانک اروپایی از جمله «یونی‌کردیت» و «استاندارد چارترد»، به دلیل نقض تحریم‌های آمریکا علیه

صاحبان این حساب‌ها به ظاهر شرکت‌های انگلیسی هستند که دفاتر آنها در لندن قرار دارد اما در واقع متعلق به شرکت بازگانی پتروشیمی ایران بوده‌اند.

این شرکت دولتی بخشی از شبکه‌ای است که ایالات متحده آن را به جمع‌آوری صدها میلیون دلار برای نیروی «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی روسیه جهت جمع‌آوری پول برای شبه‌نظامیان نیابتی جمهوری اسلامی متهم می‌کند.

یکی از این شرکت‌های صوری «شرکت پیسکو» است که مالک آن بر اساس داده‌های ثبت شرکت‌ها، یک شهروند بریتانیا به نام «عبدالله سیاوش فهیمی» است. «پیسکو» در واقع توسط شرکت بازگانی پتروشیمی اداره می‌شود و عبدالله سیاوش فهیمی نیز همکار این شرکت تحریم‌شده است.

روزنامه «فایننشال تایمز» در گزارشی که یکشنبه ۴ فوریه (۱۵ بهمن‌ماه) منتشر کرده می‌گوید رژیم ایران بطور مخفیانه از دو بانک بزرگ انگلیسی برای نقل و انتقال پول در سراسر دنیا سوء استفاده می‌کند که بخشی از شبکه بزرگ جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌هاست.

بر اساس اسنادی که نسخه‌ای از آنها به دست این روزنامه بریتانیایی رسیده، دو بانک «لویدز» و «سانتندر» چندین حساب پوششی را به صورت مخفیانه به شرکت بازگانی پتروشیمی ایران اختصاص داده‌اند.

صاحبان این حساب‌ها به ظاهر شرکت‌های انگلیسی هستند که دفاتر آنها در لندن قرار دارد اما در واقع متعلق به شرکت بازگانی پتروشیمی ایران بودند.

این شرکت دولتی بخشی از شبکه‌ای است که ایالات متحده آن را به جمع‌آوری صدها میلیون دلار برای نیروی «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همکاری با سازمان‌های اطلاعاتی روسیه جهت جمع‌آوری پول برای شبه‌نظامیان نیابتی جمهوری اسلامی متهم می‌کند.

شرکت PCC و شرکت تابعه بریتانیایی آن PCC UK از نوامبر ۲۰۱۸ تحت تحریم‌های ایالات متحده قرار دارند.

اسناد، ایمیل‌ها و سوابق حسابداری نشان می‌دهد که در طول این مدت، شعبه شرکت PCC در بریتانیا خارج از یک دفتر رسمی در باغ‌های گروسونور در بلگراویا با استفاده از شبکه پیچیده‌ای از شرکت‌های پوششی در بریتانیا و سایر کشورها فعالیت می‌کرده است. این شبکه از حمایت نهادهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی برخوردار بوده است.

فایننشال تایمز نموداری از یک شبکه پیچیده را منتشر کرده که حکومت ایران از طریق آن تحریم‌ها را دور می‌زند و بطور مخفیانه اقدام به انتقال پول می‌کند.

بر اساس این گزارش، شرکت بازگانی پتروشیمی ایران از زمانی که تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفت، برای انتقال پول از چین شرکت‌های صوری در بریتانیا تأسیس و به نام آنها در دو بانک بزرگ این کشور حساب بانکی باز کرد.

یکی از این شرکت‌های صوری «شرکت پیسکو» است که مالک آن بر اساس داده‌های ثبت شرکت‌ها، یک شهروند بریتانیا به نام «عبدالله سیاوش فهیمی» است. «پیسکو» در واقع توسط شرکت بازگانی پتروشیمی اداره می‌شود و عبدالله سیاوش فهیمی نیز همکار این شرکت تحریم‌شده است. این شرکت در بانک سانتاندر حساب دارد و این بانک در

عملیات مشترک نیروهای ائتلاف علیه حوثی‌ها در خاک یمن؛ دیوید کامرون: به امیر عبداللہیان گفتم شما مسئول حملات نیابتی‌ها هستید



تصویر پرتاب موشک علیه تأسیسات حوثی‌ها از ناوهای آمریکایی / عکس: سنکام

شد که ۸۵ هدف مرتبط با شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی هدف قرار گرفت. در این حملات بیش از ۴۰ نفر کشته شدند اما گفته می‌شود هیچکدام جزو پرسنل ایرانی سپاه پاسداران نبودند.

خبرگزاری رویترز در تشریح تنش‌های دریای سرخ می‌نویسد، در حالی که واشنگتن شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران را به حمله به نیروهای آمریکایی در پایگاه‌های عراق، سوریه و اردن متهم می‌کند، حوثی‌های مرتبط با رژیم ایران در یمن بطور دائم کشتی‌های تجاری و کشتی‌های جنگی را در دریای سرخ هدف قرار می‌دهند.

حوثی‌ها که پرجمعیت‌ترین بخش‌های یمن را کنترل می‌کنند، می‌گویند که حملات آنها در راستای همبستگی با فلسطینی‌هاست اما ایالات متحده و متحدانش آنها را به عنوان یک تهدید برای تجارت جهانی توصیف می‌کنند.

در مواجهه با خشونت فزاینده در دریای سرخ، خطوط کشتیرانی اصلی و شرکت‌های بزرگ تا حد زیادی مسیر تجاری مهم را دور زده و در مسیرهای طولانی ترانزیت کالا را ادامه می‌دهند. این امر باعث افزایش هزینه‌ها شده و نگرانی‌ها را در مورد تورم جهانی افزایش داده است. در عین حال درآمد خارجی مهم مصر بابت عبور و مرور کشتی‌ها از کانال سوئز به شدت کاهش یافته است.

به گفته کارشناسان، استراتژی نوظهور بایدن در مورد یمن، تضعیف شبه‌نظامیان حوثی است، اما از تلاش برای شکست این گروه یا حمله مستقیم به ایران، حامی اصلی حوثی‌ها، کوتاهی می‌کند. این استراتژی حملات و تحریم‌های نظامی محدود در ترکیب می‌کند و به نظر می‌رسد با هدف مجازات حوثی‌ها و در عین حال تلاش برای محدود کردن خطر یک درگیری گسترده در خاورمیانه است.

(دور روز پیش از این حمله) در یک سخنرانی در لبنان گفته بود که بریتانیا «باید صریح‌ترین پیام‌های ممکن را به ایران بفرستد و اعلام کند که اقداماتی که از طریق گروه‌های نیابتی خود انجام می‌دهد قابل تحمل نیست.»

در شرایطی که رژیم ایران هر گونه دخالت در حملات شبه نظامیان را تکذیب می‌کند، کامرون در مصاحبه با «ساندی تایمز» گفت: «من با وزیر خارجه ایران دیدار کردم و گفتگوی بسیار جدی داشتم که در آن گفتم این حملات توسط نیابتی‌های شماس و نمی‌توانید از خود سلب مسئولیت کنید.»

کامرون به حسین امیرعبداللہیان تأکید کرده «البته شما می‌توانید ادعا کنید که آنها تا حدودی استقلال عمل دارند، اما شما آنها را ایجاد کردید، از آنها حمایت کردید، از آنها حمایت مالی کردید، به آنها اسلحه دادید و در نهایت در قبال آنچه آنها انجام می‌دهند پاسخگو هستید.»

بریتانیا هفته گذشته اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به دلیل توطئه ترور دو روزنامه‌نگار مستقر در بریتانیا تحریم کرد، اما وزارت خارجه انگلیس همچنان درخواست‌های فراوان برای قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را رد می‌کند.

دیوید کامرون توضیح داده «پلیس و سرویس‌های اطلاعاتی درخواستی برای انجام این اقدام ندارند. هر قدر که روابط [با ایران] می‌تواند نامیدکننده باشد، حداقل با روابط دیپلماتیک ممکن است پیامی بسیار مستقیم به آن برسانیم.»

یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها گفت که حملات ایالات متحده «بدون پاسخ و عواقب نخواهد ماند.» این حملات به موازات کارزار تلافی‌جویانه نظامی ایالات متحده در عراق و سوریه انجام گرفت. در آن عملیات گفته

ایالات متحده و بریتانیا در دومین و به گفته برخی منابع در سومین عملیات مشترک علیه حوثی‌ها اهدافی در خاک یمن شامل انبار تسلیحات، سیستم‌های موشکی، پرتابگرها و سایر قابلیت‌هایی که به شبه‌نظامیان یمنی امکان حمله به کشتی‌ها در دریای سرخ را می‌دهد هدف قرار دادند.

به گزارش رویترز لویڈ آوستین وزیر دفاع ایالات متحده در بیانیه‌ای گفت: «این اقدام جمعی پیام روشنی به حوثی‌ها می‌فرستد که اگر حملات غیرقانونی خود به کشتی‌های بین‌المللی و کشتی‌های دریایی را پایان ندهند، عواقب بیشتری را متحمل خواهند شد.»

در شرایطی که رژیم ایران هرگونه دخالت در حملات شبه‌نظامیان را تکذیب می‌کند دیوید کامرون در مصاحبه با «ساندی تایمز» گفت: «من با وزیر خارجه ایران دیدار کردم و گفتگوی بسیار جدی داشتم که در آن گفتم این حملات توسط نیابتی‌های شماس و نمی‌توانید از خود سلب مسئولیت کنید.»

کامرون به حسین امیرعبداللہیان تأکید کرده «البته شما می‌توانید ادعا کنید که آنها تا حدودی استقلال عمل دارند، اما شما آنها را ایجاد کردید، از آنها حمایت کردید، از آنها حمایت مالی کردید، به آنها اسلحه دادید و در نهایت در قبال آنچه آنها انجام می‌دهند پاسخگو هستید.»

یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها، گفت که حملات ایالات متحده «بدون پاسخ و عواقب نخواهد ماند.»

ایالات متحده و بریتانیا در دومین و به گفته برخی منابع در سومین عملیات مشترک علیه حوثی‌ها اهدافی در خاک یمن شامل انبار تسلیحات، سیستم‌های موشکی، پرتابگرها و سایر قابلیت‌هایی که به شبه‌نظامیان یمنی امکان حمله به کشتی‌ها در دریای سرخ را می‌دهد هدف قرار دادند.

در بیانیه‌ای که دولت بریتانیا سوم فوریه (۱۴ بهمن‌ماه) صادر کرد ضمن تشریح آنچه در این عملیات گذشت تأکید شده «بر اساس رویه معمول در چنین عملیاتی که توسط نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا به اجرا گذاشته می‌شود، حملات با دقت بسیار برنامه‌ریزی شده بود تا از حداقل خطر تلفات غیرنظامی اطمینان حاصل شود و با بمباران در شب، هرگونه خطری از این قبیل کاهش می‌یافت.»

به گزارش رویترز لویڈ آوستین وزیر دفاع ایالات متحده در بیانیه‌ای گفت: «این اقدام جمعی پیام روشنی به حوثی‌ها می‌فرستد که اگر حملات غیرقانونی خود به کشتی‌های بین‌المللی و کشتی‌های دریایی را پایان ندهند، عواقب بیشتری را متحمل خواهند شد.»

هرچند در یک ماه گذشته پس از آغاز عملیات ائتلاف دریایی موسوم به «گروه ضربت ۱۵۳» بارها مقامات آمریکا و بریتانیا ادعا کردند این عملیات برای حوثی‌ها یک پیام است اما در نهایت باعث متوقف شدن حملات حوثی‌ها نشد!

کامرون: جمهوری اسلامی مسئول حملات حوثی‌هاست
دیوید کامرون وزیر امور خارجه بریتانیا روز پنجشنبه

انتقاد رئیس کمیته روابط خارجی مجلس آمریکا از عدم رسیدگی به اتهامات یک «مدیر ارشد خودی» در سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده



از استودیوی صدای آمریکا

موضوع خاتمه یافته است... اما مسئله اینجا خاتمه نیافت؛ مقامات سفارت فرانسه درگیر مسئله‌ای شدند که به یک جستجوی فراگیر بین‌المللی برای کشف حقیقت تبدیل شد. با بررسی همزمان کنگره آمریکا، فرانسوی‌ها و آژانس، این پرسش مطرح شد: چه کسی دروغ می‌گوید؟ چه کسی چه چیزی را پنهان می‌کند؟ کدام اسناد واقعی است؟ این موضوع بسیار بیشتر از اختلافات در مورد منابع انسانی و بخش پرسنل شاغل در آژانس از جمله خود مدیر مربوطه بود که مدعی بود مدرک تحصیلی خود را از دانشگاه سوربن گرفته است!

رئیس کمیته روابط خارجی مجلس آمریکا تأکید کرده مقامات ارشد دولت بایدن در مجموعه‌ای از بی‌کفایتی‌ها، نادیده گرفتن عمدی تخلفات و با ایجاد ابهامات ساختگی، هر کاری که ممکن بود برای محافظت از خود انجام دادند، تا جایی که حتی به گمراه کردن و مانع‌تراشی در تحقیقات کنگره انجامید.

این نماینده در بخش دیگری از یادداشت خود با اشاره به اینکه «آژانس رسانه‌های جهانی آمریکا» بارها داستان خود را عوض کرد می‌نویسد: «وقتی کنگره بر اساس اطلاعات فرانسوی‌ها در سال ۲۰۲۱ به USAGM اعلام کرد که آن فرد اصلاً مدرک دکترا ندارد، آژانس از مرادوه با سفارت خودداری کرد و امیدوار بود که این ماجرا به فراموشی سپرده شود. ولی، دو سال بعد، در شرایطی که افشاگران همچنان مدام در مورد تخلفات فریاد می‌زدند و تحقیقات فرانسوی بطور کامل تأیید می‌کند که در مدارک آن فرد تقلب شده، وی همچنان در آژانس به کار خود ادامه می‌دهد.»

مک‌کال پرسیده علاوه بر کنگره و مالیات‌دهندگان در آمریکا تا چه زمانی USAGM می‌تواند بی‌احترامی به کارمندان آن مجموعه که تخلفات را گزارش کرده‌اند به این رویه ادامه دهد؟

این نماینده اشاره می‌کند «مسئله‌ای که اتفاق افتاده

مدیریتی فوق‌العاده‌ای تجربه کرده است. ناکارآمدی این آژانس بر بستری از باندبازی، تعصب سیاسی و خودخواهی شکل گرفته که یک درس پشت پشت آن است: زمانی که مدیران عالی‌رتبه از نبود نظارت بیرونی سود می‌برند، دزدی و هدایت نادرست به روش‌هایی برای بقا تبدیل می‌شود. خوشبختانه در این مورد، نظارت کنگره تخلفاتی را [در این آژانس] شناسایی کرد اما کسی هنوز مسئولیت آن را به عهده نگرفته است.»

وی توضیح داد «همانطور که گزارش کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان نشان می‌دهد، انگار ماجرا مستقیماً از دل یک رمان پلیسی بیرون آمده است: یک مدیر ارشد این آژانس متهم به آزار لفظی کارکنان، سوء مدیریت در بودجه عمومی و دروغ‌بافی در مورد مدارک تحصیلی خود شده است. به دنبال این رویدادها پس از شکایت افشاگران به بازرسی کل، تحقیقات در مورد این پرونده از سوی بخش منابع انسانی آغاز می‌شود. این اتهامات تأیید می‌شود و در نهایت در زمانی که رئیس‌جمهور ترامپ در قدرت است، دستور برکناری این مقام صادر می‌شود... اندکی قبل از نهای شدن اخراج، دولت پرزیدنت بایدن روی کار می‌آید. در این میان، مدیر یادشده به نوعی می‌تواند کارش را حفظ کند- بدون هیچگونه ضبط و ربطی! در همین حال، آژانس با دموکرات‌هایی که مسئول آن شده‌اند، رفتار مربوطه را مجدداً بررسی می‌کند و در کمال تعجب این مدیر را تیره می‌کنند. به گفته حامیان بایدن که در آژانس موقعیت گرفتند، بخش پرسنل این آژانس در زمان ترامپ در مورد آن مدیر اشتباه کرده است.»

مک‌کال در ادامه می‌نویسد: «اما این پایان ماجرا نبود. وضعیت آژانس در تمام واشنگتن باعث تعجب شد. دستور به اتمام همکاری آن مدیر که در دوران ترامپ صادر شد به بهانه اینکه تصمیم سیاسی بوده اجرا نشد. با این حال، دولت بایدن در مواجهه با بازخوانی حقایق، اعلام کرد که

● دو سال پس از آنکه دانشگاه سوربن فرانسه اعلام کرد که مدرک دکترای یکی از مدیران ارشد «سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده» (USAGM) تقلبی است، مایکل مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا طی یادداشتی که هفتم فوریه (۱۸ بهمن‌ماه) در «نشنال ریویو» منتشر شد بار دیگر تأکید کرده با وجود تخلفات گسترده در بالاترین رده‌های مدیریتی این آژانس اما مدیران و مسئولان آن اقدامی برای رسیدگی به اتهامات مدیر مربوطه نکرده‌اند.

● مک‌کال تأکید کرده مقامات ارشد دولت بایدن در مجموعه‌ای از بی‌کفایتی‌ها، نادیده گرفتن عمدی تخلفات و با ایجاد ابهامات ساختگی، هر کاری که ممکن بود برای محافظت از خود انجام دادند، تا جایی که حتی به گمراه کردن و مانع‌تراشی در تحقیقات کنگره انجامید.

● این نماینده اشاره می‌کند «مسئله‌ای که اتفاق افتاده بسیار بزرگتر از یک تخلف درون سازمانی است: امتناع آژانس از پیگیری موضوع، که وظیفه آن خدمت به مردم آمریکا و حفظ اعتماد عمومی است... آژانس بجای اینکه مدارک افشاگران را جدی بگیرد و به اشتباه خود اعتراف کند در بدترین حالت ممکن، برای محافظت از یک عنصر وفادار و سرپوش گذاشتن بر خطای او تقلا می‌کند.

● در بخش پایانی این یادداشت مک‌کال موضوعی را مطرح کرده که به نظر می‌رسد جریانی که در آژانس رسانه‌ها قدرت دارد حتی باعث فریب وزارت خارجه آمریکا نیز شده است.

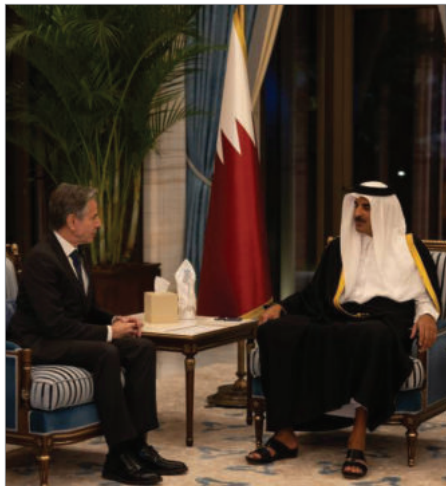
● شماری از نمایندگان جمهوریخواه کنگره آمریکا آبان ۱۴۰۰ در نامه به کیلو چائو سرپرست «سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده» خواستار توضیح وی درباره دلیل استخدام مجدد ستاره درخشش مدیر سابق بخش فارسی صدای آمریکا (VOA) شده بودند. این نمایندگان خواستار ارائه لیست کسانی شدند که وی را در این شغل استخدام کرده‌اند.

● دو سال پس از آنکه دانشگاه سوربن فرانسه اعلام کرد که مدرک دکترای یکی از مدیران ارشد «سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده» (USAGM) تقلبی است، مایکل مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا طی یادداشتی که هفتم فوریه (۱۸ بهمن‌ماه) در «نشنال ریویو» منتشر شد بار دیگر تأکید کرده با وجود تخلفات گسترده در بالاترین رده‌های مدیریتی این آژانس اما مدیران و مسئولان آن اقدامی برای رسیدگی به اتهامات مدیر مربوطه نکرده‌اند.

● وی در این یادداشت بدون نام بردن از شخص خاصی با اشاره به اتهامات یکی از مدیران ارشد این آژانس از جمله «آزار لفظی کارکنان، دزدی و سوء مدیریت در بودجه، جعل مدرک و دروغ‌بافی» می‌پرسد مدیران این نهاد دولتی تا کجا قرار است در حمایت از یک «خودی وفادار» درخواست‌های کنگره را برای رسیدگی به این موضوع نادیده بگیرند و به مالیات‌دهندگان آمریکایی و پرسنلی که در صدای آمریکا پیگیر این موضوع بودند بی‌احترامی کنند؟

● مک‌کال در مقدمه می‌نویسد: «اغلب آمریکایی‌ها هرگز نام سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده (USAGM) را نشنیده‌اند اما در سال‌های اخیر، این آژانس کوچک بحران

دیدار آنتونی بلینکن با مقامات قطر «جمهوری اسلامی گروه‌های نیابتی را مسلح می‌کند»



دیدار آنتونی بلینکن با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر / فوریه ۲۰۲۴

شده‌اند انجام گرفتند.

وزیر خارجه آمریکا ادعای مقامات جمهوری اسلامی و رهبران گروه‌های نیابتی را مبنی بر اینکه حامی مردم فلسطین هستند رد کرد و گفت حرف‌های آنها «کاملاً نادرست است و پوششی برای نیت واقعی آنهاست... حتی یک مورد از این حملات حقوق، فرصت‌ها، امنیت و کرامت فلسطینی‌ها را ارتقاء نداده است. همه آنها اساساً در جهت قدرت‌طلبی [رژیم] ایران هستند.»

وی افزود: «در پی حمله هفتم اکتبر، ما به هر بازیگری که سعی می‌کند از این درگیری سوء استفاده کند، بسیار واضح هشدار داده‌ایم که این کار را نکند. ما بسیار واضح گفته‌ایم که نمی‌خواهیم این درگیری گسترش یابد یا تشدید شود. اما همچنین به صراحت گفته‌ایم که اگر پرسنل یا مردم ما تهدید شوند، اگر مورد حمله قرار گیرند، ما پاسخ خواهیم داد. ما از آنها دفاع خواهیم کرد.»

بلینکن در پایان افزود: «ما خشونت را آغاز نمی‌کنیم، بلکه به آن پاسخ می‌دهیم. ما به دنبال جلوگیری از تشدید تنش هستیم، نه به دامن زدن آن و در این تلاش به استفاده از هر ابزاری که در اختیار داریم جهت رسیدن به یک وقفه طولانی که زمینه را برای آزادی گروگان‌ها، ارسال کمک‌های بشردوستانه بیشتر [به غزه]، آرامش بخشیدن به غیرنظامیان در غزه و پیشرفت دیپلماسی برای ایجاد یک منطقه یکپارچه با امنیت بیشتر فراهم خواهد کرد، ادامه خواهیم داد.»

دیدار بلینکن با مقامات ارشد قطری در حالی صورت گرفت که شیخ تمیم و دولت‌مردان قطر دوستان نزدیک جمهوری اسلامی هستند و سال‌هاست برای بهبود روابط تهران و واشنگتن میانجیگری می‌کنند.

برخی منابع از جمله رویترز گزارش دادند که احتمالاً حماس و اسرائیل در مورد تبادل گروگان‌ها به یک توافق رسیده‌اند. بر همین اساس ادعا شده که حماس پیشنهاد داده در مرحله اول که ۴۵ روز خواهد بود تمامی اسرای اسرائیلی، زنان و کودکان زیر ۱۹ سال، سالمندان و بیماران (بجز نظامیان) را در ازای «تعداد مشخصی» از زندانیان فلسطینی آزاد کند.

● وزیر خارجه آمریکا پس از دیدار با رهبران مصر و عربستان در دوحه با مقامات قطری دیدار کرد. اولویت آمریکا در این سفر «بحران غزه» و تلاش برای آزادی گروگان‌ها و همچنین آینده حکومت در غزه بود.

● این سفر در حالی انجام شد که حملات موشکی حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب ادامه پیدا کرده، سه نظامی آمریکا در پایگاه «برج ۲۲» اردن در حملات پهنای گروه‌های نیابتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شده و حدود ۴۰ نفر آسیب دیده‌اند و همچنین شش نفر از نیروهای گُرد شاغل در پایگاه آمریکایی «العمر» در سوریه نیز در یک حمله پهنای مشابه جان خود را از دست دادند.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا که در یک تور منطقه‌ای به مصر و عربستان سفر کرده است، در ادامه دیدارهای خود، ششم فوریه (۱۷ بهمن‌ماه) با مقامات ارشد قطر در دوحه گفتگو کرد.

این سفر در حالی انجام شد که حملات موشکی حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری در دریای سرخ و باب‌المندب ادامه پیدا کرده، سه نظامی آمریکا در پایگاه «برج ۲۲» اردن در حملات پهنای گروه‌های نیابتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کشته شده و حدود ۴۰ نفر آسیب دیده‌اند و همچنین شش نفر از نیروهای گُرد شاغل در پایگاه آمریکایی «العمر» در سوریه نیز در یک حمله پهنای مشابه جان خود را از دست دادند.

وزیر خارجه آمریکا در دوحه با شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر و محمد بن عبدالرحمن بن آل ثانی نخست وزیر این کشور دیدار کرد. بخش نخست صحبت‌های آنتونی بلینکن در کنفرانس خبری مربوط به وضعیت غزه و تلاش برای آزادی گروگان‌های اسرائیلی بود.

وی توضیح داد که آمریکا به همراه قطر و مصر پیشنهاداتی را مطرح کرده و پاسخ حماس را هم گرفته و در حال بررسی شرایط هستند.

بلینکن گفت که اولویت وقفه در جنگ و پس از آن توقف کامل آن است تا بعد برقراری امنیت و بازسازی غزه و روند حکومت در آنجا آغاز شود. وزیر خارجه آمریکا توضیح داد «کانون توجه ما حفظ موجودیت اسرائیل در منطقه با تضمین‌های امنیتی از سوی همسایگان و شرکای خود و همزمان یک طرح عملی، زمان‌بندی شده و غیرقابل بازگشت برای تشکیل یک کشور فلسطینی در کنار اسرائیل، با ترتیبات امنیتی لازم برای هر دو ملت» است.

بخش دوم صحبت‌های بلینکن بیشتر مربوط به اقدامات مخرب جمهوری اسلامی در منطقه بود. وی گفت: «کسانی هستند که می‌خواهند منطقه را به مسیر دیگری سوق دهند و مسیر دیگری را در پیش بگیرند و در هر تلاشی برای حرکت به سمت صلح و امنیت پایدار، فعالانه خرابکاری و کارشکنی می‌کنند. فقط به آنچه در چند ماه گذشته و در واقع در چند هفته گذشته دیده‌ایم نگاه بیاندازید. حملات در سوریه و عراق، حملات به اسرائیل از لبنان، حملات به کشتی‌های بین‌المللی در دریای سرخ، حملات در اردن که منجر به کشته شدن سه نظامی آمریکایی شد و البته حمله به اسرائیل در هفتم اکتبر. هر کدام توسط گروه‌هایی که توسط [رژیم] ایران آموزش دیده، مسلح شده، تأمین مالی شده و تشکیل

بسیار بزرگتر از یک تخلف درون سازمانی است: امتناع آژانس از پیگیری موضوع، که وظیفه آن خدمت به مردم آمریکا و حفظ اعتماد عمومی است... آژانس بجای اینکه مدارک افشاگران را جدی بگیرد و به اشتباه خود اعتراف کند در بدترین حالت ممکن، برای محافظت از یک عنصر وفادار و سرپوش گذاشتن بر خطای او تقلا می‌کند. رسیدگی به مسائلی که نیروهای انسانی این آژانس افشاگر آن بود و با چنگ و دندان برای روشن شدن حقیقت تلاش کردند نمی‌بایست سه سال طول بکشد.»

در بخش پایانی این یادداشت، مک‌کال موضوعی را مطرح کرده که به نظر می‌رسد جریانی که در این آژانس رسانه‌ای قدرت دارد حتا باعث فریب وزارت خارجه آمریکا نیز شده است. واحدی که مربوط به بررسی وضعیت اتباع خارجی و اعتبارنامه‌های آنهاست در مقطعی بطور رسمی مدرک جعلی آن مدیر را که ادعا کرده بود از دانشگاه سوربن فرانسه گرفته پذیرفته است!

این نماینده تأکید کرده «در تمام دولت غیرممکن است بدانیم چند نفر دیگر با جعل رزومه و مدارک از شکاف‌های موجود عبور کرده‌اند و در واقع چیزی که وانمود کرده‌اند نیستند. اگرچه برخی از آنها قطعاً خرابکارند، همانطور که افشاگری‌های اخیر تأیید کرده است. مگر اینکه نظام اداری ظرفیت خود را برای تحقیق در مورد افرادی که در موقعیت‌های حساس قرار دارند بالا ببرد. باید از عواقب آن برای امنیت ملی هراس داشته باشیم به ویژه در شرایطی که پیشرفت در هوش مصنوعی، جعل مدارک [تقلب] را آسان‌تر و تشخیص آن را دشوارتر کرده است.»

مک‌کال در خاتمه می‌نویسد: «در نهایت، حقیقتی که از USAGM فاش شده این است: ایالات متحده نمی‌تواند بطور مؤثر و معتبر با اطلاعات نادرست در خارج کشور مبارزه کند، از جمله وقتی کارمندان دولتی اطلاعات نادرست در مورد خودشان ارائه می‌دهند و مدیران آژانس هم سال‌ها از آن دفاع می‌کنند.»

سابقه انتقاد جمهوریخواهان از مدیر سابق بخش فارسی «صدای آمریکا»

جدال میان جمهوریخواهان و مدیران ارشد USAGM به دوران دونالد ترامپ بازمی‌گردد. برایان هوک نماینده‌ی ویژه آمریکا در امور ایران در دوران ترامپ در یادداشتی که خرداد ۱۳۹۹ در روزنامه «نیویورک‌پست» منتشر شد با انتقاد از فعالیت بخش فارسی تلویزیون صدای آمریکا (VOA) گفته بود مالیات‌دهندگان آمریکایی نباید بودجه شبکه‌ای را تأمین کنند که «صدای مالاها» در ایران شده است.

شماری از نمایندگان جمهوریخواه کنگره آمریکا در همان مقطع اتهاماتی را علیه ستاره درخشش مدیر وقت بخش فارسی صدای آمریکا مطرح کردند و به نتایجی که دنبال آن بودند رسیدند اما در اوایل روزهای دولت ترامپ وضعیت تغییر کرد. این نمایندگان آبان ۱۴۰۰ در نامه‌ای به کیلو چائو سرپرست «سازمان رسانه‌های جهانی ایالات متحده» خواستار توضیح وی درباره دلیل استخدام مجدد ستاره درخشش مدیر سابق بخش فارسی صدای آمریکا (VOA) شده بودند. این نمایندگان خواستار ارائه لیست کسانی شدند که وی را در این شغل استخدام کرده‌اند.

مسئولان دانشگاه معتبر سوربن فرانسه نیز تأیید کرده بودند مدرکی که او به عنوان مدرک تحصیلات عالی به (USAGM) ارائه داده مدرک دانشگاهی نیست بلکه فقط یک تأییدیه برای ساعت‌های دوره‌های آموزشی است که به صورت خانگی گذرانده است. این دانشگاه اطمینان داده بود که درخشش هیچگونه مدرک دکترا از این دانشگاه دریافت نکرده است.

مجازات سبک «قتل‌های ناموسی» نسخه شفاف‌بخش قاتل شستن ننگ به تحمل مدتی زندان می‌ارزد!



حفظ «شرف» خود دست به هر کاری می‌زنند و در بسیاری از موارد اعضای فامیل و خانواده هم حامی آنها هستند.» به گفته‌ی وی، «در این نوع جرائم معمولاً این اشخاص مجازات قانونی یعنی قصاص نمی‌شوند چرا که وقتی قاتل عضوی از اعضای خانواده است صاحبان حق قصاص نیز خودشان هستند و با گذشت از حق مجازات، امکان قصاص هم از بین می‌رود. این افراد با علم به اینکه در نهایت بین ۳ تا ۱۰ سال مجازات تعزیری در انتظارشان است دست به چنین قتل‌هایی می‌زنند، آنها می‌دانند که بعد از مدتی با این قوانین سهل و آسان، به نحوی از زندان خلاص می‌شوند حالا یا با مرخصی یا با استفاده از آزادی مشروط.»

بر اساس قوانین کیفری جمهوری اسلامی، پدر یا جد پدری می‌تواند فرزند خود را به قتل برساند بی‌آنکه سزاوار قصاص باشد. طبق همین قوانین، قصاص قاتل منوط به شکایت اولیای دم است؛ به همین دلیل درباره قتل‌های ناموسی از آنجا که قاتل خودش از اولیای دم است، با شکایت نکردن از او امکان قصاص قاتل منتفی و به حبس‌های سبک محکوم خواهد شد. یکی از وکلای ساکن تهران در گفتگو با کیهان لندن معتقد است: «گرچه مجازات قتل در ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی، قصاص تعیین شده و گرچه من بنا به دلایلی که بسیار درباره‌ی آن گفته شده، با اجرای هر نوع مجازات مرگ مخالف هستم اما درباره‌ی پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود، بجز موارد استثنایی، علت عمده‌ی این نوع قتل‌ها را بیشتر فرهنگی و قانونی می‌دانم تا قضایی. با این توضیح که بیشتر قتل‌هایی که «قتل‌های ناموسی» خوانده می‌شوند و قربانی زن است توسط پدر یا خویشاوندان صورت می‌پذیرد و بیشتر در قسمت‌هایی از کشور روی می‌دهد که تعصب و وابستگی‌های قومی و عشیره‌ای و دینی در آن پُررنگ است و بررسی علل آن موضوع جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی است.»

به گفته این حقوقدان، درواقع پدر یا برادر یا شوهر یا یکی از خویشاوندان است که تصمیم گرفته زن قربانی را که بنا به تشخیص آنها باعث ننگ‌شان شده بکشد و قبیله و وظیفه‌ی خود می‌داند از قاتل او حمایت کند و این ←

اما چرا قاتلان آنهم با رضایت خانواده مقتول، در نهایت پس از چند ماه یا چند سال حبس، آزاد می‌شوند؟ در شهریور ۱۴۰۰ مینا سوری «کودک‌همسر» ۱۴ ساله لرستانی توسط همسر به اصطلاح «روحانی» اش به قتل رسید. ۱۱ ماه بعد، در مرداد ۱۴۰۱ همسر مینا سوری به عنوان قاتل، برای خودش به مرخصی رفت و سینا قلندری خبرنگاری که این خبر را منتشر کرد به ۲۶ ماه حبس محکوم شد! همان زمان روزنامه «شرق» در گزارشی به این موضوع پرداخت و نوشت: «پدر قاتل مینا سوری با سر افراشته در دادگاه حاضر می‌شود و مقابل قاضی بدون هیچ ابایی می‌گوید که پسرش رسم عشیره‌ای را اجرا کرده و هیچ خطایی مرتکب نشده است. می‌گوید اینجا عرف است. در مقابل، این خانواده مقتول هستند که با ترس و لرز در دادگاه حاضر می‌شوند و به سختی می‌توانند حتی یک کلمه از خود دفاع کنند چون اصلاً پرونده‌ای تشکیل نمی‌شود و اگر هم شکایتی باشد با فشار اجتماعی و قومی و قبیله‌ای یا بزرگان پس گرفته می‌شود یا در نهایت فرد از چند ماه تا چند سال زندان را می‌گذراند.»

در این ارتباط مهناز ت. یک فعال حقوق زنان به کیهان لندن می‌گوید: «نکته‌ای که شاید در مورد قتل‌های ناموسی کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که همه این قاتلان موسوم به قتل‌های ناموسی در مدارس جمهوری اسلامی درس خوانده و آموزش دیده‌اند؛ اما چرا این افراد همچنان فرهنگ مردسالار و زن‌ستیز دارند؟»

وی معتقد است که اجرای مجازات شدید هم هیچ تاثیری در کاهش میزان چنین قتل‌هایی ندارد، حتی اگر حکم اعدام هم در مورد این افراد اجرا شود باز هم هستند بسیاری از مردان با تفکر مردسالار که به بهانه حفظ ناموس و غیرت دست به چنین قتل‌هایی بزنند چرا که می‌دانند در نهایت با رضایت اولیای دم، حداکثر بعد از سه سال آزاد می‌شوند. این فعال حقوق زنان به ضعف قانون در زمینه برخورد جدی با قاتلان قتل‌های ناموسی اشاره می‌کند: «به دلیل سستی و ضعف قانون در برخورد با این مجرمان این مردها به خاطر داشتن حس تملک نسبت به زنان خانواده خود برای به اصطلاح

● یک فعال حقوق زنان به کیهان لندن می‌گوید: «نکته‌ای که شاید در مورد قتل‌های ناموسی کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که همه این قاتلان موسوم به قتل‌های ناموسی در مدارس جمهوری اسلامی درس خوانده و آموزش دیده‌اند.»

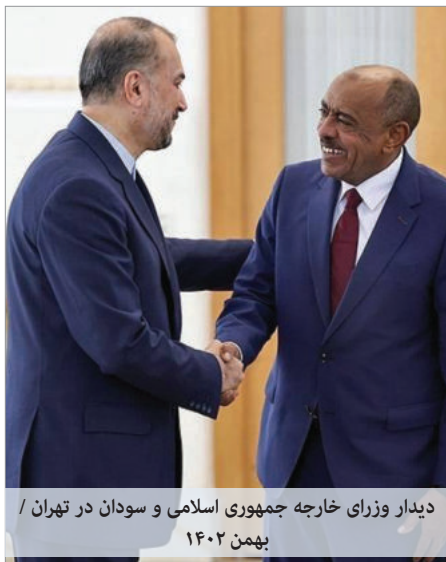
● یک وکیل ساکن تهران: «بجز موارد استثنایی، علت عمده‌ی این نوع قتل‌ها را بیشتر فرهنگی و قانونی می‌دانم تا قضایی. با این توضیح که بیشتر قتل‌هایی که «قتل‌های ناموسی» خوانده می‌شوند و قربانی زن است، توسط پدر یا خویشاوندان صورت می‌پذیرد و بیشتر در قسمت‌هایی از کشور روی می‌دهد که تعصب و وابستگی‌های قومی و عشیره‌ای و دینی در آن پُررنگ است و بررسی علل آن موضوع جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی است.»

● در شرایط امروز ایران، «قتل‌های ناموسی» از زنان و مسائل جنسی و فرهنگی مربوط به آنها فراتر رفته و دامان پسرانی را که رفتاری خلاف سنت‌های رایج و یا تمایلات جنسی دیگری دارند می‌گیرند. هفته گذشته خبر قتل پسری در رسانه‌های داخلی بازتاب یافت که توسط پدرش به خاطر رفتار و آرایش زنانه که «آبروی خانواده» را برده بود کشته شد.

فیروزه نوردستروم- پدری در اقدامی جنون‌آمیز پسران دوقلوبش را در شادگان خوزستان زنده به گور کرد و خیلی زود آزاد شد. پسر جوانی در آبادان که ۵ سال پیش به خاطر آبروی طایفه‌شان دخترعمویش را کشته بود هم‌اکنون آزاد است. این دو نمونه از جنایاتی است که خیرشان در بخش حوادث رسانه‌ها درباره جنایت‌های موسوم به «قتل‌های ناموسی» منتشر می‌شوند.

قتل‌های ناموسی با قتل‌های دیگر اندکی تفاوت دارند؛ در بسیاری از این قتل‌ها، قاتل نه تنها از صحنه قتل فرار نمی‌کند بلکه از معرفی خود به عنوان قاتل نیز ابایی ندارد و پشیمان هم نیست! چرا که قاتل، قتل را برای «پاک کردن لکه ننگ از ناموس» و برای جلب رضایت و آرامش اعضای خانواده، قبیله و اطرافیان و فرهنگ مذکر و زن‌ستیز مرتکب شده است!

بازگشایی سفارت سودان در تهران یک سال پس از توافق عادی سازی روابط با اسرائیل



دیدار وزیر خارجه جمهوری اسلامی و سودان در تهران / بهمن ۱۴۰۲

صهیونیستی با ایجاد فتنه و توطئه به دنبال ایجاد اختلال در مسیر حرکت مسلمانان است و هیچگاه نمی تواند دوست کشورهای اسلامی و علاقمند به رشد و توسعه ملت های مسلمان باشد.

وی تأکید کرده «اقدام برخی کشورهای اسلامی در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را مغایر با هویت و ماهیت این کشورهاست اما امروز پرسش بزرگ امت اسلامی از برخی کشورهای اسلامی این است که چگونه به رغم این حجم از جنایتگری و کودک کشی رژیم صهیونیستی هنوز رابطه خود با این رژیم را حفظ کرده اند، در حالی که اگر این کشورها به قطع روابط خود با صهیونیست ها مبادرت می کردند امروز شاهد ادامه حملات و بمباران ها علیه مردم مظلوم و مسلمان غزه نبودیم.»

بلومبرگ چهارشنبه ۲۴ ژانویه (چهارم بهمن ماه) گزارش داده بود که جمهوری اسلامی تعداد زیادی پهباد تهاجمی به سودان ارسال کرده است. سودان حدود ۶۴۰ کیلومتر خط ساحلی با دریای سرخ دارد که کشورهایی مانند چین، روسیه و ترکیه برای دسترسی به آن تلاش می کنند.

آلن باسیول مدیر پروژه شاخ آفریقا در اندیشکده گروه بین المللی بحران به بلومبرگ گفته بود، «هدف [رژیم] ایران از ارائه انواع پهباد به ارتش سودان و سایر حمایت های مادی برای به دست آوردن یک متحد در آن منطقه است، به ویژه در امتداد دریای سرخ، که یک پیروزی بزرگ برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود، اما دیگر قدرت های منطقه ای و غربی را به شدت نگران کرده است.»

با افزایش درگیری های داخلی در سودان شماری از سفارتخانه های غربی از جمله آمریکا فعالیت خود را در خارطوم متوقف و پرسنل شان را از سودان خارج کردند. جمهوری اسلامی تلاش می کند از طریق عوامل خود در سودان با استفاده از اوضاع بحرانی این کشور برای افزایش سطح نفوذ خود سوء استفاده کند.

منابع غیررسمی گزارش می دهند که جمهوری اسلامی به دنبال تحریک جریان های اسلامی افراط گرا در سودان علیه اسرائیل است.

● درست یک سال پس از توافق میان سودان و اسرائیل برای عادی سازی روابط، سفارت سودان در تهران پس از هفت سال تعطیلی بازگشایی شد. همزمان وزیر خارجه حکومت انتقالی سودان به تهران سفر کرده است.

● حسین امیرعبداللهیان به علی الصادق قول ارسال خدمات فنی مهندسی، فناوری های نوین و برتر، زمینه های پزشکی و دارویی داده است.

● علی الصادق اواخر دی ماه ۱۴۰۲ در دیدار با محمد مخبر دزفولی معاون ابراهیم رئیسی گفته بود، «سودان قربانی تسانی و دخالت های خارجی است و دلیل اصلی حمایت رژیم صهیونیستی از ناآرامی ها و درگیری ها در سودان، عدم پذیرش عادی سازی روابط با این رژیم از سوی دولت قانونی سودان بوده است.»

● رئیسی در دیدار با علی الصادق گفته «رژیم جنایتکار صهیونیستی با ایجاد فتنه و توطئه به دنبال ایجاد اختلال در مسیر حرکت مسلمانان است و هیچگاه نمی تواند دوست کشورهای اسلامی و علاقمند به رشد و توسعه ملت های مسلمان باشد.»

درست یک سال پس از توافق میان سودان و اسرائیل برای عادی سازی روابط، سفارت سودان در تهران پس از هفت سال تعطیلی بازگشایی شد.

علی الصادق علی وزیر خارجه سودان دوشنبه ۱۶ بهمن به تهران رفت و با حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی و ابراهیم رئیسی دیدار کرد. این برای نخستین بار در هفت سال گذشته است که مقامات ارشد دو کشور به صورت رسمی با هم دیدار داشتند.

رسانه های داخلی ایران ادعا کردند سفارت سودان در تهران با درخواست خود آنها باز شده است.

دولت سودان در سال ۱۳۹۴ پس از اشغال سفارت عربستان در تهران توسط بسیجی ها، همراه با شماری دیگر از کشورهای عربی، روابط دیپلماتیک خود را با جمهوری اسلامی قطع کرده بود. وزیر خارجه سودان در دیدار با امیرعبداللهیان ابراز امیدواری کرد که طرفین با از سر گرفتن فعالیت سفیران روابط خود را ترمیم کنند.

جمهوری اسلامی تلاش می کند عبدالفتاح برهان رئیس شورای حکومتی سودان را به تهران نزدیک کند.

حسین امیرعبداللهیان به علی الصادق قول ارسال خدمات فنی مهندسی، فناوری های نوین و برتر، زمینه های پزشکی و دارویی داده است. علی الصادق اواخر دی ماه ۱۴۰۲ در دیدار با محمد مخبر دزفولی معاون ابراهیم رئیسی گفته بود، «سودان قربانی تسانی و دخالت های خارجی است و دلیل اصلی حمایت رژیم صهیونیستی از ناآرامی ها و درگیری ها در سودان، عدم پذیرش عادی سازی روابط با این رژیم از سوی دولت قانونی سودان بوده است.»

اسرائیل با هماهنگی ایالات متحده و امارات در تلاش است میان دو گروه نظامی درگیر در سودان میانجیگری کند. ژنرال عبدالفتاح البرهان فرمانده ارتش سودان و محمد حمدان دقلو ملقب به «حمیدتی» فرمانده نیروهای پشتیبانی سریع در طرف اصلی درگیر در جنگ داخلی سودان هستند که دولت های میانجی تلاش می کنند آنها را سر یک میز بنشانند.

رئیسی در دیدار با علی الصادق گفته «رژیم جنایتکار

لکه ی ننگ را بشوید و اینجاست که ضعف قانون و عدم بازدارندگی آن به کمک قاتل یا قبیله می آید و تعصب و قانون همدیگر را پوشش می دهند.

این وکیل دادگستری ادامه می دهد: «طبق ماده ۶۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، حبس از سه تا ده سال به عنوان مجازات قانونی برای مرتکب در نظر گرفته شده است؛ قانونگذار طبق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، پدر و جد پدری را از مجازات مرگ معاف دانسته و پدری را که فرزند خود را کشته باشد نیز مطابق ماده ۶۱۲ تنها مستحق ۳ تا ۱۰ سال حبس می داند و در همین ماده ی ۶۱۲ و در فرض گذشت اولیای دم، مجازات قاتل را همین ۳ تا ۱۰ سال تعیین کرده و همه اینها هم مشمول موارد قانونی مانند عفو، آزادی مشروط، تعلیق و تخفیف مجازات که خود بحث مفصلی است، می شود. این میزان مجازات نه تنها بازدارنده نیست بلکه نسخه شفابخشی را که از پیش نوشته شده به دست قاتل یا آمر قتل داده و به آنها اطمینان می دهد که جنایت آنها عاقبت بدی نخواهد داشت و در محاسبه، شستنی ننگ به تحمل مدتی زندان می آرد و اینگونه است که مرگ بین قانونگذار و قبیله به معامله تبدیل می شود. از سوی دیگر قاضیانی که به پرونده های چنین قتل هایی رسیدگی می کند هم متأثر از همین سپهر فرهنگی هستند و همه اینها دست به دست هم می دهند تا از شدت زشتی و عقوبت قتل هایی که در بیشتر موارد به شیوه ای فجیع اتفاق می افتند و احساسات و افکار عمومی بخش بزرگی از جامعه را برمی آشوبند کاسته شود و ما شاهد افزایش آمار چنین جرایمی در کشور باشیم.»

اینهمه در حالیست که در شرایط امروز ایران، «قتل های ناموسی» از زنان و مسائل جنسی و فرهنگی مربوط به آنها فراتر رفته و دامان پسرانی را که رفتاری خلاف سنت های رایج و یا تمایلات جنسی دیگری دارند می گیرند. هفته گذشته خبر قتل پسری در رسانه های داخلی بازتاب یافت که توسط پدرش به خاطر رفتار و آرایش زنانه که «آبروی خانواده» را برده بود کشته شد.

در این میان، خبرگزاری دولتی ایرنا در بهمن ۱۴۰۰ به نقل از معصومه تمیمی نویسنده و مترجم عربی نوشته بود: «سالهاست که به صورت آشکار خبری از قتل های ناموسی نمی شنویم ولی این قتل ها به صورت خاموش اکثراً در روستاها هنوز ادامه دارد و بیشتر مواقع این قتل ها را به عنوان دختر خودکشی جا می زنند. مثلاً می گویند دختر سم خورده. پارسال در عبدالخان گفتند دختری خودسوزی کرده اما بعد شنیدیم که خودشان او را کشته اند. یکی دیگر دختری از بستگان دوستم بود که برادرش او را مجبور کرد اسید بخورد. شنیده ها از این قتل های ناموسی خیلی زیاد است و شاید ماهی یکبار موردی را از دوستان و آشنایان می شنویم.» در یکی از چنین نمونه هایی، خبرگزاری «رکنا» که اخبار حوادث در ایران را پوشش می دهد گزارش داده که هایدی حسن زاده از خردادماه امسال یعنی حدود ۴ ماه پیش یکباره ناپدید شده بود. خانواده این دختر نوجوان پیش از این برای پنهان کردن قتل مدعی خروج دخترشان از ایران شده بودند.

«رکنا» به نقل از یک منبع آگاه نوشت که پدر هایدی پس از بازداشت، انگیزه قتل این دختر نوجوان را تأخیر در برگشتن به خانه و «انگیزه ناموسی» عنوان کرد.

قتل های معروف به «ناموسی» به ویژه در استان های غربی ایران هر ساله تعداد زیادی از موارد «زن کشی» را به خود اختصاص می دهد. قتل هایی که از سوی مردان خانواده از پدر و برادر و همسر تا پدر بزرگ و عمو و دایی انجام می شود.

نمایشگاه «هنر ایران: دلداده به زبان» در لس آنجلس



«اتاق مکتوب» از پرستو فروهر / ۱۹۹۵

فرزند داریوش فروهر و پروانه اسکندری در شهر فرانکفورت آلمان زندگی می‌کند و آثار هنری او در بسیاری از کشورهای دنیا از جمله ایران، آلمان، آمریکا، ترکیه، روسیه و انگلستان به نمایش درآمده است. او و برادرش - آرش - پس از به قتل رسیدن پدر و مادرشان، مجبور به مهاجرت از ایران شدند. ترانه همایی هنرمند تجسمی زاده‌ی تهران و ساکن سن فرانسیسکو در آثار خود از طریق پروژه‌های چندرشته‌ای فردی و گروهی که معمولاً با استفاده از هنر چیدمان خاص و یا پروژه‌های جمعی انجام می‌گیرد، در آثارش اغلب به کاوش در سیاست‌های فرهنگی پیچیده تبعید می‌پردازد. الناز جوانی استاد دانشگاه ساکن کلرادو هم که فارغ‌التحصیل رشته هنر از دانشگاه تهران است و تحصیلاتش را در رشته ماتریال و الیاف در انستیتوی هنر شیکاگو به پایان رسانده، با بهره‌گیری از پارچه، طراحی و چاپ، آثاری خلق کرده که بر محور فروپاشیدگی و تکه تکه شدن هویت می‌گردد.

مریم پایلیگیر هنرمند، استاد و کنشگر اجتماعی ساکن نیویورک، دانش‌آموخته رشته گرافیک از دانشگاه «الزها» (مدرسه عالی دختران) و دارای مدرک کارشناسی ارشد هنرهای زیبا از دانشگاه جورجیاست که برخی از ویژگی‌های آثارش، استفاده از مواد طبیعی و دست‌ساز ایرانی، طراحی در فضا با نور و نخ و دلالت‌های اجتماعی بر مسائل روز است. هدیه شفیعی زاده‌ی تهران و ساکن بروکلین دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته تصویرسازی و هنر دیجیتال از دانشگاه مریلند است که اغلب آثار او را لوله‌های کاغذی رنگی سخت پیچیده و خوشنویسی تشکیل می‌دهد و بسیاری از طراحی‌ها و تندیس‌های او در موزه بریتانیا، موزه متروپولیتن نیویورک، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و موزه هنری لس آنجلس نگهداری می‌شود.

شادی یوسفیان هنرمند زاده‌ی تهران و دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد هنرهای زیبا در عکاسی از دانشگاه ایالتی سن فرانسیسکو در ۱۶ سالگی به آمریکا مهاجرت کرده است. او در آثارش اغلب به مسائل شخصی زندگی معاصر، و مشخصاً، هویت فرهنگی ←

فارسی) و مکان تشکیل می‌دهند. زبان مادری یا خطاطی فارسی در اینجا از کارکرد اصلی خود که ارتباط‌گیری به مفهوم رایج زبانی است تهی یا رها شده است. در «اتاق مکتوب» انبوه واژه‌ها اگرچه کلامی نمی‌سازند، اما همچنان حامل خاطره یک زبان هستند. در ضمن تکرار واژه‌ها، ضرب‌آهنگ موسیقی‌گونه و نقش و نگارمانندی می‌سازند، که مخاطب را در درون خود می‌گیرند و به روی او امکان بدیلی از ارتباط‌گیری همراه با تخیل را می‌کشایند. عنصر مکان در این کار دستخوش تغییر می‌شود و جریان سیال خط‌نگاری‌ها روی سطح زمین و دیوارها از قواعد معماری مکان سرپیچی می‌کنند. درواقع این خط‌نگاری‌ها مثل پوستی بر سطح مکان کشیده می‌شوند و حضور آن را تغییر می‌دهند، یا به تعبیری مکان را بازتعریف می‌کنند.»

چیدمان دیگر از هدیه شفیعی هنرمند زاده‌ی تهران با عنوان «دایره سقف و دایره زمین» شامل یک تندیس کاغذی آویزان شده، یک طرح دایره‌وار در رابطه با آن بر روی زمین و سه نقاشی با عنوان «سفر» است. در این چیدمان کلمه «عشق» در لایه‌های پرشماری از کاغذ نوشته شده و کلمه «Love» هزاران بار تکرار شده و هر دو اثر در هم پیچیده و لوله شده تا یک شکل واحد را تشکیل بدهد.

حضور چشمگیر زنان هنرمند ایرانی در نمایشگاه

در نمایشگاه تازه «هنر ایران: دلداده به زبان» علاوه بر تیمی متشکل از دو بانوی جوان ایرانی، روشنک قزلباش و هدا رهبرنیک، که کار گزینش هنرمندان و آثار هنری آنها را بر عهده داشته‌اند، تقریباً تمامی هنرمندان شرکت‌کننده را زنان ایرانی تشکیل می‌دهند:

گلنار عدیلی هنرمند ایرانی - آمریکایی است که در نیویورک فعالیت دارد و بخش اعظم آثار او تحت تاثیر محیط رشد او در ایران بعد از انقلاب شکل گرفته است. او که زاده‌ی ویرجینیا است در ۴ سالگی به همراه خانواده‌اش به ایران بازگشت اما خانواده او که از فعالین سیاسی بودند مدت کوتاهی پس از بازگشت، یکبار دیگر مجبور به ترک ایران شدند. پرستو فروهر هنرمند بصری، نویسنده، فعال حقوق بشر و

● **نمایشگاه ART IRAN: Falling into Language** با حضور زنان هنرمند ایرانی و در همکاری «بنیاد فرهنگ» و موزه Craft Contemporary در لس آنجلس برگزار شد. ● **زادگاه، مرز و بوم، پراکندگی و جامعه مهاجران، موضوع نمایشگاه گروهی ۹ هنرمند ایرانی در نمایشگاه «هنر ایران: دلداده به زبان» بود.** ● «هنرمندان مهاجر هرچند نهایتاً به صورت اجتناب‌ناپذیری جذب فرهنگ میزبان می‌شوند، اما هنوز آنچه از وطن و یا زادگاه با خود آورده‌اند در وجود آنها پایدار مانده و در هنرشان تداوم پیدا می‌کند.»

فیروزه خطیبی - بنیاد غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیرمذهبی «فرهنگ» در کالیفرنیا جنوبی در یک همکاری تازه با Craft Contemporary شهر لس آنجلس، نمایشگاه تازه‌ای را با عنوان «هنر ایران: دلداده به زبان» بازگشایی کردند که عصر روز شنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۲۴ طی مراسمی در محل موزه واقع در شماره ۵۸۱۴ خیابان ویلشیر رسماً افتتاح شد و آثار هنری منحصر به فرد ۹ هنرمند بصری ایرانی، برای نخستین بار در معرض تماشای عموم و جمع هنردوستان و مهمانانی که به این مراسم دعوت شده بودند قرار گرفت. در نمایشگاه «هنر ایران: دلداده به زبان» که تا پنجم ماه مه امسال ادامه خواهد داشت، هنرمندان ایرانی و ایرانی-آمریکایی که از زبان و نشانه‌های خطی بیان اندیشه به عنوان سمبل‌های بصری برای ارائه دیدگاهی هنری خود در ارتباط با وطن، مرز و بوم، پراکندگی و جامعه مهاجر استفاده کرده‌اند، آثاری از فرم‌های گوناگون الفبا، دست‌نوشته‌ها و خط‌نوشته‌های فارسی را به عنوان عوامل اصلی و محوری آثار هنری خود به نمایش گذاشته‌اند. این نمایشگاه شامل آثار طراحی، کلاژ، خوشنویسی و چیدمان‌های هنری است که تماشاگران می‌توانند بطور Interactive در فعل و انفعالات آن شرکت و یا جزئیات آن را عوض کنند.

برخی از شیوه‌هایی که از آن برای خلق این آثار هنری بهره گرفته شده عبارتند از دوزندگی، چیدمان حروف و کلمات، سرامیک و نقاشی روی دیوار. برای مثال، «اتاق مکتوب» یک چیدمان طراحی شده برای یکی از گالری‌های نمایشگاه، اثر پرستو فروهر هنرمند و فعال حقوق بشر ساکن آلمان است که در همان محل موزه و در یکی از تالارهای سفید و راهرومندان آن با مرکب سیاه بر روی دیوارها به شکل خوشنویسی نقاشی شده است. در این چیدمان، بازدیدکننده وارد اتاقی می‌شود که زمین و دیوار و سقف آن همگی پوشیده از دست‌نوشته‌های هنرمند است. اما در این اثر، الفبای فارسی و شیوه‌های آشنای خط‌نگاری، عمداً به شکلی ناخوانا نوشته شده که حتی خواننده ایرانی هم قادر به خواندن آن نیست. اما حسی که در این نوشته‌های هنری انباشته شده حسی عمومی و آشنا برای همگان است.

«اتاق مکتوب» یکی از قدیمی‌ترین کارهای هنری پرستو فروهر است که از بیش از سه دهه پیش تا کنون در گوشه و کنار جهان به نمایش درآمده است. وی درباره این تازه‌ترین چیدمان «اتاق مکتوب» در موزه Craft Contemporary شهر لس آنجلس می‌گوید این اثر به مرور زمان و در جریان اجراهای پیاپی، سیال‌تر و روان‌تر شده است: «این کار برای من بازتعمیر چالش‌های مهاجرت و درگیر شدن با دوپارگی آن، یعنی همزمانی آشنایی و آشنایی‌زدایی است. دو عنصر اصلی این کار را زبان مادری من (در نمود بصری آن یعنی خط

دولت کانادا دستور اخراج مجید ایرانمنش را به اتهام «عضویت در رژیم سرکوبگر ایران» صادر کرد



وی ادعا کرده بود که تنها قصد دارد یک سال به عنوان استاد در «دانشگاه ویکتوریا» فعالیت کند و سپس به ایران بازگردد.

ایرانمنش یکی از ۹ مقام جمهوری اسلامی ایران است که در کانادا با روند اخراج مواجه شده‌اند. گفته می‌شود یکی از آنها داوطلبانه کانادا را ترک کرده است.

بیل بلر وزیر دفاع ملی کانادا در اینبار به «گلوبال نیوز» گفته بود «افرادی که در فعالیتهای مخرب مشارکت داشته‌اند، واجد شرایط ورود به کانادا نیستند و اگر به هر طریقی وارد کشور شوند، تمام تلاش خود را برای اخراج آنها انجام خواهیم داد.»

وی همچنین تأکید کرده بود «ما برای برخورد مؤثر با این افراد به همکاری جامعه ایرانی و اطلاعات آنها نیاز داریم.» یکی دیگر از مسئولان نظام که موضوع اخراج وی از کانادا مطرح شده سید سلمان سامانی است اما هنوز تکلیف پرونده وی مشخص نیست.

کانادا در ارتباط با تحریم‌هایی که در همین ارتباط به اجرا گذاشته اعلام کرده جمهوری اسلامی رژیم می‌باشد درگیر تروریسم که اقدام به نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر می‌کند. بر اساس این تحریم‌ها ده‌ها هزار نفر از مقامات ایرانی و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را از ورود به کانادا محروم خواهند شد.

هنر ایران را به نمایش بگذارد، بلکه بتواند نمونه‌ای برانگیزنده و تاثیرگذار در راه توانمندسازی کل جامعه و به ویژه اقلیت‌ها در شهر لس آنجلس باشد.

علاوه بر جشن شب گشایش همراه با موزیک DJ و پذیرایی به سبک ایرانی، ظهر روز یکشنبه ۲۸ ژانویه نیز جلسه گفتگوی هنری در رابطه با چگونگی ایجاد نمایشگاه و آثار به نمایش درآمده در آن، با شرکت «کیورتور» نمایشگاه، روشنگر قلباش و برخی هنرمندان در محل موزه Craft Contemporary برگزار شد.

● مجید ایرانمنش ۵۴ ساله روز ۱۱ ژانویه (اول بهمن‌ماه) در جریان جلسه رسیدگی (استماع) به پرونده خود، داشتند سمت ارشد در جمهوری اسلامی را رد کرده بود در حالی که وی مدیرکل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در دوره روحانی بوده است.

● وی ادعا کرده بود که تنها قصد دارد یک سال به عنوان استاد در «دانشگاه ویکتوریا» فعالیت کند و سپس به ایران بازگردد.

به گزارش «گلوبال نیوز» اداره مهاجرت و پناهندگی کانادا دستور اخراج مجید ایرانمنش را به دلیل اینکه یکی از اعضای ارشد رژیم سرکوبگر ایران بود صادر کرده است.

در تصمیمی که هیأت پناهندگان اداره امور مهاجرت و پناهندگی کانادا، جمعه دوم فوریه (۱۳ آبان‌ماه) در مورد وضعیت اقامت ایرانمنش گرفت وی به دلیل آنچه «عضویت در رژیم سرکوبگر ایران» خوانده شده، فاقد شرایط پذیرفته شدن در این کشور است.

مجید ایرانمنش ۵۴ ساله روز ۱۱ ژانویه (اول بهمن‌ماه) در جریان جلسه رسیدگی (استماع) به پرونده خود، داشتند سمت ارشد در جمهوری اسلامی را رد کرده بود در حالی که وی مدیرکل معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری اسلامی در دوره روحانی بوده است.

پراکندگی همچنان ارتباط محکمی با زبان فارسی به عنوان یک وسیله بصری نمادین و سمبلیک دارند. این هنرمندان مهاجر هرچند نهایتاً به صورت اجتناب‌ناپذیری جذب فرهنگ میزبان می‌شوند، اما هنوز آنچه از وطن و یا زادگاه با خود آورده‌اند در وجودشان پایدار مانده و در هنرشان تداوم پیدا می‌کند.»

رادی لویز مدیر اجرایی و گرداننده موزه «Craft Con-temporary» امیدوار است تا این نمایشگاه منحصر به فرد در شرایط پرچالش کنونی جهان نه تنها پایداری فرهنگ و

تجربه‌های انسان مهاجر می‌پردازد و بر موضوعاتی با درون‌مایه‌های جهانشمولی چون فقدان، آوارگی، ازخودبیگانگی و بازآفرینی دست می‌گذارد. این آثار، هم گونه‌ای ازهم‌گسیختگی و فروپاشی را نشان داده و آن را گسترش می‌دهد، و هم کوششی است برای بازآفرینی و بازسازی خود در یک بستر اجتماعی و فرهنگی تازه.

ندا مریدپور و پویا افشار هم به صورت یک زوج هنری آثار خود را در این نمایشگاه تازه عرضه کرده‌اند. ندا مریدپور زاده‌ی کرمانشاه در ۵ سالگی به همراه خانواده مجبور به ترک ایران شد. او تحصیلات خود را در رشته «استودیو آرتز» در دانشگاه لوئیزیانا به پایان رسانده و بیش از هر چیز به خاطر خلق آثار تجربی مدرن و تندیس‌های روی بوم شناخته می‌شود. پویا افشار- تنها هنرمند مرد در این نمایشگاه - مدرک کارشناسی ارشد در رشته انیمیشن را از مدرسه فیلم، تلویزیون و رسانه‌های دیجیتال دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس دریافت کرده و آثار نقاشی او در موزه‌های هنر از جمله «لاکما» در شهر لس آنجلس در معرض تماشا قرار دارد.

«هنر ایران»؛ یک تلاش شش ساله

نمایشگاه «هنر ایران: دل‌داده به زبان» با حمایت مالی سخاوتمندانه «بنیاد فرهنگ» - در همکاری با موزه صنایع و هنرهای معاصر برپا شده است. علیرضا اردکانی مدیر اجرایی این نهاد فرهنگی ایرانی غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیرمذهبی در جنوب کالیفرنیا درباره طرح و اجرای برپایی این نمایشگاه کم‌نظیر که درواقع روندی طولانی بوده و از آغاز تا انجام به مدت ۶ سال به طول انجامیده می‌گوید: «بیش از هرچیز دیگر، من واقعا از حضور زنان هنرمند ایرانی با چنین صداهای قدرتمند زنانه و دیدگاه‌هایی با چنین ابعاد عمیق و گوناگون که به زیبایی در هنر آنها تجلی کرده و به شکلی چنین ابتکاری و نوآورانه به نمایش گذاشته شده خوشحالم.»

تیم گزینش آثار

تیم دونفره کیورتورهای نمایشگاه - روشنگر قلباش و هدا رهبرنیک - از طریق رقابت‌هایی که با عنوان «Art Iran Cu-ratorial Competition» توسط «بنیاد فرهنگ» و «Craft Contemporary» برنامه‌ریزی شده بود، انتخاب شدند. این رقابت هنری که در سال ۲۰۲۱ به اطلاع عموم گذاشته شد، درواقع دعوتی بود از «کیورتور»ها یا هنرمندان حرفه‌ای و با تجربه‌ای که بتوانند برای ایجاد یک نمایشگاه گروهی با بیشترین تمرکز بر روی فرهنگ و هنر خاورمیانه هنرمندان و آثار هنری مناسب را برای آن گردآوری کنند. در آن زمان از واحدین شرایط خواسته شد تا طرح‌های پیشنهادی خود را برای ایجاد نمایشگاهی هنری با تم میراث فرهنگی ایرانیان که در عین حال با صحنه هنرهای معاصر و امروزی ایران هم در ارتباط باشد ارائه بدهند. بعد از بررسی این طرح‌ها توسط پنج عضو یک هیئت گزینش ممتاز و برجسته شامل فرشته دفتی (فارغ‌التحصیل دانشگاه کلمبیا و از مسئولان موزه هنرهای مدرن نیویورک)، مریم اختیاری مسئول گزینش آثار «هنرهای اسلامی» موزه متروپولیتن نیویورک، طلا مدنی هنرمند بصری، بنت سیمپسون کیورتور ارشد موزه هنرهای معاصر شهر لس آنجلس (MOCA) و هالی جرگر کیورتور و مسئول گزینش نمایشگاه در موزه «Craft Contempo-rary» طرح روشنگر قلباش و هدا راهبرنیک از بین ده‌ها طرح ارائه شده انتخاب کردند.

روشنگر قلباش می‌گوید: «هنرمندان ایرانی ضمن کار و زندگی در گوشه و کنار جهان، راه‌های گوناگون و مسیر ریشه‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. اما در همین شرایط

حمله هوایی آمریکا به مواضع گروه‌های نیابتی در سوریه و عراق؛ جو بایدن: به دنبال جنگ نیستیم!

● در بیانیه سنتکام آمده نیروهای ارتش ایالات متحده با استفاده از هواپیماهای متعدد از جمله مپ‌افکن‌های دوربرد، به بیش از ۸۵ نقطه حمله کردند و مراکز عملیات فرماندهی و کنترل، مراکز اطلاعاتی، انبار راکت، موشک و پهپاد و تاسیسات زنجیره‌ای تأمین تدارکات و مهمات را هدف قرار دادند.

● جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید، حملات هوایی به سوریه و عراق را «موفقیت‌آمیز» خواند.

● خبرگزاری رویترز گزارش داد «در حالی که این حملات مراکزی در داخل ایران را هدف قرار ندادند، اما نشان‌دهنده تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه از آغاز جنگ در غزه است.»
● ژنرال داگلاس سیمز از فرماندهان ارشد ستاد مشترک ایالات متحده گفت که به نظر می‌رسد این حملات موفقیت‌آمیز بود و با اصابت مپ‌ها به تسلیحات ستیزه‌جویان، باعث انفجارهای ثانویه بزرگی شد، هرچند مشخص نیست که آیا خسارات جانی هم داشته یا نه!



تصویری از حمله هوایی آمریکا به سوریه که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد

نیروهای ستاد فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) دوم فوریه (۱۴ بهمن ماه) به تلافی کشته شدن سه نظامی آمریکایی در اردن، «با اعلام قبلی» نقاطی را در سوریه و عراق که ادعا می‌شود متعلق به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی وابسته به آن است هدف قرار داد. در بیانیه سنتکام آمده نیروهای ارتش ایالات متحده با استفاده از هواپیماهای متعدد از جمله مپ‌افکن‌های دوربرد، به بیش از ۸۵ نقطه حمله کردند و مراکز عملیات فرماندهی و کنترل، مراکز اطلاعاتی، انبار راکت، موشک و پهپاد و تاسیسات زنجیره‌ای تأمین تدارکات و مهمات را هدف قرار دادند.

جان کربی هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید، حملات هوایی به سوریه و عراق را «موفقیت‌آمیز» خواند.

خبرگزاری رویترز گزارش داد «در حالی که این حملات مراکزی در داخل ایران را هدف قرار ندادند، اما نشان‌دهنده تشدید درگیری‌ها در خاورمیانه از آغاز جنگ در غزه است.»
ژنرال داگلاس سیمز از فرماندهان ارشد ستاد مشترک ایالات متحده گفت که به نظر می‌رسد این حملات موفقیت‌آمیز بود و با اصابت مپ‌ها به تسلیحات ستیزه‌جویان، باعث انفجارهای ثانویه بزرگی شد، هرچند مشخص نیست آیا خسارات جانی هم داشته یا نه!

وزارت دفاع سوریه اعلام کرد که «تجاوز هوایی آشکار» نیروهای آمریکایی منجر به کشته شدن تعدادی از غیرنظامیان و سربازان و زخمی شدن تعدادی دیگر و خسارت قابل توجهی به اموال عمومی و خصوصی شده است. این وزارتخانه روز شنبه ۳ ژانویه ۲۰۲۴ در بیانیه‌ای اعلام کرد: «اشغال بخشی از سرزمین‌های سوریه توسط نیروهای آمریکایی نمی‌تواند ادامه یابد... ارتش سوریه بر ادامه جنگ خود علیه تروریسم تا زمان نابودی آن تأکید می‌کند و مصمم به آزادسازی کل اراضی سوریه از تروریسم و اشغال است.»
ژنرال سیمز گفت که این حملات با توجه به اینکه احتمالاً در میان افراد مستقر در این تاسیسات، تلفات خواهند داشت، انجام شد. وی افزود: «آب و هوا یکی از عوامل

افزایش فشارهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی؛ ۱۵۲ شهروند در ماه ژانویه بازداشت شدند



● طی ماه ژانویه ۲۰۲۴ دست‌کم ۱۵۲ شهروند در کل ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند.

● در ماه گذشته میلادی دست‌کم ۱۲ زن در سراسر ایران توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده‌اند که معادل ۸٪ کل بازداشتی‌ها است. همچنین یک کودک زیر ۱۸ سال نیز در این ماه بازداشت شده است.

- در یک ماه منتهی به ۱۱ بهمن‌ماه ۲۵ روزنامه‌نگار یا مدیرمسئول رسانه شامل شش زن و ۱۹ مرد با پیگرد قضایی روبرو شدند.

گزارش‌های حقوق بشری نشان می‌دهند در ماه ژانویه ۲۰۲۴ دست‌کم ۱۵۲ شهروند در رابطه با اقلیت‌های دینی یا فعالیت سیاسی و مدنی و صنفی بازداشت شده‌اند که در بین آنها ۱۲ زن و یک کودک دیده می‌شود. سازمان «دفاع از جریان آزاد اطلاعات» نیز در گزارشی از پیگرد قضایی ۲۵ روزنامه‌نگار و ۱۳ روزنامه و وبسایت خبری در ایران تنها در ماه ژانویه خبر داد. در هفته‌های گذشته شمار بازداشت‌ها، تشکیل پرونده قضایی و احضار شهروندان به دلیل فعالیت‌های سیاسی و مدنی و صنفی و یا با اتهامات مرتبط با اقلیت‌های دینی سرعت گرفته است.

سازمان حقوق بشری «هنگاو» در گزارشی اعلام کرده که طی ماه ژانویه ۲۰۲۴ دست‌کم ۱۵۲ شهروند در کل ایران توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند.

بر اساس این گزارش در ماه گذشته میلادی دست‌کم ۱۲ زن در سراسر ایران توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده‌اند که معادل ۸٪ کل بازداشتی‌ها است. همچنین ۶ نفر از زنان بازداشت شده در شهر سلماس و در جریان اعتراض به تبعات زیست‌محیطی یک کارخانه نمک بازداشت شده‌اند.

همچنین در این بازه زمانی دست‌کم یک کودک زیر ۱۸ بلوغ توسط نهادهای امنیتی و حکومتی در زاهدان بازداشت شده است. در بخشی از این گزارش آمده که بازداشت پیروان اقلیت‌های مذهبی و دینی در ماه ژانویه به مانند ماه‌های گذشته توسط نهادهای حکومتی استمرار داشته و طی ماه گذشته دست‌کم ۲۰ فعال مذهبی توسط نهادهای

کلیدی در زمان‌بندی عملیات بوده است.»
ارتش عراق نیز اعلام کرد که این حملات در منطقه مرزی این کشور بوده و هشدار داد که این حملات می‌تواند موجب گسترش بی‌ثباتی در منطقه شود.

یحیی رسول سخنگوی ارتش عراق در بیانیه‌ای گفت: «این حملات هوایی نقض حاکمیت عراق است، تلاش‌های دولت عراق را تضعیف می‌کند و تهدیدی است که می‌تواند عراق و منطقه را به سوی عواقب ناگوار سوق دهد.»

همزمان با حملات به سوریه و عراق بایدن به همراه همسرش و همچنین وزیر دفاع آمریکا که با عصا راه می‌رفت در مراسم خاکسپاری سه نظامی آمریکایی که در اردن کشته شدند حضور یافتند

مقامات آمریکایی به رویترز گفته‌اند که ایالات متحده به این ارزیابی رسیده که پهپادی که منجر به کشته شدن سه سرباز و زخمی شدن بیش از ۴۰ نفر دیگر در اردن شد، ساخت جمهوری اسلامی است.

بایدن در بیانیه‌ای اعلام کرد: «پاسخ ما تازه امروز آغاز شد. در زمان‌ها و مکان‌هایی که خودمان انتخاب می‌کنیم ادامه خواهد داشت اما به دنبال جنگ در هیچ نقطه‌ای نیستیم.»
لوید آوستین وزیر دفاع ایالات متحده گفت بایدن اقدامات بیشتری را علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کسانی که با آن مرتبط هستند مقرر کرده است.

همزمان پنتاگون نیز اعلام کرده خواهان جنگ با ایران نیست و معتقد نیست که تهران نیز خواهان جنگ است، حتی در شرایطی که فشار جمهوریخواهان بر بایدن برای وارد کردن ضربه مستقیم افزایش یافته است.

آوستین گفت: «ما به دنبال درگیری در خاورمیانه یا هر جای دیگر نیستیم، اما رئیس‌جمهور و من حملات به نیروهای آمریکایی را تحمل نخواهیم کرد.»

در واکنش به این حملات تعدادی راکت به مراکز استقرار آمریکایی‌ها در سوریه و عراق پرتاب شد. گروه‌های «مقاومت» اعلام کردند که به این حملات واکنش نشان خواهند داد و تسلیم نمی‌شوند.

حمله موشکی حوثی‌ها به دو کشتی انگلیسی و آمریکایی در دریای سرخ



کشتی انگلیسی «Morning Tide»

بازرگانی در دریای سرخ آغاز کردند. امروز نیز این حملات ساعتی پس از آن اتفاق افتاد که نیروهای ائتلاف چند پایگاه حوثی‌ها را در داخل یمن هدف قرار دادند. سنتکام، فرماندهی مرکزی آمریکا، روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن ماه اعلام کرد که دو شناور شبه‌نظامیان حوثی را هدف قرار داده است.

در بیانیه سنتکام آمده «نیروهای آمریکایی این شناورهای انفجاری را در مناطق تحت کنترل حوثی‌ها در یمن شناسایی کرده و تشخیص دادند که آنها تهدیدی قریب‌الوقوع برای کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا و کشتی‌های تجاری در این منطقه هستند. این اقدامات از آزادی ناوبری محافظت کرده و آب‌های بین‌المللی را برای کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا و کشتی‌های تجاری امن‌تر و مطمئن‌تر می‌کند.»

ارتش آمریکا اعلام کرد که نیروهایش در دفاع از خود به دو پهپاد انتحاری حوثی‌ها حمله کردند که به گفته آنها تهدیدی نزدیک علیه کشتی‌های نیروی دریایی این کشور و کشتی‌های تجاری در منطقه بوده است.

در یک ماه گذشته آمریکا و بریتانیا با همکاری چند کشور دیگر تحت عنوان «نیروهای ائتلاف» (گروه ضربت ۱۵۳) دست‌کم سه عملیات علیه حوثی‌ها در خاک یمن اجرا کردند اما حملات راکتی و پهپادی حوثی‌ها متوقف نشده است. موازی با عملیات نیروهای ائتلاف، دولت‌های اروپایی مأموریت «آسپیدز» را آغاز خواهند کرد که محور آن تقویت پدافند در دریای سرخ و حفاظت بیشتر از کشتی‌هاست و نه عملیات در خاک یمن.

منابع غربی می‌گویند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اطلاعات مربوط به کشتی‌ها را در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد. هرچند که حکومت ایران ادعا می‌کند دخالتی در این حملات ندارد. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به وضعیت منطقه و تشکیل ائتلاف اروپایی می‌گوید که اینها «تشکیل ائتلاف‌های وهمی و تخیلی است... این ائتلاف شبیه ائتلافی است که آمریکا تشکیل داد و خودخوانده است و کمکی به صلح و آرامش منطقه نمی‌کند.»

● یحیی سریع سخنگوی نیروهای مسلح یمن گفت دو عملیات نظامی در دریای سرخ انجام دادند که در عملیات نخست، کشتی آمریکایی «STAR NASIA» و در عملیات دوم کشتی انگلیسی «Morning Tide» هدف قرار گرفت.

● شرکت امنیت دریایی «آمبری» اعلام کرد کشتی باری انگلیسی در نتیجه حمله‌ای در غرب الحدیده در یمن «خسارات جزئی» دیده است. این کشتی با پرچم باربادوس حرکت می‌کرد و به هیچیک از خدمه این کشتی آسیب وارد نشده است.

خبرگزاری رویترز روز سه‌شنبه ۶ فوریه (۱۷ بهمن‌ماه) گزارش داد شبه‌نظامیان حوثی به دو کشتی انگلیسی و آمریکایی در دریای سرخ موشک شلیک کردند و به یکی از آنها که نزدیک آب‌های ساحلی حدیده یمن در حرکت بود «خسارات جزئی» وارد شده است.

یحیی سریع سخنگوی نیروهای مسلح یمن گفت دو عملیات نظامی در دریای سرخ انجام دادند که در عملیات نخست، کشتی آمریکایی «STAR NASIA» و در عملیات دوم کشتی انگلیسی «Morning Tide» هدف قرار گرفت.

شرکت امنیت دریایی «آمبری» اعلام کرد کشتی باری انگلیسی در نتیجه حمله‌ای در غرب الحدیده در یمن «خسارات جزئی» دیده است. این کشتی با پرچم باربادوس حرکت می‌کرد. اعلام شده است که به هیچیک از خدمه این کشتی آسیب وارد نشده است.

مالک کشتی «Morning Tide» شرکت بریتانیایی «Furad-ino Shipping» در رویترز گفت که کشتی در حال حاضر بدون مشکل در حال حرکت است، اما اطلاعات بیشتری ارائه نکرد.

حملات نظامی و موشک‌پرانی در دریای سرخ کشتیرانی جهانی را مختل کرده و شرکت‌ها را مجبور به تغییر مسیر به راه‌های طولانی‌تر و گران‌تر در اطراف جنوب آفریقا کرده و این نگرانی را برانگیخته است که جنگ اسرائیل و حماس ممکن است برای بی‌ثبات کردن خاورمیانه بیش از پیش گسترش یابد. ایالات متحده و بریتانیا از یک ماه پیش حمله به اهداف حوثی‌ها در یمن را در پاسخ به حملات علیه کشتی‌های

حکومتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده‌اند. گزارش سازمان حقوق بشری «هنگام» افزوده که سه نفر از فعالین مذهبی که بازداشت شده‌اند از پیروان آیین بهایی بوده‌اند که یک نفر از آنها زن و ۲ نفر نیز مرد بوده‌اند. همچنین طی ماه گذشته دست‌کم یک نوکیش مسیحی در دزفول و ۱۶ فعال اهل سنت که همگی از شهروندان گرد بوده‌اند طی ماه گذشته بازداشت شده‌اند.

این گزارش با اعلام آماری از بازداشت فعالان صنفی و دانشجویان نوشته دست‌کم ۸ دانشجو در شهرهای یزد، شیراز، مریوان، دهگلان، تبریز، رشت، تهران و فوج و همچنین دو استاد دانشگاه در شهرهای رشت و دهگلان توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده‌اند. در ماه گذشته دست‌کم ۳ روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای و ۵ هنرمند و نویسندگان در شهرهای مختلف ایران توسط نهادهای حکومتی بازداشت شده‌اند.

همچنین در گزارش دیگری که از سوی سازمان «دفاع از جریان آزاد اطلاعات» منتشر شده آمده که در ماه گذشته میلادی برابر با ۱۱ دی تا ۱۱ بهمن‌ماه ۲۵ روزنامه‌نگار یا مدیرمسئول رسانه شامل شش زن و ۱۹ مرد با پیگرد قضایی روبرو شدند. در این مدت همچنین دست‌کم ۱۳ روزنامه و وبسایت خبری تحت پیگرد قضایی قرار گرفتند.

در پرونده‌های تشکیل‌شده و یا احکام صادرشده علیه روزنامه‌نگاران در ماه ژانویه، «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» موضوع ماده ۶۹۸ و ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی با ۱۰ تکرار، «تبلیغ علیه نظام» موضوع ماده ۵۰۰ با چهار تکرار، «کشف حجاب» موضوع ماده ۶۳۸ و ۶۳۹ با دو تکرار، «توهین به رهبری» موضوع ماده ۵۱۴ با یک تکرار و «افشای اسناد طبقه‌بندی شده» موضوع ماده ۵۰۵ با یک تکرار، اتهامات تکرار شده در پرونده‌ها و احکام صادرشده علیه روزنامه‌نگاران بودند.

این گزارش شیوه سرکوب رسانه‌ای از سوی جمهوری اسلامی را به دو بخش «ثابت» و «متغیر» تفکیک کرده و نوشته در الگوی ثابت سرکوب، جمهوری اسلامی فارغ از کمیت و کیفیت فعالیت رسانه‌ها در داخل ایران، به صورت مستمر و کم نوسان سطحی از فشار امنیتی بر رسانه‌ها و فعالان رسانه‌ای را اعمال می‌کند. این بخش از مکانیزم سرکوب رسانه‌ها، اساساً به هویت جمهوری اسلامی به عنوان حکومتی تمامیت‌خواه بازمی‌گردد. همزمان به نظر می‌رسد، هدف جمهوری اسلامی از این سرکوب مستمر، تلاش برای پررنگ نگه‌داشتن خطوط تحمل‌ناپذیر حاکمیت در ارتباط با مرزها و موضوعات مورد انتشار توسط اهالی رسانه است.

این گزارش افزوده که بخش متغیر سرکوب رسانه‌ها در ایران، ارتباط معناداری با رویدادهای سیاسی و میزان و وسعت کنش‌های اجتماعی در داخل ایران دارد. همچنین در این بخش، موقعیت جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل و سیاست خارجی حکومت در قبال غرب، در کمیت و وسعت سرکوب رسانه‌ها مؤثر است. هنگامی که حکومت در خطر قرار می‌گیرد «آستانه تحمل نظام» کاهش می‌یابد و در پی آن خط سیر سرکوب سعودی می‌شود.

سازمان «دفاع از جریان آزاد اطلاعات» تأکید کرده که آمارها و رویدادهای ثبت شده در این گزارش، تنها شامل داده‌هایی است که دفاع از جریان آزاد اطلاعات امکان جمع‌آوری، راستی‌آزمایی و مستندکردن آن را داشته است. به دلیل سازوکار چند لایه سرکوب در ایران، احتمال موارد نقض حق دسترسی آزاد شهروندان ایرانی به اطلاعات و شمار رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و شهروند خبرنگارانی که در معرض سرکوب توسط جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند، بیشتر از آمارها و رویدادهای ثبت شده در این گزارش است.

هشدار یک کارشناس مدیریت آب:

بهره‌برداری از سد «ونیار» فاجعه بزرگی برای دریاچه در حال احتضار ارومیه



دریاچه ارومیه در سال ۱۳۹۷ / عکس از مجتبی اسماعیل‌زاده

مترمکعب دیگر را کنترل کرده و مانع ورود سیلاب‌های رودخانه آجی‌چای به دریاچه می‌شود اصرار دارند. اگر بودجه مورد نیاز تامین شود و سد به بهره‌برداری برسد فاجعه بزرگی برای دریاچه در حال احتضار خواهد بود. این پژوهشگر حوزه آب معتقد است: «به نظر می‌رسد بر اساس یک توافق نانوشته همه مسئولان مرتبط و بدتر از همه معاون رئیس‌جمهور در محیط زیست بجای احیای دریاچه ارومیه به خشک شدن و برداشت نمک، منیزیم و پتاسیم و لیتیوم تمایل دارند. همگی مدعی هستند که با بهره‌برداری از منابع معدنی دریاچه هم اشتغال ایجاد می‌شود و هم منبع ارزی قابل توجهی ایجاد می‌کند. حتی دکتر کلانتری معاون رئیس‌جمهور در مورد محیط زیست هم مدعی می‌شود که این کار علاوه بر منافع اقتصادی از خطرات زیست محیطی هم می‌کاهد.»

مهندس بندری تاکید می‌کند: «متأسفانه برخی کارشناسان محیط زیست هم برای کنترل غبارهای نمکی به افزودن مالچ (حتی مشتقات نفت) اشاره می‌کنند. این به آن معناست که آنها رسماً مرگ دریاچه را اعلام کرده و برای کنترل غبارهای نمکی، یک مجتمع عظیم زیست محیطی را به نابودی قطعی تهدید می‌کنند. بعلاوه مالچ‌پاشی در سطح بیش از ۵۰۰۰ کیلومترمربع نه به لحاظ اجرایی و نه اقتصادی به هیچ وجه امکان‌پذیر نیست.»

به گفته وی، «در مورد میزان لیتیوم موجود در شورابه دریاچه بررسی‌های میدانی متعددی انجام شده که در سطح اطلاعات من، معتبرترین آنها مقاله سال ۲۰۱۴ مجله Sciencedirect است که با اشاره به اینکه روزی دریاچه ارومیه بزرگترین دریاچه شور خاورمیانه و ششمین

معتمدیان در پاسخ گفت: «مطالعات سازمان زمین‌شناسی کشور در دریاچه ارومیه طی سال‌های گذشته نشان داد که میزان لیتیوم برآوردشده دریاچه ارومیه برابر با ۳۰ PPM است. در حالی که حداقل مقدار اقتصادی برای استحصال این ماده از شورابه باید بیشتر از ۱۰۰۰ PPM باشد. درواقع هیچگونه لیتیومی قابل برداشت و استحصال در این دریاچه وجود ندارد. استخراج لیتیوم از دریاچه ارومیه با توجه به وضعیت ویژه آن، نه از نظر علمی منطقی بوده و نه از نظر اقتصادی به صرفه است، می‌توان گفت توجیه اقتصادی برای برداشت لیتیوم از دریاچه ارومیه به سبب مقدار بسیار ناچیز کمتر از ۳۰ پی‌پی‌ام عملاً امکان‌پذیر نمی‌باشد و آنچه در فضای رسانه‌ای طرح شده کذب است.»

در مورد وجود یا نبود ترکیبات لیتیوم در دریاچه ارومیه این پرسش مطرح می‌شود که اساساً ترکیبات قابل استخراج لیتیوم در این دریاچه وجود دارد؟ اگر چنین است، آیا استخراج آن ارزش یا توجیه اقتصادی دارد؟ آیا استخراج نمک، منیزیم، پتاسیم و البته لیتیوم برای حفظ محیط زیست (زیست‌بوم) این دریاچه‌ی مهم بین‌المللی خطری ندارد؟

مهندس خسرو بندری کارشناس مدیریت آب در ارتباط با این موضوع به کیهان لندن می‌گوید: «با تفسیر نتایج تصویرهای ماهواره‌ای ناسا در آوریل سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۸ مساحت پوشش آب دریاچه از ۵۰۰۰ کیلومترمربع به ۳۰۰۰ کیلومترمربع کاهش داشته و به شدت رو به خشکی رفته است. بر اساس تازه‌ترین تصویرهای سپتامبر ۲۰۲۳ همراه با گزارش پیوست ناسا، دریاچه خشک شده. این در حالیکه استاندارد آذربایجان شرقی و نماینده تیریز در مجلس بر بهره‌برداری سد ونیار (شهید مدنی) که ۳۶۱ میلیون

● مهندس خسرو بندری: بر اساس تصویرهای سپتامبر ۲۰۲۳ همراه با گزارش پیوست ناسا، دریاچه ارومیه خشک شده. این در حالیکه استاندارد آذربایجان شرقی و نماینده تیریز در مجلس بر بهره‌برداری سد ونیار (شهید مدنی) که ۳۶۱ میلیون مترمکعب دیگر را کنترل کرده و مانع ورود سیلاب‌های رودخانه آجی‌چای به دریاچه می‌شود اصرار دارد. اگر بودجه مورد نیاز تامین شود و این سد به بهره‌برداری برسد فاجعه بزرگی برای دریاچه در حال احتضار خواهد بود.

● «استخراج منیزیم و لیتیوم فقط از شورابه توجیه‌پذیر است، در نتیجه و خوشبختانه تا آب به دریاچه نرسد عملی نیست.»

● «بسیار مهم است توجه کنیم که آبدارشدن دریاچه است که به دست آوردن منیزیم و لیتیوم را ممکن می‌سازد. برداشت این مواد از نمکزار قابل توجیه نیست.»

فیروزه نوردستروم-چندی پیش کیهان لندن در ۳۰ دی‌ماه گزارشی در مورد آخرین وضعیت دریاچه ارومیه و امکان‌سنجی و بررسی استخراج لیتیوم توسط چینی‌ها منتشر کرد. در واکنش به انتشار این مطلب، خبرگزاری ایسنا در ۲ بهمن‌ماه گفتگویی با محمد صادق معتمدیان استاندارد آذربایجان غربی و دبیر «کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه» انجام داد.

یکی از پرسش‌های ایسنا این بود که «در فضای مجازی و عمدتاً از سوی رسانه‌های ضدانقلاب، شاهد خرسازی در رابطه با استخراج فلز لیتیوم از بستر دریاچه ارومیه بودیم. بفرمایید که ماجرا چه بود؟»

موج شتابان خودکشی انترن‌ها و رزیدنت‌ها؛ خودکشی رزیدنت‌ها در دهه ۸۰ هم رخ می‌داد ولی اطلاع‌رسانی نمی‌شد



علوم پزشکی تهران دو مورد خودکشی را نیز تصادف رانندگی علت مرگ عنوان کرده بود!

دکتر نازنین پزشک متخصص زنان که به تازگی به تورنتو نقل مکان کرده با این توضیحات در گفتگو با کیهان لندن به حقوق ناچیز رزیدنت‌ها و اینترن‌ها اشاره می‌کند و می‌افزاید: «مجرد ۸ میلیون، متاهل ۱۰ میلیون و متاهل بچه‌دار ۱۱ میلیون تومان.»

وی با اشاره به شرایط بحرانی رزیدنت‌ها و اینترن‌ها در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به یاد می‌آورد: «رزیدنت‌هایی داشتیم که کشیک ۷۲ ساعته داشتند. آخر کجای دنیا به رزیدنت ۷۲ ساعت کشیک می‌دهند؟! فشار کاری ۴ سال است و هر سال این فشار کاری سبک‌تر می‌شود ولی مسئله آزاردهنده این بود که وقتی هر روز به بیمارستان می‌رفتیم می‌دیدیم قیمت‌ها هر روز بالاتر می‌رود، دلار بالاتر می‌رود، قیمت مسکن و مطب بالا می‌رفت، ولی خدماتی که قرار بود در آینده فروشنده آن باشیم پایین‌تر می‌رفت، شب‌ها و روزهایم در تاریکی، خستگی و فشار و توهین سپری می‌شد. در نهایت پسرخاله‌ام که در بازار موبایل‌فروشی دارد یا دخترعمه‌ام که ناخن‌کار شده سر ۵ سال بارشان را می‌بندند ولی من اگر بخواهم مطب بزنم می‌گویند دو سه سال برو طرح؛ طرح‌ها را که گذراندی در شهرستان، باید فلان کار را انجام دهی؛ بعد هم در تهران نمی‌توانی مطب بخری. این مسائل مرا ناامید می‌کرد. همه این شرایط طاقت‌فرسا باعث می‌شود تا رزیدنت‌هایی که سابقه افسردگی و مشکلات اقتصادی دارند دست به خودکشی بزنند.»

در همین ارتباط علی سلحشور نماینده پزشکان متخصص طرحی کشور در امرداد از خودکشی یکی دیگر از

● «رزیدنت‌هایی داشتیم که کشیک ۷۲ ساعته داشتند آخر کجای دنیا به رزیدنت ۷۲ ساعت کشیک می‌دهند؟! فشار کاری ۴ سال است و هر سال این فشار کاری سبک‌تر می‌شود ولی مسئله آزاردهنده این است که وقتی هر روز به بیمارستان می‌رفتیم می‌دیدیم قیمت‌ها هر روز بالاتر می‌رود، دلار بالاتر می‌رود، قیمت مسکن و مطب بالا می‌رفت...»

● «وزارت بهداشت با استئمار رزیدنت‌ها نیازهای بیمارستان‌ها را برطرف می‌کند، در بسیاری از کشورهای پیشرفته بر اساس کوریکولوم آموزشی اجازه می‌دهند رزیدنت بیشتر از ۲۴ ساعت در بیمارستان بماند، یعنی بعد از ۲۴ ساعت باید و موظف‌اند محیط بیمارستان را ترک کنند، ولی این موضوع در ایران رعایت نمی‌شود چون رزیدنت‌ها بیشتر از بار آموزشی، جور بار درمان را بر دوش می‌کشند.»

● «رزیدنت‌ها باید ۳ ساعت خواب پیوسته در طول شب داشته باشند، ما رزیدنت سال یک بودیم و هیچوقت بیشتر از ۴۵ دقیقه استراحت نداشتیم، سه ساعت خواب پیشکش!»

فیروزه نوردستروم- «موضوع خودکشی اینترن‌ها و رزیدنت‌ها تنها به یکی دو سال گذشته خلاصه نمی‌شود، در سال‌های نخست دهه ۸۰ که دوران رزیدنتی خود را می‌گذراندم شاهد خودکشی دو نفر از رزیدنت‌ها بودم آن زمان به دلیل نبود شبکه‌های اجتماعی به گستردگی زمان حاضر، این مسائل برای عموم، اطلاع‌رسانی نمی‌شدند، مسئولان دانشگاه هم خانواده‌ها را متقاعد می‌کردند که موضوع خودکشی فرزندشان را عمومی نکنند. دانشگاه

→ در دنیا بوده یادآوری کرده که حاوی منابع غنی ۵ عنصر سدیم، پتاس، لیتیم، منیزیم و ترکیبات کلسیم است. در همان سال، مطالعات زند وکیل، رنجر و احتشام‌زاده میزان لیتیم در شورابه دریاچه را در میانه بهار ۶۲ میلی گرم در هر گرم (بیش از ۶٪) محاسبه کرده‌اند. باید اشاره کنم که استخراج منیزیم و لیتیم فقط از شورابه توجیه‌پذیر است، در نتیجه و خوشبختانه تا آب به دریاچه نرسد عملی نیست.»

مهندس بندری در ادامه می‌گوید: «۸-۹ سال پیش در کنفرانس جانبی حقوق بشر سازمان ملل که در ژنو برگزار شد، در مورد بازیافت دریاچه ارومیه صحبت کردم و نسخه‌ای از مقاله را از طریق ماموران جمهوری اسلامی برای عیسی کلانتری [رئیس وقت سازمان محیط زیست] فرستادم. در آن مقاله به دو راهکار اشاره شده: یکی، انتقال آب از رودخانه مرزی زاب کوچک، این رودخانه بدون هیچ بهره‌برداری به دجله می‌پیوندد؛ و دوم، تامین حقایق دریاچه از سیلاب تمام سدهایی که در حوضه این دریاچه ساخته شده. اشاره من به حقایق برای تاکید بر حق دریاچه است و نه اینکه اگر باران کافی نیارید این حق نادیده گرفته شود.» وی تاکید می‌کند: «بسیار مهم است توجه کنیم که آبدار شدن دریاچه است که به دست آوردن منیزیم و لیتیم را ممکن می‌سازد. برداشت این مواد از نمک‌زار قابل توجیه نیست. از سوی دیگر، در مورد مشکل فوری جلوگیری از پراکنش غبارهای نمکی، به هیچ وجه نباید از هیچگونه ماده افزودنی استفاده کرد. این مسئله موجب تغییر ترکیب شیمیایی و نابودی حیات دریاچه می‌شود. کافیت با هواپیماهای سمپاش و با همان روش، با توجه به خشکی سطح دریاچه و شدت و جهت وزش باد، آب در بخش‌هایی بپاشند که بیشترین غبار نمکی از آن نواحی برمی‌خیزد. همین کار ساده، یک لایه کریستال نمک روی سطح دریاچه ایجاد می‌کند که مانع پراختن پودر نمک می‌شود. این کار بسیار کم‌هزینه اما در فصل‌های خشک دائمی بوده و می‌بایست با میزان تبخیر تواتر آن تعیین شود.»

عوامل انسانی که در رقم خوردن وضعیت اسفناک دریاچه ارومیه نقش داشته‌اند شامل سدسازی‌های متعدد، ساخت بزرگراه «شهید کلانتری» و توسعه ۲۷۰ هزار هکتار زمین کشاورزی است که البته بیشتر این سدها نیز برای توسعه کشاورزی ساخته شده و از ۲۳ سد فعال در این حوضه آبریز، کشاورزی هدف کاربرد ۱۵ سد است. این در حالیست که کارشناسان گسترش کشاورزی را آنهم با محصولاتی که به آب فراوان نیاز دارند در یک کشور خشک و کم‌باران اصلاً توصیه نمی‌کنند. حتی در کشورهای پرآب بجز محصولات خاص کشاورزی، ترجیح بر وارد کردن کالاهای کشاورزی است و نه اینکه اصرار داشته باشند خودشان آنها را تولید کنند.

در حالی که طی ۴۵ سال گذشته به دلیل ساخت سدهای متعدد، حجم آبی که می‌بایست دریاچه‌ها و تالاب‌های ایران را زنده نگه دارد، به سوی زمین‌های کشاورزی سرازیر می‌شود. در دو استان آذربایجان شرقی و غربی نیز همین روند پیش رفته است. با ساختن سدهای این منطقه، آبی که به دریاچه ارومیه وارد می‌شده اکنون به زمین‌های کشاورزی می‌رود یا پشت سدها ذخیره می‌شود و هر سال مقدار اندکی از آب برخی از این سدها، سهم دریاچه ارومیه می‌شود که همین مقدار اندک نیز تبخیر می‌شود بدون آنکه به شکل بارش به دریاچه بازگردد.

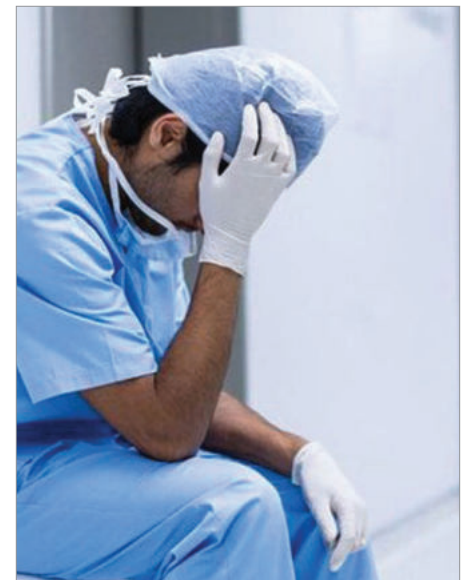
سد زولا، سد شهرچای، سد آغ‌چای، سد ارس ۲ و... از جمله سدهایی هستند که ورودی آنها به دریاچه ارومیه تقریباً صفر است!

➔ رزیدنت‌های پزشکی خبر داده و گفته بود: «از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱، یعنی فقط طی یک سال، سیزده رزیدنت خودکشی کرده‌اند.»

در دی‌ماه نیز پس از ثبت سه خودکشی کادر درمان در ایران، انجمن علمی روانپزشکان ایران در نامه‌ای به ابراهیم رئیسی با اشاره به آمار بالای خودکشی در بین رزیدنت‌ها، هشدار داد که تداوم این روند زمینه‌ساز «فروپاشی نظام سلامت کشور» است.

شرایط سخت کاری برای رزیدنت‌ها باعث شده که از حدود ۴ سال پیش انصراف رزیدنت‌ها نیز به صورت گروهی یا انفرادی آغاز شود. اما آنها مجبورند از قوانین وزارت بهداشت، قوانینی که مشابه گروگانگیری است پیروی کنند. در اینباره علی امرایی عضو کمیسیون آموزش دیده‌بان شفافیت و عدالت ۲۴ دی‌ماه به «خبرآنلاین» گفته بود: «در بخشنامه وزارت بهداشت، این وزارتخانه برای دانشجویان دوره رزیدنتی، دو نوع وثیقه در نظر گرفته است که دانشجوی برای گذراندن دوره خود، ملزم به تأمین یکی از این وثایق هستند. اول، تعهد محضری همراه با دو ضامن کارمند رسمی غیر بازنشسته با سابقه کمتر از ۲۰ سال، و دوم تعهد محضری به همراه تودیع وثیقه ملکی.»

به دلیل وجود همین موانع است که امروز بسیاری از ظرفیت‌های پذیرش رزیدنت‌ها در رشته‌های مختلف خالی است.



بسیاری از رزیدنت‌ها به کارهای زیبایی پوست روی آورده‌اند

علیرضا پزشک متخصص اطفال، علل مختلفی را در خودکشی انترن‌ها موثر می‌داند: «مدرک رزیدنت‌ها را نگه می‌دارند تا هزینه دانشگاه را بپردازند؛ دریافت ضمانت و وثیقه‌های سنگین از رزیدنت‌ها برای اینکه بعد از پایان تحصیل نه تنها در ایران بمانند بلکه در هر منطقه‌ای که وزارت بهداشت تعیین کرده خدمت کنند؛ بعد از دریافت تخصص و شروع کار، با وجود درآمد اندک، مالیات بسیار بالا تعیین می‌کنند؛ پس از گذراندن دوران طرح طولانی و کار سخت، در نهایت فردی که از لحاظ روحی و روانی متعادل است سعی می‌کند آن محیط را ترک کند یا ترک تحصیل کند مثل بسیاری از دانشجویان رزیدنتی که بعد از سال اول و دوم، تخصص خود را رها می‌کنند تا پزشکی عمومی را بگذارند، الان بسیاری از این رزیدنت‌ها که از این شرایط خود را خلاص کرده‌اند به کارهای دیگری مثل کارهای زیبایی

و بوتاکس روی آورده‌اند.»

این پزشک متخصص محیط کار انترن‌ها و رزیدنت‌ها را پراسترس می‌داند و معتقد است: «باید از این محیط فاصله گرفت و راه حلی برای آن پیدا کرد. اما تمام افرادی که از ثبات روحی یکسانی برخوردار نیستند، شرایط خانوادگی یکسانی هم ندارند، هرچند این دلایل برای دست زدن به خودکشی کافی نیست ولی رزیدنتی که از لحاظ روانی، دچار افسردگی بالاست یک تلنگر کوچک، حتی یک برخورد نامناسب کلامی در اورژانس بیمارستان می‌تواند منجر شود که وقتی از بیمارستان به خانه رفت دست به خودکشی بزند.»

به گفته وی، این افراد برای دست زدن به خودکشی منتظر یک جرقه هستند، یک تحریک بسیار جزئی و کوچک شاید از نظر ما بی‌اهمیت جلوه کند ولی برای یک فرد در شرایط اضطراب می‌تواند انگیزه‌ای برای خودکشی باشد.

هیچوقت بیشتر از ۴۵ دقیقه استراحت نداشتیم؛ خواب پیشکش!

دکتر نازنین در ادامه به عدم رعایت ساعت آموزشی رزیدنت‌ها در ایران اشاره می‌کند: «وزارت بهداشت با است شمار رزیدنت‌ها نیازهای بیمارستان‌ها را برطرف می‌کند؛ در بسیاری از کشورهای پیشرفته بر اساس کوریکولوم آموزشی اجازه نمی‌دهند رزیدنت بیشتر از ۲۴ ساعت در بیمارستان بماند، یعنی حداکثر زمان فعالیت رزیدنت در بیمارستان ۲۴ ساعت است و بعد از ۲۴ ساعت باید و موظف است محیط بیمارستان را ترک کند. ولی این موضوع در ایران رعایت نمی‌شود چون رزیدنت‌ها بیشتر از بار آموزشی، جور بار درمان را بر دوش می‌کشند.»

وی اضافه می‌کند: «از طرفی رزیدنت‌ها باید ۳ ساعت خواب پیوسته در طول شب داشته باشند؛ ما رزیدنت سال یک بودیم هیچوقت بیشتر از ۴۵ دقیقه استراحت نداشتیم؛ خواب پیشکش! رزیدنت سال دو، در بیمارستان اکبرآبادی تهران (فرح سابق) سه ساعت پشت سر هم خواب نداشت، حتی سال سه هم سه ساعت پشت هم خواب نداشت. هنوز هم شرایط رزیدنت‌ها بعد از این چند سال هیچ فرقی نکرده.»

دکتر نازنین معتقد است بحث دپه رزیدنت‌ها هم از دیگر عواملی است که آنها را به شدت تحت فشار روانی قرار می‌دهد: «در ایران ما موضوعی به نام دپه داریم؛ رزیدنت‌ها بعد از دو ماه مجبورند خود را تحت پوشش بیمه مسئولیت قرار دهند، یعنی من دارم کار می‌کنم، من کارمندم، من فقط آموزش نمی‌بینم، مسئولیت قانونی دارم، باید به دادگاه بروم و پاسخگو باشم و بعد اگر دادگاه هم نروم بار کاری بر روی دوش من هست. اگر موضوع بر سر آموزش است پس مثلا یک رزیدنت سال چهارم باید مثلا ۳۵ زایمان سزارین شکم اول انجام داده باشد اما آمار سزارین من به دو هزار تا رسید. اگر بیمارستان خلوت بود به ۲۰۰ مورد نمی‌رسید. پس ما نیروی کار بودیم، نیروی آموزشی صرف نبودیم. همه رزیدنت‌ها در همه بخش‌ها با همه این شرایط، بیمه ندارند، بیمه بازنشستگی ندارند، الان یکسری از متخصصان، خودشان پول بازنشستگی خود را می‌پردازند؛ یکسری هم در مراکز دولتی و بیمارستان‌های دولتی کار می‌کنند که آنها را بیمه کنند. چون تأمین اجتماعی در حال حاضر بسیاری از بیمارستان‌ها را ملزم کرده که پزشکان خود را باید بیمه کنند. مثلا یک پزشک باید ۲۵ سال سابقه بیمه‌اش پر شود تا بازنشستگی نه چندان خوبی داشته باشد.»

دکتر علیرضا نیز در این ارتباط معتقد است: «این اجحاف یکی از ظلم‌هایی است در حق همه پزشکانی که دوران

تخصصی خود را گذرانده‌اند، همه افرادی که پزشک نیستند لیسانس می‌گیرند و از ۲۲ حداکثر ۲۴ سالگی شروع می‌کنند به کار کردن و دنبال بیمه خود هستند و تا ۵۴ سالگی، ۳۰ سال سابقه کار پر کرده‌اند. ولی یک پزشک که می‌خواهد متخصص شود به خاطر طرح و رفت و آمد، دو سه سال از عمرش تلف می‌شود. تازه در ۲۲-۳۴ سالگی و گاهی هم در ۳۵-۳۶ سالگی می‌خواهد شروع به کار بکند. به این ترتیب تا چند سالگی باید کار کند تا بتواند بازنشسته شود؟!»

او به موضوع درآمد پزشکان اشاره می‌کند: «در همه جای دنیا درآمد یک پزشک متخصص چند برابر رشته‌های دیگر است. درآمد یک پزشک جراح از درآمد یک پزشک متخصص داخلی بیشتر است یا حقوق یک پرستار از یک بهیار بیشتر است، ولی در ۱۵ سال اخیر آمدند به پارامدیکال‌ها بهای بیشتری دادند، جایگاه پرستارها و ماماها را بالاتر بردند و برعکس به جایگاه پزشکان اهمیتی ندادند؛ ویزیت پزشک در ایران ۴ دلار است حتی در آنگولا، هند یا پاکستان و کشورهای جهان سوم هیچ پزشکی ویزیت ۴ دلاری دریافت نمی‌کند!»

به گفته دکتر نازنین، حوزه زنان و زایمان رشته‌ای است که همیشه در صدر بود ولی از چندین سال قبل آمدند رشته مامایی را در مقابل آن علم کردند! دانش ماما هرگز در حد یک پزشک عمومی هم نیست. در اغلب کشورها ماماها مستقل نیستند و اجازه ندارند خیلی از کارها را به تنهایی انجام دهند اما در ایران رشته مامایی را وارد گروه جراحی‌های زنان کرده‌اند و دارند روش‌های کمک باروری را به ماماها یاد می‌دهند.

دکتر علیرضا در ادامه به مشکلات پزشکان در حوزه مالیات اشاره می‌کند و می‌گوید: «چندسالی است که اداره مالیات هزینه‌های ما را محاسبه نمی‌کند مثلا یک پزشک امسال ۵۰۰ میلیون درآمد داشته ۱۲۸ میلیون هزینه مطب، رفت و آمد، بیمه تکمیلی پزشک و خانواده وی، بیمه ماشین، بیمه مسئولیت، هزینه‌های منشی، شارژ و غیره داشته، این هزینه‌ها باید کسر شوند و درآمد خالص مثلا ۳۲۲ میلیون تومان محاسبه شود، من بارها این هزینه‌ها را محاسبه کردم ولی اداره مالیات اصلا به این هزینه‌ها توجهی ندارد! اداره مالیات نه بر اساس مستندات بلکه بر اساس حدس و گمان خودش، مالیات می‌بندد. مثلا می‌گویند مطب شما بر خیابان «آیت‌الله کاشانی» است پس کم اینقدر در ماه درآمد دارید!»

سه‌میه‌های دلخواهی در کنکور پزشکی

یکی دیگر از مسائل رزیدنت‌ها بالا بودن سهمیه‌ها در کنکور پزشکی است.

به گفته دکتر علیرضا، «۷۰-۶۰ درصد از صندلی‌های دانشگاه، سهمیه‌های شهدا هستند، الان نسل بچه‌های شهدای زمان جنگ، ازدواج کرده و از سن ورود به دانشگاه گذشته‌اند! ولی به همین اسم سهمیه‌های دلخواهی هستند!»

او اضافه می‌کند: «حوزه سلامت، حوزه جایزه نیست که بگوییم تو این کار خوب را انجام داده‌ای بیا برو دکتر شو! مثلا کسی که رفته عضو بسیج شده، به او بگوییم آفرین! حالا برو در تیم ملی فوتبال توپ بزنی! حوزه طبابت حوزه‌ای نیست که برای جایزه، دست هر کسی بدهیم. نتیجه‌اش همین شده که ۷۰-۶۰ درصد صندلی‌ها شده برای سهمیه‌ای‌ها! بعد برای اینکه بتوانند جامعه را قانع نگه دارند آمده‌اند ظرفیت پذیرش را بالا برده‌اند! در حالی که ظرفیت پذیرش بالا در هیچ کشوری متداول نیست.»

جمهوری اسلامی یک جنایت دیگر را هم لاپوشانی می‌کند: سپهر شیرانی کشته نشد خودکشی کرد!



دستگاه‌های حکومتی در مورد چگونگی کشته شدن سپهر شیرانی شده است.

به گزارش کمپین فعالین بلوچ مولانا عبدالحمید اسماعیل‌زهی امام جمعه اهل سنت زاهدان در خطبه‌های نماز روز جمعه ۱۳ بهمن‌ماه در مصلاهی مکی خواستار شفاف‌سازی دستگاه‌های حکومتی در خصوص چگونگی کشته شدن سپهر شیرانی دانشجوی بازداشتی بلوچ شد.

به گفته مولانا عبدالحمید، دستگاه‌های مربوطه به مردم توضیح دهند که سپهر شیرانی چطور جان‌ش را از دست داده است. پیشتر چندین بار سپهر شیرانی به دلیل فعالیت در فضای مجازی از سوی نیروهای نظامی و اطلاعاتی مورد تهدید قرار گرفته بود.

تا کنون خبرهای متعددی از فشارهای حکومتی بر شهروندان و فعالان شبکه‌های اجتماعی در استان سیستان و بلوچستان منتشر شده است.

در روز ۱۱ بهمن‌ماه یک بلاگر و طنزپرداز معروف زاهدانی از سوی نیروهای نظامی بازداشت شد. هویت این شهروند «محمد توتازهی» معروف به چکوک زاهدانی اهل زاهدان عنوان شده است.

به گفته منابع کمپین فعالین بلوچ، محمد توتازهی در حالی که قصد رفتن به محل کار خود را داشت، مقابل منزل خود در خیابان آرش، توسط نیروهای لباس شخصی اطلاعات سپاه بازداشت شد.

بر اساس این گزارش نیروهای اطلاعات سپاه بدون ارائه حکم قضایی و تفهیم اتهام، وی را بازداشت کردند.

بر اساس گزارش سالانه ۲۰۲۳ میلادی کمپین فعالین بلوچ، تعداد ۳۳۷ گزارش بازداشتی به ثبت رسیده که در ۵ گزارش شهروندان بلوچ به صورت فله‌ای بازداشت شدند. بر اساس این گزارش، ۸۳۶ شهروند مرد با احتساب اتباع خارجه، ۶۸ کودک و ۷ زن بلوچ در بین بازداشتی‌ها دیده می‌شوند. در بین این تعداد از بازداشتی‌ها، دست‌کم ۱۱۷ تن از نزدیکان مولوی عبدالحمید، روحانیون و طلاب بودند.

بی‌خبری از این دانشجوی ۱۹ ساله منجر به نگرانی خانواده شده و پس از پیگیری‌ها مشخص شد که وی در بازداشت نیروهای اداره اطلاعات است.

بنا بر این گزارش، نیروهای اداره اطلاعات علت بازداشت را فعالیت سپهر در فضای مجازی عنوان کرده و گفته بودند او پس از پاره‌ای توضیحات آزاد خواهد شد.

به گفته منابع «کمپین فعالین بلوچ» پس از سه روز که سپهر در بازداشت نیروهای اداره اطلاعات بود و خانواده نیز از آزادی وی اطلاعی نداشتند، پیکر وی در پشت بام منزلش که با اصابت گلوله به سر جان باخته بود، کشف شد.

این منبع که نخواست نامش فاش شود، افزود: «نیروهای اداره اطلاعات بر اثر شکنجه سپهر را به قتل رسانده و در یک سناریوی ساختگی با شلیک گلوله به سر وی و انتقال او به پشت بام منزل، مرگ او را خودکشی جلوه دادند.»

در روز ۱۳ بهمن‌ماه پیکر سپهر شیرانی ۱۹ ساله دانشجوی دانشگاه سیستان و بلوچستان که با شکنجه ماموران اداره اطلاعات کشته شده بود، در شهر فوج تشییع شد.

منابع کمپین فعالین بلوچ گزارش دادند که آثار کبودی و ضرب و جرح بر بدن سپهر شیرانی مشهود بوده و اطلاعات سپاه شرط تحویل پیکر وی را سکوت خانواده و عدم اطلاع‌رسانی از وضعیت جسمی او اعلام کردند. در خبرهای اولیه نیز آمده بود که پس از اطلاع خانواده درباره کشته شدن فرزندشان، امنیتی‌ها از تحویل پیکر وی خودداری کرده بودند.

یک منبع مطلع به گزارشگر کمپین فعالین بلوچ گفته است: «آثار ضرب و جرح، کبودی بدن و شکستگی دست راست بر بدن سپهر مشاهده شده است.»

این منبع افزود: «اطلاعات سپاه شرط تحویل جسد سپهر به خانواده را عدم اطلاع‌رسانی و عدم رؤیت بدن وی به دیگر نزدیکان عنوان کرده و پدر سپهر توسط آنها تهدید شده است.»

همزمان مولانا عبدالحمید خواستار شفاف‌سازی

● پیکر بی‌جان سپهر شیرانی پس از سه روز بازداشت و شکنجه، در حالی که خانواده هیچ اطلاعی از وی نداشتند در پشت‌بام خانه‌اش در حالی کشف شد که به سرش گلوله شلیک شده بود.

● دادستان مرکز استان سیستان و بلوچستان اخبار منتشر شده در مورد کشته شدن سپهر شیرانی را با لاپوشانی، تکذیب و ادعا کرد: «این فرد هیچ‌گونه سابقه زندان و بازداشت شدن نداشته است. بر اساس اطلاعات اولیه علت فوت این فرد خودکشی اعلام شده است.»

● پیشتر چندین بار سپهر شیرانی به دلیل فعالیت در فضای مجازی از سوی نیروهای نظامی و اطلاعاتی مورد تهدید قرار گرفته بود.

● منابع «کمپین فعالین بلوچ»: «نیروهای اداره اطلاعات بر اثر شکنجه سپهر را به قتل رسانده و در یک سناریوی ساختگی با شلیک گلوله به سر وی و انتقال او به پشت بام منزل، مرگ او را خودکشی جلوه دادند.»

سپهر شیرانی ۱۹ ساله دانشجوی ترم اول دانشگاه سیستان و بلوچستان، فرزند دکتر علی (دندانپزشک) اهل فوج و ساکن زاهدان در روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۲، توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت و دو روز بعد پیکر بی‌جان او به خانواده‌اش تحویل داده شد.

با این‌همه دادستان مرکز استان سیستان و بلوچستان اخبار منتشر شده در مورد کشته شدن سپهر شیرانی را با لاپوشانی، تکذیب و ادعا کرد: «این فرد هیچ‌گونه سابقه زندان و بازداشت شدن نداشته است. بر اساس اطلاعات اولیه علت فوت این فرد خودکشی اعلام شده است.»

مهدی شمس‌آبادی در ادامه ادعایش افزود: «والدین این جوان روز سه‌شنبه اعلام کردند فرزندشان به دانشگاه رفته و بعد از آن به منزل مراجعه نکرده است و مفقود شده است.»

به گفته دادستان عمومی و انقلاب مرکز سیستان و بلوچستان، دستورات اولیه در این رابطه به پلیس آگاهی داده شد و تحقیقات آغاز شد. خانواده این فرد در تماس با پلیس اعلام کردند که جسد فرزندشان را در پشت منزل پیدا کرده‌اند.

دادستان عمومی و انقلاب مرکز سیستان و بلوچستان در حالی این ادعا را مطرح کرده است که به گفته کمپین فعالین بلوچ، در روز اول ناپدید شدن سپهر شیرانی، خانواده، پس از پیگیری اطلاع پیدا کرد که فرزندشان در بازداشت نیروهای اطلاعات سپاه است. ماموران اطلاعات سپاه دلیل بازداشت را فعالیت وی در فضای مجازی و بازجویی از او عنوان کرده بودند.

در عین حال، پیکر بی‌جان سپهر شیرانی پس از سه روز بازداشت و شکنجه، در حالی که خانواده هیچ اطلاعی از وی نداشتند در پشت‌بام خانه‌اش در حالی کشف شد که به سرش گلوله شلیک شده بود.

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی کمپین فعالین بلوچ، نیروهای اداره اطلاعات پس از شکنجه‌هایی که منجر به جان باختن سپهر شیرانی شد، در یک سناریوی ساختگی با شلیک گلوله به سر، کشته شدن وی را خودکشی نشان داده‌اند. بر اساس گزارش پیشین کمپین فعالین بلوچ، سپهر شیرانی در روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۲، از سوی نیروهای اداره اطلاعات زاهدان بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده بود.

تداوم روند اخراج استادان دانشگاه؛ رد صلاحیت هزاران پذیرفته شده آزمون استخدامی آموزش و پرورش به دلایل سیاسی و عقیدتی



شد بطوریکه آمار منتشر شده در شهریور امسال از مهاجرت ۵۰ عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خبر می‌داد.

وضعیت تک‌اندنده‌ای که علیه استادان دانشگاه و تشدید فضای امنیتی در دانشگاه‌ها شکل گرفت با انتقاد برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز روبرو شد. در همین رابطه غلامرضا نوری قزلقه رئیس «فراکسیون مستقلین» مجلس شورای اسلامی تابستان امسال در گفتگویی درباره هدف از حذف اساتید منتقد گفته بود: «اگر در یک جمله خلاصه کنم هدف تداوم همان خالص‌سازی است که در حوزه سیاست و قدرت صورت گرفته و الان وارد حوزه فرهنگ و دانشگاه‌ها شده است.»

غلامرضا نوری قزلقه گفته بود که «به هر حال چنین اقداماتی آینده علمی کشور و به تبع آن توسعه و پیشرفت را دچار مشکل خواهد کرد. اینگونه اقدامات مربوط به چند قرن گذشته بوده که دنیا تجربه کرده و از آن برگشته است حال آقایان دارند این مسیرها را طی می‌کنند. به باور من شخص رئیس جمهور مسئول این اقدامات است. ایشان مسئولیت اجرایی دارند و مسئول اجرای قانون اساسی کشور هستند.»

او با بیان اینکه «با این فرمان کشور را به جاهای خطرناکی می‌برند» گفته که «من این اقدامات در حوزه فرهنگ و دانشگاه‌ها را خلاف روشن روح قانون اساسی و خلاف روشن اصول مترقی در حوزه‌های کرامت انسانی، آزادی بیان و اندیشه، برابری همه مردم در مقابل قانون می‌دانم.»

آموزگاران نیز در وضعیتی مشابه با اساتید دانشگاه قرار دارند و صدها آموزگار اخراج، تعلیق و یا با بازنشستگی اجباری روبرو شدند. همچنین در آذرماه امسال وزارت آموزش و پرورش در اقدامی عجیب متنی با محتوای «توبه‌نامه» را برای امضا در اختیار آموزگاران که همسان‌سازی حقوق آنها به دلیل شرکت و همسویی با اعتراضات مردمی و صنفی انجام نشده، قرار داده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران این متن را «ابزار جدید طراحان ناآگاه و مجریان متخلف

پزند در تهران از جمله اساتیدی هستند که در دی و بهمن امسال اخراج شدند.

شهرام عباسی، علیرضا آزاد، مهشید گوهری کاخکی، حسن باقرینیا و اکبر جعفری جوان‌ترین استاد فیزیک دانشگاه «شریف» ابتدای زمستان امسال حکم اخراج خود را دریافت کردند.

گزارش «خبرآنلاین» تأکید کرده فهرست اساتیدی که از ابتدای سال تحصیلی جدید تا کنون اخراج شدند طولانی‌تر از اسامی یادشده در این گزارش است و دلایل رسمی و غیررسمی اخراج آنها با عبارتهایی چون «همسو نبودند»، «معترض بودند»، «همکاری نمی‌کردند» عنوان شده است.

این گزارش تأکید کرده که اغلب این اساتید اخراجی اگر متولد سال‌های نزدیک به انقلاب نباشند، دست‌کم سال‌های کودکی‌شان را در سال‌های دهه شصت گذرانده‌اند و اغلب اساتید رشته‌های علوم انسانی هستند و بیشترشان فعالیت سیاسی یا حزبی خاصی نداشته و عمدتاً حامی دانشجویان و خواستار فشار کمتر به دانشجویان بوده‌اند.

روند اخراج اساتید دانشگاه از چند هفته پس از آغاز اعتراضات چپ‌نیش ملی در شهریور سال گذشته آغاز شد. جنبش دانشجویی همراهی بی‌سابقه‌ای با اعتراضات مردمی نشان داد و دانشگاه‌های کشور به یکی از مهم‌ترین کانون‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی تبدیل شدند.

در این میان اساتیدی که به هر شکل از دانشجویان و اعتراضات حمایت کردند و یا با سرکوب گسترده و شدید دانشجویان و امنیتی کردن فضای دانشگاه‌ها مخالفت یا نسبت به این روند انتقاد کرده یا بیانیه‌هایی را امضا کردند در معرض اخراج، تعلیق و یا بازنشستگی زودتر از موعد قرار گرفتند.

سرکوب اساتید دانشگاه که بسیاری از رسانه‌ها از آن به عنوان «انقلاب فرهنگی دوم» نام می‌بردند، سبب اخراج بیش از ۱۵۰ استاد دانشگاه و تعلیق و بازنشستگی شماری دیگر شد. حذف استادان دانشگاه از نظام آموزش عالی کشور و ایجاد فضایی نظامی-امنیتی علیه ساختار آموزش عالی همچنین سبب افزایش مهاجرت اساتید دانشگاه از کشور

● فشار بر استادان دانشگاه‌ها از چند هفته پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی با جان باختن مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد و همچنان در سال تحصیلی جدید ادامه دارد. ● «خبرآنلاین» نوشته «نسلی از دانشگاه بیرون می‌شوند که برونداد آموزش پس از انقلاب هستند». این گزارش تأکید کرده که روند اخراج اساتید «تهدید جدی منافع ملی در حوزه آموزش» است.

● شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرد بین ۳ تا ۶ هزار نفر از آزمون‌های استخدامی آموزش و پرورش به دلیل مسائل عقیدتی و سیاسی توسط «نهاد گزینش» رد شدند.

فشارهای امنیتی و قضایی بر استادان دانشگاه و همچنین آموزگاران ادامه دارد؛ شماری از اساتید دانشگاه در سال تحصیلی جدید و یک سال پس از اعتراضات جنبش ملی اخراج گشته و تعدادی از آموزگاران که در آزمون استخدامی آموزش و پرورش قبول شدند، از سوی گزینش رد شدند.

گزارش‌ها بیانگر تداوم فشارهای امنیتی و صنفی بر آموزگاران و استادان دانشگاه‌هاست. این فشارها از چند هفته پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی با جان باختن مهسا امینی در شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد و همچنان در سال تحصیلی جدید ادامه دارد.

وبسایت «خبرآنلاین» در گزارشی با عنوان «ادامه چراغ خاموش اخراج اساتید دانشگاه» نوشته «نسلی از دانشگاه بیرون می‌شوند که برونداد آموزش پس از انقلاب هستند». این گزارش تأکید کرده که روند اخراج اساتید «تهدید جدی منافع ملی در حوزه آموزش» است.

در این گزارش آمده احمد شکرچی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران)، مصطفی آذرخشی عضو هیئت علمی دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه «بهشتی»، محسن خلیلی استاد دانشگاه فردوسی مشهد، آبتین گلکار مترجم سرشناس و استاد گروه زبان روسی دانشگاه «تربیت مدرس»، نوید برزنجه استاد دانشگاه آزاد

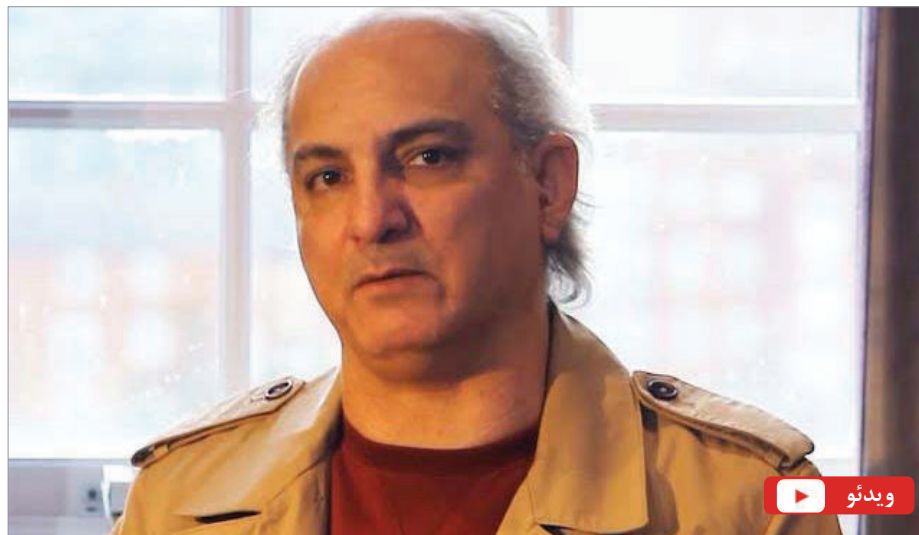
آزادی زنان ایران فراتر از حجاب



توسعه اجتماعی که لازمه توسعه اقتصادی و سیاسی مد نظر رضاشاه پهلوی بود. در ۱۳۱۰ برای نخستین بار در تاریخ ایران ازدواج با تکیه بر حقوق زنان در چارچوب قانون قرار داده شد. در این قانون مجازات‌هایی برای «آزار زنان توسط همسر» و توجه جرم‌انگارانه به ازدواج زودهنگام دختران، همان چیزی که به عنوان «کودک‌همسری» جمهوری اسلامی مدافع و مروج آن است در نظر گرفته شد.

نزدیک به یک قرن پیش، فرهنگ اسلامی- قجری حاکم بر ایران زنان را یا به پستوی خانه‌ها و اندرونی، یا به حرمسرای شاهان و اشراف قاچار رانده بود. یک دهه پس از آغاز سلسله پادشاهی پهلوی در حالی که زنان همچنان به ندرت در جامعه آنهم با چادر سیاه و روبنده حضور داشتند، رسیدن به توسعه اجتماعی بدون حضور و نقش زنان به عنوان نیمی از جمعیت پویای کشور غیرممکن بود.

آشنایی با هنرمندان؛ پیمان ماندگار فیلمساز



دلیل هزینه‌های بالای این رشته از حمایت‌های مختلف از جمله از سوی جامعه ایرانیان خارج کشور محروم هستند. اما پیمان ماندگار با پیگیری و تلاش توانست وسایل حرفه‌ای خود را به مرور تهیه کند و با تحمل فشار و حل مشکلات با قبول چندین مسئولیت فنی و هنری همزمان، دست به تولید فیلم‌های کوتاه، مینی سریال و فیلم بلند بزند. در آشنایی با هنرمندان، پیمان ماندگار از خود و فعالیت‌هایش می‌گوید.

پیمان ماندگار فیلمساز است. او ده سال پیش ایران را ترک کرد و ساکن منچستر بریتانیا شد و ماند. او تصمیم برای برنگشتن به ایران را با توجه به فیلمی که درباره جنبش ۸۸ ساخته بود گرفت و پس از مدتی خانواده‌اش نیز به وی پیوست. پیمان ماندگار در ایران فیلمساز موفقی بود و فیلم‌هایش نیز جوایزی در داخل و خارج کشور کسب کرده بود. در بریتانیا اما مجبور شد زندگی و امکانات فعالیت حرفه‌ای خود را دوباره از نو بسازد. در مورد فعالیت و امکانات هنرمندان فیلم و سینما این مشکل واقعی وجود دارد که اغلب به

→ طرح رتبه‌بندی» خوانده و هدف آن را «هدر رفت وقت معلمان و عدول از اخلاقیات در سرهم‌بندی و جور کردن اسناد تقلبی» و بستن دهان آموزگاران اعلام کرده است. این نهاد صنفی اقدام آموزش و پرورش را «بی‌شمارانه» و «رذیلاانه» خوانده و خطاب به مقامات این وزارتخانه نوشته که «با کدام معیار رتبه‌بندی این معلمان را حذف کردید که چنین رذیلاانه می‌خواهید برقرار سازید و از معلم به گناه نکرده اقرار بگیرید؟! می‌خواهید معلمان توبه نامه بنویسند تا آنها را مجرم دانسته و به زور خودشان بر زمین زیند؟!» شورای هم‌هنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در ادامه نوشته که «رد انحرافات و گمگشتگی در اهداف را در بروز چنین خطاهائی می‌توان جست. این تعهد گویا این است که هدف از رتبه‌بندی علاوه بر وقت کشی در پرداخت حقوق مسلم فرهنگیان، استفاده ابزاری بوده است در پروژه زبردست‌سازی حاکمیت و پیروسازی معلم و خفه کردن صدای معترض.»

از سوی دیگر هفته جاری شورای هم‌هنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرد بین ۳ تا ۶ هزار نفر از آزمون‌های استخدامی آموزش و پرورش (آموزگاری و دبیری) سال ۱۴۰۲ به دلیل مسائل عقیدتی و سیاسی توسط «نهاد گزینش» رد شده و در بلا تکلیفی به سر می‌برند. بر اساس اعلام این نهاد صنفی، همه «رد شدگان توسط گزینش» از نفرات برتر آزمون علمی بوده‌اند اما به بهانه‌هایی مانند «داشتن نماز قضا، حضور کم‌رنگ در نماز جماعت و جمعه و فعالیت در فضای مجازی، بی‌حجابی و ضعف اطلاعات درباره احکام اسلامی» از ادامه روند استخدامی باز مانده‌اند.

در حالی که کشور به شدت با کمبود آموزگار روبروست، آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اوایل بهمن ماه از پذیرش دستکم ۳۵۰۰ آخوند به عنوان معلم برای حضور در مدارس خبر داد.

شورای هم‌هنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اواخر دی‌ماه امسال با صدور بیانیه‌ای درباره عوارض حضور روحانیون در مدارس و تداوم سیاست آموزش ایدئولوژیک نوشت: «در طی چهل و پنج سال گذشته، سیستم آموزشی در سطوح مختلف و از جمله مدارس همواره ابزار بازمانده ارزش‌های رسمی حاکمیتی و بازتولید نظام آموزشی ایدئولوژیک بوده است. چارچوبی گزینشی و نگاهی ابزاری به مدرسه و ساختار آموزش و پرورش که در آن، نگاهی انسانی به مقوله آموزش غایب است. به عبارت دیگر، ساختار آموزشی برای حکومت مستقر، صرفاً تا جایی محل توجه است که سربازانی برای پیشبرد اهداف سیاسی/ایدئولوژیک حکومت تربیت کند.»

در این بیانیه تأکید شده بود که «هدف ترسیم شده، پاکسازی مدارس از نیروی آموزشی متخصص و جایگزینی آن با طلبه‌ای است که کمترین تخصصی در حوزه آموزش کودکان و نوجوانان ندارد. سیاستی که به شکل‌های مختلف در طول بیش از چهار دهه دنبال شده است و نگاهی به ساخت اجتماعی و سیاسی بیانگر این مدعا است که نهاد روحانیت در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و حتی صنعتی حضور چشمگیری دارد.»

این بیانیه همچنین به خانواده‌های ایرانی هشدار داده بود که «نسبت به عوارض چنین سیاست‌هایی برای کودکان خود، بی‌تفاوت نباشند. در سال‌های گذشته تعدادی از همکاران ما در این تشکل در راستای مخالفت با آموزش ایدئولوژیک، دفاع از آموزش رایگان و دفاع از حقوق دانش‌آموزان متحمل هزینه‌های زیادی شده‌اند. نمونه اخیر آن تجمع اسفندماه سال گذشته در اعتراض به مسمومیت‌سازی مدارس بود.»

مجوز فعالیت «بانک ملی» در عراق باطل شد؛ افزایش فشارها به جو بایدن برای بستن کانال‌های مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



رومبایی از موشک‌های بالستیک در رژه‌های نیروهای مسلح

به شناسایی و اختلال در تامین مالی گروه‌های مسلح تحت حمایت جمهوری اسلامی در این کشور کمک کند.

تعداد زیادی از سناتورهای آمریکایی از هر دو حزب خواستار تغییر سیاست‌های دولت بایدن در قابل جمهوری اسلامی شده‌اند. شماری از آنها خواستار اقدام مستقیم علیه پایگاه‌های سپاه شده و شماری نیز ضرورت تشدید تحریم‌ها را مطرح کرده‌اند.

یک منبع آگاه در وزارت خزانه‌داری آمریکا به رویترز گفته بود «اینها در مجموع گروه‌هایی هستند که فعالانه از عراق و سیستم‌ها و ساختار مالی آن برای تداوم این اعمال سوء استفاده می‌کنند و ما باید مستقیماً به آن رسیدگی کنیم.» وی توضیح داده بود «صادقانه بگویم، فکر می‌کنم واضح است که انتظار ما از دیدگاه خزانه‌داری این است که ما می‌توانیم با هم اطلاعات بیشتری را به اشتراک بگذاریم و دقیقاً نحوه فعالیت این گروه‌های شبه‌نظامی در عراق را شناسایی کنیم.»

دولت عراق بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار پول در بانک‌های آمریکایی ذخیره دارد و به شدت از مسدود شدن دسترسی به این پول‌ها به دلیل نقض تحریم‌های آمریکا نگران است.

سناتور گراهام: باید به تجارت نفت ایران ضربه زد
لیندزی گراهام سناتور جمهوریخواه آمریکا با انتقاد از سطح پایین واکنش دولت بایدن نسبت به حملات شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی گفته باید هدفی در نظر گرفته شود که برای حکومت ایران «ارزش» دارد. وی تأکید کرده «برای ضربه زدن به تجارت نفت آنها به هواپیماهای سرنشین‌دار نیاز نداریم. آنها چهار پالایشگاه دارند که از فضا دیده می‌شود. اگر یکی از آنها را نابود کنیم، این کارها تمام می‌شود.»

و فناوری‌هایی مربوط به ارسال پارازیت، شنود، رادار و اخلاک‌گرها نیز می‌شود.

یک هفته پس از کشته شدن سه نظامی آمریکایی در اردن همزمان با آغاز عملیات تلافی‌جویانه آمریکا علیه گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه، منابع عراقی گزارش دادند که مجوز فعالیت بانک ملی در عراق باطل شده است.

گفته می‌شود آمریکا به دنبال مقابله با قاچاق دلار از عراق به ایران از طریق بانک‌ها، مؤسسات مالی و صرافی‌های این کشور است.

وبسایت «فرات نیوز» دوشنبه ۱۶ بهمن‌ماه با انتشار یک سند گزارش داد که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی علیه بانک ملی جمهوری اسلامی مجوز فعالیت این بانک در عراق باطل شده است.

عمار حمد خلف معاون بانک مرکزی عراق خطاب به اداره کل بانک ملی نوشته است که «با توجه به ضرر و زیان شعبه این بانک در عراق و محدود بودن فعالیت آن و عدم امکان فعالیت یا گسترش آن مجوز بانک ملی ایران در عراق ابطال شده است.»

در این سند آمده است که تداوم فعالیت این بانک در عراق آورده‌ای ندارد علاوه بر اینکه این بانک مشمول تحریم‌های بین‌المللی است.

ادعا شده هشت بانک عراقی نیز به دلیل معاملات ارزی با بانک‌های ایرانی با محدودیت‌های جدید روبرو شده‌اند. پس از کشته شدن سه نیروی نظامی آمریکا در پایگاه «برج ۲۲» اردن در حملات پهنای گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک مقام ارشد خزانه‌داری آمریکا گفت که ایالات متحده از دولت عراق انتظار دارد که

● یک هفته پس از کشته شدن سه نظامی آمریکایی در اردن همزمان با آغاز عملیات تلافی‌جویانه آمریکا علیه گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه، منابع عراقی گزارش دادند که مجوز فعالیت بانک ملی جمهوری اسلامی در عراق باطل شده است.

● وبسایت «فرات نیوز» دوشنبه ۱۶ بهمن‌ماه با انتشار یک سند گزارش داد که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی علیه بانک ملی مجوز فعالیت این بانک در عراق باطل شده است.

● یک منبع آگاه در وزارت خزانه‌داری آمریکا به رویترز گفته بود «اینها در مجموع گروه‌هایی هستند که فعالانه از عراق و سیستم‌ها و ساختار مالی آن برای تداوم این اعمال سوء استفاده می‌کنند و ما باید مستقیماً به آن رسیدگی کنیم.»

● شمار زیادی از افراد و شرکت‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم برای ارگان‌های دولتی رژیم اقدام به تأمین تجهیزات یا نقل و انتقال پول می‌کنند در پوشش شرکت‌های خصوصی عمل کرده و حق دلایلی سنگین می‌گیرند. آنها از طریق مؤسسات و بانک‌های خصوصی یا صرافی‌ها به صورت نقدی یا از طریق رمزارز اقدام به جابجایی میلیون‌ها دلار پول می‌کنند.

● شمار زیادی از این شرکت‌ها در سال‌های اخیر تحریم شدند اما گردانندگان آنها بلافاصله با ثبت یک شرکت جدید یا خرید پروانه فعالیت یک شرکت دیگر کار خود را از سر می‌گیرند. بخشی از این شرکت‌ها در پوشش شرکت‌های به اصطلاح «دانش بنیان» فعال‌اند که از طریق تأمین قطعات با کاربردهای چندگانه توسعه صنایع موشکی و پهنای و همچنین توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و مخابراتی حکومت را تسهیل می‌کنند. این تجهیزات شامل قطعات

نیویورک تایمز: جمهوری اسلامی نگران است برنامه غنی‌سازی اش به هدف نظامی تبدیل شود



بازدید علی خامنه‌ای از ماشین‌های سانتریفیوژ / خرداد ۱۴۰۲

غنی‌سازی در سطح ۶۰ درصد که از بیش از دو سال پیش و برخلاف تعهدات جمهوری اسلامی در برجام آغاز شد یکی از نگرانی‌های جدی جامعه بین‌المللی درباره این برنامه هسته‌ای است.

رافائل گروسی اوایل آذرماه غنی‌سازی اورانیوم «با غلظت بسیار بسیار زیاد» در ایران را نگران کننده خواند و با اشاره به اخراج شماری از بازرسان آژانس از ایران گفت، «ما امکان نظارت بر بخش بزرگی از برنامه‌های اتمی کاملاً جاه طلبانه جمهوری اسلامی را نداریم و نگران این وضعیت هستیم.»

جمهوری اسلامی اقدام به اخراج بازرسان حرفه‌ای کرده است که به گفته مدیرکل آژانس «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی» دارند. اغلب بازرسانی که ورودشان به ایران ممنوع شد فرانسوی و آلمانی هستند. گفته شد که تعداد آنها هشت نفر است. رافائل گروسی در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به خبرنگاران گفته بود «آماده ساختن بازرسانی که تجربه، مهارت و توانایی لازم

برای انجام این کار را دارند، زمان زیادی می‌برد.» همزمان با افزایش تنش‌های نظامی در منطقه، احتمال اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرده است. برخی سناتورها در آمریکا دولت بایدن را برای اقدام مستقیم در خاک ایران زیر فشار قرار داده‌اند. شماری از آنها خواسته‌اند تأسیسات اتمی و نظامی مرتبط با سپاه پاسداران در ایران هدف قرار داده شود.

دولت‌های غربی مدام هشدار می‌دهند که جمهوری اسلامی در پوشش پرتاب ماهواره‌های علمی در حال تست و توسعه موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک اتمی است. با اینهمه مسئولان نظام ادعا می‌کنند که بر اساس «فتوای علی خامنه‌ای» سلاح اتمی حرام است و به دنبال آن نیستند. فریدون عباسی دوانی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی آذرماه ۱۴۰۰ در مصاحبه با روزنامه «ایران» افشا کرد که محسن فخری‌زاده برای سلاح هسته‌ای سیستم ایجاد کرد! محمود علوی وزیر پیشین اطلاعات جمهوری اسلامی نیز گفته بود «مقام معظم رهبری فتوا داده که سلاح هسته‌ای حرام است اما اگر گریه را در گوشه‌ای گیر بیندازند، ممکن است رفتارشان با وقتی که گریه آزاد است فرق کند!»

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته ایران سرعت تولید غنی‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی را کاهش داده است.

● روزنامه «نیویورک تایمز» ادعا کرده، کاهش سرعت غنی‌سازی ۶۰ درصدی می‌تواند نشانه آن باشد که جمهوری اسلامی ایران به دنبال کاهش تنش و خنثی کردن احتمال رویارویی با آمریکا است.

● رافائل گروسی توضیح داد «ایران کمی از سرعت [غنی‌سازی] کاسته اما آنها هنوز هم به ذخایر خود اضافه می‌کنند، ولی با سرعت کم‌تر.»

● نیویورک تایمز می‌نویسد مشخص نیست که از چه زمانی سرعت غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد کاهش یافته، اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران نگران است برنامه غنی‌سازی این کشور به یک هدف نظامی بدل شود.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید جمهوری اسلامی همچنان به غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد ادامه می‌دهد، اما به نظر می‌رسد از زمان آغاز جنگ اخیر در غزه سرعت غنی‌سازی را کاهش داده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» روز اول فوریه (۱۲ بهمن‌ماه) مدعی شد، کاهش سرعت غنی‌سازی ۶۰ درصدی می‌تواند نشانه آن باشد که جمهوری اسلامی ایران به دنبال کاهش تنش و خنثی کردن احتمال رویارویی با آمریکا است.

رافائل گروسی توضیح داد «ایران کمی از سرعت [غنی‌سازی] کاسته اما آنها هنوز هم به ذخایر خود اضافه می‌کنند، ولی با سرعت کم‌تر.»

نیویورک تایمز می‌نویسد مشخص نیست که از چه زمانی سرعت غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد کاهش یافته، اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران نگران است که برنامه غنی‌سازی این کشور به یک هدف نظامی تبدیل شود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اوایل دی‌ماه ۱۴۰۲ اعلام کرده بود که ایران با افزایش سرعت غنی‌سازی اورانیوم در سطوح بالا، در حال حاضر به اندازه کافی اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی برای ساخت سه بمب اتمی در اختیار دارد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عوامل آن در پوشش شرکت‌های صوری اقدام به پولشویی و نقل و انتقال پول می‌کنند. بخشی از درآمدهای «سپاه قدس» از همین درآمدها تأمین می‌شود. شرکت‌های صوری وابسته به جمهوری اسلامی در چندین کشور دنیا از هنگ‌کنگ، مالزی و امارات تا عراق، ترکیه، لبنان و بریتانیا و حتی بعضی کشورهای آمریکای لاتین فعال‌اند.

شبکه بزرگی از ایرانی‌های دوتابعیتی ساکن کشورهای عربی منطقه، ترکیه و حتا کشورهای اروپایی به سپاه پاسداران و شرکت‌های دولتی رژیم ایران برای دور زدن تحریم‌ها کمک می‌کنند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا با همکاری وزارت خارجه و دادگستری ایالات متحده و همچنین سازمان اطلاعاتی آمریکا (CIA) و اف‌بی‌آی در هفته‌های اخیر روی شبکه تأمین مالی سپاه قدس و نیابتی‌ها تمرکز کردند. در همین ارتباط یکی از مقامات ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا یک هفته پیش از این برای گفتگو با مقام‌های مالی و بانکی چند دولت عربی به منطقه سفر کرده بود.

دولت بایدن متهم است که با نادیده گرفتن تحریم‌هایی که در دوران دونالد ترامپ علیه رژیم ایران اعمال شد به افزایش درآمدهای جمهوری اسلامی و تأمین مالی تروریسم کمک کرده است.

شماری از تحلیلگران معتقدند افزایش نرخ دلار در ایران عوامل متعددی دارد که یکی از اصلی‌ترین آنها تصمیم جدید دولت بایدن برای بستن کانال‌های مالی رژیم ایران است. در یک هفته گذشته آمریکا دست‌کم سه شبکه مالی وابسته به سپاه پاسداران و حزب‌الله را که در نقل و انتقال صدها میلیون دلار درآمد نفتی ایران دخالت داشتند تحریم کرد. این شرکت‌ها علاوه بر پولشویی اقدام به خرید تجهیزات و فناوری‌های موشکی و پهپادی و همچنین تجهیزات سایبری برای نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کرده بودند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ده‌ها شرکت پوششی در امارات و ترکیه فعال‌اند که به عنوان واسطه و دلال اقدام به خرید انواع و اقسام تجهیزات الکترونیک و تراشه‌ها و سنسورها برای نهادهای حکومتی می‌کنند.

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه آمریکا ۱۳ بهمن‌ماه اعلام کرد شرکت‌هایی را تحریم کرده که عوامل سپاه پاسداران از طریق آنها اقدام به خرید انواع سوئیچ‌های ماتریس، موتورهای توربین، قطعات میکروالکترونیک و سایر تجهیزات آمریکایی و غربی به ارزش چندصد میلیون دلار کردند که در ساخت پهپاد کاربرد دارند.

شمار زیادی از افراد و شرکت‌هایی که مستقیم و غیرمستقیم برای ارگان‌های دولتی رژیم اقدام به تأمین تجهیزات یا نقل و انتقال پول می‌کنند در پوشش شرکت‌های خصوصی عمل کرده و حق دلالی‌های سنگین می‌گیرند. آنها از طریق مؤسسات و بانک‌های خصوصی یا صرافی‌ها به صورت نقدی یا از طریق رمزارز اقدام به جابجایی میلیون‌ها دلار پول می‌کنند.

شمار زیادی از این شرکت‌ها در سال‌های اخیر تحریم شدند اما گردانندگان آن بلافاصله با ثبت یک شرکت جدید یا خرید پروانه فعالیت یک شرکت دیگر کار خود را از سر می‌گیرند. بخشی از این شرکت‌ها در پوشش شرکت‌های به اصطلاح «دانش‌بنیان» فعال‌اند که از طریق تأمین قطعات با کاربردهای چندگانه توسعه صنایع موشکی و پهپادی و همچنین توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و مخابراتی و حکومت را تسهیل می‌کنند. این تجهیزات شامل قطعات و فناوری‌های مربوط به ارسال پارازیت، شنود، رادار و اختلالگرها نیز می‌شود.

چگونه ۲۵۰۰ سال پیش کاتبان لوح‌های تاریخی برگ آزادی یک پروفیسور باستان‌شناس را از زندان جمهوری اسلامی نوشتند!



عباس علیزاده باستان‌شناس

که قلب‌اش به شدت می‌تپید از پله‌ها پایین آمد. وقتی در را باز کرد، رئیس گروه اوراقی را که مهر دادستانی کل جمهوری اسلامی بر آن نقش بسته بود، بیرون آورد و به روی سینه علیزاده کوبید، گویی که ارائه حکم تفتیش یک امر تشریفاتی و فرمالیته است و روال قانونی لازم ندارد.

در حالی که علیزاده برگه را دقیق نگاه می‌کرد، یک خط در برابر چشمانش برجسته شد: متهم به جاسوسی! یک جرم بزرگ در کشوری که از برنامه مخفیانه تسلیحات هسته‌ای آن سرقت شده بود.

زنگ از صورتش پرید. می‌دانست که حتا یک اتهام صرف به جاسوسی نیز عین جرم‌انگاری است. همین تجربه بود که علیزاده را می‌ترساند. اما همین تجربه نیز او را به ایران بازگرداند. عباس علیزاده اولین بار در سال ۱۹۷۴ در سن ۲۳ سالگی کشور خود را ترک کرد، اما در طول چهار دهه فعالیت دانشگاهی خود بارها برای کاوش بقایای تاریخی به آنجا بازگشته بود. در طول سال‌ها، وی به عنوان یک مرجع برجسته در باستان‌شناسی پیش از تاریخ و ایران باستان و به عنوان یکی از ماهرترین کارشناسان و حفاران آثار تاریخی در این زمینه شهرت پیدا کرد.

او علاوه بر انتشارات متعدد در مورد موضوعاتی مانند عشایر و کوچ‌نشینان و توسعه جوامع پیچیده اولیه منطقه، دانشجویان ایرانی بی‌شماری اعم از زن و مرد را تعلیم داده و روش‌های جدید پژوهشی را در کشوری که اغلب از تکنیک‌های پیشرفته دور مانده بود به آنها آموخت. وی هزاران قطعه سفالی را از زیرزمین میناک موزه ملی ایران نجات داد و آنها را برای تحقیقات آتی مرمت و فهرست‌نویسی کرد. وی یک کتاب درسی باستان‌شناسی به زبان فارسی نوشت که در دانشگاه‌های سراسر کشور مورد استفاده قرار گرفت.

برای رسیدن به این سطح از نفوذ در حوزه‌ی خود،

پرداخته بود. حتی کمترین و کوچکترین ردی از ارتباط با این دشمن اصلی، پرچم قرمز مأموران رژیم جمهوری اسلامی را بالا می‌برد و ممکن بود که وی را به جاسوسی متهم کنند. البته او زحمت زیادی کشیده بود تا پاسپورت آمریکایی‌اش هیچ مهری از سفرهای متعدد او به اسرائیل نداشته باشد. برای دارندگان گذرنامه ایرانی اساساً سفر به «فلسطین اشغالی» ممنوع است. اما او می‌تسپد سفرهایش به اسرائیل از راهی دیگر کشف شده و نام‌اش در فهرست سیاه قرار گرفته باشد. بنابراین وقتی آن روز بدون دردسر از بازرسی گمرک گذشت، احساس آرامش کرد.

او طی چند روز بعد، با پشت سر گذاشتن خستگی پرواز طولانی، برای کمک به تحقیقات باستان‌شناسی‌اش با همکاران خود قرار گذاشت و سپس از خانواده و دوستانش که اصرار داشتند با غذاهای لذیذی چون خورش فسنجان، قورمه سبزی و چلوکباب از او پذیرایی کنند، دیدن کرد.

یک هفته پس از ورودش به ایران، عباس علیزاده، حدود ساعت ۸ صبح از صدای پشت سر هم زنگ در آپارتمانی که با برادرش آنجا را اجاره کرده بودند، از خواب بیدار شد. خسته برخاست و از پشت آیفون پرسید:

-کیه؟

-میشه لطفاً بیابین پایین؟ کار رسمی است.

علیزاده صدای خشن مردی را به یاد می‌آورد که از آنسوی آیفون حرف می‌زد. علیزاده از صفحه ویدئو می‌توانست پنج مرد را که همگی کت و شلوار خاکستری گشاد و پیراهن‌های یقه سه‌سانتی پوشیده بودند، تشخیص دهد. لباس آنها، شغل‌شان را مشخص می‌کرد. او مشکوک شد که نکند مأموران پلیس مخفی رژیم هستند.

علیزاده که هنوز بی‌زنامه به پا داشت، از طبقه سوم در حالی

● عباس علیزاده باستان‌شناس که در سال ۲۰۲۱ برای کاوش به ایران سفر کرده بود، پس از مدتی به اتهام واهی جاسوسی دستگیر شد و مجبور شد بدون مدرک شناسایی و پاسپورت در حصر خانگی بماند.

● در سال ۲۰۰۴ عباس علیزاده شخصاً لوح ایلامی را از مجموعه آیساک به ایران بازگرداند. ۱۵ سال بعد، دوباره صدها لوح دیگر را به ایران تحویل داد.

● حالا نیز او مطمئن است که دریافت لوح‌های مشهور تنها دلیلی است که جمهوری اسلامی با آزادی و خروج وی از ایران موافقت کرده است. اگرچه مسئولان حکومت تهران هرگز بطور رسمی این را تصدیق نمی‌کنند. علیزاده می‌گوید: «چه کسی می‌توانست بداند که ۲۵۰۰ سال پیش در تخت جمشید چند کاتب کوچک برگ آزادی مرا می‌نوشتند؟!»

وبسایت مجله «شیکاگو» گزارش مفصلی درباره عباس علیزاده باستان‌شناس ایرانی منتشر کرده که سه سال پیش در سفری تحقیقاتی به ایران دستگیر شد. این گزارش را در ادامه می‌خوانید.

در ماه مه ۲۰۲۱ عباس علیزاده استاد دانشگاه شیکاگو و یکی از برجسته‌ترین کارشناسان جهان در رشته باستان‌شناسی پیش از تاریخ و ایران باستان، خسته و کمی مضطرب در تهران از هواپیما پیاده شد. او ۱۹ ساعت در راه سفر بود. ابتدا از اوهار به دوحه در قطر و سپس به ایران پرواز کرده بود. وی برای مطالعه مجموعه‌ای از تکه‌های ظروف سفالی به این امید که بتواند اطلاعاتی درباره سفالگران اولیه به دست آورد، به آنجا رفته بود.

در فرودگاه بین‌المللی «امام خمینی» که به نام رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی نامگذاری شده، نگهبانان مسلح و مأموران گمرک آماده هستند تا هرکسی را که مظنون به ورود اقلام غیرمجاز به کشور است، از مشروبات الکلی و مجلات هرزه تا گوشت خوک و یا دارای مهر روادید از دشمن همیشگی، اسرائیل، است بازداشت کنند.

علیزاده که در آن زمان ۷۰ سال داشت، به‌واقع حامل کالای قاچاق بود! این پروفیسور ایرانی-آمریکایی یک بسته سوسیس خشک به عنوان هدیه برای خانواده‌اش از سوپرمارکت معروف Jewel-Osco در شیکاگو خریده و در چمدانش مخفی کرده بود. البته گر پول کافی داشته باشید، می‌توانید تقریباً هر چیزی را که بخواهید در ایران پیدا کنید. اما به دست آوردن این سوسیس‌های لهستانی آسان نیست.

علیزاده چندان نگران نبود. او که در سال‌های پس از شورش اسلامی ۱۹۷۹ بارها، گاهی برای کاوش‌های باستانی و گاه برای دیدار خانواده به کشورش سفر کرده بود، می‌دانست اگر با سوسیس‌ها گرفتار شود، بدترین اتفاق این است که مأموران سوسیس‌ها را مصادره کرده و با درشت حرف خواهند زد.

با این حال پروفیسور حامل یک راز بزرگ و خطرناک نیز بود و به همین دلیل نفس خود را موقع عبور از بازرسی گمرک در سینه حبس کرد. او در طول زندگی حرفه‌ای خود چندین سال را نیز در اسرائیل گذرانده و در آن کشور به حفاری

باستان‌شناسی دست یافت. وی پیش از پیوستن به هیئت علمی در موسسه مطالعات فرهنگ‌های باستانی دانشگاه کالیفرنیا (معروف به مؤسسه شرقی تا سال ۲۰۲۳) به دریافت چند جایزه و کمک هزینه تحصیلی معتبر نائل آمد.

پروفسور که خود را وقف کارش کرده بود، دائم در سراسر جهان سفر می‌کرد، ازدواج نکرد و بچه‌دار نشد. او می‌گوید: «من هرگز کسی را ندیدم که واقعاً با سبک زندگی من مطابقت داشته باشد.»

برخی باستان‌شناسان در ایران نسبت به موفقیت علیزاده حسادت می‌کردند. آنها همچنین او را به عنوان کسی که دسترسی ناعادلانه به مکان‌های اصلی کشورشان پیدا کرد بود می‌شناختند که با توجه به سابقه قاچاق آثار باستانی متعدد توسط باستان‌شناسان غربی در قرن بیستم به خارج از ایران، بی‌احترامی ویژه‌ای برای او به حساب می‌آمد.

در سال‌های ۱۹۳۰، ISAC «آیساک» (انستیتو مطالعات فرهنگ‌های باستانی) جایی که علیزاده هنوز در آنجا به کار مشغول است، تخت جمشید را حفاری کرد و بسیاری از آثار مهم از جمله هزاران لوح باستانی ایلامی را برای مطالعه و فهرست‌نویسی به ایالات متحده برد.

«آیساک» از جمهوری اسلامی مجوز داشت، اما همچنان برخی باستان‌شناسان را در ایران رتبه‌بندی می‌کرد. علیزاده از دوستانش در کشور خبر داشت که شایعاتی درباره کار میدانی او در اسرائیل منتشر شده، اما او توجه چندانی به آن نکرد چون هیچ مدرکی وجود نداشت.

در سال ۲۰۰۶، زمانی که جمهوری اسلامی علیزاده را به عنوان رهبری کاوش در شهر باستانی شوش در غرب ایران انتخاب کرد، یک تمایز بزرگ بود زیرا بودجه سخاوتمندانه‌ای به او پیشنهاد گردید و اجازه داده شد از ده‌ها دانشگاه از سراسر جهان دعوت کند تا با وی همکاری نمایند که باعث خشم باستان‌شناسان محلی شد.

آنها علیزاده را در مطبوعات ایران محکوم کردند و علناً وی را به حفظ روابط با اسرائیل متهم نمودند که بطور قابل توجهی فشار بر او را افزایش داد.

امیلی تیتز مصرشناس در «آیساک» و یکی از دوستان نزدیک علیزاده که شاهد دعوای داخلی مشابهی بین باستان‌شناسان و دیگر دانشگاهیان در آن کشور بوده می‌گوید: «اگر کسی دشمن شما شود حتماً دیوانه است، اما به هر حال امکان رقابت یا حسادت هست و این افراد می‌توانند از یکدیگر به دولت شکایت کنند.»

ایران از ترس تبلیغات منفی، در نهایت پروژه را نابود کرد. اما زمانی که مسئولان دولتی شخصاً علیزاده را مورد بازجویی قرار دادند، او این شایعات را تکذیب کرد و گفت: «آنها هیچ مدرکی نداشتند.»

دولت به وی اجازه داد که در ایران به تحقیق ادامه دهد، البته در پروژه‌هایی که کمتر مطرح بودند. او به بازسازی مجموعه موزه ملی، راه‌اندازی سیستم فهرست‌نویسی و آموزش فنون شناسایی کارکنان کمک کرد و در این راه با رئیس موزه دوست شد.

در سال ۲۰۰۴ علیزاده شخصاً الواح ایلامی را از مجموعه آیساک به ایران بازگرداند. ۱۵ سال بعد، دوباره صدها لوح دیگر را به ایران تحویل داد. (این پس از تصمیم دادگاه عالی ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ صورت گرفت که راه را برای بازگرداندن الواح که بیش از یک دهه مشمول دعوی قضایی بود، باز کرد. خانواده‌های آمریکایی قربانیان حمله تروریستی حماس در سال ۱۹۹۷ در مرکز خرید بن یهودا در اسرائیل به دنبال توقیف لوح‌ها و فروش آنها بودند تا بخشی از ۵.۷۱ میلیون دلاری را که دادگاه فدرال به سود آنها رأی داده بود پس بگیرند.) (ادامه دارد)

بین‌النهرین و در جنوب غربی ایران امروزی تکلم می‌کردند بالا برد. او امیدوار بود تحقیقات میدانی خود را در آن منطقه انجام دهد. اما این طرح در سال ۱۹۷۹ با وقوع شورش اسلامی در ایران و جنگ ویرانگر هشت ساله با عراق که یک سال بعد آغاز شد، ناتمام ماند. علیزاده با وجود گزینه‌های کمی در خاورمیانه، سرانجام تصمیم گرفت به اسرائیل برود.

او چندین سال به عنوان محقق در آنجا به انجام کاوش‌های مختلف گذراند. اما چون از خصومت فزاینده حکومت اسلامی در ایران نسبت به دولت یهود آگاه بود، اقدامات احتیاطی گسترده‌ای انجام داد تا اطمینان حاصل کند که روزی می‌تواند به خانه بازگردد.

علیزاده در اولین سفر خود به اسرائیل در سال ۱۹۸۵ از داشت مٌهر بر گذرنامه آمریکایی تازه صادر شده خود توسط مأموران گمرک اجتناب کرد و از آنها خواست که بجای آن برگه ورود آبی رنگ برای او صادر کنند و از آنجا که نمی‌توانست با پست اسرائیل نامه برای والدینش در تهران بفرستد، از طریق یکی از دوستانش که در سانفرانسیسکو زندگی می‌کرد، مکالمات تلفنی سه طرفه با آنها ترتیب می‌داد تا به اپراتور اداره ارتباطات ایران نشان داده شود که از ایالات متحده تماس می‌گیرد.

هنگامی که استادان سرپرست تیم تحقیقاتی اسرائیل شروع به انتشار مقالاتی در مورد این پروژه کردند، علیزاده اصرار کرد که نام و عکس او را از ترس اینکه مبدا دولت ایران به نحوی به این نشریات نسبتاً مبهم دست پیدا کند و مانع بازگشت او شود حذف کنند. او می‌گوید: «من نمی‌خواستم هیچ مدرکی در ارتباط با اقامت و تحقیق در اسرائیل داشته باشم.»

این پروفسور باستان‌شناس پس از بیش از یک دهه زندگی در خارج کشور، از اوایل دهه ۹۰ چندین بار به ایران بازگشت و با هیچ مشکلی روبرو نشد. در سال ۱۹۹۶ جمهوری اسلامی حتی پیشنهاد او را برای مطالعه الگوهای جوامع عشایری ایران تأیید کرد و اولین باری بود که یک باستان‌شناس مقیم غرب پس از انقلاب اسلامی اجازه تحقیق در آنجا را پیدا می‌کرد.

او مراقب بود که به رژیم توهین نکند، هرچند که در برابر سختگیری‌های قوانین اخلاقی شدید، گاه ناراحت و دل‌چرکین می‌شد. علیزاده با آگاهی از اینکه احتمالاً تجسس و اکتشافات او توسط پلیس اخلاق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (که رسماً به گشت ارشاد معروف است) رصد می‌شود، قاطعانه به کارکنان پروژه‌های خود نسبت به هرگونه تخلفی که ممکن بود پروژه‌ها را به خطر بیندازد هشدار می‌داد.

علیزاده اگر چه در دوران جوانی آزاد و ماجراجو بود، اما وقتی به کارکنانش گفت که در طول هفته‌ها حفاری از مواد مخدر، مشروبات الکلی یا رابطه جنسی خبری نخواهد بود، بیشتر شبیه یک بنیادگرای افراطی اسلامی به نظر می‌رسید.

اما همیشه هم به هشدارهای او توجه نمی‌شد. در سال ۲۰۰۴، زمانی که علیزاده در حال نظارت بر کاوش‌های بزرگ باستان‌شناسی در مرودشت بود، پلیس اخلاق یکی از همکارانش را در ارتباط با زن جوانی در محل کار بازداشت کرد. علیزاده که به جلسه‌ای در ستاد پلیس اخلاق احضار شده بود، به دلیل اهمال در رعایت مقررات تذکر دریافت کرد.

پلیس به او گفت: «تو باید بیشتر مراقب می‌بودی.» او پاسخ داد: «البته، اما ببین، آنها جوان هستند. می‌توانی آنها را آزاد کنی؟»

مأموران حاضر به آزاد کردن آنان نبودند و علیزاده با اکره موافقت کرد که همکاری را اخراج کند، زیرا نمی‌خواست پروژه را به خطر بیندازد.

علیزاده بر اساس بخشی از کار میدانی خود در ایران، به موقعیت‌های قابل توجهی در جامعه دانشگاهی

وی راهی طولانی پشت سر داشت. علیزاده در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد و فرزند ارشد یک مهندس نفت و مادری خانه‌دار بود. پدر و مادرش او و سه خواهر و برادرش را در محله فردوس بزرگ کردند، محله‌ای سرسبز در دامنه کوه‌های البرز که شهر را در آغوش گرفته بود. او با لگد زدن به توپ فوتبال در خیابان‌های خاکی و بدون آسفالت با دوستانش بزرگ شد. همسایگان او و خواهر و برادرش را به نام می‌شناختند. این شهر هنوز به کلانشهر پراکنده و غرق در دود امروز با جمعیتی نزدیک به نه میلیون نفر تبدیل نشده بود.

تنها علائم موجود درباره آشنفتگی سیاسی که اواخر دهه ۱۹۷۰ کشور را فرا می‌گرفت، درگیری‌های گاه و بیگاه در خیابان‌ها بین حامیان شاه فقید و نخست‌وزیر سابق، محمد مصدق بود که در کودتای ۱۹۵۳ از سوی سازمان سیا از قدرت برکنار شد.

یکبار، وقتی پدرش او و خواهر و برادرش را به سالن سینما در محله‌ای شیک برده بود، احساس کرد ناگهان دست‌هایی زیر بغلش را گرفتند. این پدرش بود که او را بلند می‌کرد و بالای شانه‌هایش می‌گذاشت تا پسر نوجوانش در غوغای بین گروه‌های رقیب زیر پا له نشود.

پدرش اما تا حد زیادی در دوران کودکی علیزاده غایب بود. شغل او اغلب وی را به جنوب غربی کشور می‌برد که محل سکوه‌های نفتی متعدد بود (ایران ۱۲ درصد از ذخایر نفت شناخته شده جهان را در اختیار دارد). همان منطقه‌ای که بعدها علیزاده برخی از مهم‌ترین حفاری‌های خود را انجام داد.

در سال ۱۹۷۱، پس از اتمام خدمت اجباری دو ساله سربازی، علیزاده در دانشگاه تهران ثبت نام کرد، جایی که ابتدا در رشته روانشناسی تحصیل کرد اما خیلی زود از نحوه تدریس استادان سرخورده شد. او شیفته چیزی شد که آنرا به عنوان مطالعات تئوریک، جذاب و از نظر عملی هیجان‌انگیز می‌دانست: باستان‌شناسی. بعلاوه، همه دوستان او از تیم فوتبال دانشگاه در آن رشته بودند.

آنها او را به یکی از برنامه‌های حفاری خود دعوت کردند. از اینهمه ماجرا در همه چیز شگفت زده شد: زندگی در یک کاروانسرا وسط ناکجاآباد، پخت و پز برای خود، کاوش زمین برای اشیاء کوچک.

علیزاده پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در سال ۱۹۷۴ متوجه شد که به عنوان بزرگسال تمایلی به انجام کارهای معمولی ندارد. آمریکا سرزمین فرصت‌های بی‌پایان به نظر می‌آمد؛ ایده‌ای که با فیلم‌های هالیوود که او با تماشای آنها بزرگ شده بود گسترش یافت. وی برای ویزای دانشجویی درخواست داد و بلافاصله آنرا دریافت کرد و به ایالات متحده آمد و ابتدا در شهر کوچکی خارج از دالاس ساکن شد؛ جایی که در یک کالج محلی زبان انگلیسی خود را تقویت کرد. اما مدت زیادی در آنجا نماند.

او می‌گوید: «آن زمان فکر می‌کردم اگر قرار است به جایی بروم، دانشگاه شیکاگو مکانی است که می‌خواهم در آن ادامه تحصیل دهم.» رویای وی این بود که با هلن کانتور پروفسور باستان‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا، که در زمان حفاری «چغامیش» در ایران تحت نظارت او کاوش کرده و با وی دوست شده بود به تحقیقات ادامه دهد.

در سال ۱۹۷۶، علیزاده در مقطع کارشناسی ارشد در رشته باستان‌شناسی پذیرفته شد و به هایدپارک نقل مکان کرد. او بیشتر وقت خود را به مطالعه کتاب در کتابخانه Regen-stein می‌گذراند و برای گرفتن بورسیه تحصیلی و ورود به دوره دکترا تلاش می‌کرد و موفق نیز شد. در دوران دکترا سال‌ها مهارت‌هایش را در زبان اکدی و ایلامی، دو زبان مرده‌ای که مردمان در تمدن‌های هزاره‌های سوم و چهارم پیش از میلاد در

گروگانگیری روزنامه‌نگاران «فردای اقتصاد» توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی



تصویری از حضور خانواده روزنامه‌نگاران مقابل ساختمان تحریریه

خریدار شدیم که هنوز تعدادی از خبرنگاران در ساختمان محبوس هستند.»

اینهمه در حالیست که با گذشته ۲۰ ساعت از این اتفاق تکاندهنده «حبس» یا «گروگانگیری» چندین روزنامه‌نگار در ساختمان تحریریه، هیچ خبری در رسانه‌های داخلی ایران در اینباره منتشر نشد. هیچ نهاد امنیتی و یا حتی پلیس و نیروی انتظامی، و یا وزیر ارشاد اسلامی نیز در اینباره توضیحی ندادند.

پس از اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری اسلامی سال ۸۸ نیز چند بار دفاتر تحریریه روزنامه‌ها با یورش ناگهانی نیروهای امنیتی روبرو شد اما این حمله برای پلمب کردن و بستن نشریه صورت گرفته بود. حبس حدود یک شبانه‌روز روزنامه‌نگاران در دفتر تحریریه، بدون هیچ توضیحی، بدعت تازه نهادهای امنیتی و ضربه دیگری بر پیکر نحیف «رسانه» و جامعه مطبوعاتی ایران است.

جمهوری اسلامی سال‌هاست ایران را به بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران تبدیل کرده و صدها روزنامه‌نگار احضار، بازداشت، زندانی و یا ناچار به ترک کشور شده‌اند.

بر اساس گزارش فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران که تابستان گذشته منتشر شد از ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ با وقوع قتل حکومتی مهسا امینی و «شکل‌گیری اعتراضات سراسری در ایران ۸۳ روزنامه‌نگار و عکاس بازداشت شدند.»

گزارش این نهاد صنفی بین‌المللی می‌افزاید که در همین مدت دست‌کم برای ۲۱ روزنامه‌نگار با اتهاماتی همچون تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت کشور، مجازات حبس و زندان تعیین شده‌است.

به نوشته فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در مجموع، این روزنامه‌نگاران به ۷۷ سال زندان محکوم شده‌اند. بسیاری از روزنامه‌نگاران با پرونده‌های باز قضایی روبرو و در انتظار صدور حکم هستند.

اقتصاد روزنامه «شرق» نخستین بار این خبر را در شبکه «ایکس» منتشر کرد و نوشت: «شماری از خبرنگاران فردای اقتصاد از ساعت ۱۴ تا کنون به موبایل خود پاسخ می‌دهند. خانواده‌های این خبرنگاران هم‌اکنون جلوی ساختمان محل کار آنها در میدان آرژانتین، حاضر شده‌اند اما نتوانسته‌اند اطلاعات دقیقی از ماجرا به دست آورند. تنها پاسخ این بوده است که حال خبرنگاران خوب است!»

او در خبر دیگری اعلام کرد: «گوشی و لوازم الکترونیکی خبرنگاران فردای اقتصاد ضبط شده و گوشی و لوازم خبرنگارانی که تا کنون آزاد شده‌اند، پس داده نشده‌است. نهاد بازداشت‌کننده مشخص نیست و توضیح خاصی درباره علت این ماجرا به خبرنگاران داده نشده‌است.»

او همچنین ساعتی پیش در «ایکس» نوشت: «دنبال پیگیری وضعیت خبرنگاران فردای اقتصاد بودیم که با سماجت عجیب یک سرباز وظیفه، ماشین به دلیل حجاب توقیف شد.» محمد طاهری روزنامه‌نگار اقتصادی شاغل در هفته‌نامه «تجارت فردا» نیز در «ایکس» نوشته که «نگران دوستان و همکاران خوپمان در #فردای_اقتصاد هستیم. فردای اقتصاد در ساختمانی واقع شده که متعلق به «گروه مالی کیان» است. طبق گفته دوستان مطلع، این مسائل ربطی به فردای اقتصاد ندارد و اگر چیزی هست، مربوط به شرکت مادر است.» محمد طاهری نیز ساعتی پیش در «ایکس» اعلام کرده که «اکثر افراد حاضر در ساختمان «گروه مالی کیان» مرخص شده‌اند و فقط چند نفر از مدیران باقی مانده‌اند. همانطور که اشاره شد، مشکل مربوط به گروه مالی کیان است و ربطی به فردای اقتصاد ندارد.»

زینب رحیمی روزنامه‌نگار محیط زیست که از شب گذشته درباره همکاری‌اش در «فردای اقتصاد» اطلاع‌رسانی می‌کرد، همزمان در «ایکس» نوشته که «برخلاف برخی اطلاعات نادرست، با مراجعه به ساختمان فردای اقتصاد

● حدود ۳۰ تن از خبرنگاران وبسایت خبری-تحلیلی «فردای اقتصاد» از ظهر دیروز به وقت تهران توسط مأموران امنیتی در دفتر این رسانه محبوس شدند.

● مریم شکرانی روزنامه‌نگار: دنبال پیگیری وضعیت خبرنگاران فردای اقتصاد بودیم که با سماجت عجیب یک سرباز وظیفه، ماشین به دلیل حجاب توقیف شد.

● زینب رحیمی روزنامه‌نگار: برخلاف برخی اطلاعات نادرست، با مراجعه به ساختمان فردای اقتصاد خریدار شدیم که هنوز تعدادی از خبرنگاران در ساختمان محبوس هستند.

مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در تهران از ظهر روز گذشته روزنامه‌نگاران وبسایت خبری-تحلیلی «فردای اقتصاد» را در محل کارشان حبس کرده یا به بیان بهتر «گروگان» گرفته‌اند.

بر اساس گزارش‌ها حدود ۳۰ تن از خبرنگاران وبسایت «خبری-تحلیلی» از ظهر دیروز به وقت تهران توسط مأموران امنیتی در دفتر این رسانه محبوس شدند. شبکه‌های اجتماعی این رسانه نیز از ظهر دیروز به‌روز نشده‌است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد عدم پاسخگویی تلفن این روزنامه‌نگاران برای چند ساعت پیاپی سبب نگرانی خانواده‌ها شده و با مراجعه‌ی آنها به محل دفتر این روزنامه در خیابان آرژانتین تهران مشخص شد ساختمان در کنترل یک نهاد امنیتی است و اجازه خروج روزنامه‌نگاران یا ورود افراد به ساختمان داده نمی‌شود.

هنوز نهاد امنیتی که اقدام به «گروگانگیری» روزنامه‌نگاران کرده مشخص نیست. بر اساس گزارش‌ها شماری از روزنامه‌نگاران شب گذشته آزاد شدند اما همچنان تلفن همراه و دیگر وسایل الکترونیک آنها در اختیار مأموران امنیتی است.

وبسایت «شبکه شرق» گزارش داده که «خانواده‌های حاضر در خیابان محل استقرار دفتر این روزنامه اطلاع دقیقی از تعداد خبرنگاران محبوس در تحریریه این رسانه ندارند، حتی به آنان گفته نشده که خبرنگاران روزنامه فردای اقتصاد از سوی کدام نهاد امنیتی و به چه دلیلی مورد بازخواست قرار گرفته‌اند. به گفته اعضای خانواده یکی از این روزنامه‌نگاران محبوس در فردای اقتصاد، این رسانه حدود ۳۰ خبرنگار دارد که از عصر دوشنبه حدود سه خبرنگار اجازه خروج از ساختمان را یافته‌اند اما تعداد دقیق خبرنگاران محبوس هنوز مشخص نشده‌است.»

خبرگزاری «باشگاه خبرنگاران» هم نوشته که «طی ساعات گذشته، خبرهایی منتشر شد که حکایت از آن دارد روز گذشته مامورانی به دفتر سایت «فردای اقتصاد» رفته و تا دیر وقت در این محل حضور داشته و به بررسی و واکاوی آن مجموعه و بازجویی از خبرنگاران این سایت پرداخته‌اند. با گذشت چندین ساعت، هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست که بدانیم وضعیت افراد و اعضای تحریریه فردای اقتصاد چگونه است. سایت فردای اقتصاد، سایتی با مشی لیبرال است که سردبیری آن را آقای علی میرزاخانی، از روزنامه‌نگاران توانمند کشور بر عهده دارد. امیدواریم مشکلی که برای این دوستان به وجود آمده است، هر چه سریع‌تر برطرف شود.»

مریم شکرانی روزنامه‌نگار اقتصادی و سردبیر بخش

سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل ارسال تسلیحات برای گروه‌های فلسطینی را تأیید کرد

ترجمه مصاحبه ایروانی با تلویزیون «ان‌بی‌سی» در خبرگزاری ایسنا منتشر شده است.

ایروانی ادعای نقش داشتن ایران در عملیات مرگبار «هفت اکتبر» علیه اسرائیل در هفتم اکتبر توسط حماس را رد کرد و گفت: «ما در این تصمیم نقشی نداشتیم. این یک تصمیم فلسطینی بود و توسط فلسطینی‌ها نیز اجرا شد. هیچ نقشی در این زمینه نداشتیم.»

وی با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی خواهان تشدید بحران در منطقه نیست، تأکید کرد: «فکر می‌کنم زبان تهدید در قبال ایران موثر نخواهد بود. زبان همکاری و احترام است که برابر ایران موثر است. اگر فکر می‌کنید ایران از تهدیدها می‌ترسد، کاملاً در اشتباه هستید.» او هشدار داد که اگر آمریکا به خاک ایران یا افراد ایرانی در سراسر جهان حمله کند، قطعاً جمهوری اسلامی از خود دفاع خواهد کرد.

نماینده جمهوری اسلامی در آمریکا همچنین گفت که ایران و آمریکا با وجود نداشتن روابط مستقیم، همواره از طریق میانجی‌ها پیام داده‌اند.

وی همچنین گفت که «مذاکرات غیرمستقیم در سال گذشته، موجب انجام شدن توافق تبادل زندانیان و آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده ایران شد اما مذاکرات وین برای احیای توافق هسته‌ای ناموفق بود.»

ایروانی درباره مذاکرات اتمی افزود: «ازسرگیری این مذاکرات شکست‌خورده، دشوار است.»

وی در پاسخ به پرسش خبرنگار شبکه «ان‌بی‌سی» مبنی بر اینکه آیا رژیم ایران قادر است با یک تماس تلفنی، حملات حوثی‌های یمن در دریای سرخ را متوقف کند، گفت که «این کار غیرممکن است چراکه ایران کنترلی بر این گروه یمنی ندارد.»

او همچنین اظهار داشت که در صورت خارج شدن اسرائیل از غزه و لغو محدودیت‌ها برای تحویل کمک‌های انسانی به مردم این منطقه، جمهوری اسلامی حاضر است حوثی‌های یمن را به متوقف کردن این حملات ترغیب کند.

ایروانی اشاره کرد که انصارالله تا پیش از حمله اسرائیل به غزه، حملاتی در دریای سرخ انجام نمی‌داد.

نماینده رژیم ایران در نیویورک کارزار نظامی اسرائیل در غزه را «تجاوز» دانست و گفت که حوثی‌های یمن تنها کشتی‌های حامل سوخت به سمت اسرائیل یا خارج از آن را هدف قرار می‌دهند، چراکه فلسطینی‌های غزه در زمینه مواد غذایی و سوخت با محدودیت‌هایی مواجه هستند.

تا پیش از این مقامات جمهوری اسلامی ضمن ابراز شادی از اقدامات تروریستی و حملات نظامی توسط گروه‌های شبه‌نظامی اما ارسال تسلیحات به آنها را بطور کل تکذیب می‌کردند. آنهم در حالی که امثال حسن نصرالله بارها از رژیم ایران برای کمک‌های مالی و تسلیحاتی قدردانی کرده‌اند.

برخی تحلیلگران معتقدند وضعیت جمهوری اسلامی به اندازه‌ای وخیم است که مجبور است با اعتراف به برخی واقعیات که انکار آنها دیگر ممکن نیست، خود را آماده‌ی معامله نشان دهد اما برخی دیگر می‌گویند چنین اعترافاتنی اتفاقاً می‌تواند به زیان آن تمام شده و رژیم ایران را به هدفی مشروع برای اسرائیل و ائتلاف جهانی تبدیل کند.



مصاحبه سعید ایروانی با تلویزیون «ان‌بی‌سی»

اسلامی در ارسال سلاح و مهمات برای «حماس» و «جهاد اسلامی» گفته بود، «پس از توافقنامه اسلو، فلسطینیان دریافتند که گفتگو با صهیونیست‌ها فایده‌ای ندارد و گروه‌های مقاومت، تقویت شدند و پیشرفت کردند که مرهون آغوش باز جمهوری اسلامی است که توانمندی‌های خود را در اختیار مقاومت قرار داد. به لطف انتقال توانمندی‌ها نیروهای مقاومت توانایی ساخت موشک، سلاح‌های ضد زره‌پوش و بمب را دارند.»

وی در بخشی از این مصاحبه عنوان می‌کند، «ممکن است فکر کنند مردم فلسطین تمام پول جمهوری اسلامی ایران را گرفته‌اند، کمک به خانواده شهدا و اسرا انسان‌دوستانه است و کمک‌های دیگر در حوزه نظامی و تهیه برخی سلاح‌ها و رساندن آن به غزه و کرانه باختری است که طبیعتاً هزینه‌بر است.»

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی در جریان سفر نخاله به تهران (شنبه ۲۷ خردادماه) با وی دیدار کرد و وعده داد که «انشاءالله به زودی چهره جبهه مقاومت را قوی‌تر از گذشته خواهیم دید.» چهار ماه بعد از آن بود که حماس به اسرائیل حمله کرد و ۱۲۰۰ نفر از شهروندان آن را کشت و ۲۰۰ نفر را از جمله زنان و کودکان و حتا نوزادان را به گروگان گرفت.

روزنامه انگلیسی «تایمز» اواسط آذرماه ۱۴۰۲ (چند روز پس از آغاز حمله مرگبار هفت اکتبر) گزارش داد «خلبانان نیروی هوایی بریتانیا می‌گویند هنگام گشت هوایی بر فراز سوریه و عراق، نقل و انتقال محموله‌های تسلیحاتی را شناسایی کردند که به نظر می‌رسد جهت گسترش حملات علیه اسرائیل برای حزب‌الله و حماس ارسال می‌شوند.»

حالا برای نخستین بار است که یک مقام رسمی جمهوری اسلامی به صراحت و بطور رسمی ارسال تسلیحات برای گروه‌های فلسطینی را تأیید می‌کند.

● امیرسعید ایروانی سفیر رژیم ایران در سازمان ملل در مصاحبه با تلویزیون «ان‌بی‌سی» گفت جمهوری اسلامی با گروه‌های فلسطینی «پیمان دفاعی» دارد و با ارسال سلاح و آموزش این گروه‌ها را تقویت می‌کند اما در اقدامات آنها نقشی ندارد.

● برای نخستین بار است که یک مقام رسمی جمهوری اسلامی با صراحت بطور رسمی ارسال تسلیحات برای گروه‌های فلسطینی را تأیید می‌کند.

● ایروانی ادعای نقش داشتن رژیم ایران در عملیات مرگبار «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل را رد کرد و گفت: «ما در این تصمیم نقشی نداشتیم. این یک تصمیم فلسطینی بود و توسط فلسطینی‌ها نیز اجرا شد. هیچ نقشی در این زمینه نداشتیم.»

● وی هشدار داد که اگر آمریکا به خاک ایران یا افراد ایرانی در سراسر جهان حمله کند، جمهوری اسلامی قطعاً از خود دفاع خواهد کرد.

● ایروانی درباره مذاکرات اتمی گفت: «ازسرگیری این مذاکرات شکست‌خورده، دشوار است.»

سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در مصاحبه با تلویزیون «ان‌بی‌سی» که بخش‌هایی از آن سه‌شنبه ششم فوریه (۱۷ بهمن‌ماه) منتشر شد گفت جمهوری اسلامی با گروه‌های فلسطینی «پیمان دفاعی» دارد و با ارسال سلاح و آموزش این گروه‌ها را تقویت می‌کند اما در اقدامات آنها نقشی ندارد.

امیر سعید ایروانی در پاسخ به پرسش دیگری ارسال سلاح به سایر گروه‌های شبه‌نظامی منطقه را رد کرد اما گفت: «با گروه‌های دیگر منطقه هماهنگی داریم، مشورت می‌دهیم و شاید آنها را تأمین مالی کنیم.»

مجری برنامه در مورد استفاده حوثی‌ها از تسلیحات پیچیده علیه کشتی‌های تجاری پرسید که وی در پاسخ ارسال سلاح برای حوثی‌ها را نیز انکار کرد و گفت آنها در حملات خود به کشتی‌ها در دریای سرخ مستقل عمل می‌کنند و از تهران دستور نمی‌گیرند.

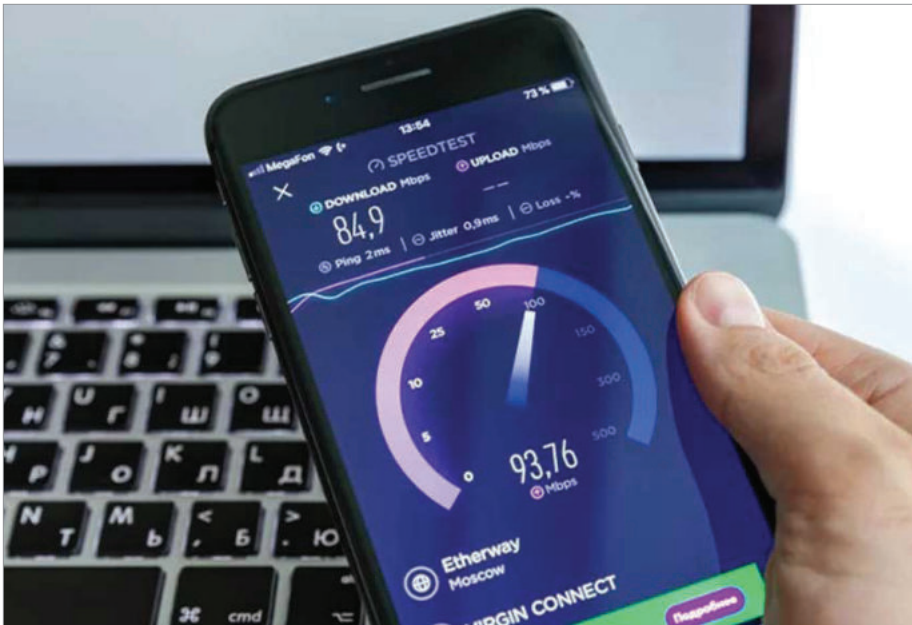
این در شرایطی است که در سال‌های اخیر بارها در آب‌های منطقه لنج‌ها و شناورهای توقیف شده که بمباد آنها ایران بوده و محموله‌های سنگین تسلیحاتی را به مقصد یمن حمل می‌کردند.

سازمان ملل و همچنین نهادهای اطلاعاتی آمریکا بارها بر اساس شواهد تأیید کردند حوثی‌ها از موشک‌های بالستیک و پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی برای هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری در دریای سرخ استفاده می‌کنند.

در جریان درگیری میان حوثی‌ها و عربستان سعودی که چهار سال طول کشید، بارها نهادهای اطلاعاتی و نظامی عربستان لاشه پهپادها و موشک‌هایی را که قطعات آنها در صنایع نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ساخته شده بود به نمایش گذاشت و سازمان ملل متحد نیز آن را تأیید کرد.

روزنامه بریتانیایی «تلگراف» ۲۰ دی‌ماه به نقل از منابع اطلاعاتی خود گزارش داد که حوثی‌ها در «دانشگاه علوم و فنون دریایی خامنه‌ای» در زیباکنار رشت آموزش دیده‌اند. زیاد نخاله دبیرکل «جهاد اسلامی» در مصاحبه با روزنامه «الوفاق» که دهم تیرماه ۱۴۰۲ (دو ماه بعد از دیدار با خامنه‌ای در تهران) منتشر شد با اشاره به نقش جمهوری

ایران سومین کشور متضرر از قطع و محدودیت اینترنت بیش از ۹۲۰ میلیون دلار خسارت در سال



این گزارش افزوده که کارشناسان اقتصادی و جامعه‌شناسان معتقدند که قطع عمدی اینترنت به‌عنوان شدیدترین شکل سانسور اینترنت، یکی از اشکال کنترل و نظارت اجتماعی بر مردم هر کشور است که جلوی دسترسی آزاد آنها به اینترنت می‌گیرد و در نهایت هدف از ردگیری شاخص هزینه جهانی قطع اینترنت، جلب توجه عموم مردم به آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی است که چنین اقداماتی می‌توانند به دنبال داشته باشند.

به همین دلیل فعالان حقوق بشر معتقدند که در سال میلادی گذشته نیمی از قطعی‌های عمدی اینترنت از سوی دولت‌ها، منجر به پایمال شدن حقوق و آزادی‌های اجتماعی افراد شده است.

جدا از قطع اینترنت در ایران، ایجاد اختلال با کاهش سرعت و همچنین فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی نیز از مشکلات همیشگی شهروندان برای بهره‌مندی از اینترنت است.

اینهمه در حالیست که عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات جمهوری اسلامی مدعی است در حال حاضر میانگین سرعت دسترسی به اینترنت پرسرعت در کشور ۱۲ مگابیت بر ثانیه است. او همچنین ادعا کرده که با اجرای پروژه فیبرنوری می‌توان به سرعت‌های ۱۰۰۰ مگابیت بر ثانیه دسترسی پیدا کرد. ماه گذشته انجمن تجارت الکترونیک تهران در گزارشی به بررسی وضعیت ایران در مقایسه با دیگر کشورها پرداخته که نشان می‌داد ایران همچنان در انتهای جدول کیفیت و سرعت اینترنت قرار دارد و بیشترین اختلال اینترنت در ۹ ماه اخیر را ثبت کرده است.

این گزارش همچنین نشان می‌داد ایران در کنار ترکمنستان و چین، در رتبه‌های نخست جدول محدودیت‌های «شبکه‌های اجتماعی» قرار دارد.

در این گزارش آمده بود: «همانطور که مشخص است ایران با میانگین حدود ۴۸ درصد وبسایت دارای اختلال، پس از چین با میانگین حدودی ۴۷ درصد به عنوان اولین

رتبه دهمین کشور متضرر جهان از این نظر رسانده بودند؛ حالا تا پایان سال ۲۰۲۳ با ضرر اقتصادی ۹۲۰/۳ میلیون دلاری، ایران را به رتبه سومین کشور جهان در این رتبه‌بندی رسانده‌اند.

بخش دیگری از این گزارش به بررسی دلایل مختلفی می‌پردازد که باعث می‌شوند دولت‌های جهان راه حل را در قطع عمدی اینترنت جستجو کنند. به این ترتیب گویا در سال گذشته میلادی ناآرامی‌ها و درگیری‌ها بیش از هر چیز به خاموشی اینترنت منجر شده که در این زمینه اروپا و سپس آسیا شاهد بیشترین میزان این نوع اختلال عمدی از سوی دولت‌ها بوده‌اند.

بعد از آن تظاهرات مردمی بیشترین سهم از خاموشی عامدانه اینترنت را دارند و البته کشورهای خاورمیانه در این زمینه پیشگام بوده و اساساً مهم‌ترین علت اختلالات اینترنتی اعمال‌شده از سوی دولت‌ها در این کشورها، همین تظاهرات و اعتراضات سیاسی بوده است. بطور کلی ناآرامی‌ها با ۵/۴ میلیارد دلار ضرر اقتصادی، مهم‌ترین دلیل قطعی‌های عمدی اینترنت در سال گذشته میلادی بوده‌اند.

بعد از اینها، اتفاقات دیگری از جمله تظاهرات (با ۲/۸ میلیارد دلار)، امتحانات درسی (با ۴۶۴/۱ میلیون دلار)، کنترل جریان اطلاعات (با ۴۲۱ میلیون دلار)، کودتای نظامی (با ۲۳۸/۱ میلیون دلار) و انتخابات (با ۳۴/۱ میلیون دلار) مهم‌ترین دلایل قطعی‌ها و اختلالات اینترنتی اعمال‌شده از سوی دولت‌ها بوده‌اند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی با اشاره به این آمارها نوشته قطع اینترنت توسط دولت‌ها- به هر دلیل- سالانه میلیاردها دلار به اقتصاد جهان ضرر می‌زند و به شکل زخمی ظاهر می‌شود که آنها بر پیکر اقتصاد کشورهایشان وارد می‌آورند. اینترنت ایران هم سال‌هاست که با فیلترینگ و قطع شدن‌های عمدی دست و پنجه نرم می‌کند و این اختلالات، ضررهای هنگفتی به کاربران و البته کسب و کارهای آنلاین زده است.

● خسارت ناشی از قطع اینترنت در ایران طی سال گذشته میلادی بیش از سه برابر بودجه سال ۱۴۰۲ وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات بوده است.

● در سال گذشته میلادی مسئولان جمهوری اسلامی اینترنت ایران را برای مدت ۵۱۶ ساعت قطع کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی نیز در این بازه برای مدت ۱۳ هزار و ۱۴۰ ساعت فیلتر بوده‌اند.

● انجمن تجارت الکترونیک تهران ماه گذشته اعلام کرد ایران همچنان در انتهای جدول کیفیت و سرعت اینترنت قرار دارد و بیشترین اختلال اینترنت در ۹ ماه اخیر را ثبت کرده است.

قطع اینترنت در حالی هزینه‌های هنگفتی از ضرر اقتصادی تا آسیب اجتماعی در کشور برجای می‌گذارد که آمارها نشان می‌دهد ایران سومین کشور متضرر از قطع اینترنت در جهان است.

بر اساس جدیدترین آمارهای منتشر شده سوی top10vpn در سال گذشته میلادی مسئولان جمهوری اسلامی اینترنت ایران را برای مدت ۵۱۶ ساعت قطع کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی نیز در این بازه برای مدت ۱۳ هزار و ۱۴۰ ساعت فیلتر بوده‌اند.

خسارت ناشی از این مدت قطع اینترنت در کشور ۹۲۰ میلیون دلار، معادل بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان بوده است. این رقم بیش از سه برابر بودجه سال ۱۴۰۲ وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات است.

بر اساس این گزارش طی سال گذشته میلادی ۱۹۶ خاموشی عمدی اینترنت در ۲۵ کشور جهان اتفاق افتاده و طول مدت اختلالات اینترنتی اعمال شده از سوی دولت‌ها در این سال به ۷۹ هزار و ۲۳۸ ساعت رسیده است.

این گزارش نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۳ اینترنت جهان به مدت ۲۵ هزار و ۵۳۵ ساعت «خاموش» بوده است و ۷۴۷ میلیون نفر از مردم جهان در این مدت تحت تأثیر قطع‌های عمدی اینترنت قرار گرفته‌اند.

در این سال شبکه‌های اجتماعی به مدت ۵۳ هزار و ۷۰۳ ساعت فیلتر بوده‌اند و در میان آنها پلتفرم ایکس یا توییتر رکورددار بیشترین میزان فیلترینگ و محدودیت بوده است. توییتر با ۱۰ هزار و ۶۸۳ ساعت اختلال عمدی این رکورد را به دست آورده که ۱۸ درصد بیشتر از اینستاگرام و ۲۶ درصد بیشتر از تیک تاک بوده است.

بر اساس این گزارش روسیه با ۴/۰۲ میلیارد دلار، بیشترین ضرر اقتصادی ناشی از قطع و اختلال عمدی را در سال گذشته میلادی داشته است و بعد از آن ایتوپیا با ۱/۵۹ میلیارد دلار و ایران با ۹۲۰/۳ میلیون دلار، قرار دارند.

عراق نیز با ۶۶ مورد قطع عمدی اینترنت، بیشترین تعداد خاموشی را داشته که اغلب آنها مربوط به امتحانات مدارس و دانشگاه‌ها بوده‌اند. شهر مانیپور در هند با بیش از ۵ هزار ساعت قطع عمدی، بیشترین میزان خاموشی اینترنت یک سال گذشته در جهان را به خودش اختصاص داده است.

آمارهای top10vpn نشان از افزایش خسارت ناشی از قطع اینترنت در ایران طی نیمسال دوم ۲۰۲۳ دارد. بر اساس این آمارها محدودیت‌ها و اختلالات اینترنتی که تا نیمه سال گذشته میلادی با تحمیل ضرر ۵/۷ میلیون دلاری، ایران را به

استفاده ابزاری جمهوری اسلامی از سفر معاون کمیسر حقوق بشر سازمان ملل به تهران



تبلغاتی از این دیدار را دارد. زمانبندی این سفر چند روز پس از اعدام‌های سیاسی در جمهوری اسلامی و به ویژه در آستانه ارائه اولین گزارش کمیسیون حقیقت‌یاب به شورای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ماه مارس ۲۰۲۴ به رای شورای حقوق بشر گذاشته می‌شود نیز بحث‌برانگیز است. تلاش جمهوری اسلامی با دعوت ندا النشیف به تهران، نشان دادن چهره‌های متفاوت از خود و آمادگی برای گفتگو با سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر است.

احمد رأفت با محمد مقیمی حقوقدانی که چندی پیش ایران را ترک کرده است و در ایرلند شمالی سکونت دارد و از جمله امضاکندگان نامه حقوقدانان ایرانی به ندا النشیف است، گفتگویی در رابطه با این سفر و استفاده تبلیغاتی جمهوری اسلامی از دیدار با معاون کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد انجام داده است.

بسته‌های ایرانسل ۱۱۱ درصد افزایش قیمت داشته است.» وی اضافه کرد: «چند نکته در این زمینه مطرح است: ابتدا آنکه اپراتورها خلف وعده کردند و بجای ۳۰ درصد افزایش قیمت (که در سطح خود مبلغ قابل توجهی است) تعرفه بسته‌ها را چند صد برابر افزایش دادند. جدا از این، عملکرد و تصمیم فوری دولت برای افزایش قیمت، جامعه را با شوکی مواجه کرده که چرا دولت برای کاهش قیمت اینقدر سریع و ضربتی وارد عمل نمی‌شود؟ مورد بعدی آنکه وقتی هنوز اپراتورها کیفیت اینترنت را افزایش ندادند، چرا باید تعرفه به صورت ناگهانی افزایش یابد و از طرفی در صورت خلف وعده اپراتورها، ضمانت اجرا چه خواهد بود؟»

به گفته پاکپور، مردم انتظار دارند وقتی بابت خدماتی هزینه بالایی پرداخت میکنند، لاقال تاثیر کیفیت آن را هم ببینند! اما وضعیت به گونه‌ای شده که نه تنها افزایش سرعت اتفاق نیفتاده، بلکه فیلترینگ هم تمکی شده بر زخم‌های کاربران!

ندا النشیف معاون تونس کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد برای دیدار با مقامات جمهوری اسلامی و نه تهیه گزارشی از نقض حقوق بشر و ملاقات با قربانیان سرکوب امروز به تهران سفر کرد و دوشنبه آینده به ژنو باز خواهد گشت. خبر سفر ندا النشیف واکنش اعتراضی نهادهای حقوق بشری، زندانیان سیاسی، فعالان حقوق زنان، حقوقدانان و بسیاری دیگر از ایرانیان داخل و خارج از کشور را به دنبال داشت.

جمهوری اسلامی با دعوت از معاون کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد در حالی که سال‌هاست به گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد و کمیسیون حقیقت‌یابی که سال گذشته جهت جمع‌آوری مدارک و شواهد نقض فاحش حقوق بشر در جریان خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» اجازه سفر به ایران را نمی‌دهد، قصد استفاده ابزاری و

به گفته یک کارگر مجازی در مورد گرانی اخیر تعرفه‌ها «خرید اینترنت و پول آن بر عهده خودمان است، شرکت هزینه نمی‌کند. با این گران شدن، هم مشتری‌مان کمتر می‌شود هم هزینه‌های خودمان بالاتر می‌رود؛ شرکت ریالی برای فروش مجازی خرج نمی‌کند.»

زهره که در فضای مجازی و صفحات اینستاگرامی، لوازم آرایش و لباس می‌فروشد، می‌گوید: «هر بار که تعرفه‌ها را بالا می‌برند، بخشی از مشتریان‌مان را از دست می‌دهیم، ضمن اینکه خودمان هم باید کلی پول پای اینترنت بدهیم، هم بسته بخریم هم فیلترشکن! قیمت فیلترشکن‌ها سرسام‌آور است و با فیلتر کردن فضای مجازی، دکان و دستگاه برای یک عده درست شده تا به اسم فروش فیلترشکن پول نجومی به جیب بزنند...»

در مورد گرانی اینترنت، زهره پاکپور در یادداشتی که در روزنامه «فرهیختگان» منتشر شد نوشت: «ابتدا قرار بود بسته‌های اینترنتی فقط ۳۰ درصد افزایش قیمت داشته باشند اما حالا بسته‌های اینترنت همراه اول ۱۵۲ درصد و

کشور با بیشترین اختلال اینترنت در ۹ ماه اخیر است.» نکته قابل توجه در این گزارش این بود که وضعیت فعلی اینترنت در ایران اگر چه به وضعیت کشورهای توسعه نیافته و فقیر مشابهت دارد، اما این شرایط یک امر جبری نیست و بخشی از آن ناشی از تلاش خودخواسته حکومت برای محدودیت فعالیت کاربران و ایجاد اختلال در اینترنت است.

بررسی‌های انجمن تجارت الکترونیک نشان می‌داد که طبق گزارش رصد خانه آزاد دخالت در شبکه (ooni)، از میان ۵۰ کشور بررسی شده، ایران از نظر اختلال در اینترنت در جایگاه ۴۷، از لحاظ سرعت در رتبه ۵۰ و از نظر محدودیت در جایگاه ۴۹ قرار دارد.

بر اساس این گزارش چین، میانمار و روسیه رقبای دیگر جمهوری اسلامی برای قرار گرفتن در انتهای جدول اینترنت آزاد جهانی هستند. جمهوری خلق چین با توجه به برقراری اینترنت ملی و محدودیت‌های شدیدی که برای ارتباط شهروندان خود با شبکه جهانی برقرار کرده است، در زمینه محدود ساختن اینترنت تقریباً در کنار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد.

در بخش دیگری از این گزارش آمده بود که ایران در سال ۲۰۲۳ بیشترین قطع کنترل شده اینترنت در جهان را طی سال گذشته به نام خود ثبت کرده است. این قطع‌های کنترل شده و محدودیت شبکه‌های اجتماعی، از میانه سال گذشته افزایش چشمگیری یافت که هنوز هم ادامه دارد و تنها منجر به فروش حداکثری فیلترشکن و اضافه شدن این ابزار به سفره خانوار شده است.

گزارش انجمن تجارت الکترونیک تهران از قیمت بالای پهنای باند انحصاری شرکت ارتباطات زیرساخت نیز انتقاد کرده است. در این گزارش آمده که انحصار تأمین و فروش پهنای باند در ایران در اختیار این شرکت است و اگرچه اینترنتی ارزان‌تر از برخی کشورهای همسایه (مثل امارات) می‌فروشد، اما آن را چندین برابر قیمت کشورهای توسعه‌یافته به دست شرکت‌ها می‌رساند.

با وجود اختلال شدید و گندی اینترنت در ایران، در دی‌ماه امسال دولت مجوز افزایش قیمت اینترنت موبایل را بطور رسمی صادر کرد.

بر این اساس سازمان تنظیم مقررات، اپراتورهای ارتباطی را به افزایش سایت‌های نسل پنجم به ۱۰ درصد تا پایان سال ۱۴۰۳، افزایش پوشش نسل چهارم در کشور به ۹۶ درصد تا پایان سال ۱۴۰۳ و افزایش ۳۰ درصدی میانگین سرعت اینترنت در شش ماه آینده مکلف کرد.

در کمتر از دو روز قیمت برخی بسته‌های اینترنتی به جای ۳۰ درصد تا ۲۰۰ درصد افزایش یافت و سه برابر شد. همچنین طی هفته‌های گذشته قیمت اینترنت ثابت نیز در کشور افزایش یافته است. مردم در حالی هزینه هنگفتی برای اینترنت و فیلترشکن می‌کنند که در نهایت هم از کیفیت و سرعت اینترنت ناراضی هستند.

خبرگزاری «ایلنا» دی‌ماه امسال در گزارشی درباره وضعیت اینترنت در ایران نوشت: «اگر فرض بگیریم، تعداد کارگران فضای مجازی امروز در کشور حدود یک میلیون نفر است و اگر قرار را بر این بگذاریم که ۷۵ درصد این شاغلان سرپرست خانوار هستند، می‌توانیم ادعا کنیم حداقل ۲ میلیون نفر از جمعیت کشور راهی برای ارتزاق جز کار کارمزدی یا پورسانتی در فضای مجازی ندارند. حال سوال پیش می‌آید که چرا یک میلیون نفر از کارگران کشور باید در شرایطی شبیه بیگاری بدون دستمزد ثابت و بیمه کار کنند اما همیشه نگران آینده باشند؟»

سرهنگ کوروش بازیار فرمانده یگان امداد شیراز کشته شد



سرهنگ کوروش بازیار

● سرهنگ کوروش بازیار فرمانده یگان امداد شیراز که نقش اساسی در سرکوب اعتراضات در استان فارس داشت، بامداد سه شنبه ۱۷ بهمن ماه در حاشیه شهر شیراز کشته شد. بر اساس اطلاعیه‌ای که نیروی انتظامی منتشر کرده است، سرهنگ بازیار در رأس یک واحد گشتی حین گشت زدن در کمربندی شیراز به یک دستگاه وانت نیسان حامل بار مشکوک می‌شود و دستور ایست می‌دهد که راننده بدون توجه اقدام به فرار می‌کند.

● پس از طی مسافتی تعقیب و گریز مأموران انتظامی به لاستیک نیسان شلیک و آن را متوقف می‌کنند که در حین بازرسی از ماشین ناگهان یک سواری «پژو پارس» که اسکورت محموله بوده با سرعت زیاد نزدیک می‌شود و به بازیار تیراندازی کرده و فرار می‌کند.

سرهنگ کوروش بازیار فرمانده یگان امداد شیراز که نقش اساسی در سرکوب اعتراضات در استان فارس داشت بامداد سه شنبه ۱۷ بهمن ماه در حاشیه شهر شیراز کشته شد. بر اساس اطلاعیه‌ای که نیروی انتظامی منتشر کرده است، سرهنگ بازیار در رأس یک واحد گشتی در حین گشت زدن در کمربندی شیراز به یک دستگاه وانت نیسان حامل بار مشکوک می‌شود و دستور ایست می‌دهد که راننده بدون توجه اقدام به فرار می‌کند.

پس از طی مسافتی تعقیب و گریز مأموران انتظامی به لاستیک نیسان شلیک و آن را متوقف می‌کنند که حین بازرسی از ماشین ناگهان یک سواری «پژو پارس» که اسکورت محموله بوده با سرعت زیاد نزدیک می‌شود و به بازیار تیراندازی کرده و فرار می‌کند.

همچنین اعلام شده که سرهنگ بازیار به بیمارستان منتقل شد اما به علت شدت جراحات زنده نماند.

در ارتباط با این رویداد، فریبرز کرمی زند افسر سابق پلیس و از مخالفان جمهوری اسلامی در یک پست اینستاگرام سرهنگ بازیار را یک فرمانده «سرکوبگر» و «فاسد» معرفی می‌کند و می‌نویسد: «فقط در یک فقره از فساد ایشان: در سال ۹۵ در روستای کرگان میناب استان هرمزگان ۲۵ لنج حامل کولر گازی (اسپلیت) توقیف شد اما این آقا با همکاری سردار ملکی و سرهنگ مشایخ به بهانه‌های مختلف مانع انتقال لنج‌ها به ساحل شدند و شبانه تعداد زیادی از کولرها را تخلیه کردند اما بعداً گندش درآمد ولی پای نیروهای رده پایین را وسط کشیدند. ایشان و بالاسری‌های ایشان یک مدت فرماندهی یگان امداد بندرعباس بودند و به علت لیاقت در فساد که عامل ارتقاء در رژیم است فرماندهی دریابانی به آنها سپرده شد و بخور بخور راه انداختند.»

برخی منابع محلی ادعا کرده بودند که وانت نیسان عمدی بازیار را زیر گرفته و فرار کرده است. در یک سال گذشته تلفات بین نیروهای ارشد انتظامی زیاد شده است. رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی به کیهان لندن می‌گوید: «افرادی مثل بازیار نه تنها در بین عموم مردم منفور هستند بلکه بدنه نیروی انتظامی هم از ظلم، تبعیض و فساد این اشخاص در امان نیستند.»

بسیاری از معلمان در شیراز خاطرات بدی از بازیار دارند. او به همراه نیروهای خود نقش اساسی در ضرب و جرح معلمان و بازنشستگان فرهنگی در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۰ داشت.

دو کشته در تیراندازی مرگبار یک سرباز وظیفه در «کلانتری ۱۴» پاکدشت ورامین



عکس: همایشی با حضور سربازان وظیفه نیروی انتظامی

● کمتر از دو هفته پس از آنکه یک سرباز ارتش در آمادگاه مهماتی کرمان پنج نفر از هم‌قطاران خود را با شلیک اسلحه کُشت، روز جمعه ۱۳ بهمن ماه اعلام شد در اثر تیراندازی در کلانتری پاکدشت ورامین در جنوب تهران دو نفر کشته شدند.

● اداره اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی شرق استان تهران ادعا کرده این اتفاق ناشی از «اشتباه سهوی» و «تیراندازی بی‌هدف» یک سرباز وظیفه در «کلانتری ۱۴» پاکدشت بود.

● طبق گزارشی که این اداره منتشر کرد، روز پنجشنبه یک سرباز وظیفه داخل کلانتری منطقه «حصار امیر» به اشتباه به یکی از کارکنان نیروی انتظامی شلیک کرد که باعث مجروح شدن یکی از کارکنان انتظامی شد اما سرباز وظیفه پس از این اقدام بلافاصله «در یک اقدام احساسی» به سمت خود شلیک کرد.

● رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی و از مخالفان جمهوری اسلامی در شرح این اتفاق می‌نویسد: «سرباز وظیفه بخاطر فشار سردار پاسدار القاصی و معضلات انتقالی قصد خودکشی داشته که استوار صادقی سعی در منصرف کردن وی داشت که وظیفه با تیراندازی به سمت صادقی قصد ترساندن او را داشت که گلوله با استوار صادقی برخورد کرده و او را به قتل می‌رساند سپس اقدام به خودزنی می‌کند.»

کمتر از دو هفته پس از آنکه یک سرباز ارتش در آمادگاه مهماتی کرمان پنج نفر از هم‌قطاران خود را با شلیک گلوله کُشت، روز جمعه ۱۳ بهمن ماه اعلام شد در اثر تیراندازی در کلانتری پاکدشت ورامین در جنوب تهران دو نفر کشته شدند. اداره اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی شرق استان

کارشناسان بر این باورند که افزایش تلفات بین پرسنل نیروی انتظامی تحت تأثیر خشونت وحشیانه‌ی ارگان‌های نظامی حکومت از جمله نیروی انتظامی در قبال مردم است. استدلال آنها این است وقتی مردم عادی در خیابان به خاطر اعتراض به وضعیت زندگی خود تجمع کرده‌اند یا شعار می‌دهند و نیروهای امنیتی به خشن‌ترین شکل ممکن آنها را سرکوب می‌کنند، طبیعی است که بر ذهن و روان جامعه تأثیر می‌گذارد. این در حالیست که سارقان و متخلفان در برخورد با نیروی انتظامی دست به اسلحه می‌برند. در جمهوری اسلامی، پرسنل نیروی انتظامی به عنوان شهروندانی که شغل و مسئولیت آنها حفاظت از دیگر شهروندان است، قربانی قدرت‌طلبی فرماندهان و مقامات بالا و فراتر از آن قربانی سیاست‌های حکومت می‌شوند. اغلب مردم نیز به دلیل سوء استفاده رژیم از این نیروها، آنها را به چشم سرکوبگر و دشمن نگاه می‌کنند و وقتی تصویر عمومی نسبت به یک ارگان انتظامی تا این اندازه منفی باشد، پیامدهای ناگوار علیه بدنه و پرسنل عادی آن به دنبال خواهد داشت.

حجت‌الاسلام احمدحسین فلاحی نماینده مجلس شورای اسلامی ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ در جلسه علنی مجلس با اشاره به افزایش تلفات بین مأموران امنیتی گفت «انتظار است که امنیت نیروهای امنیتی و انتظامی جدی‌تر گرفته شود و اقتدار به آنها بازگردد!» این درخواست و «انتظار» در حالیست که «نیروهای امنیتی و انتظامی» هستند که می‌بایست «امنیت» شهروندان و جامعه را تأمین کنند!

فلاحی در تذکری با یک ادعای بیجا هشدار داد «برای نظام جمهوری اسلامی که امنیت را در منطقه و آب‌های بین‌المللی برقرار کرده، زیننده نیست که نیروهای انتظامی و امنیتی در کف خیابان‌ها به دست اوباش به شهادت برسند!» در حالی که خود جمهوری اسلامی یکی از عوامل جدی اختلال و تنش در «منطقه و آب‌های بین‌الملل» به شمار می‌رود و سوء استفاده رژیم از نیروهای انتظامی و «امنیتی» در سرکوب، آنها را در برابر مردم قرار داده و جنایتکاران و متخلفان نیز از این وضعیت به سود خود استفاده می‌کنند و به پرسنل عادی نیروهای انتظامی و یا سربازان وظیفه آسیب رسانده و آنها را به قتل می‌رسانند.

یک عضو دیگر «سپاه قدس» در حمله هوایی اسرائیل به دمشق کشته شد



عکس: سعید علیدادی

فرماندهان ارشد «سپاه قدس» و دستیاران آنها کشته شدند که مشهورترین آنها «سیدرضی موسوی» مسئول تدارکات سپاه قدس در سوریه و «حاج صادق امیدزاده» معروف به (یوسف) مسئول اطلاعات نیروی قدس در سوریه هستند. گرچه تلفات سپاه پاسداران در سوریه پس از آغاز جنگ در غزه افزایش پیدا کرد اما شماری از مقامات حکومت می‌گویند «امروز نیازمند فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی هستیم!»

در شرایطی که اعلام شد آمریکا طرح حمله به تأسیسات و نیروهای وابسته به سپاه پاسداران در سوریه و عراق را تصویب کرده است، برخی منابع عربی گزارش دادند اسماعیل قآنی فرمانده سپاه قدس در روزهای اخیر به بغداد سفر کرده است.

یک هفته پیش از این سه نظامی آمریکایی مستقر در پایگاه «برج ۲۲» اردن در حمله پهپادی گروه‌های نیابتی کشته شدند. این رویداد فشارها بر دولت بایدن برای اقدام مستقیم و شدید علیه منشاء این حملات یعنی رژیم ایران را به شدت افزایش داده است.

آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در دیدار با گرانت شاپس وزیر دفاع بریتانیا که چهارشنبه ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) انجام شد ادعا کرد که ایالات متحده عاملان حمله مرگبار به نیروهای خود در اردن را «پاسخگو» خواهد کرد.

سناتورهای جمهوریخواه بایدن را متهم به مداخلات با رژیم ایران می‌کنند. از جمله سناتور تام کاتن که تأکید دارد رژیم ایران تا وقتی «بایدن بُردل» در قدرت است به ایالات متحده می‌خندد.

وی در یک مصاحبه گفت «بایدن به رژیم ایران به چشم یک حکومت عادی نگاه می‌کند. او خیال می‌کند اگر به آنها امتیاز بدهد و با آنها مداخلات کند رژیم ایران دست از تنش آفرینی بر می‌دارد و خاورمیانه آرام می‌شود... اما اینطور نیست. جمهوری اسلامی ۴۵ سال است که دشمن آمریکاست.»

در مقابل اما برخی تحلیلگران می‌گویند دولت آمریکا نگران است با درگیر شدن در خاورمیانه جبهه دوم موازی با جنگ اوکراین علیه غرب باز شود که خواست روسیه است.

● فردی که در حمله هوایی اسرائیل کشته شده «سعید علیدادی» نام دارد اما اشاره‌ای به درجه و همچنین مسئولیت وی در سوریه نشده است.

● منابع نظامی رژیم سوریه اعلام کردند که بامداد جمعه ۱۳ بهمن‌ماه اسرائیل به نقاطی در جنوب دمشق حمله کرده است.

● خبرگزاری رویترز یک روز پیش از این حمله به نقل از «پنج منبع آگاه» گزارش داده بود که با شدت گرفتن عملیات اسرائیل علیه فرماندهان ارشد «سپاه قدس» در سوریه، رژیم ایران تعدادی از افسران ارشد خود را به تهران بازگردانده است اما یک روز بعد شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله این ادعا را تکذیب کرد.

● المیادین به نقل از یک «منبع موثق» گزارش داد «از مستشاران ایرانی خواسته شد بدون همراه داشتن خانواده خود در سوریه حضور داشته باشند.»

خبرگزاری «دانشجو» روز جمعه ۱۳ بهمن‌ماه گزارش داد یکی از مستشاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه در حمله هوایی اسرائیل به جنوب دمشق کشته شده است. فردی که در حمله هوایی اسرائیل کشته شد «سعید علیدادی» نام دارد اما اشاره‌ای به درجه و همچنین مسئولیت وی در سوریه نشده است.

منابع نظامی رژیم سوریه اعلام کردند که حدود ساعت ۰۴:۲۰ روز جمعه اسرائیل به نقاطی در جنوب دمشق حمله کرده است.

خبرگزاری رویترز پنجشنبه اول فوریه (۱۲ بهمن‌ماه) به نقل از «پنج منبع آگاه» گزارش داده بود که با شدت گرفتن عملیات اسرائیل علیه فرماندهان ارشد «سپاه قدس» در سوریه، رژیم ایران تعدادی از افسران ارشد خود را به تهران بازگردانده و مأموریت آنها را به فرماندهانی از شبه‌نظامیان شیعه در همان مناطق و گذار کرده اما یک روز بعد شبکه «المیادین» وابسته به حزب‌الله این ادعا را تکذیب کرد.

المیادین به نقل از یک «منبع موثق» گزارش داد «از مستشاران ایرانی خواسته شد بدون همراه داشتن خانواده خود در سوریه حضور داشته باشند.»

در حملات اخیر اسرائیل به سوریه شمار زیادی از

→ تهران ادعا کرده این اتفاق ناشی از «اشتباه سهوی» و «تیراندازی بی‌هدف» یک سرباز وظیفه در «کلانتری ۱۴» پاکدشت بود.

طبق گزارشی که این اداره منتشر کرد، روز پنجشنبه یک سرباز وظیفه داخل کلانتری منطقه «حصار امیر» به اشتباه به یکی از کارکنان نیروی انتظامی شلیک کرد که باعث مجروح شدن یکی از کارکنان انتظامی شد اما سرباز وظیفه پس از این اقدام بلافاصله «در یک اقدام احساسی» به سمت خود شلیک کرد.

مجروحان فوری به مرکز درمانی منتقل شدند اما با وجود تلاش کادر درمان هر دو نفر جان خود را از دست دادند. نیروی انتظامی گزارش داد «دلایل و مواردی که باعث این اتفاق ناگوار شد پس از بررسی‌های تکمیلی اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

رضا تمیزکار از پرسنل سابق نیروی انتظامی و از مخالفان جمهوری اسلامی در شرح این اتفاق می‌نویسد: «سرباز وظیفه بخاطر فشار سردار پاسدار القاصی و معضلات انتقالی قصد خودکشی داشته که استوار صادقی سعی در منصرف کردن وی داشت که وظیفه با تیراندازی به سمت صادقی قصد ترساندن او را داشت که گلوله با استوار صادقی برخورد کرده و او را به قتل می‌رساند سپس اقدام به تیراندازی به سمت خودروهای داخل یگان کرده و در نهایت به سمت خودش شلیک کرده و خودکشی می‌کند اما معاونت اجتماعی این خبر را تکذیب و ادعا می‌کند که تیراندازی سهوی بوده است.»

پادگان‌های جمهوری اسلامی جای امنی نیست. کیهان لندن بارها به این مسئله پرداخته که سربازان و حتا کارکنان نیروهای مسلح در مراکز خدمت با چه مسائلی روبرو هستند. خدمت نظام وظیفه در ایران دو سال و اجباری است. گرچه شرایط خدمت سربازان با گذشته تا حدودی متفاوت شده و سختی‌هایی که سربازان در پادگان‌ها در چند دهه اخیر داشتند، تا حدی کمتر شده، اما سیستم آموزشی داخل پادگان‌ها تغییر زیادی نداشته است. دگرگونی‌های اجتماعی و تغییر فرهنگ نسل جدید نیاز به اصلاحات عمیق در پادگان‌ها را ضروری می‌کند اما نه درک و نه اراده و بودجه برای این کار موجود است.

از سوی دیگر گزارش‌های زیادی وجود دارد که در پادگان‌های نیروی انتظامی و سپاه پاسداران سربازان وظیفه را به اجبار برای سرکوب اعتراضات به خیابان‌ها اعزام می‌کنند. آمار سربازانی که در درگیری‌های خیابانی آسیب دیده‌اند کم نیست.

فشارهای روحی و روانی و یا مصرف مواد مخدر یا اختلافات شخصی با سایر سربازان یا فرمانده در داخل پادگان‌ها از عواملی است که تکرار موارد مشابه را محتمل می‌کند. مسئولیت کشته‌شدن سربازان در پادگان‌ها با سلسله مراتب فرماندهی از فرمانده گروهان تا فرمانده نیرو است. یکی از ایرادات و ضعف‌های خدمت وظیفه عمومی نیز «یاسداری» طولانی سربازان وظیفه در ماه‌های اول خدمت وظیفه است. در این مدت که به آن «دوران آموزشی» می‌گویند سربازان بین ۸ تا ۱۰ هفته یک روز در میان اطراف پادگان یا روی برجک‌ها نگهبانی می‌دهند. این روال طولانی گاهی بعد از دوران آموزشی نیز ادامه پیدا می‌کند. در این مقطع فشار جسمی و روحی زیادی به سربازان وارد می‌شود. دوری از خانواده و تغذیه نامناسب و کار فیزیکی نیز از دیگر دلایل بهم خوردن تعادل روحی و رفتاری سربازان است. اما به نظر می‌رسد در بالاترین رده‌های نظامی در ایران درک زیادی از ضرورت تغییر سیستم آموزشی نظامی و روال خدمت اجباری وجود ندارد.

وکیل خانواده داریوش مهرجویی با تأکید بر «نواقص شکلی و ماهوی» پرونده: می‌توان به حکم صادره دادگاه خوشبین بود



مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر - تالار رودکی، تهران

«اعتماد» تأیید کرده بود که یک فرد ناشناس با چاقو پشت شیشه خانه آنها ظاهر شده، آنها را تهدید کرده و بعد گریخته است. او همچنین گفته که «البته مدتی پیش هم یکسری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیر کارهای قانونی این موضوع است.»

فرهنگ سوری وکیل داریوش مهرجویی گفته که داریوش مهرجویی روز جمعه و دو شب پیش از وقوع قتل به وکیلش گفته بود به خاطر اینکه آن خانه دیگر امنیت ندارد، قصد دارند هفته بعد آن را ترک کنند.

پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش چهار متهم دارد که یک متهم اصلی و سه متهم دیگر همدستان او در قتل مهرجویی و همسرش هستند. دو متهم این پرونده زیر سن قانونی هستند. آنها شناسنامه ندارند و با آزمایش‌های پزشکی مشخص شده هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند.

محاکمه چهار متهم پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش صبح چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ در دادگاه کیفری استان البرز برگزار شد. در حالی که پیشتر اعلام شده بود دادگاه علنی خواهد بود اما از حضور خبرنگاران در جلسه دادگاه جلوگیری به عمل آمد. بر اساس گزارش‌ها، فرزندان داریوش مهرجویی در دادگاه حاضر نشدند و تنها وکیل آنها با حضور در جلسه خواستار اشد مجازات برای متهمان شد.

پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش، وحیده محمدی‌فر، از ابتدا دارای ابهاماتی بود؛ ابهاماتی که با صحنه‌سازی جرم توسط متهمان پرونده افزایش یافت.

پس از آنکه مقامات قضایی از صدور کیفرخواست این پرونده و پایان تحقیقات خبر دادند، مونا مهرجویی دختر داریوش مهرجویی در استوری حساب اینستاگرام خود درباره روند بررسی پرونده قتل پدر و مادرش نوشت: «تا کنون هیچ‌یک از شواهد و مدارک، اقرار و آثار جنایت توسط ما بررسی نشده است. تا بررسی همه ابعاد

و تکمیل تحقیقات به داسرا اعاده دهد و در غیر اینصورت به حکم صادره می‌توان خوشبین بود.»

وکیل خانواده مهرجویی در پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر معتقد است که دادگاه به ایرادهایی که وکلا به کیفرخواست وارد کرده‌اند توجهی نکرده و محاکمه بر اساس اظهارات متهمان پیش رفته است. او همچنین دو روز پیش در یادداشتی برای ماهنامه «فیلم امروز» نوشت: «انتظار داشتیم ایرادهایی که درباره کیفرخواست در دادگاه کیفری یک استان البرز مطرح کرده‌ایم رسیدگی و قاعدتا پرونده برای تکمیل تحقیقات به داسرا ارجاع شود، متأسفانه جلسه دادگاه در دو روز طی ۱۱ ساعت برگزار شد اما به هیچ‌یک از این ایرادها توجه نشد و محاکمه بدون بررسی این دلایل و بیشتر بر پایه اسناد به اظهارات متهمان پیش رفت.»

وکیل خانواده مهرجویی در این یادداشت اظهار امیدواری کرده که این ایرادات در دیوان عالی مورد توجه بگیرد. داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی‌فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیادداشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت مرگ آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.

پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ در مراسمی با حضور گسترده هنرمندان و دیگر شهروندان تشییع شد. این مراسم ساعت ۱۰ بامداد از مقابل تالار رودکی آغاز و سپس پیکر این فیلمساز و همسرش در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد. وحیده محمدی‌فر پانزدهم مهرماه، با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرقت وسایل‌شان خبر داده بود. همسر داریوش مهرجویی همزمان در گفتگو با روزنامه

● وکیل خانواده مهرجویی: دادگاه به ایرادهایی که وکلا به کیفرخواست وارد کرده‌اند توجهی نکرده و محاکمه بر اساس اظهارات متهمان پیش رفته است.

● پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش، وحیده محمدی‌فر، از ابتدا دارای ابهاماتی بود؛ ابهاماتی که با صحنه‌سازی جرم توسط متهمان پرونده افزایش یافت.

● محاکمه چهار متهم پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش ۲۷ دی در دادگاه کیفری استان البرز برگزار شد و با اینکه پیشتر اعلام شده بود دادگاه علنی خواهد بود اما از حضور خبرنگاران در دادگاه جلوگیری به عمل آمد.

وکیل اولیای دم داریوش مهرجویی و همسرش با تأکید بر وجود «نواقص شکلی و ماهوی» در پرونده قتل این زوج، گفته «می‌توان به حکم صادره دادگاه متهمان پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش خوشبین بود.»

مانوش منوچهری وکیل اولیای دم داریوش مهرجویی و همسرش در گفتگو با روزنامه «اعتماد» درباره روند رسیدگی دادگاه متهمان پرونده قتل این زوج گفته که «تا کنون حکم به ما ابلاغ نشده است، اما فارغ از ایرادات دادرسی، جای تعجب است که حتی با وجود اعلام ختم رسیدگی و درخواست‌های متعدد اینجانب، هنوز مواردی که به صورت معمول باید در رسیدگی در اختیار شکات و وکلای ایشان قرار گیرد، قرار نگرفته و به لحاظ شکلی روند رسیدگی دارای ایراداتی است.»

این وکیل دادگستری درباره ایرادهای که در روند رسیدگی به این پرونده وجود داشته افزوده «از جمله اینکه آخرین نظریه پزشکی قانونی جهت بررسی به ما ابلاغ نشده است و تصویر آنها به ما داده نشده، با اخذ کپی از صفحات پرونده مخالفت شده و فیلم کامل بازسازی صحنه جرم تا کنون توسط ما دیده نشده است.»

او همچنین گفته «همچنان امیدواریم که دادگاه محترم به دلیل تمامی نواقص شکلی و ماهوی پرونده را جهت رفع آن

شهرام خلدی: جنگ زرگری دولت جو بایدن با جمهوری اسلامی



اسلامی به پایگاه‌های نیروهای آمریکائی در منطقه نیز تنها ۱۰ نفر (۳ نظامی آمریکائی، ۶ کرد سوری و یک پلیس عراقی) جان خود را از دست دادند. در این مورد نیز ادعا می‌شود که هربار دولت بغداد آمریکا را در جریان گذاشته بود. این خبرها حکایت از تلاش‌های جمهوری اسلامی و ایالات متحده آمریکا برای جلوگیری از هر اقدامی دارند که منجر به افزایش تنش شود.

حملات آمریکا و بریتانیا به یمن نیز تا کنون موفق نشده‌اند موشک‌پرانی حوثی‌ها به ناوگان‌های تجاری در دریای سرخ را متوقف سازند. حوثی‌ها که از حمایت گسترده تسلیحاتی و نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برخوردارند، بطور جدی امنیت کشتی‌های تجاری و امنیت اقتصاد جهانی را به خطر انداخته‌اند.

احمد رأفت با شهرام خلدی تحلیلگر سیاسی و استاد دانشگاه واترلو در کانادا گفتگویی انجام داده است.

است که سرقت جاروبرقی توسط باغبان از خانه مهرجویی و طلب ۳۰ میلیون تومانی آن مربوط به «چند سال» قبل است و مساله جدید نیست. «مشرق نیوز» در گزارش جدیدی که از رویارویی با متهمان قتل نوشته که باغبان هفته پیش از قتل با چاقو پشت در خانه مهرجویی ظاهر شده و در بیان اینکه چرا خانم محمدی فر صدای باغبان خود را تشخیص نداده، نوشته است که «باغبان صدای خود را عوض کرده است» این ادعاها چقدر صحت دارد؟ که مشرق‌نیوز از وضعیت متهمان توصیف می‌کند: متهم اصلی یعنی باغبان که کریم نام دارد در بازداشتگاه خودکشی ناموفق داشته است. میرویس، متهم دیگر یک دختر کوچک دارد که بیمار است و روز قتل مهرجویی دخترش به دکتر برده اما مطابق ادعای مشرق‌نیوز شب برای کشتن مهرجویی آمده و داوود و اسکندر دو متهم بسیار کم سن و سال هم به گفته مشرق‌نیوز هنوز هنوز گیج و گنگ هستند و گویی نمی‌دانند چه اتفاقی افتاده است!

مقامات آمریکائی مرتب تکرار می‌کنند که حمله مستقیم به جمهوری اسلامی در دستور کارشان قرار ندارد. در پاسخ به حملات گروه‌های نیابتی به پایگاه‌های نیروهای نظامی‌شان در عراق، سوریه و اردن نیز دیر و محدود واکنش نشان دادند. البته ساعاتی پس از انجام این گفتگو در بغداد در یک حمله‌ی پهبادی دو نفر از فرماندهان کتائب حزب‌الله کشته شدند. ۸۵ حمله به نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق و سوریه در هفته گذشته، پاسخی بود به بیش از ۱۹۰ حمله گروه‌های وابسته به نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ۴ ماه گذشته، پس از حمله ۷ اکتبر حماس به خاک اسرائیل و ورود ارتش این کشور به باریکه غزه. حملاتی که بر اساس اخبار منتشر شده در رسانه‌های آمریکائی و عربی از قبل به دولت عراق اطلاع داده شده بود. در ۸۵ حمله آمریکا به نیروهای نیابتی گفته می‌شود ۴۲ نفر جان دادند، در ۱۹۲ حمله گروه‌های نیابتی جمهوری

همسر مهرجویی گرفته اما مشرق‌نیوز در گزارشی با تیر اولین ملاقات با قاتلان مهرجویی و همسرش در یکم آبان نوشته که «تمام اموال سرقت شده از خانه مهرجویی که شامل ۷ انگوی طلا، دو گوشی موبایل، یک خلخال بوده و دو آلت قتاله همگی در بیرون ویلا کشف شده و قاتلان این اموال را در چند نقطه جداگانه دفن کرده بودند تا مدتی بعد جنایت آنها را خارج کنند.» این روزنامه‌نگار نوشت که «روزنامه «جوان» در تاریخ ۲۴ مهر ۱۴۰۲ نوشته که مونا دختر خانواده مهرجویی به پلیس گفته از ساعت ۸/۵ تا ۱۰ شب به صورت پیامک با پدرش در ارتباط بوده است. سایت جنایی هم همین موضوع را نوشته که مونا تا ساعت ۱۰ با خانواده خود در تماس بوده و ساعت ۱۰:۲۰ دقیقه که به جلوی در خانه می‌رسد از جنایت آگاه می‌شود و به پلیس زنگ می‌زند. آیا در کمتر از ۲۰ دقیقه قتل انجام شده و وسایل مسروقه و چاقوها دفن شده؟!»

مریم شکرانی افزود که «مشرق‌نیوز» در ۲۸ مهر نوشته

و حضور در پرونده و روند دادرسی، قاتل از نظر ما مشخص نیست.»

اکبر محمدی‌فر برادر وحیده محمدی‌فر نیز پیشتر به «رادیو فردا» گفته بود که قتل این دو هنرمند یک «اقدام اربابی سازمان‌یافته و پیچیده» بود و به باور او، متهمان «تحت آمریت فرد یا افرادی دیگر» مرتکب قتل شدند.

پس از برگزاری صحنه بازسازی جرم، مریم شکرانی روزنامه‌نگار در ایران در توضیحاتی در شبکه اجتماعی ایکس همه ابهامات مطرح شده درباره این پرونده را جمع‌آوری کرد و نوشت که «در فیلم بازسازی صحنه قتل، متهم می‌گوید که از دیوار به داخل پریده‌اند و در باز بوده و وارد حال شده‌اند. تابناک در ۲۹ مهر به نقل از همشهری نوشته که متهم اعتراف کرده وقتی او (مهرجویی) در را باز کرد من به او حمله کردم. در ثانیه ۱۹ فیلم بازسازی صحنه قتل، متهم توضیح می‌دهد که چگونه از روی دیوار ویلا مهرجویی به داخل پریده‌اند. ضابط به سیم‌خاردها اشاره می‌کند و می‌پرسد چرا از آن در نرفتید که راحت‌تر بود؟! متهم می‌گوید «کریم گفت دوربین دارد!» اعتماد در تاریخ ۲۳ مهر از قول منتظرالمهدی، سخنگوی پلیس نوشته که ویلای مهرجویی دوربین نداشته است.»

مریم شکرانی در ادامه نوشت که «در بازسازی صحنه قتل، متهم می‌گوید وارد حال شده‌اند و داریوش مهرجویی رو به تلویزیون نشسته و پشت به ما در حال تماشای فیلم بود. در ثانیه ۴۸ یک متهم در پس‌زمینه فیلم می‌گوید «خواب بود!» این همانند که وقتی مقتول به پشت بوده، قاتلان چگونه متوجه شده‌اند خواب بود اما در همان لحظه یکی دیگر از متهمان می‌گوید ناگهان بلند شد و به سمت ما آمد!»

این روزنامه‌نگار افزود که «در بازسازی صحنه قتل متهم نشان می‌دهد که وقتی مهرجویی به سمت آنها آمده ضربه چوب به جلوی سر وارد کرده در صورتی که اعتماد به نقل از فراز در ۲۳ مهر نوشته پشت سر او کوبیده و شده و تصاویر نشان می‌دهد که جسد مهرجویی بر خلاف همسرش، با صورت به زمین افتاده است. خبرنگار فارس در ۲۳ مهر در گزارشی میدانی که صحنه قتل را توصیف می‌کند، نوشته که جای دست و انگشتان خون‌آلود روی در و دیوار اتاق خواب است که به گفته کارشناسان نشان می‌دهد همسر مهرجویی با فشار دست به در و دیوار این اتاق تلاش کرده مانع ورود قاتلان شود اما ناموفق بوده است. در فیلم بازسازی صحنه قتل، متهمان می‌گویند او در داخل اتاق پناه گرفته بود ما به زور وارد شدیم و ضربه‌های چاقو را به او زدیم! ضربه قبلی و دستان خون‌آلود خانم محمدی‌فر کجای این فیلم است؟!»

مریم شکرانی افزود که «در دقیقه ۳/۱۱ فیلم بازسازی صحنه قتل در اتاق که متهم نحوه قتل همسر مهرجویی را توضیح می‌دهد ضابط می‌پرسد: (خانوم محمدی‌فر) گوشی داشت یا نه؟ متهم جواب می‌دهد «نداشت. ما اینجا آمدیم گوشی نداشت» مشرق‌نیوز نوشته که در گوشی همسر مهرجویی پیام «ارسال نشده‌ای» به دخترش وجود دارد که نوشته کریم اومد تو خومون! در صورت صحت این ماجرا کجا و چگونه فرصت ارسال پیام ایجاد شده؟!»

یکی دیگر از ابهامات اینست که «در بازسازی صحنه جرم متهم می‌گوید که هم دست و هم دهان خانم محمدی‌فر بسته شده بود اما در تصویر اجساد، دهن خانم محمدی‌فر بسته نبوده و تنها یک دست او بسته است. «اعتماد» در تاریخ ۲۹ مهر از قول فاضلی‌هری‌کندی، رئیس کل دادگستری البرز نوشته است که متهم چهارم روز پنجشنبه دستگیر شده و همراه او چاقو، دو گوشی موبایل و طلاهای همسر مهرجویی کشف شده است. در فیلم بازسازی صحنه متهم می‌گوید که طلاها را از

ادامه تلاش جمهوری اسلامی برای نابودی کانون وکلا اختلال در برگزاری انتخابات «اسکودا»



مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران اوایل خردادماه امسال با انتشار گزارشی اعلام کرد که از آغاز اعتراضات سراسری در شهریور ۱۴۰۱ تاکنون، دست کم ۱۲۹ وکیل در ایران با «برخورد قضایی» مواجه شده‌اند.

در اردیبهشت ماه امسال نیز دست کم ۲۷ وکیل از شهرهای مختلف ایران به شعبه ۷ بازپرسی دادرسی اوین احضار شدند. اتهام وکلای احضار شدند «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرائم علیه امنیت» اعلام شد. همزمان اعلام شده بود که فهرستی از سوی حفاظت اطلاعات قوه قضاییه شامل ۱۷۰ وکیل که پرونده زندانیان سیاسی و امنیتی و بازداشت‌شدگان اعتراضات را پذیرفته‌اند، برای فشار قضایی بر وکلا تهیه شده است.

به موازات فشارهای قضایی و امنیتی بر وکلای دادگستری، جمهوری اسلامی برای از بین بردن استقلال کانون وکلا نیز تلاش‌هایی انجام داد. از جمله این تلاش‌ها مصوبه نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تابستان امسال برای گرفتن حق صدور مجوز وکالت از کانون وکلا و سپردن آن به وزارت اقتصاد بود. این مصوبه «کانون‌های وکلا را ملزم به تبعیت از مصوبات هیئت مقررات‌زدایی وزارت اقتصاد کردند» و «ابطال مصوبات این هیئت را در دیوان عدالت اداری» ممنوع می‌کند. تبصره‌های این مصوبه که پیرو لایحه هفتم توسعه تنظیم شده نیز بیش از پیش به محدود کردن کانون وکلا خواهد انجامید. در «تبصره یک، ماده ۴ لایحه برنامه هفتم توسعه» تأکید شده که «اختیار کارآموزی از فرایند صدور پروانه وکالت حذف می‌شود» و «وزارت امور اقتصادی و دارایی با همکاری وزارت دادگستری و قوه قضاییه اقدام به تنظیم «آئین نامه نظارت پسینی بر عملکرد وکلای دادگستری» کرده و آن را به تصویب «هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار» برساند.

همچنین در «تبصره دوم» این ماده نیز وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف شده «با هدف نظارت پسینی بر عملکرد وکلا اقدام به راه‌اندازی «سامانه ارزیابی تعهد و

ساعاتی بعد اما اعلام شد به دلیل عدم حضور کافی اعضا و نرسیدن به حد نصاب، این انتخابات در نهایت برگزار نشده است. همچنین بر اساس سندی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه پیش از این خواستار لغو برگزاری انتخابات این نهاد صنفی شده بود.

در حالی که وکلای دادگستری به ویژه از سال گذشته و پس از آغاز اعتراضات جنبش ملی در شهریور ۱۴۰۱ با فشارهای شدید قضایی روبرو شده‌اند، در آنسو فشارها بر کانون وکلا به عنوان نهاد صنفی وکلای دادگستری نیز افزایش یافته است. وکلای دادگستری نیز مانند بسیاری دیگر از اصناف در اعتراضات سال گذشته از معترضان و خواسته آنها حمایت کردند. در بحبوحه اعتراضات مردمی در آبان سال گذشته، ۴۰ وکیل و حقوقدان ایرانی با امضای بیانیه‌ای مشترک تأکید کردند که اکثریت مردم ایران دیگر نظام جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و «خیزش شهروندان ایران، خیزشی برای حقوق و بازگشت به حکومت قانون است.»

در این بیانیه تأکید شده بود که «دهه‌ها بعد از نهضت مشروطه که نیاکامان در برابر استبداد ایستادند و تحولی بنیادین در نظام سیاسی و حقوقی کشور بوجود آوردند، اینک شهروندان ایران در مقابل نظامی قرار گرفته‌اند که تصور می‌کند می‌تواند «ملت» را به کمک ولایت مطلقه‌ی یک نفر فقیه، به «امت» تبدیل کرده و به تبع آن، حقوق سیاسی ملت را از بین ببرد.»

این بیانیه افزوده بود: «از حقوق اساسی مردم این است که مشروعیت هر قانون به رضایت و اراده‌ی عمومی است و هیچ اراده دیگری این اجازه را ندارد تا بجای ایشان تصمیم بگیرد و اگر چنین اتفاقی بیفتد مردم حق دارند که با چنین اراده‌ای نامشروع و تصمیمات و قوانین آن مبارزه و مقابله کنند.» حمایت وکلا از اعتراضات و پذیرش پرونده بازداشت‌شدگان از سوی شماری از آنها، با واکنش نهادهای امنیتی روبرو شد و شمار زیادی از وکلای دادگستری بازداشت و شماری نیز تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند.

● همایش پنجاه و دوم اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری (اسکودا) که صبح چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ در هتل پارسیان اوین برگزار شده بود به دلیل قطع برق با دستور اداره اماکن تهران مختل شد.

● در حالی که اعلام شده بود ادامه این نشست و انتخابات در محل کانون وکلای مرکز برگزار می‌شود اما به دلیل عدم حضور همه وکلا و به حد نصاب نرسیدن جلسه، نشست نیمه‌کاره ماند.

● بر اساس سندی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه پیش از این خواستار لغو برگزاری انتخابات این نهاد صنفی شده بود.

برگزاری پنجاه و دومین همایش اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری (اسکودا) با فشارهای قوه قضاییه دچار اختلال شد و نیمه‌کاره رها گشت.

وبسایت «وکلا پرس» روز گذشته در گزارشی اعلام کرد همایش پنجاه و دوم «اسکودا» که صبح چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ در هتل پارسیان اوین برگزار شده بود به دلیل قطع برق با دستور اداره اماکن تهران مختل شده است.

این گزارش افزوده مدیریت هتل پارسیان اوین در پی اعلام اداره اماکن عمومی تهران مبنی بر ممانعت از برگزاری همایش «اسکودا»، از برگزارکنندگان خواسته بود جلسه را لغو و محل را ترک کنند. پس از تداوم حضور مدیران نهاد وکالت در سالن و تمهید مقدمات برای برگزاری انتخابات، مدیریت سالن همایش برق را قطع کرد.

«وکلا پرس» افزوده که در پی این اقدام، مدیران نهاد وکالت تصمیم گرفتند روند انتخابات را در محل کانون وکلای مرکز ادامه دهند و هیأت رئیسه و بازرسان «اسکودا» را برای مدت دو سال آینده انتخاب کنند.

در این گزارش تأکید شده «اگرچه برخی از مدیران نهاد وکالت پیشنهاد داده بودند انتخابات در محوطه باز سالن همایش برگزار شود، لیکن این پیشنهاد رأی نیاورده و قرار است انتخابات ساعت ۱۴ در کانون وکلای مرکز برگزار شود.»

دکتر حسن منصور در گفتگو با کیهان لندن: «عمله‌های شیطان» آتش‌بیار جنگ می‌شوند؛ جمهوری اسلامی با تساهل و تسامح آمریکا تحریم‌ها را دور زده است



نفتکش «آرمان ۱۱۴» در حال انتقال محموله نفت خود را نفتکش «تینوس» / عکس: رویترز

بپاشد آنها نقش بزرگی نخواهند داشت و فقط در نقش «عمله‌های شیطان» وارد می‌شوند. امروز تکلیف همه انسان‌هایی که به بشریت معنایی می‌دهند این است که به هر ترتیبی جلوی جنگ را بگیرند و تعریف جدیدتری برای نظام آینده دنیا بتوانند به وجود بیاورند.»

آمریکا و بریتانیا در هفته‌های آغازین سال ۲۰۲۴ در تحریم‌هایی مشترک چند شبکه پولشویی مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را که اقدام به فروش نفت ایران و انتقال صدها میلیون دلار پول آن کرده بودند به اتهام تأمین مالی تروریسم در فهرست تحریم‌ها قرار دادند.

همزمان با افزایش فشارها به دولت در لندن برای قراردادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی، در واشنگتن نیز دولت بایدن به دلیل شکست استراتژی‌اش در مورد رژیم ایران با پرسش و انتقاد روبروست. دموکرات‌ها در کنگره خواهان تغییر سیاست دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی هستند و جمهوریخواهان می‌گویند بایدن «بزدل‌تر» از آن است که دست به اقدام مؤثر بزند.

بر اساس گزارش منابع بین‌المللی در ۱۰ ماهه نخست سال ۲۰۲۳، جمهوری اسلامی ایران بطور متوسط روزانه یک میلیون بشکه نفت به جمهوری خلق چین فروخته است. همزمان با نادیده گرفته شدن تحریم‌ها میلیون‌ها دلار پول به جیب حکومت سرازیر شده که بخشی از مخارج ماشین سرکوب در داخل و تقویت شبه‌نظامیان در منطقه را تأمین می‌کند.

دکتر حسن منصور اقتصاددان به کیهان لندن می‌گوید با اینکه دولت بایدن مکانیسم کافی برای اجرای تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی در اختیار دارد اما به دلایل مختلف با تساهل و تسامح، تحریم‌ها علیه رژیم ایران را نادیده می‌گیرد.

● بر اساس گزارش منابع بین‌المللی در ۱۰ ماهه نخست سال ۲۰۲۳ ایران بطور متوسط روزانه یک میلیون بشکه نفت به چین فروخته است. با نادیده گرفته شدن تحریم‌ها میلیون‌ها دلار پول به جیب حکومت سرازیر شده که بخشی از مخارج ماشین سرکوب در داخل و تقویت شبه‌نظامیان در منطقه را تأمین می‌کند.

● دکتر حسن منصور اقتصاددان در مصاحبه با کیهان لندن می‌گوید: «معتقدم اینکه جمهوری اسلامی توانسته در این یکی دو سال اخیر به ویژه مقادیر زیادی تحریم‌ها را دور بزند دلیل‌اش اینست که از یکسو دولت آمریکا می‌خواست برای کنترل بازار نفت، جمهوری اسلامی بتواند نفت خود را وارد بازار کند و از سوی دیگر به امید اینکه بتواند با جمهوری اسلامی به توافق‌هایی برسد عملاً چشم به روی فروش نفت می‌بست. وگرنه اگر اراده جدی برای اجرای تحریم‌ها باشد قضیه می‌تواند برای جمهوری اسلامی سخت شود.»

● وی معتقد است آمریکا مکانیسم‌های لازم را برای اجرای جدی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی دارد و «اگر دوباره قصد کنترل جدی تحریم‌ها را داشته باشد با تحمیل جریمه‌های سنگین در مقابل تخلفاتی که شرکت‌ها انجام می‌دهند می‌شود جلوی دور زدن تحریم‌ها را گرفت و مانع ایجاد کرد.»

● «امروز وقتی روسیه به کشور دیگری حمله می‌کند، خودش در شورای امنیت حق وتو دارد؛ در نتیجه این نهاد ناظر مدیریت جهانی را با مشکل روبرو می‌کند. این مسائل سبب شده دنیا نظم سابق خودش را از دست بدهد.»

● «بازیگران کوچک در اینجا نقش آتش‌بیار معرکه را بازی می‌کنند که اگر جنگی روی دهد یا نظم قدیم فرو

→ اثر بخشی وکلا توسط موکلین» کند و «نتیجه ارزیابی هر وکیل توسط موکلین قبلی» را برای اطلاع عموم منتشر کند. محسن زنگنه سخنگوی کمیسیون ویژه «جهش و رونق تولید» و از موافقان مصوبه گفته بود که «از نظر ما قانون باید تعیین کند که چه حرفه‌ای، کسب و کار است، مرجع قانونگذاری و تفسیر قانون نیز براساس قانون اساسی، مجلس است لذا هیچ کس به جز مجلس بر تفسیر قانون محق نیست بنابراین از نظر ما هر حرفه‌ای که در مقابل آن از مردم پول اخذ شود، یک نوع کسب و کار است و مشمول این قوانین می‌شود.» محسن زنگنه افزوده بود که «از وکلا خواهش می‌کنیم که از قانون تمکین نکنند، قطعاً هیچ کس در این کشور باور نمی‌کند که اقدامات وکلای عزیز در مقابله با قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار، در راستای نگرانی و احقاق حقوق مردم باشد.»

پیرو این مصوبه کانون‌های وکلا در شهرهای مختلف ایران اعتراضاتی برگزار کردند و طی یک کارزار مشترک و با صدور بیانیه و تجمع و تحصن نسبت به این مصوبه اعتراض کردند. وبسایت «وکلاپرس» گزارش داده بود که در کمتر از ۴۸ ساعت از شروع کارزار موسوم به «اعتراض به طرح‌ها و لوایح ضد استقلال کانون‌های وکلا و امنیت قضائی» تعداد امضاکنندگان این کارزار به بیش از ۱۹ هزار و ۲۰۰ نفر رسیده است. در متنی که توسط وکلا و سایر افراد حقوق‌خوانده در حال امضاست آمده است: «اینجانبان در راستای دفاع از امنیت قضایی، نظام حقوقی کشور و «استقلال کانون‌های وکلا»، ضمن مخالفت با کلیه طرح‌ها، لوایح و مقررات مغایر اصول قانون اساسی، موازین شرعی و اسناد بالادستی به‌ویژه سیاست‌های کلی نظام، از جمله «لایحه برنامه هفتم توسعه» و «طرح تأمین مالی و جهش تولید» در قسمت مربوط به وکالت و کانونها، اصلاح آن را خواستاریم.»

علی مندنی‌پور نوشته است: «سالهاست از برخوردهای ناروا با کانون وکلا، حرفه شریف وکالت و وکیل می‌گویم و می‌نویسم، اما دریغ از یک سطر جواب! در گذر زمان به تدریج به این نتیجه رسیده‌ام که سرنوشت کانون وکلای دادگستری، هم او که فرزندان وظیفه‌شناس و دلسوزش در ۷ دهه گذشته تاکنون برای سر پا نگه داشتنش، چه نامهربانی‌ها که به خود ندیده، چه تحقیرها که به جان خریدند و چه خون دل‌ها که نخوردند، دارد به ناکجاآباد ختم می‌شود!» فرید نیکپی وکیل دادگستری در تهران نیز در یادداشتی با اشاره به سوابق تاریخی تصویب قانون وکالت در صد سال پیش، نوشته که «راهبرد غایی مجلسیان در این ایام کوتاه و مختصر اینست که با حذف وکالت رسمی، وکالت اتفاقی را توسعه و جایگزین آن نمایند! بدیهی است در آن صورت، نیازی به تشکیلات کانون وکلا هم نخواهد بود، چه، تشریفات مختصر معرفی وکیل! به مراجع قضایی را احسان خاندوزی (وزیر اقتصاد) هم می‌تواند انجام بدهد!»

مهدی حجتی وکیل دادگستری نیز در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته «مجلس یازدهم با مصوبات گذشته و اخیر خویش از حرفه وکالت بطور کامل شأنتی زدایی کرد و با انهدام استقلال کانون وکلا در مصوبات اخیر خویش، نقض حق دفاع مردم و آسیب به اعتبار و جایگاه قوه قضاییه را در صورت نهایی شدن این مصوبات رقم خواهد زد.»

این وکیل دادگستری «سلب اعتبار از آراء صادره از مرجع قضایی ایران و کاهش اتقان آراء قضایی که جایگاه و اعتبار قوه قضاییه را در ابعاد داخلی و بین‌المللی خدشه دار خواهد کرد از عوارض سوء مصوبات اخیر مجلس دانست و گفت: انتظار حداقلی از مجلس شورای اسلامی آن بود که برای چنین موضوعات حائز اهمیتی، پخته تر و با تأمل و مطالعه و جلب نظر متخصصین عمل کند.»

➔ **دکتر منصور، دولت آمریکا با همکاری بریتانیا اخیراً تحریم‌های مشترکی علیه سپاه پاسداران و شبکه‌های مالی مرتبط با آن اعمال کرده‌اند. با فشار آمریکا مجوز فعالیت بانک ملی جمهوری اسلامی در عراق باطل شد. با اینهمه حکومت راه‌های مختلفی برای دور زدن تحریم‌ها ایجاد کرده با قابلیت ایجاد آن را دارد. آیا تکرار این روال می‌تواند به غربی‌ها در مهار تهدیدات جمهوری اسلامی در منطقه کمک کند؟**

- به نظر می‌آید اگر ایالات متحده با مکانیسم‌هایی که در اختیار دارد در کنترل تحریم‌ها جدی باشد، این امکانات در اختیارش قرار دارد که جلوی گردش پول به ویژه آنجا که به دلار انجام می‌شود بگیرد. تا کنون هرآنچه جمهوری اسلامی توانسته دور بزند، عملاً با تساهل و تسامح آمریکا انجام گرفته است و گزینه مکانیسم‌های بین‌المللی با وجود پیچیده بودن آنها این امکان را به آمریکا می‌دهد که وضعیت را کنترل کند. بنابراین فکر می‌کنم اگر قصدی برای جلوگیری از رسیدن دلار به دست جمهوری اسلامی باشد، این راه‌ها می‌تواند کاملاً مسدود شود.

● **در مورد دولت‌های اروپایی چگونه؟ آیا آنها هم مکانیسم‌هایی دارند تا بتوانند جلوی دور زدن تحریم‌ها از طریق شرکت‌ها یا بانک‌های اروپا را بگیرند؟**

- دولت‌های اروپایی روی مکانیسم دلار تسلط ندارند اما در مورد گردش دلار تابع موازین آمریکا هستند. اگر مسئله گردش یورو باشد تنها مانع جلوی دور زدن تحریم‌ها توسط جمهوری اسلامی «اف‌ای‌تی‌اف» است که شامل گردش یورو و دلار و سایر ارزهاست. وگرنه آمریکا مسئولیت پول خودش را دارد. در سوئیفت هم آمریکا وزن سنگینی دارد که از آن طریق می‌تواند جلوی گردش دلار و یورو را بگیرد. با این حال اگر اروپا اراده‌ای برای محدود کردن گردش یورو نداشته باشد، آمریکا به تنهایی نمی‌تواند کاری در این مورد انجام دهد مگر اینکه بتواند همکاری اروپا را جلب کند.

● **این پرسش در سطح عمومی مطرح است که آیا تحریم دلالت‌ها یا شرکت‌هایی که در اروپا و انگلستان به عنوان بخشی از شبکه پولشویی جمهوری اسلامی و یا تأمین مالی سپاه پاسداران فعال هستند می‌تواند اثربخش باشد؟ یا همچنان بعد از هر تحریمی دوباره شبکه‌های وابسته به تهران در پوشش‌های دیگر همان روند را ادامه می‌دهند؟**

- وضعیت نظام تجارت جهانی بسیار بسیار بزرگ است و در نتیجه به هر صورت همیشه می‌شود منفذی پیدا کرد و از آنجا سوء استفاده کرد ولی اگر دوباره قصد کنترل جدی باشد با تحمیل جریمه‌های سنگین در مقابل تخلفاتی که شرکت‌ها انجام می‌دهند می‌شود جلوی دور زدن تحریم‌ها را گرفت و مانع ایجاد کرد.

معتقدم اینکه جمهوری اسلامی توانسته در این یکی دو سال اخیر به ویژه مقادیر زیادی تحریم‌ها را دور بزند دلیل‌اش اینست که از یکسو دولت آمریکا می‌خواست برای کنترل بازار نفت، جمهوری اسلامی بتواند نفت خود را وارد بازار کند و از سوی دیگر به امید اینکه بتواند با جمهوری اسلامی به توافق‌هایی برسد، عملاً چشم به روی فروش نفت می‌بست وگرنه اگر اراده جدی برای اجرای تحریم‌ها باشد، قضیه می‌تواند برای جمهوری اسلامی سخت شود. جمهوری اسلامی بسیاری از این پول‌ها را با حراج کردن منابع ملی کشور و با ارزان‌فروشی توسط قاچاقچیان به دست می‌آورد. اگرچه جلوگیری از قاچاق با ابعاد که دارد ممکن نیست اما اجرای تحریم‌ها همین مسیر را هم با موانع زیادی روبرو می‌کند.

● **بعد از کشته شدن سه آمریکایی در اردن فشار به دولت بایدن برای اقدام مستقیم (اقدام سخت) علیه جمهوری اسلامی زیاد شده. تحلیلگران استدلال می‌کنند بعد از جنگ دوم جهانی «توازن قدرت» عامل بازدارندگی**

و مانع جنگ بود. همچنین مطرح می‌شد که هزینه‌های هنگفت جنگ و خسارات ناشی از آن مانع تبدیل تخصص‌ها به درگیری نظامی می‌شد. اما اخیراً وزیر دفاع بریتانیا گفت راهبرد توازن قوا با وجود سپاه پاسداران یا کره شمالی کارآیی خود را از دست داده و بازیگرانی در صحنه بین‌المللی فعال‌اند که از هزینه‌های جنگ نمی‌ترسند. به نظر می‌رسد امنیت بین‌المللی به شدت در حال ضعیف شدن است و احتمال وقوع جنگ افزایش پیدا کرده. آیا فکر می‌کنید بهم خوردن توازن قبلی نظام بین‌الملل به جمهوری اسلامی انگیزه داده تا برای بقای خودش به تحمیل یک جنگ بپردازد؟ آیا اقتصاد کنونی ایران ظرفیت این جنگ را دارد؟

- ساختار قبلی حاکم بر نظام بین‌الملل از چند جهت که ارتباطی با جمهوری اسلامی ندارد تحت فشار قرار گرفته است. این نظم بعد از سال ۱۹۴۴ عملاً با نظام‌ها و نهادهایی که در عرصه بین‌الملل به وجود آمدند مثل صندوق بین‌المللی، بانک جهانی و در عرصه سیاسی و نظامی نیز با ناتو شکل گرفت. درواقع یک نظم غربی در جهان مستقر کرد و با همان مکانیسم‌ها و قدرتی که در دست آمریکا بود مدیریت شد. ولی طی هفتاد سال گذشته قدرت‌های دیگری در نظام بین‌الملل سر برآوردند؛ پس از آن شوروی فروپاشید و چین رشد کرد و کشورهای دیگر هم در سطوح متفاوت رشد کردند و در نتیجه نظم قدیم با پنج کشور بزرگ که در رأس شورای امنیت قرار دارند زیر فشار قرار گرفتند و چون قدرت نسبی آنها با هم تفاوت پیدا کرده، یعنی چین امروز اصلاً چین دیروز نیست، همچنین روسیه امروز دنبال ماجراجویی زیاد است که قدرت آن اقتصادی و سیاسی نیست بلکه قدرت نظامی است، همه اینها اینها با اقداماتی که انجام می‌دهند عملاً قدرت فائده جهانی را با این محدودیت روبرو کرده‌اند که خودشان در شورای امنیت تفاهم ندارند. در نتیجه تخلف‌کنندگان از شورای امنیت، خود اعضای شورای امنیت هستند.

امروز وقتی روسیه به کشور دیگری حمله می‌کند، خودش در شورای امنیت حق وتو دارد در نتیجه این نهاد ناظر مدیریت جهانی را با مشکل روبرو می‌کند. این مسائل سبب شده که دنیا نظم سابق خودش را از دست بدهد. البته این تخلف فقط از سوی روسیه انجام نشده. خاطر ما هست که ۲۰ سال پیش آمریکا همین تخلف را در حمله به عراق انجام داد. به عنوان عضوی از شورای امنیت و حتا بدون توجه به رای شورای امنیت، حمله به عراق را سازمان داد. بنابراین مشکلات هم در عرصه نظامی و هم در عرصه دیپلماتی و اقتصادی در جهان رشد کرده‌اند و نظم قدیم اعتبار گذشته خود را از دست داده؛ در نتیجه دنیا نیازمند یک نظم جدید است اما ایجاد آن راه‌های بسیار دشواری دارد زیرا توافق کردن روی موارد آن با منافع استراتژیک خود قدرت‌ها تعارض پیدا می‌کند.

به عنوان مثال روسیه طالب این هست که امپراتوری سابق خود را در زمان شوروی احیا کند. راضی کردن چین مستلزم این است که آن را در مورد تایوان یا در مورد تجارت‌های بزرگ با آمریکا و مقوله نیمه‌هادی‌ها راضی کنند که عملاً با مذاکره انجام نمی‌گیرد و اینهمه در عمل دنیا را در شرایط خطرناکی قرار داده است.

بازیگران کوچک در اینجا نقش آتش‌بیار معرکه را بازی می‌کنند که اگر جنگی روی دهد یا نظم قدیم فرو پیاشد، آنها نقش بزرگی نخواهند داشت و فقط در نقش «عملی شیطانی» وارد می‌شوند. امروز تکلیف همه انسان‌هایی که به بشریت معنایی می‌دهند این است که به هر ترتیبی جلوی جنگ را بگیرند و تعریف جدیدتری برای نظام آینده دنیا بتوانند به وجود بیاورند.

وجود ۱۸ هزار ساختمان پرخطر، زنگ خطر جدی برای پایتخت

● **سخنگوی سازمان آتش نشانی تهران: ساختمان‌ها به ۴ دسته، بسیار پرخطر یا بحرانی، پرخطر، میان‌خطر و کم‌خطر تقسیم می‌شوند که در حال حاضر ۱۸۰۰۰ ساختمان پرخطر در تهران وجود دارد.**

● **بر اساس آمار ارائه شده از سوی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی، از ۲۳۰۰ مرکز درمانی پایش شده، حدود ۱۸۰۰ مرکز دارای تأییدیه آتش‌نشانی هستند.**

● **سال گذشته فهرستی از ۱۲۹ ساختمان «بسیار پرخطر» تهران که بخشی از آنها تعدادی از مراکز درمانی بودند منتشر شد که همچنان ۷۵ مورد از این ساختمان‌های بسیار پرخطر در پایتخت وجود دارد.**

آتش‌نشانی تهران از وجود ۱۸ هزار ساختمان پرخطر در پایتخت خبر داده و آنها را زنگ خطری برای آینده شهر عنوان کرده است. همچنین ۷۵ ساختمان بسیار پرخطر و بحرانی نیز در تهران وجود دارد که با وجود اخطارها هنوز مالکان برای ایمن‌سازی آنها اقدامی انجام ندادند.

به گفته‌ی جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران، بطور کلی ساختمان‌ها از نظر ضوابط ایمنی و آتش‌نشانی به ۴ دسته، بسیار پرخطر یا بحرانی، پرخطر، میان‌خطر و کم‌خطر تقسیم می‌شوند که در حال حاضر ۱۸۰۰۰ ساختمان پرخطر در تهران زنگ خطری برای آینده شهر است.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی افزوده که «وجود تعداد قابل توجهی از ساختمان‌های نایمن در تهران و از طرفی حوادثی نظیر پلاسکو، بیمارستان گاندی و مرکز درمانی سینا اظهر موجب ایجاد نگرانی مردم شده است که آیا مسئولان اقدامی برای جلوگیری از تکرار این حوادث انجام داده‌اند؟» جلال ملکی با اشاره به بی‌تفاوتی برخی مالکان به ایمن‌سازی ساختمان‌ها گفته «بیشتر شاید تا ۱۰ تذکر و اخطار پیاپی هم به مالکان داده می‌شد که «فقط آب در هاون کوبیدن بود» اما اکنون طی هماهنگی با شهرداری، شورای شهر و دستگاه قضایی پیش‌بینی‌هایی برای برخورد با مالکان متخلف صورت گرفته است.»

در همین حال سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تأکید کرده که برخی ساختمان‌ها مانند مجتمع تجاری علاءالدین نیز با انجام ایمن‌سازی از فهرست ساختمان‌های پرخطر خارج شده‌اند.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی «از ۲۳۰۰ مرکز درمانی پایش شده، حدود ۱۸۰۰ مرکز دارای تأییدیه آتش‌نشانی هستند و ضمن اینکه پس از حادثه سینا اظهر، طی مکاتبه وزیر بهداشت با شهرداری و درخواست افزایش سخت‌گیری‌ها نسبت به ایمنی مراکز درمانی، دریافت و با تمدید مجوز فعالیت این مراکز منوط به رعایت



می‌توانستند بهتر عمل کنند؛ قصور بقیه سازمان و دستگاه‌ها در رده پایین‌تری قرار دارد.»

از آن پس بود که آمارهایی تکانه‌دهنده درباره ساختمان‌های نایمن پایتخت ارائه شد. آمارها نشان می‌دهد در تهران حداقل ۷۵ ساختمان نا ایمن وجود دارد که برخی بیمارستان‌ها و اماکن دولتی نیز در این لیست قرار دارند، ۵۰ درصد از ساختمان‌های دولتی که در تهران وجود دارند تاییدیه سازمان آتش‌نشانی را ندارند.

تیرماه ۱۳۹۹ نیز انفجاری در مرکز جراحی محدود سینای مهر شمیران (سینا اطهر) در خیابان شریعتی تهران رخ داد که موجب کشته شدن ۱۵ زن و ۴ مرد شد.

بعد از این حادثه بود که جلال ملکی سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفته بود که «طبق مستند ۴ بار اخطار داده‌ایم البته اینکه سه یا چهار بار اخطار داده‌ایم تفاوتی در اصل

اما متأسفانه به این اخطارها توجهی نشده بود. ببینید بیمارستان محلی است که افراد توان‌یاب در آن حاضر می‌شوند. بنابراین باید اصول ایمنی در آن کاملا و حتی بیشتر از اماکن دیگر مورد توجه باشد، نه اینکه به اخطارهای ایمنی بی‌توجهی کنند.»

پنج روز پس از آتش‌سوزی بیمارستان گاندی نیز قدرت‌الله محمدی مدیر عامل سازمان آتش‌نشانی تهران علت آتش‌سوزی را «اتصالات برق» اعلام کرد و گفت گسترده شدن آتش در یک بلوک ساختمان به دلیل استفاده از کامپوزیت در نمای ساختمان بوده که با وجود آتش‌زا بودن همچنان در بسیاری از ساختمان‌ها استفاده می‌شود.

مدیر عامل سازمان آتش‌نشانی این پرسش را مطرح کرده که «چه مرجعی این کامپوزیت را تایید کرده؟» و گفته «تنها ویژگی کامپوزیت شعله‌وری آن است و ما به

اصول ایمنی و دریافت تاییدیه آتش‌نشانی شد.» موضوع ساختمان‌های پرخطر و نایمن در روزهای گذشته و پس از آتش‌سوزی گسترده بیمارستان «گاندی» تهران بار دیگر در صدر خبرها قرار گرفت. سال گذشته فهرستی از ۱۲۹ ساختمان «بسیار پرخطر» تهران که بخشی از آنها تعدادی از مراکز درمانی بودند منتشر شد که اکنون به گفته سخنگوی ساختمان آتش‌نشانی شماری روند ایمن‌سازی را آغاز و حتی به پایان رسانده اما همچنان ۷۵ ساختمان بسیار پرخطر در پایتخت وجود دارد.

بیمارستان «گاندی» تهران غروب پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ دچار آتش‌سوزی گسترده شد و یک بلوک این بیمارستان در آتش سوخت. این آتش‌سوزی مهیب خسارت جانی در برداشت اما خسارت مالی هنگفتی به بار آورده است. ساعاتی پس از آغاز آتش‌سوزی مشخص شد این بیمارستان



ماجرای ندارد و کم کاری دیگر نهادهای نظارتی را در ان امر نمی‌توان گردن تعداد اخطارها انداخت چرا که اگر حتی یک بار به این ساختمان اخطار داده می‌شد نهادهای مرتبط و اجرایی باید به این موضوع ورود می‌کردند که متأسفانه در این مورد هیچ نهادی ورود نکرده بود.»

پیشتر غلامعباس ترکی معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور نیز اعلام کرده بود که «برای هر یک از ساختمان‌های نایمن در دادستانی تهران پرونده تشکیل شده است و اقدامات قضایی با همکاری سازمان پیشگیری و مدیریت شهرداری تهران و سازمان آتش‌نشانی در جریان است. انتشار اسامی ساختمان‌های نایمن در تهران به صورت شفاف و با ذکر موارد نایمنی از نظر دادستانی منع قانونی ندارد.»

در فهرست اسامی که اعلام شده، نام مراکز درمانی و بیمارستان‌های مختلفی در پایتخت وجود دارد. بیمارستان‌های «رسول اکرم»، «امام خمینی»، «ولولگر»، «طرفه»، «سینا»، «بوعلی»، «شهدای یافت آباد»، «فیاض بخش» از جمله بیمارستان‌هایی هستند که اخطارهای ایمنی دریافت کردند.

جد با آن مخالفیم و نباید اجرا شود. نزدیک به ۲۵ درصد ساختمان‌های پرخطر شهر تهران از همین‌ها هستند.»

در آتش‌سوزی روز پنج‌شنبه ۳۰ دی ۱۳۹۵ ساختمان ۵۴ ساله پلاسکو، اولین آسمان‌خراش خاورمیانه و اولین برج بلند در تهران فرو ریخت. این ساختمان ۳ ساعت و نیم در آتش سوخت و یکی از اولین فمادهای معماری مدرن در ایران به کلی نابود شد.

تحقیقات دو ماهه کمیته ویژه حقیقت‌یاب که به دستور حسن روحانی رئیس‌جمهوری وقت تشکیل شد، دستگاه‌های دولتی، شهرداری، مالک و بهره‌برداران ساختمان را در این حادثه دخیل دانسته و همچنین گزارش این کمیته حاکی از فقدان پارامترهای ۸گانه فرماندهی بحران در این حادثه بود. البته مقصر اصلی این حادثه از سوی کمیته حقیقت‌یاب اعلام نشد و محمدتقی احمدی رئیس این کمیته گفته بود که سهم تقصیر سازمان‌ها در این گزارش مشخص نشده و وظیفه تعیین سهم مقصران بر عهده قوه قضاییه است.

او گفته بود: «مالک ساختمان، شهرداری، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیشترین ارتباط را با ساختمان پلاسکو و نگهداری و ایمنی آن داشتند که قبل از ریزش ساختمان

پیش از این هشدارهایی درباره ایمنی دریافت کرده اما نسبت به آن بی‌اعتنا بوده است.

دکتر پدram عسگری رئیس هیئت مدیره بیمارستان «گاندی» شامگاه پنجشنبه در حالی که همچنان بیمارستان در آتش می‌سوخت در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» گفته بود از صبح جمعه ششم بهمن‌ماه بررسی علت حادثه آغاز می‌شود.

همزمان اما مهدی خسروانی مدیر بحران منطقه ۶ شهرداری تهران که در محل آتش‌سوزی حضور داشت به خبرنگاران گفت که «پیش از این سه جلسه با مسئولان بیمارستان گاندی در خصوص ایمنی داشتیم.»

او با تأکید بر اینکه «مدیریت بحران تهران جلسات زیادی با مدیران بیمارستان گاندی داشت و اخطارهای لازم صادر شده بود» گفت که «بیمارستان‌های دی، شریعتی و اکثر بیمارستان‌های مناطق مرکزی تهران حداقل سه اخطار را دریافت کرده‌اند» و «روند ایمن‌سازی برای جلوگیری از بروز حوادث باید با سرعت بیشتری انجام شود.»

جلال ملکی سخنگوی آتش‌نشانی نیز همان شب اعلام کرد که پنج بار به بیمارستان گاندی اخطار نایمن بودن داده بودیم: «آخرین اخطار مربوط به آبان ماه امسال است.

مهدی طائب: وضع دشمن درباره «گرانی» بدتر از ایران است!



موجب از دست رفتن طبقه متوسط جامعه خواهد شد و شایان ذکر است که طبقه متوسط سکان پایداری تمام جوامع بشری در حوزه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هستند. در حال حاضر ما در حال محو کردن طبقه متوسط جامعه هستیم و این سیاست قطعاً عواقبی خواهد داشت.

علیرضا حیدری کارشناس اقتصادی درباره گرفتار شدن بخش زیادی از جمعیت کشور در «تله فقر» گفته که برخی کالاها در دسته کالاهای ضروری قرار می‌گیرند و با نسبت به افزایش قیمت مقاوم‌تر هستند: «یعنی مابه‌ازای هر میزان قیمتی که افزایش پیدا کند، حساسیت برای مصرف آن کالا قابل توجه نیست مانند کالاهای سلامت‌محور و خوراکی است که مردم به هر قیمتی این کالای ضروری را مصرف می‌کنند. اما امروز شرایط به گونه‌ای شده که متأسفانه اثر قیمتی مصرف‌کننده را وادار به تعدیل مصرف کرده است. به این نقطه حساس «بحران قدرت خرید» گفته می‌شود.»

این کارشناس اقتصادی افزوده در این نقطه، مصرف‌کننده تلاش می‌کند سطح مصرف خود را برای برخی کالاها کاهش ندهد. اما وقتی در این شرایط قرار می‌گیرد و متوسط سرانه مصرف کاهش پیدا می‌کند یعنی برخی اقشار اساساً مصرفی ندارند و مصرف گروه‌هایی از جامعه به صفر رسیده یا به شدت کاهش یافته اما از سوی دیگر گروهی هم بیشتر از سرانه مصرف دارند و این خود به معنای تهدید غذایی است. به گفته علیرضا حیدری، سال به سال دهک‌های درآمدی بالاتری گرفتار «تله فقر» می‌شوند بطوری که می‌بینیم که دهک‌های متوسط هم در حال کوچک کردن سبد غذایی خانوار هستند و خانوار دهک‌های کم درآمد تا متوسط تحت فشار هستند.

او معتقد است طبقات مزد بگیر طی یک سال به صورت مستمر کاهش قدرت خرید را تجربه می‌کنند و این کاهش قدرت خرید خود را در حوزه معیشت، سلامت، آموزش و مشهودتر از همه در حوزه مسکن نشان داده بطوری که سابقه نداشته محل سکونت طبقات اجتماعی به دلیل کاهش قدرت خرید اینطور مشهود تغییر کند و به شهرهای اقماری سرزمین اصلی مهاجرت کنند.

مناطق روستایی و خانوارهایی با نرخ وابستگی بالاتر آسیب‌پذیری بیشتری دارند. حدود نیمی از این خانوارها سطح مصرف مورد انتظار زیر خط فقر (فقر ناشی از فقر) دارند، در حالی که بقیه به دلیل افزایش عدم اطمینان در دستاوردهای رفاهی‌شان آسیب‌پذیرند (فقر ناشی از ریسک). فرشاد مومنی اقتصاددان نیز هفته گذشته اعلام کرد که «گزارش رسمی اعلام می‌کند که جمعیت حاشیه‌نشین شهری در این کشور از حدود متعارف خارج شده و به ۲۵ میلیون نفر رسیده است.»

فرشاد مومنی افزوده که در گزارش مرکز پژوهش‌ها در مورد فقر آمده است که روند افزایش اندازه جمعیت زیر خط فقر به حدود ۳۰ درصد رسیده است که یک سوم کل جمعیت است. واقعا وعده‌های شما این بود که این تعداد فقیر در کشور باشد؟ کاهش فاصله افراد جامعه از خط فقر روند نگران کننده ای پیدا کرده است و ۴۰ درصد مردم در آستانه فرو گزیدن به زیر خط فقر هستند.»

محمد باقری بنایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز ماه گذشته اعلام کرد که با توجه به تورمی که در یکی دو سال اخیر شکل گرفته به نظر می‌رسد که در تهران خط فقر ۳۰ میلیون تومان باشد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده بود که با توجه به شرایط مسکن، اجاره، معیشت و تورم مشاهده می‌کنیم که قشر متوسط جامعه عملاً به سمت حاشیه‌نشینی در تهران و یا شهرهای همجوار سوق پیدا کرده و به همین علت ممکن است در آینده نه چندان دور شاهد مسائل اجتماعی و سیاسی متعدد باشیم.

همزمان علیرضا حیدری نماینده کارگران در شورای عالی کار نیز گفته بود هم اکنون ۲۰ الی ۳۰ درصد جمعیت کشور ما زیر خط فقر زندگی می‌کنند و عدم افزایش دستمزد به اندازه تورم موجب تولید بیشتر شاغلان فقیر خواهد شد. اینگونه جامعه به سوی فقر هدایت خواهد شد؛ بطور مثال اگر سال گذشته تا دهک دوم فقیر محسوب می‌شدند، امسال تا دهک چهارم فقیر خواهند شد. نماینده کارگران در شورای عالی افزوده بود این روند

● رئیس پیشین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در سخنانی عجیب و بی‌ربط گفته «اگر در ایران مشکلات گرانی وجود دارد، وضعیت دشمن از ما بدتر است!

● بانک جهانی در گزارشی اعلام کرده که ایران با تورم مواد غذایی حدود ۴۱ درصدی در میان ۱۰ کشور با بالاترین تورم‌های مواد غذایی در جهان قرار گرفته است.

● فرشاد مومنی اقتصاددان با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌ها در مورد فقر گفته که روند افزایش اندازه جمعیت زیر خط فقر به حدود ۳۰ درصد رسیده است که یک سوم کل جمعیت است.

مهدی طائب رئیس شورای «قرارگاه راهبردی عمار» جمهوری اسلامی در ایران را «بشتوانه جبهه مقاومت» خوانده و در سخنانی عجیب و بی‌ربط گفته اگر در ایران مشکلات گرانی وجود دارد، وضعیت دشمن از ما بدتر است!

مهدی طائب رئیس پیشین سازمان اطلاعات سپاه (ساس) و رئیس «شورای قرارگاه راهبردی عمار» گفته «اگر در ایران مشکلات گرانی وجود دارد، وضعیت دشمن از ما بدتر است.

یکی از راه‌های درآمد اسرائیل از صنعت توریسم بود که سالانه بین ۱۵ تا ۲۱ میلیارد دلار درآمد داشت، اما از زمان عملیات غزه، این صنعت کاملاً تعطیل شد. افرادی هم که در حال جنگ هستند، کارگران کارخانه‌های تعطیل شده بر اثر آتش حزب الله هستند. اقتصاد اسرائیل دچار رکود شده است.»

رئیس شورای «قرارگاه راهبردی عمار» حضور در انتخابات نمایشی را «جهاد» عنوان کرد و گفت: «دشمن به شدت هراس پیدا کرده است. حضور حداکثری مردم در انتخابات، قدرت

ضربه‌زدن جمهوری اسلامی به دشمنان را افزایش خواهد داد و هرچه جلوتر می‌رویم، استکبار تلاش‌های خود را بیشتر می‌کند، اما راه مقابله با آن، حضور در انتخابات است.»

این سخنان بی‌مبنا در حالی از سوی یکی از امنیتی‌ترین چهره‌های جمهوری اسلامی مطرح شده که آمارها و تحلیل‌های اقتصادی از گسترده شدن فقر و فلاکت در ایران به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای گرانی حکایت دارد.

تورم مواد غذایی در ایران در ماه دسامبر به بیش از ۴۱ درصد رسید و در ماه قبل از آن ۳۵.۸ درصد بوده است، که نشان دهنده افزایش قابل توجه ۵/۸ واحد درصدی است.

تازه‌ترین به‌روزرسانی بانک جهانی از شرایط «امنیت غذایی» در جهان نشان می‌دهد که ایران با تورم مواد غذایی حدود ۴۱ درصدی در میان ۱۰ کشور با بالاترین تورم‌های مواد غذایی در جهان قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، تورم مواد غذایی ایران به کشورهایی، چون سورینام، مالاوی و موزامبیک نزدیک است.

آرژانتین با تورم مواد غذایی ۲۵۱ درصدی در صدر این لیست قرار گرفته است و پس از آن لبنان و ونزوئلا به ترتیب با تورم‌های ۲۲۰ و ۱۷۳ سه کشور با بالاترین نرخ تورم غذا هستند؛ و البته برخلاف ادعای مهدی طائب، اسرائیل در فهرست کشورهایی با بیشترین تورم مواد غذایی نیست!

بر اساس گزارش بانک جهانی بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، سهم ایرانیانی که زیر خط فقر جهانی قرار داشتند از ۲۰ درصد به ۲۸/۱ درصد افزایش یافت.

گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری خانوارهای ایران هم افزایش یافته است. ۴۰ درصد از ایرانی‌ها نسبت به سقوط به زیر خط فقر آسیب‌پذیرند و ریسک فقیر شدن آنها در دو سال آینده بیش از ۵۰ درصد است. خانوارهایی که سرپرست آنها زن است، خانوارهای

بیشتر راهنمایان گردشگری یا تغییر شغل داده‌اند یا مهاجرت کرده‌اند



روی داده بازداشت کردند و اعترافات اجباری تلویزیونی نیز از آنان پخش شد، این اقدامات رژیم ایران اعتراض شدید فرانسه را در پی داشت.

در همین ارتباط یکی از گروهان‌های پیشین سفارت آمریکا در ایران اسفندماه ۱۴۰۰ در مقاله‌ای در «اورشلیم پُست» نوشت و گفت: «سیاست گردشگری جمهوری اسلامی در راستای کمک به گروگانگیری است».

بری روزن گروگان پیشین سفارت آمریکا در ایران گفته بود: «سازمان جهانی گردشگری با تلاش برای ارائه تصویر امن از ایران، به سیاست گروگانگیری جمهوری اسلامی کمک می‌کند.» رکود جدی در بازار گردشگری امر تازه‌ای نیست و همواره سفر به ایران از جمله سفرهای پرمخاطره دنیا پس از انقلاب ۵۷ و روی کار آمدن جمهوری اسلامی به شمار می‌رود. اما همزمان با اجرای سیاست گروگانگیری با گردشگران خارجی توسط رژیم برای پیشبرد سیاست‌های باج‌گیری و فشار بر کشورهای غربی، ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم طرح رشد میزان گردشگر به «۱۵ میلیون نفر» در سال را داده تا در وزارت میراث فرهنگی و گردشگری دنبال شود!

در آبان ۱۳۹۷ یک کارشناس صنعت گردشگری به حذف مَهر ورود به ایران از پاسپورت گردشگران خارجی نیز اشاره کرده و به کیهان لندن گفته بود «شاید بد نباشد بدانید تنها کشوری هستیم که معاون رییس جمهورش در شهریورماه اعلام کرد که در پاسپورت گردشگران مَهر ورود به ایران می‌زنند و این شرم‌آور است. به جایی رسیده‌ایم که مردم به خاطر مَهر کشور در پاسپورت‌شان به ایران نمی‌آیند تا بعداً در آمریکا یا سایر کشورها دچار مشکل نشوند و این خفت را حکومت ایران پذیرفته که حتی حاضر شده مَهر ورود زنده تا تشویقی برای ورود گردشگران خارجی برای ورود به ایران باشد.» با اینهمه ایران تحت جمهوری اسلامی در ۴ دهه گذشته، با انواع گشت ارشاد اسلامی، ممنوعیت‌های فراوان تفریحی، شرایط بد آلودگی هوا، گروگانگیری توریست‌ها به بهانه جاسوسی و... هرگز مقصد امن و مناسبی برای گردشگران جوامع باز و کشورهای غربی نبوده است.

طباطبایی» نیز با اشاره به اینکه اگر ثبت جهانی به تنهایی کفایت می‌کرد، ایران باید جزو ۱۰ کشور برتر توریستی جهان می‌بود، گفته بود: «در فهرست کشورهای گردشگری پذیر بیشتر کشورهای اروپایی، آمریکا، ترکیه و... قرار دارند و ما جایگاه نامناسبی را در این لیست به خود اختصاص داده‌ایم.» ایران چشم‌انداز خود را ۱۵ میلیون توریست ورودی قرار داده است. با این حال به گفته قادری این چشم‌انداز بر مبنای درستی برآورد نشده است. به گفته وی، «ما به چشم‌اندازها در حوزه توریسم نمی‌رسیم زیرا هدف‌گذاری بر پایه درستی بنا نشده است. مسئولان از عدد پنج میلیون توریست ورودی صحبت می‌کنند که با افزایش سه یا چهار برابری قرار است به رقم ۱۵ تا ۲۰ میلیون برسد. در حالی که آمار اتباع بیگانه که به ایران سفر می‌کنند ۵ میلیون نفر است ولی همه آنها در دسته‌بندی گردشگر قرار نمی‌گیرند.» این استاد گردشگری دانشگاه «علامه» معتقد بود که جمعیت توریست ورودی ایران سالانه بین ۲ تا ۳ میلیون نفر است. یک ماه پس از آغاز اعتراضات سراسری در شهریورماه سال گذشته محسن حاجی‌سعید رئیس هیأت مدیره تشکل حرفه‌ای راهنمایان گردشگری از لغو کامل تورهای آلمان، اسپانیا، برزیل و استرالیا به مقصد ایران در پی اعتراضات سراسری در ایران خبر داده بود.

حاجی‌سعید اعتراضات سراسری در ایران را مانع جدی رونق دوباره گردشگری خارجی دانسته و گفته بود: «متأسفانه بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای معاند با انتشار اطلاعیه‌ای مبنی بر توصیه عدم سفر به ایران با توجه به اتفاقات اخیر از ورود بسیاری از گردشگران خارجی که قصد ورود و سفر به ایران را داشته‌اند، جلوگیری به عمل آورده‌اند.» آن زمان ۷ کشور آلمان، فرانسه، هلند، اتریش، بلژیک، اسپانیا و ایتالیا در جریان اعتراضات کنونی از شهروندان خود خواسته بودند تا سریعاً خاک ایران را ترک کنند و به کشور خود بازگردند. با افزایش و گسترش اعتراضات مردم ایران در سال گذشته مسئولان رژیم تلاش کردند تا بار دیگر از گردشگران خارجی برای فشار بر کشورهای دنیا سوء استفاده کنند. چنانکه دو شهروند فرانسوی را به اتهام ارتباط با اعتراضات که بعداً

رئیس هیأت مدیره جامعه انجمن‌های حرفه‌ای راهنمایان گردشگری ایران: «حدود ۳۰ درصد از راهنمایان حرفه‌ای در حوزه گردشگری به واسطه بحران‌های چند سال گذشته و اقدامات حمایتی دیرهنگام و قهر سازمان برنامه و بودجه با دولت و خواسته‌های مردم، تغییر شغل داده و از این حرفه کناره‌گیری کرده یا مهاجرت کرده‌اند.»

رئیس هیأت مدیره جامعه انجمن‌های حرفه‌ای راهنمایان گردشگری ایران می‌گوید: «حدود ۳۰ درصد از راهنمایان حرفه‌ای در حوزه گردشگری به واسطه بحران‌های چند سال گذشته و اقدامات حمایتی دیرهنگام و قهر سازمان برنامه و بودجه با دولت و خواسته‌های مردم، تغییر شغل داده و از این حرفه کناره‌گیری کرده یا مهاجرت کرده‌اند.»

محسن حاجی‌سعید با بیان این مطلب به خبرگزاری ایلنا گفت: «بیشتر راهنمایان حرفه‌ای فعال در انواع گردشگری بخش فرهنگی و انگلیسی‌زبان و سایر زبان‌های کشورهای اروپایی از جمله آلمانی، فرانسه، ایتالیایی با چالش‌های بسیار جدی روبرو هستند. بیشتر این افراد مهاجرت کردند و بسیاری از این افراد بیکار شده و ناچار به تغییر شغل شده‌اند.» برای آگاهی از وضعیت پدیده مهاجرت در سازمان‌های کشور، پیمایشی با همکاری مشترک «رصدخانه مهاجرت ایران» وابسته به پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) و «جاب ویژن» در اردیبهشت ۱۴۰۱ صورت گرفت.

گزارش «جاب ویژن» از مهاجرت کارکنان در بخش‌های مختلف نشان داده بود که ۷۷ درصد شاغلین کشور تمایل زیادی به مهاجرت دارند، بر اساس این پیمایش فعالین حوزه گردشگری، هتل‌داری و خدمات برگزاری همایش و مجالس بیش از سایر حوزه‌ها تمایل به مهاجرت دارند.

در ۲۳ آبان‌ماه نیز رئیس جامعه انجمن‌های راهنمایان گردشگری با اشاره به از دست رفتن جایگاه ایران به عنوان دفتر منطقه‌ای یونسکو به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته بود: «ممکن است کشورمان زیرمجموعه دفتر هند یا قزاقستان قرار گیرد که خبر ناخوشایندی برای میراث فرهنگی ماست.» محسن حاجی‌سعید با اشاره به ارتباط توسعه گردشگری در همه کشورها با موضوعات مختلفی نظیر ثبات سیاست خارجی، مسائل داخلی و حفظ امنیت گفته بود: «در کشورمان تحریم‌ها گرچه برای جذب گردشگر مشکل ایجاد می‌کند اما مسئله اصلی هشدار برای عدم سفر به ایران است. هنوز برای این موضوع رایزنی هم نکرده‌ایم، نه از سمت وزارت خارجه نه از سمت وزارت گردشگری که این هشدارها لغو شود.»

او با بیان اینکه راهنمایان تخصصی فعال در حوزه اروپا مدت طولانی است که بیکار هستند و فکری برای این موضوعات نمی‌شود تاکید کرده بود: «گاهی مواقع حرکت‌هایی از سوی مسئولان می‌بینیم که خودشان هم می‌دانند راهگشا نیست و تنها برای فعالان این صنعت آزاردهنده است.» حاجی‌سعید با اشاره به توافقات صورت گرفته با یونسکو برای آموزش راهنمایان گردشگری توضیح داده بود: «بر مبنای این توافق، یونسکو قرار بود از آموزش راهنمایان تخصصی میراث جهانی کشورمان حمایت مالی داشته باشد. پیشتر جامعه راهنمایان این آموزش‌ها را می‌داد و برای تداوم آنها یونسکو پیشقدم شد. در نهایت آنها تصمیم گرفتند از حمایت مالی در این زمینه صرف نظر کنند.» اسماعیل قادری استاد گردشگری در دانشگاه «علامه

گرانی در ایران بیداد می‌کند؛ از پشم گوسفند تا پیاز!



منتشر شد نشان می‌داد در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، سهم جمهوری اسلامی از تجارت جهانی همواره کمتر ۰/۵ درصد بوده و در سال ۱۳۹۷، به ۰/۳ درصد و در سال ۱۳۹۹، به ۰/۲ درصد کاهش یافته است.

این پژوهش تأکید کرده علت سقوط سهم ایران از تجارت جهانی تضعیف بنیان‌های تولیدی به دلیل تضعیف ارزش پول ملی کشور طی یک دهه گذشته به دلیل تحریم‌ها بوده است.

این پژوهش به افزایش فلاکت و شکاف طبقاتی در کشور در همین مدت اشاره کرده و نوشته «نه تنها محدودیت رشد اقتصادی را به واسطه افزایش هزینه‌های تولید به‌همراه داشته، بلکه فقیرتر شدن اقشار مستضعف و توزیع ناعادلانه‌تر درآمد در جامعه را موجب» شده است.

در بخش دیگری از این تحقیق همچنین آمده که «شرایط تحریم و افزایش نرخ ارز، موجب افزایش سطح قیمت کالاهای وارداتی در بازار داخل شده و از آنجا که عمده کالاهای وارداتی مربوط به مواد اولیه و سرمایه‌ای است، نرخ استفاده کشور از ظرفیت‌های تولید و همچنین تولید ناخالص داخلی کاهش» یافته است.

روزنامه «اعتماد» نیز در گزارشی از افزایش جمعیت فقیر خبر داده و نوشته که بررسی‌ها نشان می‌دهد ضریب جینی یا شاخص نابرابری در سال‌های اخیر افت داشته است، این در حالیست که خط فقر در جامعه ایران بالاتر هم رفته به گونه‌ای که میزان هزینه‌کرد ماهیانه خانوار در یک دهه اخیر روندی نزولی داشته و از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ حدود ۱۲ درصد از هزینه‌های واقعی خانوار ساکن در نقاط شهری کسر شده است.

به گزارش اعتماد، براساس آمارهای بانک جهانی، در سال ۲۰۱۱ حدود ۲۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر قرار داشتند، این در حالی است که در سال ۲۰۲۱ بیش از ۲۸/۱ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر قرار گرفته‌اند. با فرض متوسط جمعیت ۸۰ میلیون نفری طی دهه اخیر، مشاهده می‌شود طی سال‌های مذکور تقریباً ۶/۵ میلیون نفر به افراد زیر خط فقر اضافه شده است.

در گروه میوه‌ها نیز هندوانه صدرنشین تورم بوده و بر اساس گزارش مرکز آمار ایران قیمت هندوانه دی‌ماه امسال به کیلویی ۱۸ هزار و ۳۷۶ تومان رسید و نسبت به مدت مشابه پارسال حدود ۷۳ درصد افزایش پیدا کرد. این بیشترین میزان رشد قیمت در گروه میوه از سال گذشته به اینطرف است و بعد از هندوانه باید به افزایش قیمت انار در این مدت اشاره کنیم.

قیمت انار هم با رشد ۴۲ درصدی در یک سال گذشته بیش از نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه شهری افزایش یافته و دی‌ماه امسال کیلویی ۴۴ هزار و ۷۰ تومان فروخته شده است.

گزارش دیگری که در وبسایت «جریان نو» منتشر شده از افزایش نجومی قیمت پشم گوسفند حکایت دارد. بر اساس این گزارش در وبسایت‌های فروش آنلاین قیمت‌های مختلفی برای پشم گوسفند ارائه شده است.

این گزارش نوشته «فردی ۴۴ کیلو پشم گوسفند را ۳/۵ میلیون تومان قیمت گذاشته است. فرد دیگری یک گونی پشم گوسفند را به قیمت ۴۲۰ هزار تومان می‌فروشد.»

در این گزارش آمده که «قیمت پشم گوسفند بستگی به عوامل مختلفی دارد، از جمله نژاد گوسفند، کیفیت پشم، اندازه و وزن پشم و بازار محلی. بطور کلی، قیمت پشم گوسفند بین ۱ تا ۱۰ دلار برای هر کیلوگرم می‌تواند متغیر باشد.»

افزایش قیمت کالاها در حالیست که مقامات دولتی ادعای اوضاع بهبودیافته اقتصاد را دارند و حتی ابراهیم رئیسی به تازگی مدعی شده که دولت او توانسته تحریم‌ها را «شکست» دهد.

در آنسو اما افزایش قیمت‌ها سبب شده قشر متوسط به زیر فقر رانده شوند و تقریباً در ایران دیگر چیزی تحت عنوان قشر متوسط باقی نمانده باشد و جامعه به یک اکثریت فقیر که برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی با مشکل روبرو هستند، و یک اقلیت ثروتمند تبدیل شود.

نتایج یک پژوهش با عنوان «بررسی افزایش نرخ ارز و تاثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران در شرایط تحریم» که زمستان در فصلنامه «پژوهش‌های اقتصادی»

● جزییات گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد قیمت دست‌کم ۱۹ قلم خوراکی پرمصرف و ضروری از یک سال پیش تا کنون بیش از ۴۰/۱ درصد افزایش یافته است.

● جمعیت شهرنشین ایران دی‌ماه امسال برای خرید گوشت گوساله یا گاو به شکل متوسط کیلویی ۵۲۲ هزار و ۴۳۶ هزار هزینه کردند. این قیمت افزایشی حدود ۱۲۳ درصد را طی یک سال نشان می‌دهد.

● قشر متوسط از بین رفته و جامعه ایران به یک اکثریت فقیر که برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی با مشکل روبرو هستند، و یک اقلیت ثروتمند تبدیل شده است.

گزارش‌ها از افزایش قیمت کالاها و خدمات در ایران نشان می‌دهد در آخرین هفته‌های سال موجی از گرانی انواع کالاها و خدمات در کشور را فرا گرفته است.

افزایش تورم در دی‌ماه گذشته نیز ادامه داشت و بر اساس گزارش مرکز آمار نرخ تورم نقطه به نقطه شهری که سرعت افزایش قیمت‌ها ظرف یک سال گذشته را نشان می‌دهد به ۴۰/۱ درصد رسیده است.

این رقم در حالی اعلام شده که جزییات گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد قیمت دست‌کم ۱۹ قلم خوراکی پرمصرف و ضروری از یک سال پیش تا کنون بیش از ۴۰/۱ درصد افزایش یافته است.

این اقلام غذایی که برخی از آنها از جمله کالاهای ثابت و ضروری در سبد مصرفی خانوارها به شمار می‌روند شامل گوشت گوسفند، گوشت گاو یا گوساله، کنسرو ماهی تن، گوجه فرنگی، قارچ، ماهی قزل‌آلا، کشمش پلویی، هندوانه، مرغ، نوشابه گازدار، پسته، فلفل دلمه‌ای، مغز بادام درختی، چای خارجی، شکر، شیرینی خشک، انار، کدو سبز و مغز گردو هستند.

قیمت گوشت گوسفند در حد فاصل دی‌ماه پارسال تا امسال نزدیک ۱۳۰ درصد گران شده است. بر اساس این گزارش قیمت پیاز ظرف ۳۰ روز دی‌ماه امسال به شکل متوسط از کیلویی ۱۷ هزار و ۹۸۴ تومان به ۲۱ هزار و ۱۶۵ تومان ارتقا پیدا کرد که معادل رشد تقریباً ۱۸ درصدی است. از طرفی خود مرکز آمار گفته کف و سقف قیمت پیاز در ماه گذشته به ترتیب کیلویی ۱۷ هزار و ۷۵۸ تومان و ۳۱ هزار و ۵۵۱ تومان بوده است.

مرکز آمار ایران اعلام کرده جمعیت شهرنشین ایران دی‌ماه امسال برای خرید گوشت گوساله یا گاو به شکل متوسط کیلویی ۵۲۲ هزار و ۴۳۶ هزار هزینه کردند. این قیمت افزایشی حدود ۱۲۳ درصد را طی یک سال نشان می‌دهد.

در دیگر گروه‌های خوراکی نیز افزایش قیمت‌هایی بیش از سطح عمومی تورم رخ داده است. قیمت پسته در حدفاصل دی‌ماه پارسال تا امسال بیشترین افزایش قیمت را در گروه آجیل داشته است. قیمت پسته در این مدت از حدود کیلویی ۴۷۶ هزار تومان به ۷۶۵ هزار تومان به شکل متوسط تبدیل شده و این عددها به معنی رشد ۶۰/۷ درصدی قیمت پسته در این مدت است.

قیمت مغز بادام درختی با رشد ۴۶/۷ درصدی از کیلویی ۳۶۶ هزار تومان به ۵۳۷ هزار تومان افزایش پیدا کرده و مغز گردو هم که به جای کیلویی ۳۷۵ هزار تومان، دی‌ماه امسال کیلویی ۵۲۶ هزار تومان فروخته شده، ۴۰/۲ درصد گران شده است.

فراگیر شدن پدیده «بیکاری ارادی» به دلیل دستمزدهای ناچیز

خوراک نیز به بن‌بست می‌خورند. محمود کریمی بیرانوند معاون وزیر کار آذرماه امسال اعلام کرده بود که دست‌کم در پنج استان ایران فرصت‌های شغلی زیادی برای کارگران خالی است اما نیروی کارگز متقاضی کار وجود ندارد. او از تعداد زیادی از کارفرمایانی خبر داده بود که دنبال کارگر ماهر و افراد متخصص هستند، اما پس از ماه‌ها تلاش نتوانسته‌اند نیروی موردنیاز خود را جذب کنند. دستمزدهای ناچیز سبب شده غالب شاغلان زیر خط فقر قرار بگیرند و همین روند تمایل به اشتغال از سوی نیروهای فارغ‌التحصیل دانشگاهی را هم کاهش داده و البته فرصت‌های کاری برای این قشر نیز وجود ندارد؛ این موضوع در گزارش اخیر مرکز آمار ایران درباره نرخ اشتغال در کشور نیز نمایان بوده است. آیت اسدی نماینده کارگران در شورای عالی کار نیز به آمار بالای فارغ‌التحصیلان بیکار اشاره کرده و گفته بود که «آمارهای اشتغال دست وزارت کار است؛ من که در جامعه می‌بینم متأسفانه به شکلی دستمزد مشخص کرده‌اند که نیروی کار جوان و تحصیلکرده انگیزه‌ای برای کار ندارد. این موضوع به وفور در جامعه مشاهده می‌شود. با تدام این روند نیروی کار جوان از کشور خارج می‌شود و واکنش خود را به جامعه نشان می‌دهد. پایین آمدن نرخ ازدواج و رضایتمندی بخشی از این چالش است.»

در آنسوی عدم علاقمندی کارگران به اشتغال در بازار کار ایران، بخش زیادی از آنها به دنبال مهاجرت به دیگر کشورها هستند. روزنامه «خراسان» ماه گذشته در مطلبی با اشاره به موج گسترده مهاجرت کارگران ایرانی به عراق نوشته بود که «پیش از این مهاجرت نیروی کار به کشورهای حوزه خلیج فارس همچون قطر، کویت، بحرین، امارات و این اواخر عمان کم و بیش مرسوم بوده و هست اما سفر به عراق به ویژه استان اربیل از اتفاقات جدیدی است که جای تأمل دارد.»

این گزارش افزوده بود که «بطور قطع، مهم‌ترین عامل مهاجرت و گرایش به آن در میان اقشار مختلف اجتماعی، فراهم آوردن شرایط بهتر زندگی است. شرایطی که اکنون با میزان دستمزد کارگری به نظر محقق نمی‌شود. چراکه به گواه کارشناسان اعتبار سید معیشت، ماهانه بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون برآورد می‌شود، در حالی که دستمزد اغلب کارگران حتی با احتساب مزایای مرتبط هم به ۱۰ میلیون تومان نمی‌رسد. این دستمزدها توانایی تأمین هزینه‌های زندگی کارگران را فراهم نمی‌آورد. همچنین با وجود وعده‌های کاهش تورم تا ۱۵ درصد، همچنان شاهد رشد نرخ تورم بین ۴۵ تا ۵۰ درصد هستیم و پیش‌بینی‌ها از کاهش این نرخ به صورت غیردقیق به نظر می‌رسد.» بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ایران به روزنامه «خراسان» گفته بود که «شاید تا حدود یک دهه آینده به دلیل مشکلات اقتصادی و اقلیمی نیروی کاری نداشته باشیم. همچون سایر کم توجهی‌هایی که به این قشر شده، موضوع مهاجرت کارگران نیز کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.»

بهرام صلواتی افزوده بود که «هزینه‌های نیروی کار ایرانی به دلار اما درآمدهایش ریالی است که این خودش می‌تواند، گرایش او را به مهاجرت تقویت کند. این درست است که درباره مهاجرت کارگران، آمار دقیقی پیش رویمان نیست اما به نظر می‌رسد، دلایل «مهاجرت» اکنون برای اغلب افراد متمایل به مهاجرت یکسان است و به نوعی می‌توان این مهاجرت را مهاجرت توده‌وار یا اجتماعی خواند.»



تولیدی به دلیل دستمزدهای ناچیز پیشتر نیز از سوی فعالان کارگری گزارش شده بود.

علی رضایی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی نیز دی‌ماه امسال با تأیید عدم تمایل نیروی کار به استخدام گفته بود که «خالی شدن برخی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و حتی ادارات از نیروهای کاربلد، حاصل تورم عجیب و غریب و افزایش اندک حقوق این افراد و گرایش آنها به مشاغل کاذب است. به معنای واقعی کلمه فضای تولید خالی از کارگر شده است.»

به گفته این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی حقوق و دستمزد باید بر اساس واقعیت‌های جامعه باشد، وگرنه اگر کارگر و کارمند، انگیزه کافی نداشته باشند، موجب نارضایتی شده و باعث می‌شود که شخص به کارش دل نبندد و به مشاغل کاذب بگردد. او تأکید کرده بود که «در سال‌های اخیر، خیلی از کارگران و کارمندان، کار اصلی خود را رها کردند و سر از کارهای کاذب و حتی دلالی درآوردند.» علی رضایی معتقد بود که کارگر و کارمند وقتی می‌بیند در خرج زندگی روزمره خود مانده، مجبور است، فکر اساسی برای خود بردارد. خالی شدن برخی کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و حتی ادارات از برخی نیروهای کاربلد، حاصل تورم عجیب و غریب و افزایش اندک حقوق این افراد است. این روند، ضربه‌ای مهلک به اقتصاد کشور است و از طرفی، مسیر اقتصاد غیرمولد، پررنگ‌تر از همیشه خواهد شد.

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی «وقتی کارگران در فضای کارگاه و کارخانه به اندازه کافی درآمد نداشته باشند ترجیح می‌دهند وارد مشاغلی شوند که درآمدی متناسب با تورم داشته باشند، همین موضوع باعث رشد مشاغل کاذب و از سوی دیگر ضربه به فضای تولید می‌شود.» فاصله میان دستمزد و هزینه زندگی سالهاست زندگی اقشار حقوق‌بگیر از جمله کارگران را با بحران روبرو کرده و این اقشار در تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی نیز ناکام هستند. فعالان کارگری می‌گویند دستمزد کارگران در بهترین حالت کفاف یک هفته تا ۱۰ روز زندگی ماهانه‌ی آنها را می‌دهد و در دو سوم ماه این خانواده‌ها برای تأمین حداقل

● رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور: با وجود نیازی که واحدهای صنعتی به نیروی کار دارند، کارگران سر کار نمی‌روند و به سمت مشاغل کاذب می‌روند تا بتوانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند.

● «سال‌های زیادی است که عدد دستمزد و سبد معیشت با هم برابری نکرده است، به همین دلیل بطور مثال اگر تورم ۴۵ درصد است، برای تعیین دستمزد روی ۲۰ درصد چانه‌زنی می‌شود.»

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور از فراگیر شدن پدیده «بیکاری ارادی» به علت پایین بودن دستمزدها خبر داده است. کارگران زیادی به دلیل ناامیدی از یافتن شغلی با درآمد عادلانه در ایران، جذب بازار کار کشورهای همسایه می‌شوند.

سمیه گلپور با تأکید بر پایین بودن حداقل حقوق، نامتناسب بودن دستمزد با نرخ تورم و همچنین نبود امنیت شغلی، گفته «با وجود نیازی که واحدهای صنعتی به نیروی کار دارند، مشاهده می‌کنیم که کارگران سر کار نمی‌روند و به سمت مشاغل کاذب می‌روند تا بتوانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند، به عبارتی کارگر دچار پدیده بیکاری ارادی می‌شود.» وی همچنین با اشاره به بررسی لایحه بودجه و برنامه هفتم توسعه در مجلس شورای اسلامی گفته تلاش فعالان کارگری برای عدم تصویب برخی طرح‌ها و بند و ماده‌هایی که به زیان کارگران بوده، از جمله افزایش سن و سابقه بازنشستگی بی‌اثر بوده است.

این فعال کارگری گفته که «اگر افزایش سن و سابقه بازنشستگی با توجه به افزایش امید به زندگی همچون کشورهای اروپایی است باید سایر فاکتورها و شاخص‌ها مانند بیمه، آموزش، بهداشت و... نیز بر اساس معیارهای این کشورها باشد، آیا روابط کار ما همچون کشورهای اروپایی است؟ آیا مبلغ پرداختی به بازنشستگان مانند آن‌ها انجام می‌شود؟»

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور همچنین گفته «دولت می‌خواهد ناترازی اقتصادی را با افزایش سن و سابقه شاغلان تراز کند در حالی که برای خروج از وضعیت فعلی صندوق تأمین اجتماعی دولت باید بدهی خود را به این صندوق بپردازد.»

سمیه گلپور با اشاره به اینکه چندین سال است که رقم واقعی دستمزد از واقعیت عقب مانده است گفت که «طی سال‌های اخیر هیچوقت عدد مزد تأمین‌کننده نیازهای کارگران نبوده است، مطابق گزارش‌های مرکز آمار به دلیل عقب‌ماندگی مزدی کارگران، چندین سال است که مصرف سرانه گوشت و پروتئین در سفره کارگران کاهش یافته است.» او همچنین افزوده که سال‌های زیادی است که عدد دستمزد و سبد معیشت با هم برابری نکرده است، به همین دلیل بطور مثال اگر تورم ۴۵ درصد است، برای تعیین دستمزد روی ۲۰ درصد چانه‌زنی می‌شود، چون امنیت شغلی پایین است، قدرت تشکلهای برای چانه‌زنی کاهش می‌یابد.» رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری کشور تأکید کرده که «به دلیل پایین بودن حداقل دستمزد، با وجود نیازی که واحدهای صنعتی به نیروی کار دارند، مشاهده می‌کنیم که کارگران سر کار نمی‌روند و به سمت مشاغل کاذب می‌روند تا بتوانند از پس هزینه‌های زندگی برآیند، به عبارتی کارگر دچار پدیده بیکاری ارادی می‌شود.»

عدم استقبال کارگران از اشتغال در واحدهای صنعتی و

هزینه نجومی سیسمونی؛ پستانک‌های پنج میلیون تومانی و شامپو ۴/۵ میلیون تومانی!



● قیمت‌ها در بازار سیسمونی نوزاد بستگی به قیمت دلار دارد و با بالا رفتن قیمت دلار، قیمت ریالی این کالاها نیز افزایش پیدا می‌کند.

● لوسیون بدن بچه حتی با قیمت‌های ۸ میلیونی در وبسایت‌ها فروخته می‌شود. کرم سوختگی نوزاد نیز از ۸۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا یک میلیون تومان می‌رسد. تبلیغ گسترده جمهوری اسلامی برای «فرزندآوری» و افزایش جمعیت در حال است که گزارش‌ها از تبدیل شدن سیسمونی به «ترس» زوج‌ها برای بچه‌دار شدن حکایت دارد. وبسایت «جریان نو» در گزارشی از قیمت نجومی اقلام مختلف سیسمونی از شیشه‌شیر و پستانک تا کالسکه خبر داده و نوشته قیمت‌ها آنقدر گران شده که خرید سیسمونی به «ترس» زوج‌ها برای بچه‌دار شدن تبدیل شده است.

بر اساس این گزارش، قیمت شیشه شیر از ۱۲۰ هزار تومان شروع و تا ۱/۵ میلیون تومان می‌رسد. پستانک هم که از ارزانه‌ترین اقلام سیسمونی به شمار می‌رود از ۱۸۰ هزار تومان شروع می‌شود و قیمت بسته ۲ عددی آن به ۵ میلیون نیز می‌رسد. لوسیون بدن بچه هم حتی با قیمت‌های ۸ میلیونی در وبسایت‌ها فروخته می‌شود. کرم سوختگی نوزاد نیز از ۸۰ هزار تومان شروع می‌شود و تا یک میلیون تومان می‌رسد.

شامپو هم که از موارد ضروری لیست سیسمونی است از ۳۰۰ هزار تومان تا ۴ میلیون و ۳۷۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. برای خرید وان حمام هم از ۱۸۰ هزار تومان تا ۴ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان باید هزینه کرد.

پتوی نوزاد بین ۶۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و حوله‌ی نوزاد هم بین ۷۰۰ هزار تا ۹۰۰ هزار تومان قیمت دارد. قیمت کالسکه هم از ۹۰۰ هزار تومان تا ۱۷۵ میلیون تومان است و قیمت کالسکه و «کریر ست» هم از حدود ۱۴۵ میلیون تومان آغاز می‌شود.

وبسایت «همشهری آنلاین» نیمه دی‌ماه در گزارشی از کمبود و نایاب شدن برخی اقلام بهداشتی و مراقبتی نوزادان در داروخانه‌ها خبر داده و نوشته بود این کالاها در سیسمونی‌فروشی‌ها، آنلاین‌شاپ‌ها و وبسایت‌ها موجود هستند. بر اساس گزارش «همشهری آنلاین» قیمت‌ها در بازار سیسمونی نوزاد بستگی به قیمت دلار دارد و با بالا رفتن قیمت دلار، قیمت ریالی این کالاها نیز افزایش پیدا می‌کند. رسانه وابسته به شهرداری تهران همچنین تأکید کرده بود که قیمت یک جفت «پستانک» خارجی با برند آمریکایی «دکتر براون» از ۴۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان در بازار موجود است. روزنامه «آرمان» نیز آبان امسال در گزارشی نوشته بود که هزینه‌های «فرزندآوری» در ایران افزایش سرسام‌آوری داشته و کمترین هزینه برای بچه‌دار شدن از زمان بارداری تا یک‌ماهگی حدود ۱۰۰ میلیون تومان خواهد بود و بیشترین هزینه نیز تا ۳۰۰ میلیون تومان برآورد شده که می‌تواند تا ۴۰۰ میلیون تومان افزایش یابد.

هزینه‌های هنگفت فرزندآوری فقط شامل اقلام سیسمونی نیست و شیرخشک و پوشک نیز از دغدغه‌های همیشگی خانواده‌هایی است که نوزاد دارند.

از ابتدای امسال شیرخشک با کمبود در بازار روبرو بوده و برهی انواع شیرخشک در مقاطی نایاب شدند. د آنسو قیمت این کالا نیز همچنان در حال افزایش است.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه امسال،

اگر بررسی کنید و به صورت تصویری به آن نگاه کنید، شیرخشک در قفسه اصلا وجود ندارد و یا اگر هم موجود دارند، شیرخشک‌های بدون طرفدار است. ما روزانه ۳۰ مراجعه کننده داریم که دنبال شیر خشک هستند. در برخی داروخانه‌های خاص و منتخب تعدادی شیرخشک داریم. شهروندان برای یافتن شیرخشک باید ۱۰ درصد داروخانه‌ها را پیدا کنند که آن هم باید با کارت ملی شیرخشک بگیرند. این مسئله باید حل شود و اگر قرار باشد توزیع عادلانه باشد، باید به همه دارو ارائه شود. ما ایده دادیم که بهتر است به صورت چرخشی این مسئله اتفاق بیفتد.»

قیمت نجومی اقلام سیسمونی در حال است که جمهوری اسلامی سالهاست بر «فرزندآوری» تأکید دارد. با اینهمه هزینه‌های بالای فرزندآوری و دیگر مشکلات اقتصادی خانواده‌ها سبب شده این تبلیغات مطلقا مورد استقبال قرار نگرفته و رشد جمعیت روند منفی خود را ادامه داده است. علی‌خامنه‌ای از امرداد سال ۱۳۹۰ بطور مکرر خواهان افزایش جمعیت ایران به دست کم ۱۵۰ میلیون نفر شده است. او در همین سال طی سخنانی گفت: «معتمد کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد و هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون نفری شدن کشور انجام بگیرد.»

علی‌خامنه‌ای سپس در مهرماه سال ۱۳۹۱ نیز سیاست دهه هفتاد برای کنترل جمعیت را خطا خواند و افزود: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم این بوده که تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. مسئولان در این باره اشتباه کردند و خودم هم سهیم هستم.»

کارشناسان نسبت به کمبود نیروی انسانی بهره‌ور و پیر شدن جمعیت کشور هشدار می‌دهند اما از آنجا که «رشد جمعیت» در ایران با «تبلیغات ایدئولوژیک حکومت» پیوند خورده حتی خانوارهایی که مشکلات اقتصادی ندارند، علاقه‌ای به فرزندآوری نشان نمی‌دهند.

شیرخشک با افزایش قیمت ۵/۸ درصدی بعد از ماهی قزل‌آلا بیشترین افزایش قیمت کالایی را داشته است. بر اساس این گزارش هر قوطی ۴۵۰ گرمی شیرخشک در عرض یک ماه بطور میانگین از ۷۲ هزار و ۹۶۰ تومان به ۷۷ هزار و ۲۲۰ تومان رسیده است.

آذرماه امسال وبسایت «خبرآنلاین» به نقل از یک متصدی داروخانه نوشته بود که «شیرخشک‌های وارداتی در داروخانه‌ها موجود است، اما قیمت آن بالاست و مردم توان خرید ندارند. شیرخشک «بتامین جونیور» قیمت‌اش ۱۷۰ بود و الان ۷۸۰ شده است. شیرخشک «ریسورس جونیور» ۸۰ هزار تومان بود و الان ۴۰۰ هزار تومان شده است.»

محمد طاهری، کارشناس حوزه دارو در توضیح علل کمبود شیرخشک به «خبرآنلاین» گفته بود: «کمبود شیرخشک علل متفاوتی دارد که یکی از آن‌ها عدم تخصیص ارز برای خرید مواد اولیه تولید شیرخشک کارخانه‌های داخلی است. عامل دیگر عدم برنامه‌ریزی مناسب برای انباشت محصول در مواقع اضطراری و بر اساس نیاز سالانه است.»

این کارشناس حوزه دارو درباره شیرخشک‌های وارداتی نیز گفته بود که «مقداری از کمبود شیرخشک از طریق واردات جبران شد. قرار شد ما به تفاوت قیمت شیرخشک‌های وارداتی و ایرانی که در سامانه ثبت می‌شود به داروخانه‌ها پرداخت شود. حال اینکه سازوکارهای این مابه‌التفاوت چگونه است و چطور پرداخت می‌شود هنوز مشخص نیست و اطلاع‌رسانی درست نشده است.»

علیرضا سالم‌عضو شورای عالی داروخانه‌های ایران نیز آبان امسال کمبود شیرخشک را «جدی» خوانده و از جیره‌بندی شیرخشک خبر داده بود. او گفته بود که خانواده‌های دارای نوزاد تنها با ارائه کارت ملی امکان دریافت شیرخشک دارند. به بیان دیگر شیرخشک نه تنها کمیاب است بلکه جیره‌بندی هم شده است! علیرضا سالم در اینبار توضیح داده که «در حال حاضر نسبت به چند سال گذشته موضوع کمبود شیرخشک به شدت حس می‌شود. قفسه شیرخشک داروخانه‌ها را

با وجود بحران عمیق اقتصادی، ابراهیم رئیسی می گوید «تحریم‌ها را شکست دادیم»!

به بالاترین میزان خود رسید و اتفاقاً اقتصاد مقاومتی از زمانی مطرح شد که موضوع تحریم صادرات نفت پیش آمد. تحریم‌ها سبب شد که بالاترین میزان درآمد سرانه کشور و رشد اقتصادی از همان سال تا حدود سال ۹۵ تحت تأثیر قرار دارد که البته در این سال‌ها دو سالی به خاطر روند اجرای برجام روند متوقف شد، ولی در اردیبهشت ۹۷ تحریم‌های دوره ترامپ سبب شد که رشد اقتصاد کشور منفی شود و تورم امروزه میراث تحریم‌های چند سال اخیر است. این تحریم‌ها، بر روی قدرت خرید خانوارها تأثیر گذاشته است.»

نتایج یک پژوهش با عنوان «بررسی افزایش نرخ ارز و تأثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران در شرایط تحریم» که زمستان در فصلنامه «پژوهش‌های اقتصادی» منتشر شد نشان می‌داد در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، سهم جمهوری اسلامی از تجارت جهانی همواره کمتر ۰.۵ درصد بوده و در سال ۱۳۹۷، به ۰.۳ درصد و در سال ۱۳۹۹، به ۰.۲ درصد کاهش یافته است.

این پژوهش تأکید کرده علت سقوط سهم ایران از تجارت جهانی تضعیف بنیان‌های تولیدی به دلیل تضعیف ارزش پول ملی کشور طی یک دهه گذشته به دلیل تحریم‌ها بوده است. این پژوهش به افزایش فلاکت و شکاف طبقاتی در کشور در همین مدت اشاره کرده و نوشته «نه تنها محدودیت رشد اقتصادی را به واسطه افزایش هزینه‌های تولید به همراه داشته، بلکه فقیرتر شدن اقشار مستضعف و توزیع ناعادلانه‌تر درآمد در جامعه را موجب» شده است.

در بخش دیگری از این تحقیق همچنین آمده که «شرایط تحریم و افزایش نرخ ارز، موجب افزایش سطح قیمت کالاهای وارداتی در بازار داخل شده و از آنجا که عمده کالاهای وارداتی مربوط به مواد اولیه و سرمایه‌ای است، نرخ استفاده کشور از ظرفیت‌های تولید و همچنین تولید ناخالص داخلی کاهش» یافته است.

روزنامه اطلاعات نیز در آخرین شماره هفته گذشته در مطلبی با اشاره به وعده نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری و ادعای بی‌اثر بودن تحریم‌ها از سوی رئیسی نوشت: «آنان که سهم چندانی برای تحریم قائل نبودند امروزه سکان را به دست دارند و در سنگلاخ تحریم‌ها پایشان زخم برمی‌دارد اما حاضر نیستند حرف خود را اصلاح کنند. کسی که حرف نابه‌جای خود را به جا اصلاح نکند معلوم نیست راهبرد خود را تغییر دهد. نتیجه عدم تغییر هم زندگی مردم را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد تا وادار به تغییر سبک زندگی شوند. یکی هم خواستار جایگزینی گوشت ماهی به جای گوشت قرمز شد! اما... بگذریم.»

در این مطلب آمده که «انصاف آن است که مدیران امروزی نیز یاد شعارهای انتخاباتی‌شان باشند، که ده‌درصد مشکلات را مرتبط با تنگنای تحریم می‌دیدند و باقی را به سر زلف مدیریت ناکارآمد گره می‌زدند. چه شد که امروز در این وانفسای اقتصادی، نه حرف آن روزشان را پس می‌گیرند و نه پد بیضایی را در مدیریت و تدبیرشان نمایان می‌کنند؟! اگر به زعم امروزیان، دیروزیان در چشم خلاقیت شعبده می‌کردند و ریسمان را به جای مار می‌فروختند، چرا امروزیان عصای موسویشان را نمی‌فکنند؟ تا هم مؤمنان را به غنچ آورند و هم ساحران را به رنج؟»



این در حالیست که دولت امسال حدود ۱۳/۶۵ میلیارد یورو (معادل حدود ۱۴/۳ میلیارد دلار) برای واردات کالاهای اساسی و دارو تخصیص داده بود. میزان واردات کالاهای اساسی (شامل ذرت دامی، روغن، برنج، گندم، دانه سویا، جو به استثنای بذر، کنجاله سویا و شکر)، بدون احتساب دارو در سال گذشته بیش از ۱۴/۱ میلیارد دلار و در سال ۱۴۰۰ بیش از ۱۳ میلیارد دلار بوده است. دریافت مالیات برای جبران هزینه تحریم از جیب مردم از سال گذشته در دستور کار دولت سیزدهم قرار داشته است و انواع متنوعی از مالیات از حقوق‌بگیران و اقشار متوسط و کم‌درآمد دریافت می‌شد. دریافت مالیات هرچند اقدامی مؤثر در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است اما در شرایط کنونی ایران، به راهکاری در دست دولت برای جبران کسری بودجه و جبران هزینه‌های ناشی از تحریم تبدیل شده است؛ آنهم در شرایطی که بخش مهمی از این مالیات از جیب کم‌درآمدها و اقشار متوسط تأمین می‌شود اما ابرقدرت‌های اقتصادی همچنان مرتکب فرار مالیاتی می‌شوند یا قوانین مربوطه آنها را از مالیات معاف کرده است! این بدان معناست که دولت در عمل با دستبرد به جیب اقشار کم‌درآمد و متوسط، ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی و پافشاری بر اقدامات ایدئولوژیک در حوزه بین‌الملل را جبران می‌کند.

همچنین طی سال‌های گذشته همواره بخشی از درآمدهای ارزی و به ویژه نفتی ایران برای دور زدن تحریم‌ها هزینه شده است. برای نمونه در حالی که ارزش صادرات نفتی شامل نفت خام، میعانات گازی و... در ۸ ماهه ابتدایی سال، ۲۹ میلیارد دلار گزارش شده بود، در عمل ۲۰ میلیارد دلار آن عاید ایران شده و حدود یک سوم از درآمدهای نفتی در روند دور زدن تحریم‌ها هدر رفته است.

احسان خاندوزی وزیر اقتصادی جمهوری اسلامی نیز آذرماه امسال در پاسخ به سوالات نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره کاهش قدرت خرید مردم گفت: «تا زمانی که شرایط تحریم‌ها نبود، افزایش درآمد کشور در سال ۹۰

رئیس دولت سیزدهم بدون اینکه از کشور خاصی نام برد گفت «تلاش کردند با تحریم ایران را متوقف کرده و در انزوا قرار دهند.» وی افزود که اقدامات انجام شده جلوه «ما می‌توانیم» است!

دولت به دلیل کمبود درآمدهای ارزی ناشی از تحریم، ناچار شده درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد تا با دست بردن در جیب مردم، شاید بتواند کسری بودجه را جبران کند.

ارزش صادرات نفتی در ۸ ماهه ابتدایی سال در حالی ۲۹ میلیارد دلار گزارش شد که در عمل ۲۰ میلیارد دلار عاید ایران شده و حدود یک سوم از درآمدهای نفتی در روند دور زدن تحریم‌ها هدر رفته است.

ابراهیم رئیسی رئیس سیزدهمین دولت جمهوری اسلامی مدعی است که این نظام توانسته تحریم‌ها را «شکست» دهد. ادعای رئیسی در حالی مطرح شده که فقر و فلاکت در ایران به سرعت در حال افزایش است و دولت حتی توان سامان دادن به وضعیت اقتصاد در شرایط تحریم را هم نداشته چه برسد به «شکست تحریم»!

ابراهیم رئیسی صبح روز شنبه ۱۴ بهمن‌ماه در مراسم «روز ملی فناوری هسته‌ای» مدعی شد انجام ۱۱ پرتاب ماهواره‌ای هم تحریم‌ها را شکست داد و هم طرح انزوای جمهوری اسلامی را با شکست مواجه کرد.

رئیس دولت سیزدهم بدون اینکه از کشور خاصی نام برد گفت «تلاش کردند با تحریم ایران را متوقف کرده و در انزوا قرار دهند.» وی با اشاره به اینکه اقدامات انجام شده جلوه «ما می‌توانیم» افزود که همین کار، تحریم و تهدید را به فرصت تبدیل کرد!

ابراهیم رئیسی در ادامه ادعایش گفته صنعت فضایی پیشران اقتصادی است و می‌تواند قدرت و ثروت را برای کشور به دنبال داشته باشد.

ادعاهای رئیسی دولت جمهوری اسلامی درباره شکست تحریم‌ها در حالی مطرح می‌شود که ایران در حال حاضر، بیش از سال‌های گذشته با آثار و نتایج سال‌ها تحریم روبروست و حتی مقامات خود دولت رئیسی نیز «تحریم»‌ها را عامل مشکلات عمیق اقتصادی معرفی می‌کنند.

همچنین توهم «شکست تحریم‌ها» درست در روزهایی عنوان شده که لایحه بودجه پیشنهادی دولت با بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان کسری تحقق منابع در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است. دولت ردیف‌هایی از درآمد از جمله درآمدهای نفتی را در لایحه گنجانده که حتی بسیاری از نمایندگان مجلس و کارشناسان اقتصادی نزدیک به حکومت هم معتقدند «به دلیل تحریم‌ها» این درآمدها تحقق نخواهد یافت.

از سوی دیگر دولت به دلیل کمبود درآمدهای ارزی ناشی از تحریم، ناچار شده درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد تا با دست بردن در جیب مردم، شاید بتواند کسری بودجه را جبران کند. همچنین مبلغ تخصیص داده شده برای واردات کالاهای اساسی نیز به دلیل نبود منابع کافی ارزی، در بودجه سال آینده کاهش پیدا کرده است.

بر اساس لایحه بودجه سال آینده قرار است ۱۰ میلیارد یورو یا ۱۱ میلیارد دلار صرفاً برای واردات کالاهای اساسی، کشاورزی، دارو و تجهیزات مصرفی پزشکی اختصاص پیدا کند.

در حمله هوایی اسرائیل به پایگاه نیروهای وابسته به «سپاه قدس» در حُصص سوریه دست کم ۱۰ نفر کشته شدند

به گفته یک منبع آگاه اطلاعاتی در ارتش سوریه، در این حملات پایگاه هوایی «الشعیرات» و چندین مکان در حومه حمص هدف قرار گرفتند.
- دیده بان حقوق بشر سوریه مستقر در لندن، چهارشنبه ۱۸ بهمن گزارش داد در پی حمله هوایی اسرائیل به شهر حمص در سوریه، دست کم ۱۰ نفر از جمله دو ایرانی و شش غیرنظامی کشته شدند.

نامه‌ای به ندا النشیف معاون کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد:

آیا به اندازه آرمنیتا شجاع هستید؟ این را نتیجه‌ی سفرتان مشخص می‌کند...

این نامه را «رادیو تیشتر» که از سوی «انجمن زن زندگی آزادی» در رم پخش می‌شود، تنظیم کرده است. ندا النشیف از ۲ تا ۵ فوریه به ایران سفر کرده بود. بر اساس گزارش‌ها، وی در این سفر برخلاف انتظار مدافعان حقوق بشر و نامه‌هایی که به وی نوشته شد، در سکوت خبری روز جمعه وارد تهران شد و با مقامات دولتی و قضایی جمهوری اسلامی دیدار کرد و دوشنبه از ایران خارج شد! مشخص نیست که آیا وی با زندانیان سیاسی و یا خانواده‌های آنها و همچنین معترضان و... هم دیدار داشته است یا نه.

غرق شدن کودک ۴ ساله بلوچ درون «هوتک»

به گفته منابع محلی روز دوشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۴۰۲، یک کودک ۴ ساله بلوچ اهل روستای بلوچی پایین، در بخش پلان شهرستان چابهار در استان سیستان و بلوچستان هنگام بازی با دیگر کودکان درون یک «هوتک» سقوط و غرق شد. هویت این کودک ثوبان بلوچ فرزند جُنید عنوان شده است.



بی‌تفاوتی مسئولین در ساماندهی و ایمن‌سازی هوتک‌ها هر سال باعث جان باختن کودکان زیادی در شهرستان‌های چابهار و دشتیاری می‌شود.
هوتک سامانه‌ای سنتی مشابه آب‌انبار یا مخزن آب روباز است که از آن برای مهار، کنترل و بهره‌برداری از آب باران و سیلاب استفاده می‌شود و به عنوان یکی از راه‌های متداول تأمین آب در جنوب بلوچستان کاربرد دارد.

فرشادجو، هنرپیشه و داور جشنواره تئاتر فارسی تورنتو

اولین جشنواره تئاتر تورنتو در کانادا در روزهای ۹ و ۱۰ فوریه (۲۱ و ۲۲ بهمن) برگزار می‌شود. در این جشنواره که می‌توان از راه دور و مجازی نیز تماشاگر آن بود، ده گروه تئاتر فارسی‌زبان روی صحنه خواهند رفت و با هم به رقابت خواهند پرداخت. احمد رأفت با یکی از داوران این جشنواره، شبنم فرشادجو، هنرپیشه با سابقه تئاتر و سینما که پس از آغاز خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» و برداشت حجاب اجباری از کشور خارج شد، گفتگویی انجام داده است.

شبنم فرشادجو یکی از بنیانگذاران «کانون هنرمندان فیلم و تئاتر برون مرز» است که سال گذشته اعلام موجودیت کرد.

اعتراض کارکنان پیمانی مقابل وزارت نفت

شماری از کارکنان پیمانی (ارکان ثالث) روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۲ در مقابل مقابل ساختمان مرکزی وزارت نفت در تهران تجمع کردند. آنها شعار دادند: «زندگی با عزت حق مسلم ماست».

این کارکنان خواهان عدالت در حقوق ماهانه و مزایای شغلی هستند. تفاوت عمده بین حقوق ماهانه نیروهای پیمانی با کارکنان رسمی وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن سال‌هاست با اعتراض کارکنان پیمانی روبروست.

جام قهرمانی به «۲۲ بهمن» نرسید! حسرت فینال آسیا بعد از انقلاب ۵۷

شاگردان امیرقلعه نوبی چهارشنبه شب ۱۸ بهمن‌ماه در مسابقه نیمه نهایی جام ملت‌های آسیا که در استادیوم «الثمامه» دوحه برگزار شد با نتیجه سه بر دو مغلوب قطر شدند و از راهیابی به فینال بازماندند. از آخرین باری که تیم ایران در این رقابت‌ها قهرمان شد بیش از نیم قرن می‌گذرد. در پایان بازی بازیکنان دو تیم در حاشیه زمین مسابقه



درگیر شدند. علیرضا بیرانوند دروازه‌بان تیم قول داده بود بازیکنان برای «۲۲ بهمن» با قهرمانی به ایران بازگردند. حرف‌های این بازیکن با توجه به سرکوب مردم در خیزش ملی توسط حکومت و سکوت بازیکنانی که ادعا دارند پیراهن «تیم ملی» را بر تن کرده‌اند با واکنش‌های منفی زیادی روبرو شد. شماری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشته‌اند «تیم مלאها» بود که شکست خورد.

بازداشت شماری از مزدوران «واگنر» در سودان توسط اطلاعات ارتش اوکراین

نیروهای اداره اطلاعات نظامی اوکراین در حال تعقیب مزدوران گروه تروریستی واگنر در سودان هستند.
وبسایت «کی‌یف‌پست» چهارشنبه ۱۸ بهمن‌ماه ویدیویی منتشر کرد که نشان می‌دهد شماری از این مزدوران از جمله یک روس بازداشت شده و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند.
ارتش اوکراین با چراغ سبز آمریکا و اروپا عملیات ویژه‌ای را علیه اعضای گروه واگنر در سودان آغاز کرده است.

چهار فرمانده ارشد «کتاب حزب‌الله» در حمله پهبادی در بغداد کشته شدند

چهار فرمانده ارشد «مقاومت عراق» عضو «کتاب حزب‌الله» چهارشنبه ۱۸ بهمن‌ماه در حمله پهبادی کشته شدند. هر چهار نفر در یک اتومبیل سوار بودند که در حین حرکت هدف حمله پهبادی آمریکا قرار گرفتند.
منابع نزدیک به «سپاه قدس» می‌گویند یکی از کشته‌شدگان «حاج ابوبقار السعدی» مسئول روابط خارجی کتاب حزب‌الله است.

دادستانی تهران علیه «دیجی کالا» به اتهام «توهین به مقدسات» روی لیوان اعلام جرم کرد!

خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه پنجشنبه ۱۹ بهمن اعلام کرد که دادستانی تهران علیه وبسایت فروش آنلاین «دیجی کالا» به جرم «انتشار تصاویر توهین‌آمیز به مقدسات» روی محصولات ارائه‌شده توسط این شرکت، اعلام جرم کرده است. به نظر می‌رسد این اتفاق مربوط به گزارش اخیر خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باشد که با انتشار تصاویر محو شده از یک لیوان سرامیک نوشت این لیوان برای مشتریان «شائبه توهین به



مقدسات» به وجود آورده است!
کاربران شبکه‌های اجتماعی پس از انتشار این خبر تصاویر زیادی از این لیوان‌ها را منتشر کردند که روی برخی از آنها اسامی مذهبی نوشته شده است. آن‌ها در حالی که خانواده‌های بسیاری در ایران این نام‌ها را بر فرزندان خود می‌گذارند و شاید دل‌شان بخواهد اسم آنها را بر لیوان و بشقاب و هر کالای دیگری داشته باشند!

ورزش مختلط در پارک‌های مشهد منوع شد

رسانه‌های محلی در استان «خراسان رضوی» از ممنوعیت ورزش مختلط زنان و مردان در پارک‌های مشهد خبر داده‌اند. سعید کوش‌فر خبرنگار ساکن مشهد روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن‌ماه در حساب کاربری خود در «ایکس» نوشت: «خبر ممنوعیت ورزش مختلط خانم و آقا در مشهد تأیید شد.» به نوشته این خبرنگار، تاج‌فیروز مدیرکل ورزش و جوانان «خراسان رضوی» اعلام کرد: «از این پس در پارک‌ها ورزش مختلط خانم و آقا ممنوع است و باید خانم‌ها و آقایان جدا ورزش کنند تا نگاه نامحرم متوجه بانوان نشود!»

عربستان سعودی:

شرط عادی سازی روابط با اسرائیل به رسمیت شناختن کشور فلسطینی مستقل است

وزارت خارجه عربستان سعودی چهارشنبه هفتم فوریه (۱۸ بهمن‌ماه) اعلام کرد که ریاض به ایالات متحده گفته است تا زمانی که کشور مستقل فلسطین بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ با قبول «بیت‌المقدس شرقی» به عنوان پایتخت به رسمیت شناخته نشود، روابط دیپلماتیک خود را با اسرائیل عادی نخواهد کرد. آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده که به خاورمیانه سفر کرده است، گفت «محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی علاقه شدید عربستان به پیگیری عادی‌سازی را تکرار کرده است اما دو مسئله را لازم دانست: پایان دادن به درگیری در غزه و یک مسیر روشن، معتبر و با زمان مشخص برای ایجاد یک فلسطینی.»

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل گفته است که در مورد امنیت کامل اسرائیل در غرب رود اردن مصالحه نخواهد کرد و این مخالفت با تشکیل یک کشور فلسطینی است. دیدگاه‌های مختلفی از سوی تحلیلگران در این رابطه مطرح می‌شود. برخی می‌گویند اسرائیل به هیچ قیمتی زیر بار تشکیل یک دولت فلسطین در همسایگی خود نخواهد



عربستان سعودی:

شرط عادی سازی روابط با اسرائیل به رسمیت
شناختن کشور فلسطینی مستقل است

سفیر جمهوری اسلامی در کابل:

اگر ضرورت شود بیش از یک لشکر استشهادی از افغانستان به غزه می‌رود

حسن کاظمی قمی سفیر جمهوری اسلامی در کابل گفته که اگرچه افغانستان دورتر از غزه قرار دارد، اما اگر ضرورتی باشد و زمینه‌اش مساعد شود «بیش از یک لشکر استشهادی» از این کشور به حمایت از مردم غزه خواهند رفت. وی این اظهارات را سه‌شنبه شب ۱۷ بهمن‌ماه در برنامه زنده تلویزیونی که از شبکه «افق» پخش شد مطرح کرد و افزود: «آنچه ما می‌بینیم، افغانستان بخشی از محور مقاومت است.»

تسلیت و ابراز همدلی با خانواده بهرام میرلاشاری

شاهزاده رضا پهلوی طی یک پیام تسلیت و همدلی در ارتباط با درگذشت بهرام میرلاشاری مبارز میهن‌دوست و فعال سیاسی آزادیخواه بلوچ که به علت ابتلا به بیماری سرطان پس از چهل سال دوری از وطن چشم از جهان فرو بست، نوشت: «از شنیدن خبر درگذشت جناب بهرام میرلاشاری از معتمدان بلوچستان ایران بسیار متأثر شدم. طی سال‌های گذشته، در گفتگوهایی که با شادروان میرلاشاری داشتم، وی را شخصیتی ایران‌دوست و آزادیخواه یافتم که دغدغه اصلی‌اش تقویت همبستگی ملی با هدف آزادی ایران بود. فقدان او را به هم‌میهنان بلوچ به ویژه به طایفه میرلاشاری تسلیت می‌گویم و برای خانواده و دوستانش شکیبایی آرزو می‌کنم. یادش گرامی!»

ادعای عجیب و مضحک عضو مجلس «خبرگان رهبری»: کجای دنیا این آزادی که در ایران است وجود دارد؟!!

عضو مجلس «خبرگان رهبری»: کجای دنیا آزادی که در ایران است وجود دارد که عده‌ای هر توهین و سیاه‌نمایی



ادعای عجیب و مضحک

عضو مجلس «خبرگان رهبری»:
کجای دنیا این آزادی که در ایران است
وجود دارد؟!!

یک مداح می‌گوید اصرار خامنه‌ای برای شرکت مردم در انتخابات نمایشی «از سر معجزه» است نه «ضعف»!

مهدی رسولی مداح حکومتی: شما تصور می‌کنید امروز که رهبر انقلاب می‌فرماید در انتخابات شرکت کنید از سر ضعف است؟ این از سر ضعف نیست. چه زمانی از این سید ضعف دیدید که این دومین بار باشد؟ از سر معجزه مردم است! او در حالی که آخر سر به «خدا» و «امیرالمؤمنین» متوسل شده افزوده: «این آقا را حاج قاسم به ما سپرده و رفته است. خدا یا به حق امیرالمؤمنین در این امتحان ملت ما را دوباره پیروز کن!» انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی که قرار است در میانه اسفندماه امسال برگزار شود برای شهروندان در ایران اهمیتی ندارد بطوری که تنور سرد انتخابات سبب نگرانی مقامات حکومت شده است.

تشکیل پرونده جدید علیه خسرو علی‌کردی وکیل چند تن از زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه

حساب ایکس خسرو علی‌کردی وکیل چند تن از زندانیان سیاسی و خانواده‌های دادخواه روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ از تشکیل پرونده جدیدی با اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام و به نفع گروه‌های مخالف نظام» در شعبه ۹۰۱ بازپرسی دادگاه انقلاب مشهد علیه او خبر داد. این حساب کاربری می‌نویسد که جمهوری اسلامی یک‌سال زندان، دو سال تبعید، دو سال محرومیت از و کالت، دو سال ممنوعیت خروج از کشور، دو سال منع فعالیت در فضای مجازی را که در حکم قطعی علیه خسروعلی‌کردی صادر شده بود کافی ندانست و حالا یک پرونده با اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی» برای این وکیل تشکیل داده است.

ایران در انتهای رتبه‌بندی شکاف جسیتی



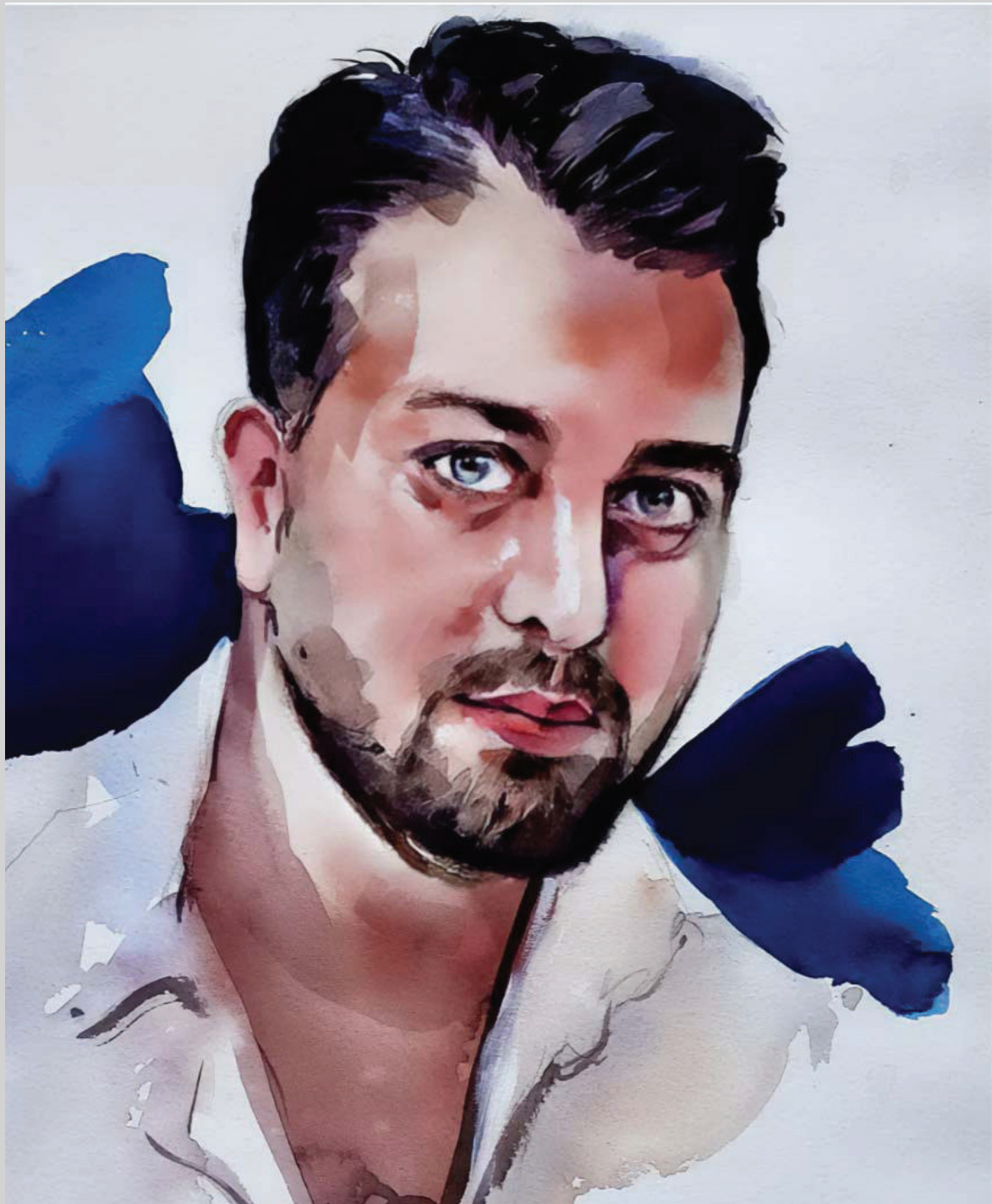
ایران در انتهای رتبه‌بندی شکاف جسیتی؛

فقط الجزایر، چاد و افغانستان وضعیتی
بدتر از ایران دارند

امتیاز شاخص جنسیتی ایران از ۰/۵۸ در سال ۱۳۹۵ به ۰/۵۷ در سال ۱۴۰۲ رسیده است. امتیاز این شاخص کاهش یافته است.
- رتبه ایران در برابری جنسیتی از ۱۳۹ از سال ۱۳۹۵ به ۱۴۳ در سال ۱۴۰۲ و به انتهای جدول رسیده است.
- در پاییز سال جاری، نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله در ۲۶ استان بالای ۲۰ درصد بوده است.

می‌خواهند انجام دهند و هر خدمتی را نادیده بگیرند و مردم را مأیوس کنند و باز هم آزاد باشند؟! علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بارها اعتراضات مردم، تحریم انتخابات و شکاف میان مردم و حکومت را به «اقدامات دشمن» ربط داده است. تکیه بر عباراتی مانند «تلاش دشمن» برای شکاف ایجاد کردن میان مردم و جمهوری اسلامی از ابزارهای فراقلمی مقامات ارشد حکومت است.

رفت. برخی دیگر می‌گویند حتی اگر اسرائیل هم موافق این طرح باشد جریان‌های تندرو و افراط‌گرای منطقه آن را نخواهند پذیرفت. در این میان اما مخالفان رژیم ایران تأکید دارند تا ملاها در تهران قدرت دارند هرگونه راه حل برای حل بحران‌های خاورمیانه بی‌نتیجه خواهد بود چنانکه همین راه حل دو کشوری نیز که موضوع تازه‌ای نیست به دلیل نقش تخریبی رژیم ایران به جایی نرسید.



عکس هفته | به یاد مهران سماک به مناسبت باخت «تیم ملاها»

سال گذشته مهران سماک ۲۷ ساله ساکن بندر انزلی (پهلوی) به خاطر شادی از باخت «تیم ملاها»، نامی که مردم بر این تیم فوتبال گذاشته‌اند، شبانگاه ۸ آذر هدف شلیک مستقیم نیروهای امنیتی قرار گرفت و کشته شد. یک سال بعد، چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲، «تیم ملاها» که فکر می‌کرد کام رژیتم رادر چهل و پنجمین سالگرد استقرارش شیرین کند، در مرحله نیمه‌نهایی از تیم قطر شکست خورد و حسرت رسیدن به فینال جام آسیا بر دلش ماند / نقاشی از آرزو بهرننگ